

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





## فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی

۲۵۶۰- شماره استاندارد بین المللی: ۲۳۴۵

سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۸

صاحب امتیاز (ناشر): بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

مدیرمسئول: مرتضی سعیدی زاده

سر دبیر: جلال درخشه

هیئت تحریریه

یحیی بوذری نژاد

استاد دانشگاه تهران

حسن بشیر

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

جلال درخشه

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

فرشاد شریعت

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

عبدالرضا سیف

استاد دانشگاه تهران

محمدهادی همایون

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

سید محمدرضا احمدی طباطبائی

دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

سیدعلیرضا واسعی

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ویراستار فارسی: دکتر نعمت الله پناهی

ویراستار انگلیسی: دکتر محمد رضا آرام

مدیر علمی و اجرایی: محمدعلی ندائی

طراح و صفحه‌آرا: فهیمه ناجی

نشانی: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام، دفتر نشریه

نشانی رایانامه: farhangerazavi8@gmail.com

وبگاه: <https://www.farhangerazavi.ir/journal/contact.us>

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۸۳۰۴۴-۴۹

نمابر: ۰۵۱-۳۲۲۸۴۴۵۲

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی پژوهشی است.

این مجله در پایگاه‌های اطلاعاتی زیر نمایه می‌شود:

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به نشانی اینترنتی: [www.sid.ir](http://www.sid.ir)

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به نشانی اینترنتی: [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)

پایگاه استنادی اولریخ (Ulrich) به نشانی اینترنتی:

[www.Ulrich's International periodicals directory \(Journal, magazine\)](http://www.Ulrich's International periodicals directory (Journal, magazine))

حقوق تمام مقالات برای بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام محفوظ است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



وزارت فرهنگ، ارشاد و سپهرهای



جمهوری اسلامی ایران

## فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی شرایط پذیرش مقاله (راهنمای نویسندگان)

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا (علیه السلام) را می‌پذیرد.

### ویژگی‌های کلی مقاله

- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۳۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.
- یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله درج شود.
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه مورد نظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آن‌ها در پایین همان صفحه درج شود.
- نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شود.
- مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.
- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.
- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.
- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.
- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی درباره معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا (علیه السلام)) باشد.
- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آن‌هاست.

هزینه اشتراک سالیانه فصلنامه مبلغ ۲۴۰۰۰۰۰ ریال است. متقاضیان محترم می‌توانند این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۱۲۵۵۸۰۱۴۰۰۴ بانک ملی به نام بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام) واریز کنند و فیش آن را همراه با نشانی پستی خود به ایمیل فصلنامه یا به نشانی بنیاد بفرستند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	واکاوی راهبردهای نمادین‌سازی سرمایه‌ها در حوزه هویت شهری با تکیه بر روایاتی درباره امام رضا (علیه السلام) و بر بنیاد دیدگاه پی‌یر بوردیو ..... فهیمة طاهری مقدم، زهرا جمشیدی، علی صادقی منش
۳۳	غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان از نگاه متخصصان ادبیات و کودک شهر قم با استفاده از روش داده‌بنیاد ..... احمد عباسی دره‌بیدی، طیبه زارعی
۶۱	تحلیل حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» بر پایه انگاره تفکر چندبعدی لیپمن ... خلیل بیگ‌زاده، پریسا احمدی
۹۱	تحلیل تحولات وقف در دوره پهلوی (مورد مطالعه؛ آستان قدس رضوی) ..... مصطفی فرزانه، وحید شالچی، مجید فولادیان
۱۳۳	بررسی نسبت تنوع موضوعی احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در باب امامت با فضای تاریخی هم‌عصر ایشان ..... زینب امیدیان
۱۶۵	نقد و بررسی فرایند واژه‌گزینی و انواع آن در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) ..... منیره غنی‌زاده، دکتر امیر مقدم متقی، دکتر مرضیه آباد
۱۸۷	ارزش‌های گفتمانی در مناظرات امام رضا (علیه السلام) (مطالعه موردی: مناظرات بر پایه نظریه کنش گفتاری) ..... عبدالله غلامی، معصومه شادمان
۲۲۱	واکاوی مولفه‌های عدالت بین نسلی در حقوق بین الملل و فرهنگ رضوی ..... محمد قربان‌زاده، سمیه سلیمانی
۲۵۷	بررسی آثار ارتباط زائران و مجاوران در آیین مذهبی پیاده‌روی دهه آخر صفر به مشهد مقدس ..... علیرضا بیخوری، فاطمه استاد، علی حیدری مندی





## Analyzing the Strategies of Symbolizing Capitals in the Field of Urban Identity by Relying on the Traditions Surrounding Imam Reza (A.S.) and Based on Pierre Bourdieu's Point of View

Fahimeh Taheri Moghaddam<sup>1</sup> Zahra Jamshidi<sup>2</sup> Ali Sadeghi Manesh<sup>3</sup>

1. PhD Candidate in persain Epic Literature, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran: f.taheri2763@gmail.com

2. Associat Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (corresponding author): z.jamshidi@hsu.ac.ir

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran: a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:**  
July 23, 2023

**In Revised Form:**  
September 25, 2023

**Accepted:**  
September 30, 2023

**Published Online:**  
December 21, 2024

The structure and spatialization of cities, directly or indirectly, display the identity elements of the people of that city. Since change is the only constant thing in the city, preserving the cultural assets in a city is one of the fundamental challenges of the contemporary world; The identity of the people is based on the cultural assets left over from the past, and finding a middle way for the sustainable development of cities, along with preserving the identity indicators, has been the constant concern of researchers in this field. Among the social and cultural capitals of Iran is the personality of Imam Reza (AS), whose trip to Iran, as the greatest religious event in the history of Iran, has provided Iranians with a treasure of narratives; each of which, in addition to being considered as a cultural capital, have the ability to become a symbolic capital and create added value. The current research, using the descriptive-analytical method and using documentary and library sources, seeks to explain how it is possible to create symbolic capital in urban and rural spaces by using these cultural capitals and base the urban identity on this great social and cultural origin. It is possible to build a resilient identity and sustainable development of cities by relying on the capital capacity symbolized by the narratives surrounding Imam Reza (AS); A major part of this sustainable development can rely on religious tourism.

### Keywords

Imam Reza (AS), symbolic capital, urban identity, Pierre Bourdieu.

Cite this The Author (s): TaheriMoghaddam, F; Jamshidi, Z; SadeghiManesh, A. (2024). Analyzing the strategies of symbolizing capitals in the field of urban identity by relying on the traditions surrounding Imam Reza (AS) and based on Pierre Bourdieu's point of viewd : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (7- 32)- [DOI:10.22034/farzv.2023.408301.1899](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.408301.1899)



## Introduction

Imam Reza (peace be upon him) and the narratives surrounding him, as documented in various works, constitute a vast cultural heritage that has had a profound and enduring impact on Shia Muslims. This cultural capital, in addition to serving as a foundation for strengthening urban identity, has the potential, when elevated to symbolic capital, to foster sustainable development. A case-by-case examination of some of these capacities can create new opportunities for certain cities and rural areas in Iran. This potential is particularly evident in cities situated along Imam Reza's journey across Iran.

In Iran, cities have always served as the bedrock and platform for transmitting the achievements of Iranian society throughout various periods. Consequently, urbanization and cities have been influential elements in Iran. The evolution of Iranian society has benefited from the confluence and interaction of diverse ideas and traditions, making it reliant on the dynamism of life and civilization. One of the most significant events to have occurred across the geographic expanse of this land is the migration of Imam Reza (peace be upon him) from Medina to Merv and his passage through various settlements and dwellings along the way. In these regions, we encounter narratives of events and miracles that, when given due attention, can be transformed into symbolic capital, fostering religious identity and creating opportunities for religious tourism, thereby contributing to the growth and ultimate development of these areas. Assessing and evaluating how the assets associated with the personality of Imam Reza (peace be upon him) can be leveraged to strengthen a city's identity and foster its development is a matter requiring careful evaluation. This research endeavors to answer this question of how.

## 2. Aim

The rapid and unbalanced growth of urban centers, the increasing population of cities, and the proliferation of disproportionate and often hasty construction projects that disregard spatial values have resulted in the creation of faceless urban fabrics and cities lacking identity. The absence of urban identity, severe noise and air pollution, the monotony of land use and urban elements, illegibility, disorder, and the disconnection of residents from their surroundings are among the issues and problems in urban centers. Even some cities that were once safe, clean, beautiful, and brimming with social, cultural, and psychological connections have now transformed into excessively sprawling, identity-less, polluted areas rife with social, cultural, and psychological problems (Bahraini, 2014: 20). In the past, cities developed in harmony with nature, and this harmony provided

the city with a distinct and purposeful identity. However, today, the imitation of other countries' models and the neglect of foundational beliefs, values, cultural heritage, time, place, cultural contexts, and identity, as well as the failure to conduct forward-looking needs assessments, have led to disruptions in urban fabrics, ultimately resulting in disharmony, imbalance, and a sense of confusion in urban identity. The development and identity-building of cities are essential for their sustainability and resilience in the face of various challenges. Cities without identity cannot withstand challenges, and consequently, development will not be sustainable under such conditions. Discovering assets that can foster this resilience and enable sustainable development based on those assets is essential. The aim of this research is to identify assets that can be leveraged to imbue certain cities and villages in Iran with identity, based on the narratives surrounding Imam Reza (peace be upon him), and to enable their sustainable development; this process will ultimately lead to greater urban resilience.

This research, through documentary and library studies and using a descriptive-analytical method, first explores literary and historical texts about the personality and journey of Imam Reza (peace be upon him) to search for effective narratives in strengthening urban identity. Then, a spatial reading of these texts is provided.

### **3. Theoretical Framework and Methodology**

Bourdieu believes that humans do not live in a vacuum, but each person lives in a series of "fields". These fields consist of a series of elements, which are: "economic capital, cultural capital, social capital and symbolic capital", symbolic capital is a transformed and symbolized type of other capitals. Symbolic capital is a part of cultural capital and means the ability to legitimize, define and value. Bourdieu introduces symbolic capital as the most important capital to shape perceptions and order society.

### **4. Discussion**

Within Bourdieu's theoretical framework, symbolic capital is a transformed and symbolic manifestation of other forms of capital. It can serve as an attractor for capital and income, but often extends beyond this function, facilitating the reproduction of symbolic capital through a nation's religious, historical, literary, and artistic resources. The migration of Imam Reza (peace be upon him) from Medina to Merv stands as one of the most pivotal religious events in Iran's history. This significance underscores the imperative of introducing and recogniz-

ing this spiritual journey and its profound influence on shaping urban identities. Narratives surrounding this migration reference various regions within Iran, presenting opportunities to foster symbolic capital in these areas through focused exploration, particularly in those regions that have experienced developmental lags. Bourdieu's theory posits that symbolic capital is the cornerstone of a city's prestige and identity. The greater the transformation of cultural capital into symbolic capital, the more likely it becomes to achieve spatial and physical unity. This process of converting cultural capital into symbolic capital can also fortify urban identity and, by extension, enhance the resilience of cities.

## **5. Findings and Conclusion**

The personality of Imam Reza (AS) is a vast cultural asset. Every path that, according to narrations, he traversed can be transformed into a symbolic asset through the implementation of strategic approaches. These strategies will lead to sustainable and comprehensive development, a large part of which will be based on religious tourism.

## **Reference**

Bahraini, Seyed Hossein. (2014). *Modernity, Postmodernity, and Beyond in Urban Planning*. Tehran: University of Tehran Press.



## واکاوی راهبردهای نمادین‌سازی سرمایه‌ها در حوزه هویت شهری با تکیه بر روایاتی

### درباره امام رضا (علیه السلام) و بر بنیاد دیدگاه پی‌یر بوردیو

فهمیه طاهری مقدم<sup>۱</sup>، زهرا جمشیدی<sup>۲</sup>، علی صادقی‌منش<sup>۳</sup>

f.taheri2763@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات حماسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران:

z.jamshidi@hsu.ac.ir

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول):

a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران:

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

فضای شهر به وسیله فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی در حال تغییر و نوزایی است. در این راستا، پاسداشت سرمایه‌های فرهنگی در یک شهر، یکی از چالش‌های بنیادین جهان معاصر است؛ هویت مردم، بر سرمایه‌های فرهنگی بر جای مانده از گذشته، استوار است و یافتن راهی میانه برای توسعه پایدار شهرها، همراه با حفظ شاخصه‌های هویتی، دغدغه همیشگی پژوهشگران این حوزه بوده است. از جمله سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، شخصیت امام رضا (علیه السلام) است که سفر ایشان به ایران، بزرگ‌ترین رویداد مذهبی تاریخ ایران بوده و گنجینه‌ای از روایت‌ها را در اختیار ایرانیان قرار داده است؛ روایت‌هایی که هر کدام، ضمن آنکه به‌مثابه سرمایه فرهنگی می‌توانند مورد توجه قرار گیرند، قابلیت تبدیل به سرمایه نمادین و ایجاد ارزش افزوده را نیز دارند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای در پی بیان این موضوع است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از این سرمایه‌های فرهنگی به آفرینش سرمایه نمادین در فضاهای شهری و روستایی پرداخت و هویت شهری را بر این خاستگاه عظیم اجتماعی و فرهنگی استوار کرد. بر ساختن هویت تاب‌آور و توسعه پایدار شهرها با تکیه بر ظرفیت سرمایه‌های نمادین شده از روایت‌هایی درباره امام رضا (علیه السلام) امکان‌پذیر است؛ بخش عمده این توسعه پایدار، می‌تواند متکی بر گردشگری مذهبی باشد.

امام رضا (علیه السلام)، سرمایه نمادین، هویت شهری، پی‌یر بوردیو.

کلیدواژه‌ها

استناد: طاهری مقدم، فهمیه؛ جمشیدی، زهرا؛ صادقی‌منش، علی: (۱۴۰۳). واکاوی راهبردهای نمادین‌سازی سرمایه‌ها در حوزه هویت شهری با تکیه بر روایاتی درباره امام رضا (علیه السلام) و بر بنیاد دیدگاه پی‌یر بوردیو: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۷-۳۲).

[DOI:10.22034/farzv.2023.408301.1899](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.408301.1899)



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

امام رضا علیه السلام و روایت‌هایی که درباره آن حضرت در آثار مختلف وجود دارد، سرمایه‌های فرهنگی عظیمی هستند که در میان شیعیان، تأثیراتی ماندگار داشته‌اند و دارند. این سرمایه‌های فرهنگی، افزون بر آن که می‌تواند اساس تقویت هویت شهری قرار گیرد، با ولایت آن به سرمایه نمادین، ظرفیت ایجاد توسعه پایدار را نیز دارد. بررسی موردی برخی از این ظرفیت‌ها می‌تواند ایجاد کننده فرصت‌هایی نو برای برخی شهرها و مناطق روستایی ایران باشد. این ظرفیت در شهرهایی که در میانه راه امام رضا علیه السلام در ایران بوده‌اند، بیشتر وجود دارد.

### ۱-۱. بیان مسئله پژوهش

در ایران، شهر همواره پایگاه و پهنه انتقال‌دهنده دستاوردهای جامعه ایرانی در دوره‌های گوناگون بوده است؛ از این رو شهر و شهرنشینی در ایران عنصری اثرگذار است. چندان که سیر تکوین جامعه ایران از تلاقی و تعامل اندیشه‌ها و سنت‌های مختلف بهره برده و پویایی زندگی و تمدن را بر آن متکی ساخته است. از مهم‌ترین رویدادهایی که بر گستره جغرافیایی این سرزمین رخ داده است، هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و گذار ایشان از منزلگاه‌ها و سکونتگاه‌های بین‌راهی است. در این مناطق شاهد روایت‌هایی از رویدادها و کراماتی هستیم که توجه به هر یک ضمن تقویت هویت مذهبی، می‌تواند به سرمایه نمادین تبدیل شود و با ایجاد فرصت گردشگری مذهبی، بالندگی و در نهایت توسعه این مناطق را رقم زند. سنجش و ارزیابی این نکته که از سرمایه‌های مرتبط با شخصیت امام رضا علیه السلام چگونه می‌توان در راستای تقویت هویت یک شهر و توسعه آن بهره برد؟ مسئله‌ای است که نیاز به ارزیابی‌های دقیق دارد و این پژوهش سعی در پاسخ به این پرسش اصلی دارد.

### ۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

رشد سریع و ناموزون مراکز شهری، افزایش جمعیت شهرها و همچنین گسترش ساخت و سازهای نامتناسب و عمدتاً شتابزده و بدون ارتباط با ارزش‌های فضایی، باعث خلق بافت‌های بی‌شناسه و شهرهای فاقد هویت شده است. بی‌هویتی فضاها، شهری، آلودگی‌های شدید صوتی و هوا، یکنواختی کاربری و عناصر شهری، ناخوانایی، آشفتگی و ارتباط نداشتن ساکنان با آن، از جمله مسائل و مشکلات در مراکز شهری است. حتی برخی شهرها که زمانی کانون‌های امن، تمیز، زیبا و مملو از ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و روانی بوده‌اند، امروزه تبدیل به مناطق بیش از حد

گسترده، بی‌هویت، آلوده و پر از مسائل اجتماعی، فرهنگی و روانی شده‌اند (بحرینی، ۱۳۹۳: ۲۰). در گذشته، شهرها همسوی با طبیعت شکل می‌گرفت و توسعه می‌یافت؛ این هم‌سویی با طبیعت، هویتی مشخص و هدفمند به شهر می‌داد، اما امروزه پیروی و تقلید از الگوهای دیگر کشورها و غفلت از بنیان‌های اعتقادی و ارزشی، میراث تمدنی، زمان، مکان، زمینه‌های فرهنگی و هویتی و همچنین انجام ندادن نیازسنجی آینده‌نگر، آشفتگی‌هایی را در بافت شهرها موجب شده که در نهایت، ناهماهنگی و ناموزونی و به‌نوعی سردرگمی در هویت شهری را رقم زده است. توسعه و هویت بخشی به شهرها لازمه پایداری و تاب‌آوری آن‌ها در برابر چالش‌های مختلف است. شهرها بدون هویت نمی‌توانند در برابر چالش‌ها تاب‌آوری داشته باشند و پیرو آن، توسعه نیز در چنین شرایطی پایدار نخواهد بود. کشف سرمایه‌هایی که بتواند این تاب‌آوری را پدید آورد و توسعه، با تکیه بر آن، پایدار باشد، ضروری است. هدف این پژوهش کشف سرمایه‌هایی است که می‌توان با تکیه بر آن برخی شهرها و روستاهای ایران را با تکیه بر روایت‌هایی که درباره امام رضا (علیه السلام) وجود دارد، هویت بخشید و توسعه پایدار آن‌ها را امکان‌پذیر کرد؛ این فرایند، البته در نهایت به تاب‌آوری افزون‌تر شهرها خواهد انجامید.

پژوهش پیش‌رو از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی، در گام نخست در میان متون ادبی و تاریخی درباره شخصیت و سفر امام رضا (علیه السلام) به کاوش میان روایت‌های کارا در زمینه تقویت هویت شهری می‌پردازد، سپس خوانشی ساخت مکانی از این متون به‌دست می‌دهد.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های محدودی در چهارچوب موضوعی این مقاله انجام گرفته است. در کنار همایش‌های گوناگونی که درباره شخصیت و ولایت امام رضا (علیه السلام) برگزار شده است، از این پژوهش‌ها می‌توان نام برد: پژوهشی با عنوان «جاده ولایت» توسط سالاری (۱۳۸۹) که با رویکردی تاریخی به شناسایی منزلگاه‌های این مسیر و رویدادهای آن پرداخته است. سیدکباری (۱۳۷۶) در مقاله «هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران» با نام بردن از شهرهای در مسیر هجرت امام رضا (علیه السلام)، به سیر جغرافیایی و تاریخی حرکت ایشان از مدینه به مرو اشاره می‌کند. مولایی و پیربابایی (۱۳۹۵) در مقاله «طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا در مسیر سفر امام رضا (علیه السلام) به ایران» ضمن تأکید بر مفاهیم و مضامین مربوط به امام رضا (علیه السلام) در مسیر سفر، در قالب طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا، بر پدیده‌های کالبدی، کاربری، فرهنگی، اجتماعی و طبیعی تمرکز می‌کند و بر این اساس می‌کوشد به سکونتگاه‌ها و منزلگاه‌های در مسیر گونه‌ای هویت بخشی کند.

مولایی (۱۴۰۰) در مقاله «امکان‌سنجی بازآفرینی مسیر معنوی هجرت امام رضا (علیه السلام) با تأکید بر گردشگری مذهبی» بر این باور است که مسیرهای آیینی و مذهبی، به‌خصوص مسیر معنوی رضوی می‌تواند در مناطق مختلف به مسیر زیارتی و گردشگری پیاده‌روی تبدیل شود؛ نویسنده با تأکید بر الگوی معماری ایرانی اسلامی، از توسعه و احیای این فضا و تکمیل زیرساخت‌های گردشگری آن سخن می‌گوید و آن را از ضروریات تحقق یک محور گردشگری موفق و مطلوب معرفی می‌کند. مولایی (۱۴۰۱) در مقاله «بازشناسی نمادها و نشانه‌های مسیرهای فرهنگی و آیینی هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران» با به‌کارگیری رویکرد نشانه‌شناسی - نمادشناسی، فرهنگ رضوی و نموده‌های آن در مکان‌های مختلف، زیارتگاه‌ها و قدمگاه‌های مسیر حرکت ایشان، به تبیین و تعمیق مناظر فرهنگ رضوی می‌پردازد. در مقاله دیگری که نظری و نیک‌زاد (۱۳۹۲) با عنوان «بازشناسی مسیر هجرت امام رضا (علیه السلام) در ایران بر اساس آثار و اماکن تاریخی» نوشته شده است، مؤلفان با استناد به روایت و خبرهای مربوط به سفر امام رضا (علیه السلام) و تطبیق آن با آثار و اماکن تاریخی، درصدد شناسایی مسیر واقعی هجرت امام رضا (علیه السلام) برآمده‌اند. در مجموع، وجه تمایز پژوهش پیش‌رو نسبت به آثار پیشین، اتکا به نظریات پی‌یر بوردیو و کوشش برای یافتن ظرفیت‌های نمادین‌سازی سرمایه‌هاست؛ این نمادین‌سازی با بهره‌گیری از روایت‌هایی درباره امام رضا (علیه السلام)، مباحثی است که در نوع خود تازه است.

## ۲. مبانی نظری

بنیان‌های نظری پژوهش پیش‌رو، بر دیدگاه‌های جامعه‌شناس و مردم‌شناس فرانسوی پی‌یر بوردیو<sup>۱</sup> (۱۹۳۰ - ۲۰۰۲) استوار شده است. تعاریف تازه این پژوهشگر از گونه‌های سرمایه، موجب دگرگونی نگاه پژوهشگران به شیوه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار در جهان شد. این نظریات به‌ویژه از این منظر اهمیت دارد که در ایران و میان عامه، هنوز وقتی از سرمایه سخنی به میان می‌آید، منظور صرفاً دارایی‌های مادی‌ای است که به شکل پول، فلزات گران‌قیمت، ملک و موارد مشابه نگهداری می‌شوند؛ این تصور عمومی البته بر برنامه‌ریزی‌های شهری نیز تأثیرگذار بوده است و برنامه‌ریزان این عرصه نیز هر گاه خواسته‌اند بنای توسعه یک شهر را بنیان نهند، بیشتر بر سرمایه‌های مادی اتکا کرده‌اند؛ به همین دلیل است که با هر نوسان در بازار سرمایه‌های مادی، بنای توسعه شهرها با چالش‌های جدی مواجه شده و توسعه پایدار در برخی مناطق به امری دست‌نیافتنی مبدل شده است. نوع نگاه پی‌یر بوردیو به انواع سرمایه،

1. Pierre Bourdieu

می‌تواند این شکل از برنامه‌ریزی را متحول کند و افزون بر کسب توسعه پایدار، تقویت‌کننده هویت شهری باشد.

## ۲-۱. نظریات پی‌یر بوردیو درباره انواع سرمایه

پیش از پرداختن به مؤلفه سرمایه و انواع آن، لازم است مفهوم دیگری با عنوان میدان را نیز تبیین کرد. از دیدگاه بوردیو جامعه مدرن، جامعه‌ای است که در آن، وحدت اولیه موجود جامعه سنتی بر اثر عوامل بیرونی، تقسیم کار و تخصصی شدن از بین رفته و به فضاهای خرد بی‌شماری تجزیه شده که هر کدام بر محور یک سرمایه قرار گرفته‌اند و قوانین و کارکرد خاص خود را دارند. بوردیو این فضاهای خرد را میدان می‌نامد (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۰).

میدان از یک سو فضای ساختمان‌دی از جایگاه‌هاست. قدرتی است که تصمیمات مشخص خود را بر کسانی که وارد آن می‌شوند، تحمیل می‌کند. از این رو، هر کسی که می‌خواهد وارد میدان شود، باید دارای حداقلی از سرمایه باشد. از سوی دیگر، میدان، صحنه کشاکشی است که در آن شالوده‌های هویت و نظام سلسله مراتبی پیوسته مورد بحث و جدل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر میدان مانند نوعی بازار رقابتی است که در آن، انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به وجود می‌آیند، رشد می‌کنند، تغییر شکل می‌دهند و گاهی تضعیف می‌شوند و از بین می‌روند. در واقع آنچه باعث شکل‌گیری میدان می‌شود و میدان به دنبال دستیابی به آن است، هدفی روشن و بنیادی است: تولید، حفظ و بازتولید سرمایه.

اما سرمایه عبارت است از کار انباشته شده (در شکل مادیت یافته یا شکل متجسد و پیکریت یافته آن) که وقتی بر مبنایی خصوصی، یعنی انحصاری، به تصرف عاملان درمی‌آید، آنان را قادر می‌سازد تا نیروی اجتماعی را در شکل کار عینیت یافته یا جاندار به تصرف درآورند (Bourdieu, 1986: 1).

بوردیو، مفهوم سرمایه را فراتر از مفهوم دارایی‌های مادی به سرمایه‌ای که ممکن است اجتماعی، فرهنگی یا نمادین باشد گسترش می‌دهد. این اشکال سرمایه ممکن است به همان اندازه مهم باشند و می‌توانند انباشته و از یک عرصه به عرصه دیگر منتقل شوند. سرمایه فرهنگی و ابزاری که به وسیله آن ایجاد یا از دیگر اشکال سرمایه منتقل می‌شود، نقشی محوری در روابط قدرت اجتماعی ایفا می‌کند؛ زیرا این امر ابزاری را برای شکلی غیراقتصادی از سلطه و سلسله مراتب فراهم می‌کند که تمایز طبقات را به دنبال خواهد داشت.

او نخستین کسی است که در مقاله «اشکال سرمایه» در کنار بیان انواع سرمایه، اصطلاح سرمایه فرهنگی را به ادبیات علوم اجتماعی و انسانی وارد می‌کند (فیروز جاثیان و گرامی، ۱۳۹۲: ۱۰۸). هر کدام از اشکال سرمایه با میدان خاصی ارتباط دارند و در آن میدان می‌توانند کارکرد داشته باشند (بوردیو، ۱۳۹۲: ۴۷).

مفهوم سرمایه در نظام فکری بوردیو در معنایی گسترده‌تر از حوزه مبادلات اقتصادی و دارایی‌های مالی به کار گرفته شده است. او در کنار سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی به مؤلفه دیگری با نام سرمایه نمادین می‌پردازد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۷۱). سرمایه نمادین نوع تغییرشکل یافته و نمادین شده از سایر سرمایه‌هاست. هر نوع سرمایه که به مرحله‌ای برسد و از نگاه مردم چنان اهمیتی یابد که تبدیل به نماد شود سرمایه نمادین است (درینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۸). سرمایه نمادین مقوله‌ای است که در سال‌های اخیر بیشتر در مباحث توسعه مورد توجه قرار گرفته و به گونه‌های دیگر سرمایه معنا داده است. سرمایه‌های نمادین مانند حلقه اتصال عناصر اجتماعی هستند که پیرامون آن‌ها همکاری، مشارکت و تحول آفرینی صورت می‌گیرد. آن‌ها مانند میدان مغناطیسی، دیگر سرمایه‌ها و توانمندی‌ها را جذب می‌کنند. در حالت بسیار عادی، سرمایه‌های نمادین جاذبه گردشگری هستند و موجب جذب سرمایه و درآمد می‌شوند؛ اما گاهی فراتر از آن با توجه به ظرفیت‌هایی که در حوزه مذهب، تاریخ و ادب و هنر یک کشور وجود دارد امکان بازتولید سرمایه‌های نمادین را فراهم می‌کند.

با وجود پراکندگی حاکم بر اندیشه و آرای بوردیو، می‌توان استنباط کرد وی در نظریه جامعه‌شناسی خود درصدد اثبات این مطلب است که جامعه قبل از هر چیز یک نظام سلطه است و سازوکارهایی را به کار می‌گیرد تا بتواند خود را بازتولید کند. بوردیو در این مسیر مفاهیمی کلیدی را خلق می‌کند و سپس درصدد تطابق آن‌ها با واقعیات، در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی برمی‌آید. کلیدی‌ترین این مفاهیم، مفهوم میدان است که مفاهیم دیگری مانند منش، تمایز، سرمایه و همچنین قدرت را در برمی‌گیرد. وی عرصه اجتماع را به میدانی تشبیه می‌کند که نیروهای مختلف اجتماعی، هر کدام با منش‌ها و سرمایه‌های متفاوت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) در آن وارد می‌شود و با یکدیگر برای دستیابی به بیشترین امتیازات مادی و غیرمادی به رقابت و مبارزه واقعی و نمادین می‌پردازند.

### ۳. بحث و بررسی

بی‌تردید هجرت امام رضا (علیه‌السلام) از مدینه به مرو، یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای مذهبی ایران در

طول تاریخ این کشور است؛ نفوذ مذهب تشیع در ایران و ارجمندی و احترام امام رضا (علیه السلام) میان ایرانیان، اهمیت معرفی و بازشناسی این مسیر معنوی و اثرگذاری آن بر شکل‌دهی هویت شهری را دوچندان می‌کند. در میان روایت‌هایی درباره امام رضا (علیه السلام)، نام مناطقی از ایران هست که می‌تواند پایه و اساس کار ما در ولایتش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی رضوی به سرمایه نمادین شود و مقدمات هویت‌بخشی و توسعه پایدار برخی از این مناطق را فراهم سازد.

هجرت ایشان، به‌عنوان یک مهاجرت تحمیلی، در سال ۲۰۰ قمری به دستور خلیفه وقت انجام شد. طبق آنچه در متون تاریخی آمده است: «چون امر امین تمام شد و مأمون بر اریکه خلافت مستقر گردید، به حضرت رضا (علیه السلام) نامه نوشت و او را به خراسان دعوت کرد، آن حضرت به عذرهای بسیاری از پذیرفتن این دعوت امتناع ورزیدند. مأمون دست برداشت و مکرر با حضرت مکاتبه کرد به حدی که امام فهمید وی دست‌بردار نیست، ناچار از مدینه خارج شد؛ در حالی که فرزندش ابوجعفر (علیه السلام) هفتمین سال عمرش بود و مأمون به او نوشت که از راه کوفه و قم مسافرت را قرار مده؛ پس حضرت را از طریق بصره و راه اهواز و فارس تا به مرو رسد، حرکت دادند» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۳۸).

آنچه تاکنون مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده، مسیر هجرت امام (علیه السلام) از مدینه تا مرو است؛ مسیر این هجرت طبق گزارش‌های تاریخی به این ترتیب بوده است: ۱. مدینه، ۲. مکه (برخی این شهر را مسیر هجرت نمی‌دانند)، ۳. نجا، ۴. بصره، ۵. اهواز، ۶. اربق (اریک)، ۷. ارجان (بهبهان)، ۸. ابرکوه (ابرقوه)، ۹. ده‌شیر، ۱۰. فراشاه، ۱۱. قدمگاه خرانق (مشهدک)، ۱۲. رباط پشت‌بادام، ۱۳. نیشابور، ۱۴. دهسرخ، ۱۵. طوس، ۱۶. سرخس، ۱۷. مرو (سیدکباری، ۱۳۷۶: ۲۳). این مسیر، از نظر جغرافیایی در محدوده کشورهای کنونی عربستان، کویت، عراق و ایران قرار می‌گیرد. بر اساس برخی پژوهش‌ها می‌توان از وجود ۱۶ منزلگاه قطعی آن حضرت در داخل خاک ایران سخن گفت که این موارد شناسایی شده است (سالاری، ۱۳۸۸: ۵۱). این مسیر طولانی هجرت، گرچه روایتگر رنج سفری تحمیلی است، از سویی ایجادکننده یک فرصت و ظرفیت عظیم برای پیروان تشیع در جهان امروز است. به‌ویژه طولانی بودن این مسیر به معنی عبور از شهرهای بسیاری است که می‌توان با کشف و تمرکز بر آنها، به ایجاد سرمایه‌های نمادین در آن مناطق دست یافت.

### ۳-۱. گونه‌های سرمایه در روایت‌های هجرت امام رضا (علیه السلام)

پیش از ورود به مبحث شیوه‌های تبدیل سرمایه‌ها، به سرمایه نمادین، درک سرمایه‌های

موجود در روایت‌های موجود از این هجرت، ضرورت دارد. پی‌یر بوردیو، سرمایه فرهنگی را در سه حالت: سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده دسته‌بندی می‌کند (Bourdieu, 1986: 255).

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (سرمایه بدنی و فردی) به صورت آمادگی‌های مدام ذهن و جسم تجلی می‌یابد. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته که از ملزوماتش وجود سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته است. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و بیشتر در کالاها و اشیای مادی تجسم می‌یابد. از ویژگی‌های بارز آن، قابل انتقال بودن آن است. به‌طور خلاصه به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی (نوشتار، اثر، نقاشی، ابزار و نظایر آن) سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند (صادقی‌منش، ۱۴۰۱: ۷) سومین گونه سرمایه نهادی و ضابطه‌ای است که از طرفی با سرمایه فرهنگی متجسد پیوند نزدیک دارد و از دیگر سوباهایی چون دانشگاه و نهادهای رسمی که بتوانند سرمایه فرهنگی را به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ، ارائه دهند و برای مخاطبان خود، بر طبق قوانین و مقررات نهادینه‌شده، پایگاه اجتماعی به وجود می‌آورد (همان: ۷-۸). بر این اساس، می‌توان گفت روایت‌های سفر امام رضا (علیه السلام) از جمله سرمایه‌های فرهنگی عینیت‌یافته است که با هویت مذهبی و تاریخی خود، عامل شکل‌دهی به معنا و هویت جمعی مناطق در مسیر است.

این سرمایه‌های نمادین هستند که به شهرها اعتبار و هویت می‌بخشند. به میزانی که بتوانیم سرمایه‌های فرهنگی را به سرمایه‌های نمادین مبدل کنیم، می‌توانیم نوعی از انسجام در عین تنوع، نوعی از وحدت و یکپارچگی فضایی و کالبدی در عین پذیرش چندصدایی را میسر سازیم. سرمایه نمادین نوع تغییر شکل یافته و نمادین شده از سایر سرمایه‌ها (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) است (همان: ۸). در حقیقت سرمایه نمادین، خود شکلی از اقتدار است. نوعی از قدرت که در قالب یک سازوکار ویژه و مشروع از سوی عموم پذیرفته و به رسمیت شناخته می‌شود و احترام یک گروه را برمی‌انگیزاند.

شخصیت امام رضا (علیه السلام) را می‌توان سرمایه فرهنگی عظیم تجسم‌یافته و پیکرینه در نظر گرفت. خردمندی و دانش ایشان، به حدی بود که لقب عالم آل محمد را برای آن حضرت به کار می‌بردند. افزون بر این، جایگاه ویژه ایشان در میان شیعیان، از وجود سرمایه عظیم اجتماعی آن حضرت خبر می‌دهد. مجموع این دو سرمایه، نه تنها وجود بارگاه آن حضرت در مشهد را به یک سرمایه نمادین سترگ تبدیل کرده که می‌توان هر معبری را که طبق روایت‌ها محل عبور ایشان بوده، به سرمایه نمادین مبدل سازد.

خود روایت‌های موجود درباره امام رضا (علیه السلام) و آثاری که این روایت‌ها را در خود جای داده، می‌تواند سرمایه فرهنگی ارزیابی شود. همچنین برخی معابر و مناطق مرتبط با امام رضا (علیه السلام) که اکنون صرفاً به مثابه سرمایه اقتصادی کارکرد دارند، می‌توانند با کشف جنبه فرهنگی و پس از بازآفرینی این روایت‌ها و اجرای برخی تدابیر به سرمایه نمادین مبدل شوند. این فرایند تبدیل سرمایه‌های صرفاً اقتصادی به سرمایه‌های فرهنگی و سپس نمادین، می‌تواند هویت شهری را نیز مستحکم‌تر کند و از این طریق، تاب‌آوری شهرها را نیز افزایش دهد. در این میان پرسش اساسی آن است که با «چه راهبردهایی می‌توان این تبدیل سرمایه‌ها را پیگیری کرد؟» پاسخ البته بسته به هر منطقه، اندکی متفاوت است، اما می‌توان به راهبردهایی مشترک در هر مورد دست یافت.

### ۳-۲. راهبردهای نمادین سازی سرمایه‌ها با اتکا به روایت‌های رضوی

شهرها به‌عنوان اصلی‌ترین فضاها زیست انسانی، نیازمند شناسه و هویتی هستند تا از فراموشی و زوال در امان بمانند و هرچه بیشتر در مسیر توسعه و پایداری قرار گیرند. در این میان، نقش سرمایه‌های فرهنگی که قابلیت تبدیل شدن به سرمایه‌های نمادین را دارند، برای هویت‌بخشی به شهرها یا بازآفرینی آن، بیش از دیگر گونه‌های سرمایه است؛ به‌ویژه زمانی که این سرمایه‌های فرهنگی به سرمایه نمادین تبدیل می‌شوند، تأثیرات هویتی آن‌ها، دوچندان می‌شود؛ البته نکته قابل توجه درباره سرمایه‌های نمادین آن است که برخلاف دیگر سرمایه‌ها به راحتی تخریب و به‌سختی گردآوری و انباشته می‌شوند (عارفی، ۱۳۹۶: ۳۸). همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، شخصیت و روایت‌ها از سفر امام رضا (علیه السلام) طبق نظریه بوردیو، می‌تواند سرمایه فرهنگی ارزیابی شود. می‌توان چندین راهبرد برای بهره‌برداری از سرمایه‌های فرهنگی مرتبط با امام رضا (علیه السلام) و سپس تبدیل آن به سرمایه نمادین اندیشید؛ راهبردهایی که هویت شهری را مستحکم‌تر و توسعه پایدار را بر این مؤلفه‌ها استوار می‌کند:

راهبرد نخست: شناسایی، تبیین و تبلیغ مناطق در پیوند با مسیر امام رضا (علیه السلام)؛

راهبرد دوم: ایجاد مراکز فرهنگی با محوریت یک فرهنگ‌سرا و با بهره‌گیری از المان‌های مرتبط در این مناطق؛

راهبرد سوم: برپایی جشنواره‌ها و جشن‌های منطقه‌ای در هر کدام از این مناطق بسته به موضوعات مطرح شده در روایت‌ها؛

راهبرد چهارم: تولید محصولات و کالاهای هنری مرتبط با این روایت در هر منطقه و تلاش برای

وارد ساختن این روایات به صنایع دستی مناطق در پیوند با سفر امام رضا (علیه السلام)؛

راهبرد پنجم: بازآفرینی مکان‌ها با سبکی مشابه دوره عبور امام رضا (علیه السلام)؛

در این میان، دوراهبرد نخست، تا حدی از سوی شهرداری‌ها در چند دهه اخیر پیگیری شده؛ اما سه راهبرد دیگر، کمتر مورد توجه بوده است. این در حالی است که نیاز عموم مردم به شادی، می‌تواند این جشنواره‌ها را بسیار پرشور و تأثیرگذار سازد و بُعد هنری جشنواره‌ها، به شکوفایی هرچه بیشتر هنر این مناطق بینجامد. از سویی، معنابخشی به محصولات و صنایع دستی مناطق مختلف با این رویکرد، هویت این مناطق را تقویت خواهد کرد. همچنین بازآفرینی مکان‌ها به سبک کهن، سبب گونه‌ای سفر ذهنی مخاطبان در زمان می‌شود و فضایی مناسب گردشگری فراهم می‌سازد.

### ۳-۲-۱. نمونه‌های مصداقی از ظرفیت‌های موجود برای اجرایی شدن راهبردها

این نکته را باید در نظر داشت که هر کدام از مصادیق ذکر شده در زیر، امکان بهره‌بردن از تمام راهبردهای ذکر شده را دارند؛ اما راهبرد پیشنهادی صرفاً بهترین راهبرد برای هویت‌بخشی و توسعه پایدار آن منطقه به نظر می‌آید؛ بنابراین چه‌بسا پس از توسعه مکان‌های یادشده در زیر، راهبردهای دیگر نیز اجرا و ظرفیت‌های بالقوه این مناطق بالفعل شود. نکته دیگر آنکه هدف از این پژوهش ارائه راهبرد است و مصادیق ذکر شده در زیر، صرفاً پیشنهادهایی بر درک این راهبردها هستند؛ بنابراین بی‌تردید در گستره مسیر هجرت آن حضرت می‌توان نمونه‌هایی دیگر نیز یافت.

### ۳-۲-۱-۱. شناسایی و تبلیغ مناطق در پیوند با مسیر هجرت

برخی مناطق، در میانه راه هجرت امام رضا (علیه السلام)، محل استراحت یا به اصطلاح قدمگاه ایشان بوده‌اند؛ ولی درصد اندکی از مردم، از آن آگاه هستند. یکی از راهبردهای نمادین‌سازی این سرمایه‌های فرهنگی، در گام نخست، شناسایی و سپس تبلیغ آن با بهره‌گیری از روایت‌هایی که می‌تواند با تکیه بر منابع تاریخی و نیز بهره‌گیری از روایت‌های شفاهی عامیانه موجود در منطقه و در قالب داستان کوتاه یا بلند، شعر، فیلم، پویانمایی و تئاتر اجرا شود. در زیر به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

یکی از مواردی که می‌توان با بهره‌گیری از کشف روایت‌های دینی و بازآفرینی این روایت‌ها در قالب الگوهای شهرسازی به شناساندن آن پرداخت، روستای کوهپایه‌ای دهسرخ است. زمانی که

کاروان امام رضا (علیه السلام) در مسیر مرو به دهرسرخ (قریه حمراء) رسیدند، هنگام ظهر و نماز بود. ایشان در خواست آب کردند، گفتند آبی نیست، ایشان با دست خود زمین را حفر و چشمه‌ای جوشید که آثار و آب آن تا روزگار ما باقی مانده است (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۰۳).

این روستا، افزون بر آنکه محل عبور امام رضا (علیه السلام) بوده است، از نظر زمین‌شناختی نیز دارای خاکی سرخ و منحصر به فرد است؛ خاکی که سبب شده است چشم‌انداز روستا به رنگ سرخ باشد که خود تولیدکننده زیبایی بصری است. در همین راستا، معرفی و شناساندن چشم‌انداز طبیعی دهرسرخ و تلفیق آن با ساختار ویژه فرهنگی آن، منجر به شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های گردشگری طبیعی و مذهبی می‌شود. توسعه روستایی رابطه بسیار نزدیکی با طبیعت دارد و معمولاً به سوی مناطقی می‌رود که دارای بالاترین استعداد بالقوه از نظر موقعیت جغرافیایی باشند (آسایش، ۱۳۸۳: ۱۹). روستای دهرسرخ از این نظر جایگاه ویژه‌ای دارد. با تکیه بر این ظرفیت جغرافیایی به دلیل توپوگرافی خاص در کنار روایت‌های برجای مانده از آن حضرت در این روستا و همچنین قدمت منطقه، افزون بر هویت بخشی، می‌توان توسعه پایدار آن را بر این ظرفیت‌ها متکی ساخت. به‌ویژه شاید بتوان سرچشمه‌های آن چاه را که حضرت رضا (علیه السلام) در ایجاد آن نقش داشت در این منطقه یافت. حتی اگر این چاه یا چشمه یافت نشد، می‌توان به یکسان بودن آبخوان این حوضه با آبخوان کهن، با کشف و تحلیل روایت‌های موجود اتکا کرد. دعوت از شاعران، داستان‌نویسان و هنرمندان به این منطقه و تبیین روایت‌ها برای آن‌ها می‌تواند به نمادین‌سازی ظرفیت‌ها بینجامد. آنچنان‌که با خلق داستان، شعر یا اثر هنری درباره این مکان، با استقبال عمومی مواجه خواهد شد.

این رویکرد می‌تواند درباره مناطقی چون ارجان، ابرکوه، ده شیر، فراشاه و خرانق نیز اجرایی شود.

مسجد ارجان اکنون در میان خرابه‌های شهر قدیم ارجان در نزدیکی بهبهان کنونی از دیگر منزلگاه‌های کاروان امام رضا (علیه السلام) که در آن نماز گزارند و یکی از قدمگاه‌های قطعی و شناسایی شده است. به احتمال زیاد کاروان حضرت از راه غیر متعارف دره مارون و تل خسرو (یاسوج) عبور کرده‌اند تا به ابرکوه (ابرقو) رسیده‌اند؛ چرا که در منابع تاریخی سخنی مبنی بر ورود ایشان به شیراز به میان نیامده است و آثاری اعم از قدمگاه و مسجدی که به سفر آن حضرت مرتبط باشد در شیراز یافت نمی‌شود. می‌توان گفت امام رضا (علیه السلام) از راه باستانی اهواز به پاسارگاد رفته باشد. این راه از ارجان گذشته و به جلگه مرودشت می‌پیوندد. ادامه این مسیر، راهی است که به ابرکوه (ابرقو) می‌پیوندد. وجود این راه و نام آن این فرض را تقویت می‌کند که آن امام از این راه رفته

باشد. نکته دیگر در تأیید آن که در ابرکوه (ابرقو) قدمگاهی منسوب به ایشان وجود دارد.

منابع تاریخ از محلی در ابرکوه یاد کرده اند که به روایتی قدمگاه آن حضرت است. این مکان در منتهی الیه جاده شمالی شیراز به شهرهای یزد و خراسان است (سالاری، ۱۳۸۸: ۵۲). در بیرون شهر قدیم ابرکوه مسجدی است که نامش را از موقعیت اش گرفته است. این مسجد که به قدمگاه امام رضا (علیه السلام) مشهور است، گنبدخانه‌ای کهن، صحن و دو ایوان دارد. بر سردر مسجد کتیبه‌ای از قرن نهم هجری نصب است. این کتیبه که از جنس کاشی معرق است، به نزول اجلال امام رضا (علیه السلام) اشاره دارد: «بر در مسجد تبرک نمود که منزل امام معصوم علی بن موسی الرضا علیه السلام منار که از اشعار اسلام است ساخت و...» (افشار، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۵۸). بر اساس پژوهش‌های مهرداد شکوهی، ساختمان گنبدخانه به پیش از اسلام می‌رسد که در واقع آتشکده‌ای ساسانی بوده و بعد از ورود اسلام به مسجد تبدیل شده است (شکوهی، ۱۳۷۰: ۶۰). لذا می‌توان تصور کرد که این مسجد هنگام ورود امام به این ناحیه وجود داشته است و این موضوع احتمال نماز خواندن ایشان در این مکان را قوی‌تر می‌کند.

ده شیر نیز منزلگاه بعدی آن حضرت در هجرت پس از ابرکوه است. در این ده و بر سر راه قدیم، قدمگاهی به نام امام رضا (علیه السلام) وجود دارد. نام ده شیر در کتب، به صورت قریه شیر نیز آمده است. علی الظاهر نامش مأخوذ از نام شیرکوه است. آثار تاریخی و قدیمی در ده شیر، شامل یک رباط و مسجد و یک قدمگاه است (افشار، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۸۱-۲۸۰).

در امتداد راه، بنای تاریخی و مهم قدمگاه فراشاه قرار دارد. قدمگاه گنبدخانه‌ای است به انضمام دو شبستان و سردر و چند اتاق جنبی. سنگ‌نوشته‌ای در محراب قرار دارد. این بنا به استناد سنگ‌نوشته‌اش «مشهد علی بن موسی الرضا علیهما السلام» نامیده و به سال ۵۱۲ قمری بنا شده است (همان: ۳۸۳-۳۸۴). این بنا از کهن‌ترین شواهد برای اثبات هجرت امام رضا (علیه السلام) از این راه به شمار می‌آید.

روستای خرانق (مشهدک) از دیگر منزلگاه‌های این مسیر است؛ این قدمگاه در حدود ۶۰ کیلومتری استان یزد واقع شده است. بیرون روستای خرانق کاروان‌سرای است. پشت این کاروان‌سرا و متصل به آن بنای کوچکی از خشت وجود دارد که به امام رضا (علیه السلام) منسوب است. این بنا زیارتگاه است و به «مشهدک» شهرت دارد (همان: ۱۷۷). دور نیست اگر بگوییم که یکی از عوامل تداوم حیات و حفظ موجودیت این روستای باستانی، عبور و توقف کاروان امام از آن است.

### ۳-۲-۱. ایجاد مراکز فرهنگی با محوریت فرهنگ‌سراها

با وجود کتیبه نفیس قدمگاه‌های ابرقو، ده‌شیر و خرائق که خود گواهی است بر نزول امام رضا (علیه السلام) در این مناطق، می‌توان از این ظرفیت غنی در جهت تقویت تصاویر ذهنی زائران و گردشگران و تعمیق ریشه‌های دینی آنان با استفاده از ساخت و نصب سازه‌ها و المان‌های موضوعی بهره گرفت. از سوی دیگر وجود آثار تاریخی فراوان و سازه‌های بزرگ خشتی می‌تواند مقصد گردشگران داخلی و خارجی باشد اما به دلیل عوامل طبیعی مانند فرسایش و عملکرد ضعیف متولیان امر، احتمال دارد در سال‌های آینده از آن تنها نامی باقی بماند. ساخت اقامتگاه‌های بوم‌گردی همراه با برگزاری جشنواره‌های موسیقی رضوی در جهت حفظ و بهره‌گیری از سرمایه معنوی و فرهنگی این مناطق و همچنین تشویق ساکنان روستا به احیای صنایع دستی این مناطق به رونق اقتصادی مردم بومی کمک و از مهاجرت آنان نیز جلوگیری خواهد کرد. در تمام مناطق مسیر هجرت آن حضرت، از جمله ارجان، ابرکوه، ده‌شیر، فراشاه و خرائق، می‌توان از این راهبرد بهره برد. امتداد همه مسیرهای مفروض یاد شده به نیشابور می‌رسد و هیچ‌سند و خبری نیست مبنی بر این که امام رضا (علیه السلام) به این مکان نیامده باشند. قدمگاه آنجا مؤید گذر امام از آنجا و ورود به نیشابور است. قدمگاه امام رضا (علیه السلام) در بیرون شهر نیشابور در میان باغ بزرگی قرار دارد. شاه عباس صفوی در سال ۱۲۰۱ قمری دستور بنای قدمگاه نیشابور را همزمان با توسعه صحن عتیق آستان قدس رضوی صادر کرد (مولوی، ۱۳۸۲: ۲۰۵). این قدمگاه، بنایی کوشک‌مانند با گنبدی بلند است که با نقاشی‌هایی در داخل و کاشیکاری در بیرون مزین شده و جملگی از عصر صفوی است. سنگی که اثر پای بر آن نقش بسته در قدمگاه نصب شده است. این شهر بیشترین ظرفیت برای ارائه آثار هنری در فرهنگ‌سراهایی به نام آن حضرت را دارد؛ به ویژه که این شهر با دارا بودن دانشکده هنرهای زیبا، ظرفیت قابل توجهی برای بارورسازی یک فرهنگ‌سرا با این رویکرد دارد.

### ۳-۲-۳. برپایی جشنواره و جشن‌های مرتبط با روایت‌ها

برپایی جشن و جشنواره، می‌تواند با همراهی و استقبال عموم مردم روبه‌رو شود و این دقیقاً همان چیزی است که برای نمادین‌سازی سرمایه‌های فرهنگی به آن نیازمندیم؛ به‌ویژه که در جشنواره‌ها، آثار هنری جدیدی پدید می‌آید یا معرفی می‌شود که همسویی این آثار با سرمایه فرهنگی هدف، می‌تواند از آن سرمایه نمادین بسازد.

در میان مناطقی که مستعد این راهبرد هستند می‌توان به بلاش آباد اشاره کرد. شیخ صدوق روایت می‌کند: محمد بن احمد بن اسحاق نیشابوری گوید: «از جداهم خدیجه دختر حمدان بن

پسنده شنیدم وقتی آن حضرت (علیه السلام) به نیشابور وارد شدند به «لاشاباذ» که در ناحیه غربی شهر است در خانه جدم پسنده نزول اجلال فرمودند و وی را پسنده گفتند برای اینکه حضرت در میان تمام خانه‌ها، خانه او را اختیار کرد و «پسنده» کلمه فارسی است و معنایش به عربی «مرضی» است که مراد شخص مورد رضایت است. چون به خانه ما وارد شد نهال بادامی در زاویه‌ای از زوایای آن خانه کاشت و آن نهال روید و در عرض یک سال درختی شد و ثمر داد و مردم این را فهمیدند و از بادام آن برای شفای بیماران می‌بردند و هر کس را که دچار نوعی بیماری بود به یک بادام آن درخت تبرک می‌جست و آن را به‌عنوان شفایابی می‌خورد و بهبود می‌یافت و هر کس را ناراحتی چشم بود دانه‌ای از آن بادام را روی چشم خود می‌گذاشت و شفا می‌یافت و زن باردار اگر درد زایمان بر او سخت می‌شد یک حبه از مغز بادام آن را تناول می‌کرد و وضع حمل بر او آسان و در حال فارغ می‌شد و هر گاه حیوانی از چهارپایان اهلی مبتلا به قولنج می‌گشت ترکه‌ای از شاخ آن درخت بر زیر شکمش می‌سودند عافیت می‌یافت و باد قولنج به برکت حضرت رضا (علیه السلام) از او دور می‌شد» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۹۴-۲۹۳).

بلاش آباد طبق نظر برخی صرفاً محله‌ای در نیشابور است؛ این در حالی است که روستایی در سبزوار به همین نام وجود دارد و بادام محصول اصلی باغ‌داران این روستاست؛ از آنجا که بیهق بخشی از نیشابور کهن و به روایتی بهینه بخش نیشابور بزرگ کهن بوده، می‌توان دریافت که این بلاش آباد، همان توقفگاه کاروان امام (علیه السلام) است.

روایت روستای بلاش آباد در محله‌فز نزدیکی نیشابور و تشریف امام رضا (علیه السلام) به منزل پسنده و کاشت دانه بادام، ضمن وجود این اعتبار و ظرفیت غنی، به علت قرارگیری در موقعیت جغرافیایی مناسب و شرایط آب و هوایی معتدل، می‌تواند به یک سرمایه‌نمادین مبدل شود و به‌نوعی به بیان هویتی خاص بپردازد. به سبب شرایط محیطی و جغرافیایی مناسب، سرمایه‌گذاری در تولیدات کشاورزی و باغی در این منطقه امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، با عملکرد انسانی در برگزاری جشن‌ها و جشنواره‌های موضوعی و فرهنگی همچون جشنواره بادام و حتی بسته‌بندی و فروش بادام‌های بلاش آباد با نام بادام رضوی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مانند پخت شیرینی و غذاهای مرتبط با آن، به بسط و توسعه فرهنگ رضوی کمک کرد. در همین راستا، عارفی بر این باور است که اگر در این‌گونه شهرها کارکرد آنچه در تاریخ شهر به‌عنوان نمادهای آن شناخته می‌شده است، تضعیف شود یا از بین رود، این به معنای از دست دادن سریع سرمایه‌ای است که به‌تدریج به‌دست آمده است (عارفی، ۱۳۹۶: ۲۷). بنابراین عملکرد شهر در ایجاد فضایی با هویت، دارای روح حاکم بر شهر، مستلزم آن است که محققان و برنامه‌ریزان شهری ضمن توجه به انواع سرمایه‌ها و چگونگی و الایش آن به سرمایه‌نمادین، از ظرفیت همدلی و مشارکت ساکنان آن نیز بهره‌جویند.

### ۳-۲-۱- پیوند محصولات، کالاهای هنری و صنایع دستی مناطق باروایات رضوی

یافتن راهکارهایی برای نشان‌دار کردن کالاها و آثار تولیدشده در یک منطقه، به هویت‌بخشی و توسعه پایدار آن یاری می‌رساند؛ بنابراین شناخت و کار بر روی این راهبرد، نقش کلیدی بر توسعه مناطق دارد. برای نمونه در روایتی که پیش از این درباره بلاش آباد ذکر شد، محصول بادام و تمام غذاها و شیرینی‌های مرتبط با آن که در بلاش آباد تولید می‌شود، می‌تواند به سبب پیوندی که با آن حضرت یافته، ارزشی نمادین یابد؛ بنابراین بلاش آباد از این منظر نیز درخور توجه است.

افزون بر بلاش آباد، اهواز نیز از چنین ظرفیتی برخوردار است. در روایت‌ها پیرامون هجرت آن حضرت آمده است که: هنگامی که کاروان به شهر اهواز وارد می‌شود، امام رضا (علیه السلام) از اهالی درخواست نیشکر می‌کنند، ساکنان می‌گویند در تابستان نیشکر یافت نمی‌شود. ایشان پاسخ می‌دهند: جست‌وجو کنید، می‌یابید؛ بنابراین گروهی به جست‌وجوی نیشکر می‌روند و بالاخره مقداری نیشکر که برای بذر ذخیره شده بود، می‌یابند (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج: ۲، ۴۹۷). درباره این رخداد در کتاب مسند الامام الرضا (علیه السلام) نیز چنین آمده است: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الصَّائِغِ عَنْ عَمِّهِ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ الرَّضَاعِلِيَةِ السَّلَامِ إِلَى خُرَّاسَانَ إِذْ أَمَرَهُ فِي قَتْلِ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَاكِ، الَّذِي حَمَلَهُ إِلَى خُرَّاسَانَ فَهَنَانِي عَنْ ذَلِكَ وَقَالَ: أَتَرِيدُ أَنْ تُقْتَلَ نَفْسًا مُؤْمِنَةً بِنَفْسِي كَافِرَةً؟ قَالَ: فَلَمَّا صَارَ إِلَى الْأَهْوَازِ قَالَ لِأَهْلِ الْأَهْوَازِ: أَطْلُبُوا إِلَيَّ قِصْبَ سَكَّرٍ [...]» از ابوحسن صائغ و او از عمویش روایت کرد که گفت: من به همراه امام رضا (علیه السلام) به سوی خراسان بیرون آمدم، با ایشان راجع به قتل رجاء بن ابی ضحاک که مأمور بردن امام بود صحبت کردم، مرا از این کار نهی کرد و فرمود: می‌خواهی یک نفر مؤمن را در مقابل یک نفر کافر به کشتن دهی؟ و چون به اهواز رسیدیم از اهالی اهواز نیشکر خواست [...] (عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳ق: ۲۱۳).

امروزه صنعت قند و شکر در اهواز بسیار توسعه یافته؛ اما هیچ بهره‌برداری نظام‌مندی از این روایت برای والایش و نشان‌دار کردن این صنعت انجام نشده است. بر اساس این روایت که نشان‌دهنده توجه ویژه امام به محصول یاد شده است، می‌توان روی نشان‌داری شکر، قند و تمام محصولاتی که در اهواز از این محصول ساخته می‌شود، کار کرد.

افزون بر موارد یاد شده، می‌توان کالاها و صنایع دستی مناطق مسیر هجرت آن حضرت را به سمت و سویی کشاند که با اتکا به نام حضرت امام رضا (علیه السلام) نشان‌دار شوند؛ برای نمونه در ارجان که شهری در مسیر این هجرت است، عبادوزی و گیوه‌دوزی از صنایع دستی کهن هستند. با تکیه بر موضوعیت سفر امام رضا (علیه السلام)، می‌توان احتمال این را که عده‌ای از همراهان آن حضرت یا حتی خود آن حضرت از این عبا و گیوه تهیه کرده‌اند مطرح کرد؛ به‌ویژه که در روایات

از نمازگزاردن آن حضرت و کاروانیان‌ش در مسجد این شهر یاد شده است. این احتمال و گمانه‌زنی گرچه با قطعیت همراه نیست اما نظرکردگی این صنایع دستی، برای نشان‌دار شدن این کالاها میان عده‌ای از مردم کفایت می‌کند و همین امر می‌تواند مایه رونق این کالاها و هویت‌بخشی به این صنعت فراموش شده گردد.

### ۳-۲-۱-۵. بازآفرینی مکان‌ها با سبکی مشابه دوره عبور امام رضا (علیه السلام)

بازآفرینی مکان‌ها به شیوه‌ای که یادآور ویژگی‌های دوران کهن‌تر باشند، از راهبردهایی است که در مناطقی که قدمت تاریخی دارند، رایج است؛ شبیه‌سازی برخی بناها به سبک کهن و نیز نام‌گذاری آن‌ها به همان سبک، می‌تواند بسیار رهبرنده باشد و به نمادین‌سازی سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته در یک منطقه یاری رساند.

اربق از آن دست شهرهایی است که در مسیر هجرت آن حضرت قرار دارد و می‌توان با بازآفرینی برخی بناهای یادشده در روایت‌های رضوی در این شهر، هویت شهری آن را به سمت و سوی ویژه برد. پل اربق در این روایت‌های تاریخی، می‌تواند به‌عنوان یک گرانبگاه قابل اتکا در روایت در نظر گرفته‌شود؛ گرانبگاهی که یادآور شرایط ویژه آن دوره است. این پل در نزدیکی اهواز، حدود ۷۰۰ سال پیش ویران شده است. در نقشه قدیمی «صورة خوزستان» که ابن حوقل در صورة الأرض آورده است، حدود منطقه اربق مشخص شده است. آنچه از این نقشه قدیمی به‌دست می‌آید این است که اربق در حوالی رود مسرقان واقع شده است و این رود از شهر عسکر مکرم گذشته به سمت راست می‌پیچد و در نیمه چپ به رود مسرقان باز می‌گردد، اربق در میان راه ایذج و رامهرمز قرار دارد که این شهر اخیر در حد فاصل فارس و خوزستان واقع شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۳-۲۲). بر این اساس می‌توان حدود مکان آن را به دست آورد. هنگام خارج شدن حضرت رضا (علیه السلام) از اهواز نزدیک پل اربق، رویدادهایی رخ داده که در تواریخ ثبت شده است. از جمله آنکه عده‌ای بعد از شهادت امام موسی کاظم (علیه السلام) گمان بردند که حضرت همچنان در قید حیات است و بر آن جناب توقف کردند. این رویداد نه تنها توسط شیخ صدوق روایت شده بلکه در کتاب‌هایی چون فرق الشیعه (نوبختی، ۱۴۰۰: ۸)، رجال النجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۸ و ۲۳۱ و ۲۳۰)، علل الشرائع (ابن بابویه، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳۵)، اختیار معرفه الرجال (عبدالعزیز کشی، ۱۳۴۸: ۲۵۹)، نیز آورده شده است. شیخ صدوق از جعفر بن محمد نوفلی روایت می‌کند که: در منطقه اربق (اربک) به خدمت امام رسیدم و پس از عرض ادب به ایشان گفتم جمعی گمان می‌کنند پدر بزرگوار شما زنده است؛ اما امام رضا (علیه السلام) ضمن رد این ادعا و لعن مدعیان، به از هم گسیختن میراث پدرش اشاره کرد و فرمود: «قسم به خدا پدرم موسی کاظم (علیه السلام) مرگ

را چشید چنان که علی بن ابی طالب (علیه السلام) چشید» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۲۳-۵۲۴). شیخ صدوق این روایت را بدون ذکر شهر خاصی نقل کرده، ولی ما از قید «پل اربق» درمی‌یابیم که این حادثه در شهر اهواز روی داده نه در مدینه و از پیشگویی حضرت درباره محل دفن خویش و این عبارت که می‌فرماید: من از میان شما می‌روم، درمی‌یابیم که توقف حضرت در اهواز و پل اربق مربوط به همان سفری است که حضرت عازم مرو بودند و این اشاره اخیر ایشان که معمولاً در هر جا موقعیت ایجاب می‌کرد، بیان می‌فرمود حکایت از ماهیت تحمیلی ولایت‌عهدی و آگاهی امام (علیه السلام) بر شهادت خویش و دفن شدن در کنار قبر هارون در طوس دارد.

پل‌ها ضمن آنکه جنبه ارتباطی دارند، از نظر زیبایی، شهرت و معماری نیز حائز اهمیت هستند؛ حتی بعضی از آن‌ها به نماد یک شهر مبدل شده‌اند و به بخشی از هویت فرهنگی مردمان شهرهای محل استقرارشان تبدیل شده‌اند. پل اربق که آخرین اطلاع ما از آن به قرن پنجم هجری می‌رسد و اثری دیگر از آن نیست، یکی از عناصر هویتی شهر اهواز در گذشته بوده است. اما بازآفرینی آن که از نشانه‌های میراث مذهبی و تاریخی منطقه خوزستان است، ضمن خلق چشم‌انداز جدید برای حفظ یادگارهای تمدن کهن ایران، به اولین منزلگاه امام رضا (علیه السلام) در جنوب ایران، هویت جدیدی می‌بخشد.

در ارجان نیز چنین ظرفیتی وجود دارد. از جمله منزلگاه‌های مسیر هجرت امام رضا (علیه السلام) شهر باستانی ارجان یا بهبهان کنونی در استان خوزستان است. در دو قرن اخیر ساکنان شهر و شهرهای اطراف در روز شهادت امام رضا (علیه السلام) مسیری ۱۴ کیلومتری را تا محل قدمگاه می‌پیمایند. حضور داوطلبانه و اختیاری افراد از طبقات مختلف اجتماعی و یا سطوح مختلف اعتقادی و باورمندی، فرصت و زمینه مناسبی را برای ایجاد همبستگی، انسجام و مشارکت اجتماعی فراهم می‌کند که از این طریق می‌توان برای افزایش شکوفایی سرمایه نمادین بهره جست. با بازآفرینی و شبیه‌سازی برخی راه‌های این منطقه به سبک کهن و نیز مرمت زیارتگاه ارجان، ضمن افزایش بازدهی اقتصادی منطقه و کم کردن آثار منفی محیطی، می‌توان شاهد ارتقای جایگاه آن در حوزه گردشگری بود. پیاده‌راه‌های مذهبی یکی از بارزترین عناصر خطی اغلب شهرهای زیارتی جهان هستند که در آن زائران و گردشگران در طول مسیر، با فعالیت‌های متنوع مذهبی، فرهنگی، تجاری، خدماتی و ... مواجه هستند. ارجان با وجود چنین جاذبه تاریخی و فرهنگی، ضمن قرارگیری در مسیر توسعه، قابلیت معنادهی به شهرها و نواحی اطراف را نیز فراهم می‌سازد.

## جدول ۱: راهبردها و نتایج حاصل از آن

نمونه‌های مصداقی	پیامدها	راهبردها	
دهسرخ، ابرقو، ده شیر، فرانشاه، خرائق، ارجان	رونق گردشگری طبیعی و مذهبی	شناسایی و تبلیغ مناطق در پیوند با مسیر هجرت	۱
خرائق، ده شیر، ابرقو، ارجان، فرانشاه، نیشابور	تعمیق و تقویت تصاویر ذهنی بینندگان	ایجاد مراکز فرهنگی با محوریت فرهنگ سراها	۲
بلاش آباد	بسط و توسعه فرهنگ رضوی، سرمایه‌گذاری و رشد کشاورزی	برپایی جشنواره و جشن‌های مرتبط با روایت‌ها	۳
اهواز ارجان بلاش آباد	احیای صنایع بومی و تسریع رشد اقتصادی شهر و حوزه نفوذ آن	تولید محصولات و کالاهای هنری و تلاش برای وارد ساختن این روایات در صنایع دستی این مناطق	۴
اربق ارجان	ایجاد مکان گردشگری و سفر ذهنی مخاطبان در تاریخ	بازآفرینی مکان‌ها با سبکی مشابه دوره عبور امام رضا (علیه السلام)	۵

## ۴. نتیجه‌گیری

با در نظر داشتن پژوهش پیش‌رو می‌توان به این نتایج دست یافت:

الف. به سبب سنجیت سرمایه‌های فرهنگی با هویت، تبدیل سرمایه‌های فرهنگی رضوی، با تکیه بر روایت‌های موجود به سرمایه نمادین، می‌تواند به تقویت هویت شیعی شهرهای مرتبط با امام رضا (علیه السلام) بینجامد.

ب. پژوهش افزون‌تر بر روی شهرهای مرتبط با مسیر امام رضا (علیه السلام) می‌تواند به کشف ظرفیت‌های افزون‌تری در این مورد بینجامد.

پ. با توجه به باورمندی و ارادت شیعیان به امام رضا (علیه السلام) این ظرفیت‌ها در صورت تبدیل به سرمایه نمادین، هویت‌بخشی و توسعه پایدار این شهرها را در پی دارد.

ت. فضاهای نمادین حس‌های پراکنده افراد جامعه را به هم وصل می‌کند و افراد پراکنده در بخش‌های مختلف یک فرهنگ را به هم پیوند می‌زند. چنین فضایی در افراد نوعی از حس انس و آشنایی ایجاد کرده و حس تعلق و وابستگی به آن را تقویت می‌کند.

ث. مجموعه این فرایندها می‌تواند با پنج راهبرد زیر اجرایی شود:

۱. شناسایی، تبیین و تبلیغ مناطق در پیوند با مسیر امام رضا (علیه السلام)؛
۲. ایجاد مراکز فرهنگی با محوریت یک فرهنگ‌سرا و با بهره‌گیری از المان‌های مرتبط در این مناطق؛
۳. برپایی جشنواره‌ها و جشن‌های منطقه‌ای در هر کدام از این مناطق بسته به موضوعات مطرح شده در روایت‌ها؛
۴. تولید محصولات و کالاهای هنری مرتبط با این روایت در هر منطقه و تلاش برای وارد ساختن این روایات به صنایع دستی مناطق در پیوند با سفر امام رضا (علیه السلام)؛
۵. بازآفرینی مکان‌ها با سبکی مشابه دوره عبور امام رضا (علیه السلام).

## منابع و مآخذ

- آسایش، حسین. (۱۳۸۳). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. تصحیح استاد علی اکبر غفاری و ترجمه حمیدرضا مستفید. تهران: انتشارات جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *علل الشرائع*. ترجمه حسین قاسمی. قم: امین‌الله.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل. (۱۳۴۵). *صورة الأرض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). *یادگارهای یزد*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بحرینی، سیدحسین. (۱۳۹۳). *تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بورديو، پیر. (۱۳۹۲). *درسی درباره درس*. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- درینی، ولی محمد؛ تابان، محمد؛ نامدار جویمی، احسان و باهنر، ناصر. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه سرمایه نمادین با سرمایه فرهنگی». *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*. سال شانزدهم، شماره ۳۱: صص ۱۸۷-۲۰۱.
- سالاری، سیداصغر. (۱۳۸۹). *جاده ولایت*. تهران: انتشارات مؤسسه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.
- سیدکباری، سیدعلیرضا. (۱۳۷۶). «هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران». *فرهنگ کوثر*. شماره ۴. صص: ۲۰-۲۳.
- شکوهی، مهرداد. (۱۳۷۰). «تبدیل دو آتشکده به مسجد در ابرقو و عقدا». *باستان‌شناسی و تاریخ*. شماره ۱۰: صص: ۵۲-۶۸.
- صادقی‌منش، علی. (۱۴۰۱). «آفرینش سرمایه‌های نمادین از گنجینه‌های نسخ خطی با ایجاد موزه‌های روایت‌مند». *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. دوره ۲۵. شماره ۳. صص: ۲۱۴-۲۳۵.
- عارفی، مهیار. (۱۳۹۶). *کاوش در مفهوم مکان‌سازی (نیازها، فرصت‌ها و دارایی‌ها)*. ترجمه الهه پژوتن. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی شرکت عمران و بهسازی شهری.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۹۶). *نمادهای هویتی شهر (پاریس، مادرید، استانبول، کیوتو)*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۴۱۳). *مسند الامام الرضا*. بیروت: دارالصفوه.
- فیروزجائیان، علی اصغر؛ گرامی، فتح‌اله. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی دبیران (مطالعه موردی: دبیران مدارس متوسطه شهر خلخال)». *مطالعات علوم اجتماعی ایران*. سال ۱۱. شماره ۴۱. صص: ۱۰۵-۱۲۰.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۴۸). *اختیار معرفة الرجال*. تصحیح حسن مصطفوی. مشهد: مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹). *مفاهیم کلیدی پی‌یر بورديو*. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
- محمدی، فردین. (۱۳۹۸). «دیدگاه بورویو در باب میدان آموزش: فراسوی دیدگاه‌های تضاد و کارکردگرایی». *مبانی تعلیم و تربیت*. سال نهم. شماره ۱. صص: ۵-۲۵.
- مشتاقی نائینی علی بن محمد. (۱۳۸۲). *سفرنامه صفاء السلطنة نائینی (تحفة الفقراء)*. به اهتمام محمد گلبن. تهران: انتشارات اطلاعات.

مولایی، اصغر؛ پیربابایی، محمدتقی. (۱۳۹۵). «طراحی شهری و منطقه‌ای زمینه‌گرا در مسیر سفر امام رضا (علیه السلام) به ایران». *فرهنگ رضوی*. سال چهارم. شماره ۶۱. صص: ۱۰۱-۱۴۲.

مولایی، اصغر. (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی بازآفرینی مسیر معنوی هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران با تأکید بر گردشگری مذهبی». *حج و زیارت*. سال ششم. شماره ۱۵. صص: ۱۴۵-۱۸۲.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۱). «بازشناسی نمادها و نشانه‌های مسیر فرهنگی و آیینی هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران». *حج و زیارت*. سال هفتم. شماره ۱۷. صص: ۱۰۹-۱۴۰.

مولوی، عبدالحمید. (۱۳۸۲). *آثار باستانی خراسان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

نظری، فرهاد؛ نیک‌زاد، ذات‌الله. (۱۳۹۲). «بازشناسی مسیر هجرت امام رضا (علیه السلام) در ایران بر اساس آثار و اماکن تاریخی» *اثر*. دوره ۳۴. شماره ۶۲. صص: ۱۰۷-۱۲۳.

نوبختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۰). *فرق الشیعه*. ترجمه محمد جواد مشکور. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

## References

- Afshar, Iraj. (1995). *Yādgār-hā-ye Yazd*. Tehran: Anjoman-e Āthār va Mafākhir-e Farhangi. [in Persian]
- Ameli, Saeedreza. (2017). *Urban Identity Symbols: Paris, Madrid, İstanbul, Kyoto*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Arefi, Mehvar. (2017). *Exploring the Concept of Placemaking: Needs, Opportunities, and Assets*. Translated by Elaheh Pajouhan. Tehran: Research Office, Urban Development and Renovation Company. [in Persian]
- Asayesh, Hossein. (2004). *Principles and Methods of Rural Planning*. Tehran: Payame Noor University Press. [in Persian]
- Attarady Ghochani, Azizollah. (1993). *Masnad al-Imam al-Ridha al-Husayn ibn Musa al-Ridha 'alayhimas-salam*. Beirut: Dar al-Safawa. [in Arabic]
- Bahraini, Seyed Hossein. (2014). *Modernity, Postmodernity, and Beyond in Urban Planning*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Bourdieu, P. (1986). *the forms of capital*. In J. Richardson (Ed.) *Handbook of Theory and Research for the of Sociology of Education* (New York, Greenwood).
- Bourdieu, Pierre. (2013). *On the Lesson*. Translated by Nasser Fakouhi. Tehran: Nashre-Ni. [in Persian]
- Deriny, Vali Mohammad, Taban, Mohammad, Namdar Jovimi, Ehsan, & Bahonar, Nasser. (2015). «The Relationship between Symbolic Capital and Cultural Capital,» *Studies in Culture and Communication*, Vol. 16, No. 31, pp. 187-201. Tehran. [in Persian]
- Firouzjaian, Ali-Asghar & Ghorami, Fathollah. (2013). «The Relationship between Cultural Capital and Social Status of Teachers (A Case Study: Secondary School Teachers in Khalkhal City),» *Iranian Journal of Social Sciences*, Vol. 11, No. 41, pp. 105-120. Khalkhal. [in Persian]
- Grenfell, Michael. (2010). *Key Concepts in Pierre Bourdieu*. Translated by Mohammad Mehdi Labibi. Tehran: Nashr-e Afkar. [in Persian]

- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1999). 'Iyun Akhbar al-Ridha. Edited by Ali Akbar Ghaffari and translated by Hamidreza Moštefid. Tehran: Jahan Publications. [in Arabic]
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (2009). 'Ilal al-Shara'i'. Translated by Hussein Qasemi. Qom: Aminullah. [in Arabic]
- Ibn Hawqal, Muhammad ibn Hawqal. (1966). Šūrat al-'arḍ. Translated by Ja'far Shā'ar. Tehran: Bunyād-e Farhang-e Irān. [in Arabic]
- Kashi, Umar ibn Abd al-Aziz. (1969). Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal. Edited by Hasan Moštafari. Mashhad: Research Center and Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies. [in Arabic]
- Molavi, Abdolhamid. (2003). Ancient Monuments of Khorasan. Tehran: Society for the Preservation of Iranian Historical and Cultural Properties. [in Persian]
- Molayi, Asghar & Pirbabayi, Mohammad Taghi. (2016). «Context-Based Urban and Regional Design in the Route of Imam Reza's Journey to Iran,» Razavi Culture, Vol. 4, No. 61, pp. 101-142. Mashhad. [in Persian]
- Molayi, Asghar. (2021). «The Feasibility of Recreating the Spiritual Path of Imam Reza's Emigration (Hijrah) to Iran with a Focus on Religious Tourism,» Hajj and Pilgrimage, Vol. 6, No. 15, pp. 145-182. Qom. [in Persian]
- Molayi, Asghar. (2022). «Recognizing the Symbols and Signs of the Cultural and Ritual Route of Imam Reza's Migration to Iran,» Hajj and Pilgrimage, Vol. 7, No. 17, pp. 109-140. Qom. [in Persian]
- Mohammadi, Fardin. (2019). «Bourdieu's Perspective on the Educational Field: Beyond Conflict and Functionalist Perspectives,» Foundations of Education, Vol. 9, No. 1, pp. 5-25. Mashhad. [in Persian]
- Mushtāqī Nā'inī, 'Alī ibn Muḥammad. (2003). Safarnāmeḥ-ye Šafā al-Salṭanah-ye Nā'inī (Tuḥfat al-fuqarā'). Edited by Muḥammad Golban. Tehran: Enteshārāt-e Ettelā'āt. [in Arabic]
- Najashi, Ahmad ibn Ali. (1986). Rijal al-Najashi. Qom: Al-Islamiyyah Publishing Institute. [in Arabic]
- Nazari, Farhad & Nikzad, Zatollah. (2013). «Rediscovering the Route of Imam Reza's Migration to Iran Based on Historical and Places,» Asar, Vol. 34, No. 62, pp. 107-123. Tehran. [in Persian]
- Nubakhti, Hasan ibn Musa. (2021). The Sects of the Shiites, translated by Mohammad Javad Mashkur. Tehran: Scientific and Cultural Publication. [in Arabic]
- SadeghiMansh, Ali. (2023). «Creating Symbolic Capital from Manuscript Treasures by Establishing Narrative Museums,» Library and Information Science. Vol. 25, No. 3, pp. 214-235. Mashhad. [in Persian]
- Salari, Seyed Asghar. (2010). The Road of Wilayah. Tehran: Institute for the Development of Documentary and Experimental Film. [in Persian]
- Seyedkabari, Seyed Alireza. (1997). «The Migration of Imam Reza (a.s. peace be upon him) to Iran,» Farhang-e Kouthar. No. 4, pp. 23-20. [in Persian]
- Shokouhi, Mehrdad. (1991). «The Conversion of Two Fire Temples into Mosques in Abarqu and Aqdā,» Bāstān-shenāsi va Tārīkh, No. 10, pp. 52-68. Tehran. [in Persian]



## The Richness of Introducing the Life and Character of Imam Reza (A.S.) in Children's and Adolescents' Literature from the Perspective of Literature and Child Specialists in Qom, Using a Grounded Theory Method

Ahmad Abbasi DarehBidi<sup>1</sup> Tayyebeh Zarei<sup>2</sup>

1. MA in Shia Studies, Sociology, Isfahan University, Isfahan, Iran: a.abbasi.d2020@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Education, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, (corresponding author): Tayyebeh.zareie@iaau.ac.ir

### Article Info

### Abstract

#### Article Type:

Research Article

#### Article History:

#### Received:

June 13, 2023

#### In Revised Form:

September 13, 2023

#### Accepted:

September 25, 2023

#### Published Online:

December 21, 2024

Introducing the life and face of Imam Reza (a.s.) and getting to know his personality is one of the main goals of the authors and composers of Razavi literature for children and teenagers, which the activists of this field have seen as a mission and are trying to achieve this in different ways. Finding paying attention to the knowledge that the introduction of Imam Reza's face is more desirable and appropriate can have a great impact on planning, decisions and improving the quality of Razavi's works for children and teenagers. For this reason, the aim of the current research is to analyze the characteristics of the desirable and appropriate introduction of Imam Reza's life and appearance in children's and adolescent fiction literature and to enrich it from the perspective of experts in this field based on a qualitative approach and contextual theory. The required data were collected through theoretical and targeted sampling through in-depth semi-structured interviews with teachers and experts in the field of literature and children in the city of Qom and through three processes; Open, central and selective coding, conceptualization and analysis. The findings of the research included 162 primary concepts, 55 sub-themes and 18 main themes, and the core category was "the richness of introducing the image of Imam Reza (a.s.) in children's and adolescent literature". Also, the paradigm model represents conditions and causes, factors and necessary necessities. In order to enrich the introduction and familiarization of Imam Reza (a.s.) in fiction literature for children and teenagers, it is necessary for all the influential components to provide the consequences of this by adopting the necessary measures and strategies.

### Keywords

The richness of Imam Reza's life and appearance, children's and adolescent literature, literature and children's specialists, Data Theory Foundation, Qom.

Cite this The Author (s): Abbasi DarehBidi, A; Zarei, T. (2024). The richness of introducing Imam Reza's (P.B.U.H) Life and appearance in Children's and Adolescent literature from the perspective of literature and Children's experts in Qom using the Foundation's data method : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (33- 59)- DOI:10.22034/farzv.2023.402074.1883



## Introduction

Throughout history, literature has always been one of the most valuable and important educational models for humans, and children's and teenagers' literature, as a branch of it, increases their taste and awareness that choosing a topic and modeling great personalities. It is considered effective in the religious education of children and teenagers. Since literature and religion have always interacted and religious characters can be considered as powerful models in children's and teenagers' literature and be educated in the right way, the use of great religious figures in children's and teenagers' literature can be the title is an effective approach in education. But the observations show that dealing with the life style and life of the innocents (PBUH) in the literature of children and teenagers has been neglected to some extent and at most in the books related to children and teenagers it has been poorly addressed and it is necessary to pay attention to it. Success in introducing great and influential characters in children's and adolescent literature, especially Razavi's biography, which is full of moral and educational points for this group, requires identification and efforts in a better and more appropriate way based on scientific models, the life and biography of Imam Reza (A) is proposed as an efficient model for Shia children and teenagers, which needs to be considered in the relevant literature. For this reason, the main goal of the current research is to design a model of richness to introduce Imam Reza's life and character in children's and adolescent literature, according to the available sources and based on the opinions of teachers and experts in the field of literature and children, and on this basis, it is necessary for the authors Children's and adolescent literature that has chosen the life stories of Imam Reza (a.s.) and his life and character as its goal, and to succeed in this matter, while putting in a lot of effort, has enough skill and the conditions, contexts, causes and Be aware of the effective factors in this regard.

## Methodology

The research method is qualitative and it is developmental in terms of orientation and exploratory in terms of purpose. The strategy used in that theory is foundational data, which is used to prepare the final model from the structure and style of Strauss and Corbin's paradigmatic model. The study population was all teachers and specialists in the specialized field of children's and adolescent literature in Qom city, 14 of whom were studied and interviewed according to theoretical saturation. In this way, first, according to the research literature, the interview questions were formulated in order to enrich the introduction of Imam Reza's image for children. In the interview, the people participating in the re-

search are asked; “What are the most important conditions for enriching the introduction of Imam Reza’s (a.s.) life and appearance to children according to the stories?” What are the required fields for this phenomenon? What things are in conflict and why?” In the following, the questions and conversation were directed towards receiving the opinions of the interviewee about other conditions and strategies for doing this.

### **Findings and conclusions**

The analysis of the information obtained from the in-depth and semi-structured interviews with the target sample led to the formation of 162 primary concepts, and by selecting, combining and adjusting the same concepts, 55 main concepts remained. These concepts are in the form of 18 main themes (Imam Reza (a.s.) and children, the kindness of Imam Reza (a.s.), specialization, central creativity, planning and management, limitations, socio-cultural atmosphere and culture building, the attitude of officials, inadequacy in Budget allocation, lack of research and evaluation of author and publisher’s performance, scientific growth of authors, giving religious identity to children, children’s desires and incentives, increasing intimacy and friendship with Imam Reza (a.s.), following the example of Razavi’s life, adaptation and formation. religious and spiritual personality, stabilization of religious identity, increase and application of life skills) were organized. Finally, the central idea of the research was formed, which is “the richness of introducing Imam Reza’s (a.s.) life and appearance in fiction literature for children and teenagers”. The core of the research shows that the richness of fiction literature for children and teenagers about Imam Reza (a.s.) does not only mean increasing the quantity of works produced and using them more, but it means that it is possible to introduce the life and appearance of the Imam with the idea of enrichment. Reza (a.s.) provided the background for children’s and adolescent’s fictional literature to grow and excel in their children’s personality, adaptability and religious and spiritual identity, so that in addition to a deep knowledge of Razavi’s culture, life and image, children and adolescents in the future will have skills and style. Design and adjust your life based on it. As a result, it can be said that as the approach of learning and internalizing values and norms through stories has stated, the interest of children and teenagers in introducing the life and character of Imam Reza (AS) through enrichment is very important, because with This is a gradual foundation for increasing intimacy and friendship with Imam Reza (a.s.) and imitating his personality in life matters from childhood and continues with the adaptation and consolidation of religious and spiritual identity.

In order to enrich the introduction of Imam Reza (a.s.) in fiction literature for children and teenagers, among other existing methods, it is suggested that the country's scientific and religio-religious experts and experts, especially experts in religious and Razavi literature, hold Brainstorming sessions and designing efficient and approved models of the way to introduce Imam Reza (AS) by considering the conditions of today's world, facilities, characteristics of children and adolescents and multiple sources of identity, on promoting and enriching the introduction of Imam Reza (AS) through education and with Take action with the help of mass-virtual media.



## غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان از نگاه متخصصان ادبیات و کودک شهر قم با استفاده از روش داده بنیاد

احمد عباسی دره‌بیدی<sup>۱</sup> طیبه زارعی<sup>۲</sup>

a.abbasi.d2020@gmail.com

Tayebeh.zareei@iaiu.ac.ir

۱. کارشناس ارشد شیعه‌شناسی گرایش جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران:

۲. استادیار گروه معارف، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول):

### چکیده

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) و شناساندن شخصیت ایشان از اهداف نویسندگان و سراینده‌گان ادبیات رضوی کودک و نوجوان است که فعالان این عرصه به عنوان یک رسالت به آن نگرسته و سعی دارند با شیوه‌های مختلف به این مهم دست یابند. توجه به این نکته که معرفی سیمای امام رضا (علیه السلام) به چه شکل مطلوب و مناسب‌تر است، می‌تواند در برنامه‌ریزی، تصمیمات و ارتقای کیفیت آثار رضوی برای کودکان و نوجوانان تأثیر زیادی داشته باشد. به همین دلیل هدف این پژوهش واکاوی ویژگی‌های معرفی مطلوب و مناسب سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان و غنا بخشیدن به آن از دید متخصصان این حوزه براساس رویکرد کیفی و نظریه زمینه‌ای است. داده‌های مورد نیاز از طریق نمونه‌گیری نظری و هدفمند توسط مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با معلمان و متخصصان حوزه ادبیات و کودک در شهر قم گردآوری و طی سه فرایند: کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مفهوم‌پردازی و تجزیه تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش شامل ۱۶۲ مفهوم اولیه، ۵۵ مضمون فرعی و ۱۸ مضمون اصلی بود که مقوله هسته، «غنای معرفی سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان» بر ساخت گردید. همچنین مدل الگوواره‌ای، شرایط و علل، عوامل و ضرورت‌های لازم را بازنمایی می‌کند. برای غنای معرفی و شناساندن سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان لازم است تمام مؤلفه‌های اثرگذار با اتخاذ تدابیر و استراتژی‌های لازم، پیامدهای این امر را فراهم سازند.

کلیدواژه‌ها: سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام)، ادبیات کودک و نوجوان، متخصصان ادبیات و کودک، نظریه داده بنیاد، قم.

استناد: عباسی دره‌بیدی، احمد؛ زارعی، طیبه (۱۴۰۳). غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان از نگاه متخصصان ادبیات و کودک شهر قم با استفاده از روش داده بنیاد: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۳۳-۵۹).

DOI:10.22034/farzv.2023.402074.1883



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

ادبیات در طول تاریخ همیشه از بارزترین و مهم‌ترین الگوهای آموزشی پرورشی انسان‌ها به شمار آمده و از میان شاخه‌های متعدد آن، ادبیات کودکان و نوجوانان ضمن یافتن جایگاه مهمی در جهان، قسمت زیادی از تربیت و پرورش آنان را تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که استفاده از کتاب‌ها و نشریات کودک و نوجوان از مهم‌ترین روش‌های انتقال نکات، مطالب آموزشی و پرورشی به فرزندان شده است (میری کرمانشاهی، ۱۳۸۳: ۴). ادبیات کودک و نوجوان حوزه گسترده‌ای با انواع موضوعات است و به عقیده صاحب‌نظران هر نوشته‌ای که کودک به خواندن و شنیدن آن عشق ورزد و باعث فزونی ذوق و ارتقای سطح آگاهی‌های او شود، ادبیات کودک خوانده می‌شود (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

کتاب‌های داستانی مهم‌ترین نوع کتاب کودک و مؤثرترین آنان در پرورش روح و فکر کودکان است که در قالب داستان، کودک را با حقایق دنیا و مفاهیم خوب و پسندیده و زشتی و پلیدی‌ها آشنا می‌سازد و در شمار مهم‌ترین ابزار تعلیم و تربیت به شمار می‌آید (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۵). همچنین این کتاب‌ها بسیاری از مفاهیم را به آسانی و غیرمستقیم منتقل می‌کند. این انتقال غیرمستقیم مفاهیم، باعث جذب بهتر و سریع‌تر آن‌ها می‌شود و درک و فهم‌شان را عینی و ساده می‌سازد و منجر به ترسیم الگوهای برای سرمشق‌گیری و تبعیت از گفتار و رفتار داستان دینی و شخصیت‌های آن (مخصوصاً شخصیت قهرمان داستان که معمولاً از پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام است) می‌گردد (بختیاری، ۱۳۹۰: ۱۴). به همین دلیل انتخاب موضوع و شخصیت برای هر داستانی امری مسلم است و شکل‌گیری و خلق داستان بدون شخصیت‌پردازی ناممکن به نظر می‌رسد (سیگر<sup>۱</sup>، ۱۳۷۴: ۴۸). بدین ترتیب یکی از موضوعات مهم در ادبیات داستانی و مخصوصاً ادبیات داستانی کودک و نوجوان، انتخاب موضوع برای داستان است. واقعیات زندگی و موضوعات واقعی اموری هستند که کودکان ۸-۹ سال به بالا و نوجوانان بیشتر به آن‌ها روی می‌آورند و به آنان وفادارتر هستند (حجازی، ۱۳۷۴: ۱۳۵) و هنگامی که با عقاید، باورها و بینش دینی ترکیب شوند یا از آن‌ها اقتباس شده باشند، بسیار اثرگذار خواهند بود.

در کشور ایران مراجع متولی ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و نویسندگی در قالب نهادهایی که بتوانند در کشور جریان‌سازی کنند و نقش اصلی در شکل‌دهی به ذائقه فرهنگی افراد از جنبه مطالعه و داستان‌خوانی را داشته باشند، به خوبی عمل نکرده‌اند؛ در نتیجه عملاً به جای داشتن جایگاه برتر در میان سایر نهادها، به سازمان‌هایی تبدیل شده‌اند که گاه سهمی اندک در تعریف

رفتارهای جامعه دارند و نتوانسته اند با توجه به اهمیت کتاب و داستان و منابع غنی دینی - سنتی جامعه، آنچه را که نیاز کامل جامعه و مورد قبول همگان با قابلیت استفاده در شرایط زمانی و مکانی مختلف است، ارائه دهند. بر اساس نتایج پژوهش رشتچی (۱۳۸۹) سهم ادبیات داستانی در برنامه مدارس بسیار کم رنگ است و همین امر توجه به ادبیات تخصصی ویژه کودکان و نوجوانان را با الهام از منابع غنی مطرح می سازد.

در سال های اخیر با ورود مدرنیته و گسترش فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت، ماهواره و انواع فضاهای مجازی و برنامه های ارتباطی، فرهنگ مدرن در جامعه، بسیاری از ارزش ها و مفاهیم به دنبال یکسان سازی فرهنگی (خواجه نوری و زاهد، ۱۳۸۴: ۷) دستخوش تغییر و تحول شده و مدام سبک های سنتی، دینی و آیینی اعمال و رفتار دچار چالش و بازتعریف می شوند و افراد می کوشند تا «خود» را در قالب جدیدی معرفی یا حتی تغییر دهند که این امر ضرورت و اهمیت توجه و دقت بیشتر تربیت دینی و استفاده از روش قصه گویی و اثربخشی آن را می رساند (افشاری و باقری، ۱۳۹۱: ۱۱).

ادبیات و دین همیشه در تعامل با یکدیگر بوده و ادیبان سعی کرده با استفاده از ادبیات در راستای رواج اندیشه های دینی و اثرگذاری آن ها بر کودکان استفاده کنند و بر این باورند که اگر آموزه های دینی از کودکی و به شیوه صحیح به انسان ها شناسانده شود، شاید بتوان به داشتن جوامعی دور از خشونت، آسیب ها و جنگ، سازگاری و پایداری شخصیت نیکو در فرزندان را امیدوار بود (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۷). بدین ترتیب آنچه در ادبیات داستانی که بر پایه مفاهیم دینی نگاشته می شود، مهم است و مشاهدات نشان می دهد پرداختن به سبک زندگی و سیره معصومین (عليه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان تا حدی مورد کم لطفی قرار گرفته و حداکثر در کتاب های مربوط به کودکان و نوجوانان در حد ضعیف به آن پرداخته شده و لازم است مورد توجه قرار گیرد. موفقیت در معرفی شخصیت های بزرگ و اثرگذار در ادبیات کودک و نوجوان به خصوص سیره رضوی که سرشار از نکات اخلاقی و تربیتی برای این گروه است، نیازمند شناسایی و تلاش به شیوه بهتر و مناسب تری براساس الگوهای علمی است. به همین دلیل، هدف اصلی این تحقیق طراحی مدل الگوواره ای غناي معرفي سیره و سيمای امام رضا (عليه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان با توجه به منابع موجود و بر اساس نظرات معلمان و متخصصان حوزه ادبیات و کودک است. در این زمینه سوالات اساسی عبارتند از:

۱. شرایط علی مدل الگوواره ای غناي معرفي سیره و سيمای امام رضا (عليه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان چیست؟

۲. شرایط زمینه‌ای مدل الگوواره‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان چیست؟
۳. شرایط مداخله‌گر مدل الگوواره‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان چیست؟
۴. راهبردهای مدل الگوواره‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان چیست؟
۵. پیامدهای مدل الگوواره‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان چیست؟

#### ۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت داستان و ادبیات داستانی کودکان برای همگان روشن است و نتایج تحقیقات علوم شناختی نشان می‌دهد که داستان و ارائه آن از مهم‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم به‌ویژه برای کودکان است (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶: ۲۳). اریکسون از داستان به‌عنوان تلقین شفاف‌بخش یاد کرده و آن را عاملی در جهت کاهش اضطراب کودک و نوجوان دانسته که باعث همسان‌سازی کودک با شخصیت‌های داستانی و سازگاری او می‌گردد (اریکسون، ۱۳۸۲: ۴۸). به همین دلیل انتخاب شخصیت و موضوع برای داستان نویسی کودکان و نوجوانان اهمیت زیادی دارد که نویسندگان ادبیات داستانی کودک و نوجوان به آن توجه داشته و همیشه سعی کرده‌اند شخصیت‌های مهم دینی، معروف و معتبر را برای نوشتن داستان خود انتخاب کنند و از این طریق بر مخاطبان خود اثر گذارند. سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) برای کودکان و نوجوانان مسلمان (اعم از شیعه و اهل سنت) و به‌خصوص ایرانیان که میزبان امام رضا (علیه السلام) هستند، یکی از مهم‌ترین منابع برای داستان نویسی در این حوزه بوده که باعث تولید آثار فراوانی در این حوزه شده است. با توجه به اینکه معرفی شایسته قهرمان داستان در ادبیات داستانی کودک و نوجوان و ارائه مناسب آن شیوه‌ای مؤثر در جهت تقویت اصلاح رفتار، الگوبرداری، سازگاری و به کارگیری شیوه درست رفتار است (Bandura, 1992: 34)، لازم است نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان که داستان‌های زندگی امام رضا (علیه السلام) و سیره و سیمای ایشان را به‌عنوان هدف خود انتخاب می‌کنند، در این زمینه تلاش و مهارت کافی را داشته باشند و از شرایط، زمینه‌ها، علل و عوامل مؤثر در این رابطه آگاه باشند. بنابراین اهمیت و ضرورت پژوهش بررسی شرایط، علل، زمینه‌ها و راهبردهای مؤثر برای دستیابی به این امر و ارائه الگوواره‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات

کودک و نوجوان در جهت اثرگذاری بیشتر آن بر کودکان و نوجوانان و موفقیت بیشتر نویسندگان این حوزه است.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

امروزه توجه به تربیت دینی و اخلاقی افراد جامعه از کودکی مورد توجه جوامع مختلف است. معرفي شخصیت‌های بزرگ دینی هم یکی از مهم‌ترین منابع در جهت معرفي الگوهای شایسته رفتاری به‌شمار می‌رود؛ به طوری که نویسندگان می‌توانند ارزش‌های بسیاری از طریق معرفي سیمای بزرگان دینی برای تربیت کودکان و نوجوانان جامعه به ارمغان آورند و باعث رشد و شکوفایی تربیت و شکل‌گیری شخصیت مناسب در آنان شوند. خانواده، مدرسه، اجتماع و رسانه‌های اطلاعاتی مانند تلویزیون و فضای مجازی از عوامل سازندگی و شکل‌گیری شخصیت کودک هستند و در میان انواع این رسانه‌ها و ابزارها، کتاب و داستان نقش مهمی دارد (امیری، ۱۳۷۳: ۲۵)؛ زیرا با داشتن قابلیت و خصوصیات خاص برای انتقال مفاهیم در ایجاد شناخت برای کودک اهمیت ویژه‌ای دارند (حسینی‌نثار، ۱۳۷۶: ۹). هنگامی که کودک با داستان و شخصیت‌های آن ارتباط برقرار کند و متن به صورت جذاب و مناسب طراحی و بیان شود، تلاش می‌کند خود را با شخصیت داستان هماهنگ سازد (خلجی، ۱۳۹۱: ۹۸)؛ بنابراین نویسندگان با معرفي شخصیت‌های بزرگ و پذیرفته شده دینی که ارزش و اعتبار بالایی در جامعه دارند، می‌توانند در روند تعلیم و تربیت اخلاقی اثری ماندگار داشته باشند.

برای انجام تحقیق درباره یک موضوع، آگاهی از تحقیقاتی که دیگران درباره موضوع انجام داده‌اند اهمیت دارد و می‌تواند راهنما و راهگشای پژوهشگر در انجام بهتر پژوهش خویش باشد و به او توانایی دقت و اطمینان بیشتر در جهت مطالعه موضوع دهد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶۶). داستان زندگی و سیره امام رضا (علیه السلام) یا به عبارتی معرفي سیمای ایشان در داستان‌ها، دست‌مایه بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان برای نگارش شده است و کتاب‌ها و داستان‌های متعددی با این هدف نوشته و تحریر شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌شکفته و نوعی (۱۴۰۰) با عنوان «ارزشیابی کتاب‌های کودک تولید شده در معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی از نگاه کودک»، با هدف ارزشیابی در زمینه محتوا، ساخت و پرداخت و تصاویر از نگاه کودک اشاره کرد که نتایج آن نشان داد کتاب «من؛ سال سبز؛ بابا» بیشترین جذابیت را برای کودکان و کتاب «ابریک و دختر دانا» کمترین انتقادات را داشته و در پژوهش کمتر اشاره‌ای به چگونگی غناي این گونه آثار شده است. در پژوهش دیگر حکم‌آبادی و دربندی (۱۳۹۲) که با هدف شناسایی و بررسی و تحلیل داستان‌های رضوی بر اساس نظریه ریخت‌شناسی پراپ انجام شده است، نتایج

نشان داد بسیاری از کارکردهای نامبرده با تفاوت‌های جزئی با داستان رضوی قابل انطباق بوده که در این پژوهش نیز کمتر اشاره‌ای به چگونگی غنای ادبیات رضوی کودک و نوجوان شده است. با وجود این، با بررسی‌های گسترده پژوهشگر در میان کتاب‌ها، مقالات، کنفرانس‌ها، نشست‌ها و همایش‌های متعدد، به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی که به ارائه الگو یا شیوه‌های غنای معرفی سیمای امام رضا (علیه السلام) بپردازد، انجام نشده است؛ در نتیجه این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از دیدگاه معلمان به‌عنوان متولیان اصلی تعلیم و تربیت رسمی در جامعه و همچنین متخصصان حوزه ادبیات و کودک به ارائه الگوواره‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان بپردازد و الگوی موضوع نامبرده را ارائه کند.

### ۱-۳. روش پژوهش

روش‌شناسی یعنی مستندسازی راه طی شده در پژوهش (پورعزت، ۱۳۹۳: ۳) و مربوط به منطق پژوهش است که چگونه دانش خود را ارزشیابی کنیم (ایمان، ۱۳۹۱: ۵۴). با توجه به موضوع، پژوهش به روش کیفی انجام شده است و از نظر جهت‌گیری توسعه‌ای و از نظر هدف اکتشافی است. استراتژی استفاده شده در آن نظریه داده‌بنیاد بوده که برای تهیه الگوی نهایی از ساختار و شیوه الگوی پارادایمی اشتراک و کوربین استفاده شده است. آنچنان که اشتراک و کوربین معتقد هستند روش‌های کیفی برای کشف جزئیات از امور و پدیده‌های حساس مانند احساس، فرایندهای ذهنی، ارزش‌ها یا اموری که می‌خواهیم فهم جدیدی از آن‌ها به دست آوریم و آگاهی از آن‌ها با شیوه‌های متعارف پژوهشی دشوار است، به کار می‌رود (اشتراک و کوربین، ۱۴۰۱: ۳۳).

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، شیوه‌ای نظام‌مند و کیفی برای تولید نظریه‌ای طی یک فرایند کنش یا برهم‌کنش درباره یک موضوع واقعی در سطح مفهوم کلی است (Creswell, 2005: 396). به همین دلیل نظریه در طول تحقیق رشد می‌کند و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (Strauss, 1987: 168).

با توجه به اینکه هدف پژوهش ارائه الگوواره‌ای غنای معرفی سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان است، برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از مصاحبه با معلمان و متخصصان حوزه تخصصی ادبیات و کودک که معیار ورود آن‌ها به پژوهش داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، آشنایی با ادبیات داستانی، خواندن چند کتاب از داستان‌های امام رضا (علیه السلام) که برای کودکان نوشته شده است و رضایت برای شرکت در پژوهش

بود. برای دریافت اطلاعات از پرسش‌های بازپاسخ، گفت‌وگوها و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. بدین صورت که ابتدا با توجه به ادبیات تحقیق، سوالات مصاحبه در راستای غنائی معرفی سیمای امام رضا (علیه السلام) برای کودکان تدوین شد. در مصاحبه از افراد شرکت کننده در پژوهش پرسیده می‌شود: «مهم‌ترین شرایط برای غنائی معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) برای کودکان با توجه به داستان‌ها چیست؟ زمینه‌های مورد نیاز برای این پدیده چیست؟ چه مواردی تعارض دارد و چرا؟» در ادامه سوالات و گفت‌وگو به سمت دریافت نظرات فرد مصاحبه شونده درباره سایر شرایط و راهبردهای انجام این امر هدایت شد. بدین ترتیب برای دستیابی به فهمی اکتشاف گونه از موضوع پژوهش از رویکرد کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای و مدل پارادایمی استفاده شد (افشانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶).

در مدل پارادایمی رویکرد اشتراک و کوربین هر طبقه با بررسی شرایط علی (عوامل زمینه‌ساز وقوع پدیده)، شرایط زمینه‌ای (شرایط کلی و مربوط به محیط کلان)، شرایط مداخله‌گر (شرایط مداخله‌کننده و تسهیل‌گر) و راهبردها و استراتژی‌های لازم که از پدیده مرکزی نشئت می‌گیرند، پیامدها و نتیجه پدیده مد نظر ارائه می‌شود (Strauss and Corbin, 1990). برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز و تحلیل خط به خط گزاره‌ها و توسعه مفاهیم تا رسیدن به سطح بالاتری از انتزاع و کدگذاری محوری و گزینشی استفاده می‌گردد. در این روش صحت و قابلیت اعتماد پژوهش با رعایت چهار معیار «اعتبارپذیری»، «انتقال‌پذیری»، «قابل اطمینان» و «تأییدپذیری» تضمین می‌شود (حریری، ۱۳۸۵: ۷۵-۶۴).

بدین ترتیب در این پژوهش داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد. بدین صورت که در کدگذاری باز تمام کلمات یا جملات مورد توجه بودند که با حذف کدهای مشابه تعداد ۱۶۲ مفهوم جمع‌بندی شد. در مرحله کدگذاری محوری ۵۵ مقوله فرعی از میان مفاهیم استخراج و تمام مقولات فرعی در قالب ۱۸ مضمون اصلی جمع‌بندی و سازمان‌دهی شد. در مرحله پایانی بر اساس مقولات اصلی، مقوله هسته اصلی پژوهش یعنی «غنائی معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان» که جنبه انتزاعی تری دارد، بر ساخت گردید.

### ۱-۳-۱. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان و متخصصان حوزه کودک و ادبیات شهر قم در سال ۱۴۰۰ بودند. انتخاب نمونه و افراد مورد مصاحبه در تحقیق کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مد نظر انجام می‌شود. به همین دلیل نمونه پژوهش یا مشارکت‌کنندگان انتخاب یا دعوت می‌گردند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۹). به منظور غنائی نتایج پژوهش، سعی

شد با افرادی که معیارهای ورود به پژوهش را دارند، مصاحبه انجام شود، بدین ترتیب شرکت کنندگان پژوهش به صورت نظری و هدفمند انتخاب شدند (نصر و همکاران، ۱۳۹۸). لذا معلمان و متخصصان حوزه کودک و ادبیات (کسانی که حاضر به شرکت در پژوهش بودند)، برای مصاحبه انتخاب شده و از آن‌ها دعوت به مصاحبه و همکاری در پژوهش به عمل آمد.

در این پژوهش با انجام ۱۰ مصاحبه با نمونه هدف، اشباع نظری مدنظر حاصل گشت و مصاحبه‌ها تا ۱۴ نفر ادامه پیدا کرد. اشباع نظری بیانگر این مطلب است که اضافه شدن مصاحبه‌های دیگر، به افزودن کدهای مفهومی جدید منجر نمی‌گردد (Given, 2016). به نحوی که مصاحبه با افراد آن قدر ادامه یافت که دیگر پاسخ‌های جدیدی به دست نیامد و به نوعی پاسخ‌ها تکرار مفاهیم و مطالب قبلی بود (Aldiabat & Navenec, 2018). اشباع نظری معیاری برای تعیین نمونه‌ها براساس پاسخ به سوال‌های عمده تحقیق تا اشباع یافته‌ها و عدم تولید داده‌های جدیدی در فرایند گردآوری است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۳۳).

شایان ذکر است در اجرای پژوهش ملاحظات اخلاقی چون: ۱. محفوظ بودن حق خروج از تحقیق برای هر یک از شرکت کنندگان، ۲. تنظیم زمان مصاحبه بنا به تحمل شرکت کنندگان، ۳. نبود هیچ گونه آسیب جسمی و روانی برای شرکت در مطالعه و ۴. تمامی داده‌ها، فایل‌های صوتی، دست نوشته‌ها و یادداشت‌های عرصه نام مشارکت کنندگان با اسامی مستعار مشخص خواهد شد (فرودی و حجازی، ۱۳۹۹: ۱۰۲) مد نظر قرار گرفت.

در جدول ۱ مشخصات افراد شرکت کننده در پژوهش آمده است.

جدول ۱: مشخصات شرکت کنندگان پژوهش

ردیف	نام مستعار	سن	جنس	تحصیلات	سابقه کاری	شغل
۱	سجاد	۳۲	مرد	لیسانس	۱۰	معلم
۲	رضا	۳۴	مرد	فوق لیسانس	۱۲	معلم
۳	نجمه	۴۱	زن	دکتری	۱۸	استاد دانشگاه
۴	کریم	۳۸	مرد	حوزوی	۱۳	مدرس حوزه و دانشگاه
۵	سارا	۳۹	زن	فوق لیسانس	۱۴	مشاور
۶	حجت	۳۳	مرد	لیسانس	۱۱	معلم

۷	حمیده	۴۰	زن	فوق لیسانس	۱۶	رئیس مهد کودک
۸	علیرضا	۳۵	مرد	فوق لیسانس	۱۰	معلم
۹	حسنعلی	۳۶	مرد	لیسانس	۱۱	معلم
۱۰	وحید	۳۳	مرد	فوق لیسانس	۱۲	مشاور
۱۱	امیر	۴۳	مرد	دکتری	۱۹	استاد دانشگاه
۱۲	هاجر	۴۲	زن	حوزوی	۲۰	مدرس حوزه و دانشگاه
۱۳	محسن	۳۷	مرد	لیسانس	۱۵	سرپرست مهد و پیش دبستان
۱۴	زکیه	۴۴	زن	دکتری	۱۰	استاد دانشگاه

در جدول ۲ اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش به صورت خلاصه آمده است؛

جدول ۲: اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان پژوهش

ردیف	اطلاعات	گروه ها	تعداد	درصد
۱	سن	۳۰-۳۵	۵	٪۳۶
		۳۶-۴۰	۵	٪۳۶
		۴۱-۵۰	۴	٪۲۸
۲	جنس	مرد	۹	٪۶۴
		زن	۵	٪۳۶
۳	تحصیلات	لیسانس	۴	٪۲۸
		فوق لیسانس	۵	٪۳۶
		دکتری و حوزوی	۵	٪۳۶
۴	شغل	معلم	۵	٪۳۶
		استاد	۳	٪۲۲
		مدرس حوزه و دانشگاه	۲	٪۱۴
		مشاور	۲	٪۱۴
		کارمند مهد کودک	۲	٪۱۴

۷۱٪	۱۰	۱۰-۱۵	سابقه کاری	۵
۲۹٪	۴	۱۵ و بالاتر		

## ۲. یافته‌های پژوهش

رکن اساسی نظریه داده بنیاد کدگذاری داده‌ها و تفکیک اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها از یکدیگر است که توسط یک فرایند توصیف و بیان آن‌ها در عبارات کوتاه در جدول انجام می‌گردد و شامل سه نوع کدگذاری باز<sup>۱</sup>، کداگذاری محوری<sup>۲</sup> و کدگذاری انتخابی<sup>۳</sup> است (Strauss and Corbin, 1990).

### ۱-۲. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر

شرایط علی شرایطی هستند که زمینه ایجاد پدیده را فراهم کرده و عاملی مستقیم در شکل‌گیری آن هستند (اشتراس و کوربین، ۱۴۰۱: ۱۵۳). بر اساس نظر معلمان و متخصصان شرایط علی در غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان در چهار محور اصلی «امام رضا (علیه السلام) و کودکان»، «مصدق‌های مهربانی امام رضا (علیه السلام)»، «تخصص‌گرایی» و «خلاقیت محوری» هستند. بدین ترتیب بیان ارتباط امام رضا (علیه السلام) و مهربانی ایشان نسبت به کودکان همراه با تهیه متون تخصصی برای کودکان و بهره‌مندی از متخصصان این حوزه همراه با خلاقیت می‌تواند زمینه غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) را سرعت و سهولت بیشتری ببخشد. برخی نظرات آن‌ها در ذیل مضمون‌های اصلی عبارت بود از:

- به نظر من باید در معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) برای کودکان باید بر نکاتی تأکید شود که بیشتر مرتبط با کودکان و نوجوانان باشد، مثلاً مانند برخورد امام با کودکان و نوجوانان (پاسخگوی ۵).

- در کتاب‌های داستانی کودکان و نوجوانان که درباره امام رضا (علیه السلام) تهیه می‌شود، باید ابتدا مهربانی و نحوه رفتار این امام بزرگوار با خانواده‌اش و اطرافیان خیلی با دقت و ریزبینی و با زبان کودکانه برای این گروه گفته شود تا سیره و سیمای رضوی بهتر شناسانده شود (پاسخگوی ۷).

- باید تخصص‌گرایی داشته باشم، یعنی کسی که برای نوشتن داستان‌های زندگی امام رضا (علیه السلام)

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding

برای كودكان قرار است كار كند، هم در تاريخ زندگاني امام (عليه السلام) تبحر و علم كافي داشته باشد و هم در زمينه ادبيات كودك و نوجوان (پاسخگوي ۳).

- امروز عصر فناوري است و براي اينكه بتونيم در معرفي شخصيت هاي بزرگ در داستان ها و متون نوشتاري موفق باشيم، لازمه اش اين است كه از فناوري هاي نوين بهره بگيريم و سعي كنيم نوآوري داشته باشيم (پاسخگوي ۱۳).

**جدول ۳: شرايط علي غناي معرفي سيره و سيماي امام رضا (عليه السلام) در ادبيات كودك و نوجوان**

	مضمون هاي اصلي	مفاهيم
شرايط علي	امام رضا (عليه السلام) و كودكان	نحوه رفتار امام رضا (عليه السلام) با كودكان
		آشنائي كودكان با امام رضا (عليه السلام)
		بيان داستان كودكي و نوجواني امام رضا (عليه السلام)
		توجه به كاركردهاي مهرباني امام رضا (عليه السلام)
	مهرباني امام رضا (عليه السلام)	بازگويي رفتار امام رضا (عليه السلام) با دشمنان - كاريزماي امام رضا (عليه السلام)
		بازگويي رفتار امام رضا (عليه السلام) با غلامان و زيردستان
		بازگويي مهرباني و رفتار امام رضا (عليه السلام) با خانواده و فرزندان
	تخصص گرايي	استفاده از نويسندگان متخصص تاريخ و ادبيات
		مدبريت و بررسي داستان هاي نوشته شده
	خلاقيت محوري	داستان هاي كوتاه راينه اي - استفاده از فناوري هاي جديد
		ساختن ارزش هاي نمادين از سيره و سيماي رضوي
		دور نشدن از سنت ها - داشتن سادگي متعادل

در مقوله شرايط زمينه اي كه كلي و مربوط به محيط كلان هستند، مضمون هاي اصلي «برنامه ريزي و مدبريت»، «محدوديت ها»، «جو فرهنگي و اجتماعي و «فرهنگ سازي» استخراج

شد. بدون تردید انجام کارها از روی برنامه و داشتن هدف با توجه به شرایط موجود و جو حاکم بر زمان و مکان جامعه می‌تواند در غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) اثرگذار و راهگشا باشد. برخی نظرات مصاحبه شونده‌گان عبارت بود از؛

- برای هرکاری و موفقیت در هر زمینه‌ای داشتن هدف و برنامه مهم است. برای رسیدن به این هدف که بتوانیم سیمای امام رضا (علیه السلام) را به خوبی و با موفقیت به کودکان و نوجوانان معرفی و انتقال دهیم، لازم است برنامه داشته باشیم. مثلاً اول از همه نیازسنجی کنیم در میان کودکان و از علاقه‌های آن‌ها و اینکه چه نوع بیان و زبان و یا حتی نقاشی و تصویری را دوست دارند، آگاه شویم (پاسخگوی ۱۴).

- برای اینکه بتوانیم در کار ادبیات رضوی موفق شویم (همین موفقیت و رشد در معرفی امام رضا (علیه السلام) و الگوگیری از ایشان در میان کودکان) باید محدودیت‌ها و موانع را برداریم. چیزهایی مثل ناآگاهی خانواده‌ها در اهمیت قصه و داستان برای رشد کودک، کمبود منابع مالی و دادن بن برای چنین کتاب‌هایی... (پاسخگوی ۱۰).

- به نظر من چون کودک با تصاویر و نقاشی ارتباط بهتری برقرار می‌کند، باید کتاب‌های اینچنینی دارای تصاویر زیاد و جذاب و متناسب باشد و از نقاشان و هنرمندان چیره‌دست برای این کار استفاده کرد (پاسخگوی ۱۳).

- باید قصه‌های رضوی را «برند» کنیم. یعنی کتاب‌ها و داستان‌های ایشان را به بهترین شیوه طراحی و تبلیغ کنیم. کاری انجام دهیم که واقعاً بچه‌هایمان خودشان دنبال شناخت سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) باشند و با ذوق و شوق از ایشان الگو بگیرند (پاسخگوی ۱۱).

#### جدول ۴: شرایط زمینه‌ای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان

	مضمون‌های اصلی	مفاهیم
شرایط زمینه‌ای	برنامه‌ریزی و مدیریت	سنجش نیازهای کودکان در ابعاد زبانی و بیانی
		کنترل و مدیریت تولیدات داستانی دینی برای کودکان
		تأمین منابع مالی و علمی و عملیاتی
		توسعه هم‌اندیشی در این زمینه ادبیات داستانی کودکان

شرایط زمینه‌ای	محدودیت‌ها	نقص در حمایت از فعالان ادبیات داستانی کودکان
		کمبود منابع و امکانات - ناآگاهی خانواده‌ها
		کمبود علم و اطلاعات نویسندگان - خوانندگان
	جو فرهنگی - اجتماعی	اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی
		تغییر و تعدیل اهداف و ارزش‌ها
		تهیه کتاب‌های فقط مصور
	فرهنگ‌سازی	القای لذت کتاب خوانی
		برندسازی داستان‌های رضوی

در ادامه تحلیل‌ها برای شرایط مداخله‌گر ۴ مضمون اصلی «نگرش مسئولان ارشد»، «نارسایی در تخصیص بودجه»، «کمبود تحقیقات لازم» و «ارزیابی عملکرد نویسنده و ناشر» شناسایی شد. شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که باعث تسهیل پدیده مد نظر می‌شوند و قادرند آن را کندتر یا تندتر کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

برخی از نظرات پاسخگویان درباره شرایط مداخله‌گر عبارت بود از:

- من عقیده دارم برای معرفی بهتر سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) لازم است مسئولان ارشد ورده بالا آگاهی و نگرش خودشان را به اهمیت و جایگاه داستان و قصه برای تعلیم و تربیت تغییر و اصلاح کنند. حتی با قرار دادن مشوق‌های مادی و معنوی، نویسندگان را به تهیه بهترین داستان‌ها از سیره رضوی تشویق کنند (پاسخگوی ۴).

- فضای مجازی که دارد با کتاب‌خوانی مقابله می‌کند، بهتر است که در خدمت کتاب‌خوانی و معرفی کتب داستانی قرار بگیرد. با فضای مجازی هم می‌شود کتاب‌ها را علاوه بر معرفی، مورد استقبال قرار داد و حتی کتاب‌های صوتی با صداهای جذاب و دلنشین یا حتی صوتی تصویری برای کودکان تدارک دید تا از این طریق هم معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) را بهتر کرد (پاسخگوی ۹).

- برای موفقیت داستان‌نویسی با چنین موضوعاتی بهتر است عملکرد نویسنده و ناشر را تحت نظر داشته باشیم. همین که ناشر و نویسنده بدانند توسط مقام بالاتر رصد می‌شوند، سعی

می‌کنند تا کار خودشان را بهتر انجام دهند و عیب و ایرادات را کمتر کنند و همین می‌تواند در غنابخشی معرفی امام رضا (علیه السلام) دخیل باشد (پاسخگوی ۸).

### جدول شماره ۵: شرایط مداخله‌گر غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان

	مضمون‌های اصلی	مفاهیم
شرایط مداخله‌گر	نگرش مسئولان ارشد	اهمیت داستان دینی در تربیت اخلاقی و معنوی
		توجه و حمایت از نویسندگان موفق داستان‌های رضوی
		پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیران و مسئولان
	نارسایی در تخصیص بودجه لازم	قدرت خرید پایین افراد - کمبود بن کتاب
		سرانه مصرف کتاب و ادبیات داستانی
		هژمونی رسانه‌ها مجازی بر کتاب
	کمبود تحقیقات لازم	بهبود سازی بودجه‌های تحقیقاتی در عین ناکافی بودن
		کمبود تحقیقات علمی و اقدام عملی و متناسب در این زمینه
		بررسی و ارزیابی عملکرد نویسندگان و ناشران
	ارزیابی عملکرد نویسنده و ناشر	ارتباط تخصص، رشته و زمینه کاری

### ۲-۲. راهبردها

راهبردها اقدامات مثبت و منفی هستند که حالت ایجابی و سلبی داشته و هدف آن‌ها اداره کردن، به هدف رساندن و حساسیت‌های نسبت به پدیده است (اشتراس و کوربین، ۱۴۰۱: ۱۵۵). در این پژوهش از دیدگاه متخصصان برای غنابخشیدن به معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان چهار راهبرد اصلی در مضامین «رشد علمی و تخصصی نویسندگان»، «هویت‌بخشی دینی به فرزندان»، «تمایلات کودکان» و «مشوق‌ها» شناسایی شد. به باور بیشتر متخصصان آنچه برای دستیابی به غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) مهم و کارساز است، آشنایی با کودکان و نوجوانان و تخصص و مهارت در تهیه آثار برای آنان است. مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند:

- اگر بتوانيم نويسندگان کودک و نوجوان بتوانند متناسب با نيازهاي بچه‌ها و شرايط محيطي و زماني جامعه علم و اطلاعات خودشان را بالا ببرند، به خوبي مي‌توانند در کارشان موفق شوند و با برگزاري کارگاه‌ها و شرکت در جلسات علمي و به‌روز خودشان را ارتقا بدهند و بتوانند از علم و تخصص بيشتري که کسب مي‌کنند در راستاي معرفي بهتر امام رضا (عليه السلام) به بچه‌ها استفاده کنند (پاسخگوي ۲).

- اگر بتوانيم از طريق داستان شخصيت‌هاي بزرگ ديني و به‌خصوص امامان شيعه (عليه السلام) را به بچه‌ها معرفي کنيم و آن‌ها را علاقه‌مند کنيم، خودشان دنبال شناخت بهتر و منابع جذاب و علمي‌تر خواهند رفت و توقعاتشان از نويسنده‌ها بالاتر مي‌رود و نويسنده‌ها مجبورند تا کارشان رو بهتر کنند (پاسخگوي ۱۰).

- ايجاد مشوق راهکار و استراتژي مهمي است که مي‌تواند هم براي نويسنده و هم خوانندگان کتاب‌ها براي اينکه موفق‌تر عمل کنند، به کار برده شود. وقتي نويسنده بداند در معرفي سيره و سيمای امام رضا (عليه السلام) موفق شود، جايزه و تقدير مناسب مي‌شود، مسلماً سعي مي‌کند تا اين کار را بهتر انجام دهد و سيره و سيمای امام رضا (عليه السلام) را با شيوه‌هاي بهتري به مخاطب خودش بشناساند (پاسخگوي ۱).

جدول شماره ۶: راهبردهای مؤثر در غناي معرفي سيره و سيمای امام رضا (عليه السلام) در ادبيات کودک و نوجوان

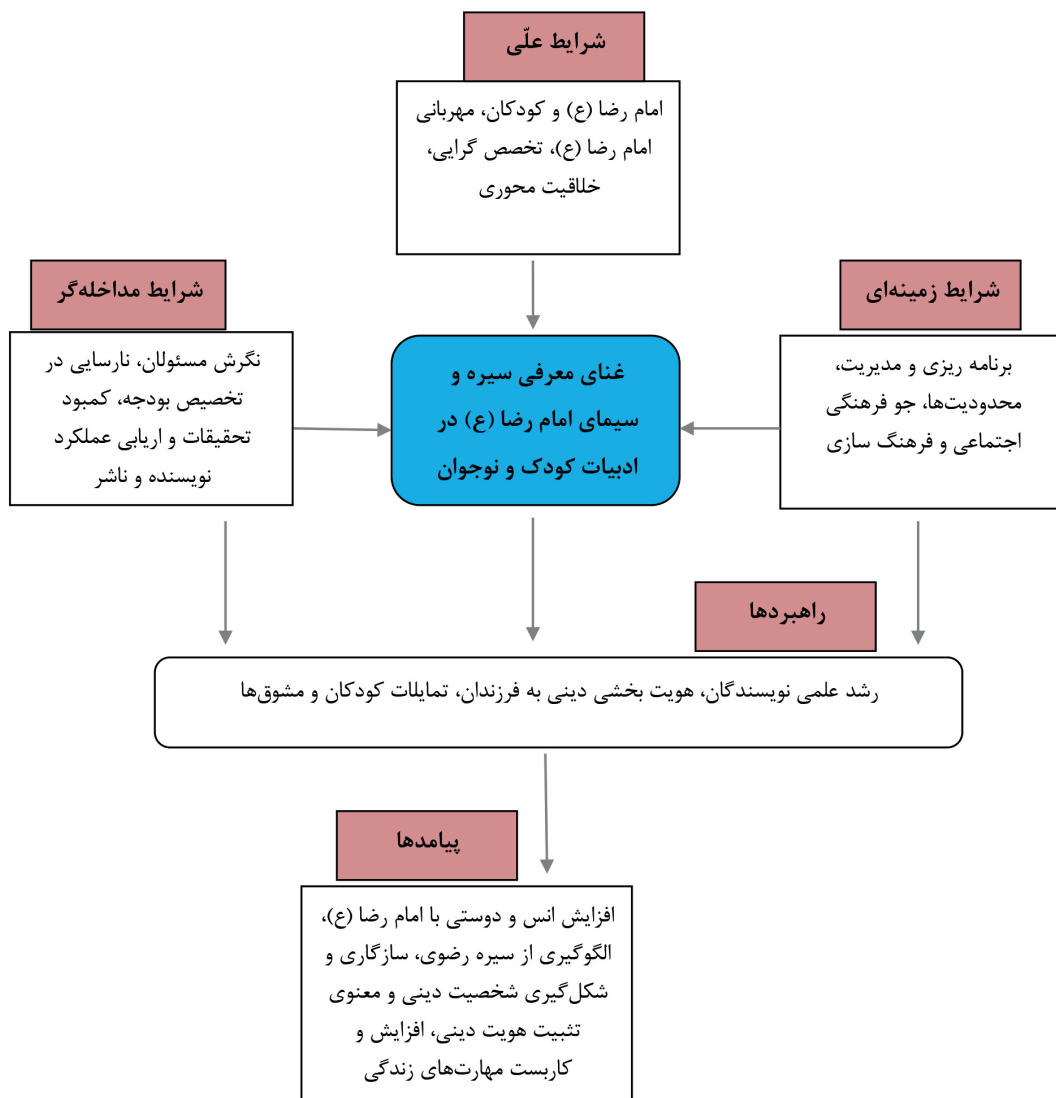
	مضمون‌های اصلی	مفاهيم
راهبردها	رشد علمي نويسندگان	برگزاري کارگاه‌هاي علمي و تخصصي براي نويسندگان
		تقويت ابعاد تاريخي و ادبي نويسندگان
		ايجاد و فعال کردن مراکز تخصصي نويسندگان کودک
	هويت بخشي ديني به فرزندان	ميل به شناخت شخصيت‌هاي مهم ديني و مذهبي
		اعتبار بخشي به هويت ديني در فرزندان
	تمايلات کودکان	ميل به دانش و انديشه و آموختن
		علاقه مندي به تصاوير، عکس و نقاشي
		معرفي و برگزاري نمايشگاه‌هاي همسو
	مشوق‌ها	مشوق براي نويسندگان و تصويرگران کتب رضوي
		مشوق براي خوانندگان کتب رضوي
		شناخت و تقدير برترين‌هاي ادبيات کودک و نوجوان رضوي

## ۲-۳. پیامدها

پیامدها حاصل راهبردها هستند که دو مضمون «پیامدهای اولیه» و «پیامدهای ثانویه» شکل گرفتند. پیامدهای اولیه می‌تواند این باشد که پیامدهای اولیه شامل؛ افزایش انس و دوستی کودکان با امام رضا (علیه السلام)، الگوگیری از سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) و سازگاری و شکل‌گیری شخصیت دینی و معنوی در میان کودکان و نوجوانان است. این امور باعث تثبیت هویت دینی، افزایش مهارت‌های زندگی و کاربست این مهارت‌ها به عنوان پیامدهای ثانویه می‌شوند.

## جدول شماره ۷- پیامدهای غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان

	مضمون‌های اصلی	مفاهیم
پیامدها	پیامدهای اولیه	افزایش انس و دوستی با امام رضا (علیه السلام)
		الگوگیری از سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام)
		سازگاری و شکل‌گیری شخصیت دینی، معنوی
	پیامدهای ثانویه	تثبیت هویت دینی
		افزایش مهارت‌های زندگی
		کاربست مهارت‌ها در زندگی



شکل ۱: مدل الگوواره‌ای غنای معرفتی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات کودک و نوجوان

### ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع الگوبخش به زندگی مسلمانان و به‌خصوص شیعیان است که توسط رسانه‌های مختلف و از جمله کتاب‌ها و داستان‌ها برای گروه‌های مختلف و به‌ویژه کودکان و نوجوانان معرفی می‌شود و استفاده از شیوه‌های نوین و کاربست ایده‌های مختلف می‌تواند غنای معرفی آن را توسط نویسندگان و شکل‌گیری الگوی مناسب این امر را به همراه داشته باشد. از این رو هدف اصلی این پژوهش طراحی الگوواره‌های غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان از دیدگاه معلمان به‌عنوان متولیان اصلی امر تعلیم و تربیت و متخصصان حوزه ادبیات و کودک در شهر قم بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختار یافته با نمونه مد نظر به شکل‌گیری ۱۶۲ مفهوم اولیه منجر شد که با گزینش، ترکیب و تعدیل مفاهیم یکسان ۵۵ مفهوم اصلی باقی ماند. این مفاهیم در قالب ۱۸ مضمون اصلی (امام رضا (علیه السلام) و کودکان، مهربانی امام رضا (علیه السلام)، تخصص‌گرایی، خلاقیت‌محوری، برنامه‌ریزی و مدیریت، محدودیت‌ها، جو فرهنگی اجتماعی و فرهنگ‌سازی، نگرش مسئولان، نارسایی در تخصیص بودجه، کمبود تحقیقات و ارزیابی عملکرد نویسنده و ناشر، رشد علمی نویسندگان، هویت‌بخشی دینی به فرزندان، تمایلات کودکان و مشوق‌ها، افزایش انس و دوستی با امام رضا (علیه السلام)، الگوگیری از سیره رضوی، سازگاری و شکل‌گیری شخصیت دینی و معنوی، تشبیت هویت دینی، افزایش و کاربست مهارت‌های زندگی) سازمان‌دهی شدند. سرانجام ایده مرکزی پژوهش یعنی «غنای معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان» شکل گرفت که نسبت به مقولات محوری و گزینشی از سطح انتزاع و جامعیت بالاتری برخوردار است. هسته پژوهش بیانگر این مطلب است که غنای ادبیات داستانی کودک و نوجوان درباره امام رضا (علیه السلام) صرفاً به معنای افزایش کمیت آثار تولید شده و استفاده بیشتر از آنان نیست، بلکه بدین معناست که بتوان با ایده غنابخشی به معرفی سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان، زمینه رشد و تعالی شخصیت، سازگاری و هویت دینی و معنوی فرزندان را فراهم کرد تا علاوه بر شناخت عمیق از فرهنگ، سیره و سیمای رضوی، کودکان و نوجوانان در آینده مهارت‌ها و سبک زندگی خود را براساس آن طراحی و تعدیل بخشند. بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده بودند که ضرورت دارد سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) از کودکی به‌خوبی معرفی و شناسانده شود و این سرمایه عظیم و گران‌بها در میان فرزندان ایران نهادینه گردد و در تمام مراحل زندگی مورد استناد و استفاده باشد.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت همان‌طور که رویکرد یادگیری و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها از طریق داستان تصریح کرده است، علاقه‌مندی کودکان و نوجوانان از طریق غنابخشی

به معرفي سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) بسیار مهم است؛ زیرا با این امر بسترسازی تدریجی برای افزایش انس و دوستی با امام رضا (علیه السلام) و الگوگیری از شخصیت ایشان در امور زندگی از دوران کودکی شکل گرفته و با سازگاری و تثبیت هویت دینی و معنوی استمرار پیدا می کند. اگرچه ممکن است در سال های اولیه کار بست مهارت های آموخته شده در زندگی کودک و نوجوان کمتر اتفاق افتد، ولی این امر باعث علاقه مندی بیشتر آنان و تعالی سبک و شیوه زندگی شان در جوانی و بزرگسالی است. به باور برخی از مشارکت کنندگان پژوهش خواندن داستان های مهربانی امام رضا (علیه السلام) با کودکان و یا هدیه دادن کتاب های مصور درباره سبک زندگی رضوی به کودکان عامل مهمی در هویت یابی دینی آنان در آینده است.

بر اساس رویکرد شناختی عاطفی، غناسازی معرفي امام رضا (علیه السلام) در داستان های ادبیات کودک و نوجوان باید در سطوح مختلف دانشی، نگرشی، عاطفی و شخصیتی متمرکز باشد (Otuya et al., 2013)؛ بنابراین دوره کودکی و نوجوانی و ارائه اطلاعات صحیح و جذاب از شخصیت های بزرگ و از جمله امام رضا (علیه السلام) بهترین زمان و داستان بهترین شیوه در شکل دادن منش رضوی در زمینه هویت دینی و معنوی است.

بدین ترتیب اهمیت ادبیات داستانی دینی و از جمله ادبیات داستانی رضوی، در شکل گیری شخصیت و هویت دینی و معنوی کودکان و نوجوانان نباید نادیده گرفته شود؛ این امر مستلزم بازنگری در شیوه های معرفي و داستان نویسی درباره سیره و سیمای رضوی برای کودکان و نوجوانان و غنابخشی به این معرفي در جهت دستیابی به مهارت ها و الگوهای رفتاری پسندیده است. چنان که بسیاری از مصاحبه شوندهگان نیز به این نکته اشاره داشتند و مطرح کردند که داستان ها و کتب تهیه شده درباره سبک زندگی و سیره امام رضا (علیه السلام) نیازمند یک بازنگری و تغییر در ساختار، شکل و محتوای ظاهری و باطنی است.

لذا در راستای غنابخشی به معرفي سیره و سیمای امام رضا (علیه السلام) در ادبیات داستانی کودک و نوجوان در میان سایر شیوه های موجود، پیشنهاد می شد که متخصصان و سرآمدان علمی و دینی مذهبی کشور و به خصوص متخصصان ادبیات دینی و رضوی با برگزاری جلسات هم اندیشی و طراحی الگوهای کارآمد و تأیید شده از شیوه معرفي امام رضا (علیه السلام) با در نظر گرفتن شرایط جهان امروز، امکانات، خصوصیات کودکان و نوجوانان و منابع متعدد هویتی، بر ترویج و غنای معرفي امام رضا (علیه السلام) از طریق آموزش و با کمک رسانه های جمعی - مجازی، تبلیغات مؤثر و مثبت، زمینه را برای غنای بیشتر این امر فراهم سازند و مسیر دستیابی به معرفت و اتخاذ سبک زندگی رضوی از کودکی و نوجوانی را هموار کنند.

## منابع و مأخذ

- اریکسون، میلتن. (۱۳۸۲). **قصه در مانی**. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: دایره.
- اسکندری، حسین؛ کبانی، ژاله. (۱۳۸۶). «تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسشگری دانش‌آموزان». **مطالعات برنامه درسی**. سال دوم، شماره ۷. صص: ۲۰-۲۶.
- اشتراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۴۰۱). **مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**. ترجمه ابراهیم افشار. چاپ دهم. تهران: نشر نی.
- افشاری، لیلی؛ باقری، علیرضا. (۱۳۹۱). «بازخوانی روایی در اخلاق: روشی در آموزش مفاهیم اخلاق پزشکی». **اخلاق و تاریخ پزشکی**. سال ۵، شماره ۵. صص: ۱۰-۱۸.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ روحانی، علی؛ نعیمی، نگین. (۱۳۹۸). «پروفایل‌های داغ دیده مطالعه‌ای کیفی از بازنمایی فقدان در میان زنان داغ‌دیده یزدی». **توسعه مطالعات اجتماعی- فرهنگی**. دوره ۸، شماره ۲. صص: ۳۴-۹.
- امیری، فاطمه. (۱۳۷۳). «چگونگی رشد و تطور ادبیات کودکان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی». **مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی**. تهران. ۳-۵ دی ماه.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). **فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بختیاری، حسن. (۱۳۹۰). «آموزش دینی زنان مقدمه تربیت دینی فرزندان: مطالعه موردی زنان شهر تهران». **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**. دوره جدید. شماره ۱۳. صص: ۱۲-۲۶.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۳). **درآمدی بر روش پژوهش علمی- فراگرد تدوین رساله پژوهشی و دفاع از آن**. تهران: میدانچی.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۴). **ادبیات کودک و نوجوان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها**. تهران: روشنگران.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم تحقیقات).
- حسینی‌نثار، حسین. (۱۳۷۹). «انقلاب اسلامی در آینه داستان‌های کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷». **پایان‌نامه ارشد رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی**. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حکیمی، محمود؛ کاموس، مهدی. (۱۳۸۲). **مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان**. جلد سوم. تهران: آرن.
- خلجی، حسن. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر تربیتی قصه‌های قرآنی در تربیت دینی کودکان». **پژوهشنامه تربیتی تبلیغی**. دوره ۱، شماره اول. صص: ۹۷-۱۱۶.
- خواججه‌نوری، بیژن؛ زاهدی، سعید. (۱۳۸۴). **جنبش زنان در ایران**. شیراز: مرغ سلیمان.
- رشتچی، مرزگان. (۱۳۸۹). «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر». **مجله تفکر و کودک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**. سال اول، شماره دوم. صص: ۳۷-۳.
- رنجبر، هادی؛ حق دوست، علی اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نیسیم. (۱۳۹۱). «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع». **علوم پیرا پزشکی و بهداشت نظامی**. دوره ۱۰، شماره ۳۹. صص: ۲۳۸-۲۵۰.
- سیگر، لیندا. (۱۳۷۴). **خلق شخصیت‌های ماندگار**. ترجمه عباس اکبری. تهران: مرکز گسترش سینمای تجربی.

علی پور، محمدعلی. (۱۳۷۹). *آشنایی با ادبیات کودکان*. تهران: تیرگان.

فرودی، مریم؛ حجازی، رضوان (۱۳۹۹). «ارائه الگوی مفهومی مدیریت سود مبتنی بر روش نظریه داده بنیاد چندوجهی»، *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۹۵-۱۲۰.

محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). «تحلیل جامعه شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب های اجتماعی». *نظم و امنیت انتظامی*. شماره ۴. سال دوم. زمستان ۱۳۸۸. صص: ۱-۲۵.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۵). *روش تحقیق کیفی در مکاتبات تفسیری*. تهران: اطلاعات.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، مراحل و رویه های علمی در روش شناسی کیفی*. جلد دوم. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

محمدی، مهدی؛ فریدون، آزاده؛ باب الحوائجی، فهیمه. (۱۳۸۹). «نقش ادبیات در شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان با تأکید بر گرایش های دینی و اخلاقی». *تربیت اسلامی*. سال ۵. شماره ۱۰. صص: ۱۰۱-۱۲۱.

منوریان، عباس؛ پیوسته، اکبر؛ واعظی، سیدکمال؛ خوش چهره، محمد. (۱۳۹۶). «طراحی مدل به کارگیری نخبگان علمی در محیط های دانشگاهی کشور (مطالعه موردی اساتید دانشگاه تهران)». *مدیریت دولتی دانشگاه تهران*. دوره ۹. شماره ۳. صص: ۴۶۳-۴۸۸.

میری کرمانشاهی، مهرانگیز. (۱۳۸۳). «سیر موضوعی ترجمه در کتاب های داستانی کودکان و نوجوانان سال های ۱۳۷۱-۱۳۸۰». *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم کتابداری و اطلاع رسانی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

نصر، محمدعلی؛ خواجوی، شکراله؛ عباسیان، عزت اله؛ آقایی، محمدعلی. (۱۳۹۸). «طراحی چارچوب کنترل کیفیت برای مؤسسات حسابرسی و نهاد ناظر در ایران به روش نظریه داده بنیاد چند وجهی». *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*. شماره ۳۰. سال ۸. صص: ۱۴۹-۱۷۴.

## References

- Afshani, A., Rouhani, A., Naimi, N (2018). «Dagh-deed profiles, a qualitative study of the representation of loss among Yazdi-dagh-deed women», *Socio-Cultural Studies Development Quarterly*, Volume 8, Number 2, pp. 9-34. [In Persian].
- Afshari, L; Bagheri, A (2012). «Narrative reading in ethics: a method in teaching medical ethics concepts», *Iranian Journal of Medical Ethics and History*, year 5, number 5, pp. 10-18. [In Persian].
- Aldiabat, K. M., & Navenec, L. (2018). Data saturation: The mysterious step in grounded theory method. *The Qualitative Report*, 23(1), 245-261.
- Alipour, M. A (2000). *Familiarity with children's literature*, Tehran, Tirgan. [In Persian]
- Amiri, F (1994). «How the growth and development of children's literature after the victory of the Islamic Revolution», a collection of papers of the Islamic Revolution Literature Review Seminar, Tehran, January 3-5. [In Persian].
- Bakhtiari, H (2012). «Religious education of women, an introduction to the religious education of children: a case study of women in Tehran», *Journal of Research in Islamic Education and Training*, New Period, No. 13, pp. 12-26. [In Persian].

- Bandura, A. (1992). *Human agency in social cognitive theory*, New York: W.H. Freeman.
- Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition), Boston: Pearson Publication.
- Erickson, M (2012). *Tale therapy*, translated by Mehdi Karache-Daghi, Tehran: Circle. [In Persian]
- Eskandari, H., Kiani, J (2006). «The effect of stories on increasing students' philosophizing and questioning skills», *Curriculum Studies Quarterly*, second year, number 7, pp. 20-26. [In Persian].
- Farudi, M., Hijazi, R (2019). «Presentation of the conceptual model of profit management based on multifaceted foundation data theory method», *financial accounting and auditing research*, year 12, number 48, pp. 120-95. [In Persian]
- Given, L. M. (2015). *100 questions (and answers) about qualitative research*. SAGE.
- Hakimi, M & Kamos, M (2012). *Basics of literature for children and teenagers*, third volume, Tehran: Aron. [In Persian]
- Hariri, N (2015). *Principles and methods of qualitative research*, first edition, Tehran: Islamic Azad University (Research Sciences Unit). [In Persian]
- Hijazi, B (1995). *Literature for children and teenagers, characteristics and aspects*, Tehran: Roshangan. [In Persian]
- HosseiniNisar, H (2000). «Islamic revolution in the mirror of children's and teenagers' stories from 1357 to 1377», master's thesis in the field of library and information sciences, Tehran: Islamic Azad University, Department of Science and Research. [In Persian].
- Iman, M. T (2011). *Philosophy of Research Methodology in Human Sciences*, First Edition, Qom: Hozah and University Research Center. [In Persian]
- Khaje-Noori, B & Zahedi, S (2004). *Women's Movement in Iran*, Shiraz: Margh Suleiman. [In Persian]
- Khaji, H (2012). «Investigating the educational effect of Quranic stories on children's religious education», *Tablighi Educational Research Journal*, Volume 1, Number 1, pp. 116-97. [In Persian].
- Manourian, A., Continuously, A., Vaezi, K; Khoshchreh, M (2016). «Designing a model for employing scientific elites in the academic environments of the country (a case study of Tehran University professors)», *Journal of Public Administration of Tehran University*, Volume 9, Number 3, pp. 463-488. [In Persian].
- Miri Kermanshahi, M (2004). «Thematic course of translation in children's and teenagers' fiction books of 1371-1380», *Journal Master's Thesis in Library and Information Sciences*, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Department. [In Persian].
- Mohammadi, M., Fereydon, A., Bab al-Hawaeji, F (2009). «The role of literature in the formation of the personality of children and adolescents with an emphasis on religious and moral tendencies», *two scientific quarterly. Journals of Islamic education*, year 5, number 10, pp. 101-121. [In Persian].
- Mohammadpour, A (2011). *Qualitative research method, anti-method 2, steps and scientific procedures in qualitative methodology*, second volume, Tehran: Sociologists. [In Persian]
- Mohseni, R (2011). «Sociological analysis of social security and its role in reducing crime and social harm», *Quarterly Journal of Order and Security*, No. 4, second year, winter 2018, pp. 1-25. [In Persian].
- Nasr, M., Khajovi, S., Abbasian, E (2018). «Designing a quality control framework for audit

institutions and supervisory bodies in Iran using multi-faceted foundation data theory» Journal of Management Accounting and Audit Knowledge, No. 30, Year 8. [In Persian].

Otuya, R., Kibas, P., & Otuya, J. (2013). A proposed approach for teaching entrepreneurship education in Kenya. *J commitment*, 4(8): 204-209.

Pourezat, A (2014). An introduction to the method of scientific research - the process of compiling a research thesis and defending it, Tehran: Midanchi. [In Persian]

Ranjbar, H., Haq Doust, A., Salasali, M; Khoshdel, A; Soleimani, M; Bahrami, N (2011). «Sampling in Qualitative Research: A Guide to Getting Started», Journal of the University of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran Army, Volume 10, Number 3, Series 39, pp. 238-250. [In Persian].

Rashtchi, M (2010). «Children's fiction and its role in the development of thinking», Journal of Thinking and Children of Humanities and Cultural Studies Research Institute, first year, second issue, pp.37-37. [In Persian].

Seeger, L (1995). Creation of enduring characters, translated by Abbas Akbari, Tehran: Center for the Development of Experimental Cinema. [In Persian]

Strass, A & Corbin, J (2011). Fundamentals of qualitative research techniques and stages of production of grounded theory, translated by Ebrahim Afshar, second edition, Tehran: Nei. [In Persian]

Strauss, A. and Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage Publications.

Strauss, Anselm L. & Corbin, Juliet (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Sage.





## An Analysis of the Stories 'Be Like Imam Reza (A.S.)' "*Mesl-e- Imam Reza Bash*" Based on Lipman's Multi-Dimensional Thinking Theory

Khalil Baygzade<sup>1</sup> Parisa Ahmadi<sup>2</sup>

1. Associate Professor of Persian of Language and Literature, Persian literature group, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding author):

[kbaygzade@razi.ac.ir](mailto:kbaygzade@razi.ac.ir)

2. Parisa Ahmadi, PhD in Persian Language and Literature, Persian literature group, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran: [parisaahmadi66@yahoo.com](mailto:parisaahmadi66@yahoo.com)

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:**  
July 23, 2023

**In Revised Form:**  
September 25, 2023

**Accepted:**  
September 30, 2023

**Published Online:**  
December 21, 2024

Mathew Lipman proposed the Applied Philosophy for Children program as an educational program in the early 1970s, and with his effort and thought, it gradually evolved, as the acceptance of children and teachers as its audience, caused the expansion of this program in the American society and Other European, African and Asian societies. Cultivating the power of thinking and reasoning in children is Lipman's goal of the Fabak program to provide the ground for the cultivation of thoughtful, knowledgeable, goal-oriented, questioning and creative people. Stories are the tools of the Fabak program, which are written using the methods of this program to guide children and teenagers to the digging loop. Multidimensional thinking includes creative, caring, critical and collaborative thinking that Lipman and his colleagues have explained and defined to develop a questioning and challenging mind in the audience (children and teenagers). Narratives taken from the lives of religious ascetics have a valuable yield for localizing the types of thinking, the fields of concepts and philosophical and mental questions; Therefore, religious and religious narratives based on fantasy elements (wonderful and wonderful), selected characters and precious models can be a good standard in the implementation of the philosophy program for children. The current research has investigated the types of thinking in the collection of anecdotes "Be Like Imam Reza (AS)" by Hossein Mirzaei based on Lipman's multidimensional thinking with a descriptive- analytical approach. The results of the research indicate that these anecdotes are a strong stimulus for philosophical exploration and have the necessary capacity to explain philosophical and mental concepts and questions, such as the exchange of ideas and intellectual and reasoning skills or critical and creative thinking are among the most important and prominent types of thinking in the group. The stories are "Be like Imam Reza (AS)".

### Keywords

Imam Reza (AS), Razavi literature, Matthew Lipman, philosophy for children, multidimensional thinking.

Cite this The Author (s): Baygzade, Kh; Ahmadi, P. (2024). Analysis of stories Mesl- e Imam Reza Bash (AS) based on Lipman's multidimensional thinking model : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (61- 89)- [DOI:10.22034/farzv.2023.403713.1888](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.403713.1888)



## **Introduction**

Education is always changing to achieve more success and improvement and education tries to take a step towards a better future by influencing new approaches and supporting new ideas, As Matthew Lippman proposed the philosophy program for children, which wisdom (individual characteristics) and democracy (social characteristics) are its central concepts. Lippman's model emphasizes the importance of critical, creative, and caring types of thinking; That is, this program has been created to create, express, act and feel on the basis of distinction and judgment. The image of the innocents (PBUH) based on narrative literature is an important religious and religious priority in literary research. As nowadays, the description of the intellectual and educational virtues of the Imams of Athar, especially Imam Reza (a.s.) is in the focus of the authors of children's and adolescent literature, so that the audience can get an informative understanding of the image of the Prophet (a.s.); This understanding is important and prominent in the development of a child's thinking, growth and development.

## **Methodology**

The book of anecdotes "Be like Imam Reza (AS)" is based on Razavi's intellectual-cultural teachings, which can be studied with the aim of understanding creative, critical, caring and collaborative multidimensional thinking. The present research has tried to reread children's philosophical thinking ability in the studied anecdotes by relying on Lipman's multidimensional thinking and Find a suitable answer to the question that to what extent stories like Imam Reza Bash can be analyzed based on Lipman's multidimensional thinking and which type of thinking is more prominent and obvious in the studied stories.

## **Research finding**

The image of Imam Reza (a.s.) in the stories of the book Be Like Imam Reza (a.s.) is based on educational and educational attitudes for children and teenagers, which is important and necessary that the research in front of Chandi and Choni has explained the educational and educational teachings in the stories of the book such as Imam Reza (AS) based on Lipman's multidimensional thinking and their skills for the intellectual development of children and adolescents.

## **creative thinking**

Creative thinking is the basis of creation and solves difficult problems by cre-

ating a new solution, and from Lipman's point of view, thinking about how to say what is worth saying, how to make what is worth making, and how to do what is worth doing. Lippman listed logical skills, originality, imagination, independence, innovation, overview, surprise, self-transcendence and fruitfulness to understand creative thinking. The stories of "Be like Imam Reza (a.s.)" reflect the philosophical and religious curiosity of children who seek to achieve the power of imagination, accuracy and discovery of the environment; Therefore, in the stories of "Be like Imam Reza (AS)", children try to think every skill and concept in the personality structure of the shrine pigeons and force themselves to reflect. Therefore, there are creative thinking skills such as: logical skill, originality, imagination, innovation, as well as reproductive performance in the stories of "Be like Imam Reza (AS)" which this research has explained.

### **Critical thinking**

Critical thinking sees its task as judging others and encourages the child to search for the cause of events. Objectives, questions and mental accompaniment of people are read in critical thinking. The stories of "Be like Imam Reza (a.s.)" teach the audience how the moral character of a religious figure expresses the importance of knowledge with a childish language and a sweet tone. The personality of Imam Reza (a.s.) has been depicted in the stories with such characteristics as good manners, kindness, knowledge and wisdom, which shows the characteristics, understanding the differences and similarities between good and bad or right and wrong in these stories; Therefore, there are critical thinking skills such as: self-correction skills, cross-correction skills, sensitivity to the text/context, and evidence-based judgment in the stories of "Be like Imam Reza (AS)" that this research has explained.

### **Careful thinking**

Caring thinking values dialogue, thinking and accepting its consequences and is a means of cooperation with others, but it is not decision-making for others; That is, conceptualizing, understanding, paying attention to emotions and feelings, which, according to Lipman, develops around the axis of emotions. Careful thinking in the stories of "Be like Imam Reza (a.s.)" is a sign of concern for the child's future in order to polish her with a constructive role model, because the content of the stories includes normative skills and fostering caring thinking; Therefore, there are critical thinking skills such as: emotional skill, active skill, normative skill, and empathetic skill in the stories of "Be like Imam Reza (a.s.)"

which this research has explained.

### **Collaborative thinking**

Collaborative thinking is a new approach where children have opportunities to communicate with each other to realize their common goals; That is, they progress scientifically and socially and are better able to raise their issues and ideas. Teaching the lesson of thinking and collaborative research in the form of small groups is a suitable field for achieving many goals related to moral education, such as responsibility, respecting the rights of others, valuing the work of others and considering justice. The spiritual influence of the personality of Imam Reza (a.s.) is evident in stories like Imam Reza (a.s.) Bash on the improvement of children's skills, and Mirzaei has tried to show the moral aspects for children with symbols and images; Therefore, there is a skill of taking responsibility in the stories of "Be like Imam Reza (a.s.)" which this research has explained.

### **conclusion**

Narrative works derived from the image of religious rites with a fantasy and imaginative structure have an important yield for the localization of philosophical concepts from the perspective of Lipman's multidimensional thinking. Attitudes and beliefs in the stories "Be like Imam Reza (AS)" have an insightful effect on children and teenagers in recognizing the face of Imam Reza (AS) from the perspective of multidimensional thinking types and the skills of each of them, As creative thinking creates a worthy view of innovation by reconstructing children's imagination in the symbolic structure of pigeons in the mind of the audience, Critical thinking is based on different correction, self-correction, sensitivity to the text and correct judgment based on the moral qualities and the sublime model of Imam Reza's (AS) character to improve the child's personality, Careful thinking has explained concerns such as not knowing the principles of Islam, kindness and compassion to others, responsibility, hospitality, etc. , as the child must stay away from his own feelings, perspectives and intellectual horizons and experience the feelings of others Also, collaborative thinking is an activity in small groups to achieve goals related to moral education, such as responsibility, respecting the rights of others, valuing the work of others, and considering justice, which explained the child's sense of responsibility towards others in the stories studied.



## تحلیل حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» بر پایه انگاره تفکر چندبعدی لیپمن

خلیل بیگزاده<sup>۱</sup> پریسا احمدی<sup>۲</sup>

kbaygzade@razi.ac.ir

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

parisaahmadi66@yahoo.com

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت:	متیو لیپمن برنامه کاربردی فلسفه برای کودکان (فبک) را به‌عنوان برنامه آموزشی در اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح کرد و به همت و اندیشه وی به تدریج تکامل یافت، چنان‌که استقبال کودکان و معلمان به‌عنوان مخاطبان آن، سبب گسترش این برنامه در جامعه آمریکا و دیگر جوامع اروپایی، آفریقایی و آسیایی شده است. پرورش قدرت تفکر و استدلال در کودکان هدف لیپمن از برنامه فبک است تا زمینه پرورش انسان‌هایی متفکر، آگاه، هدفمند، پرسشگر و خلاق فراهم شود. داستان‌هایی ابزار برنامه فبک هستند که با شگردهای این برنامه نگاشته شوند تا کودک و نوجوان را به حلقه کندوکاو رهنمون کنند. تفکر چندبعدی شامل تفکر خلاق، مراقبتی، انتقادی و مشارکتی است که لیپمن و همکاران وی برای پرورش ذهن پرسشگر و چالشی در مخاطب (کودک و نوجوان) تبیین و تعریف کرده‌اند. روایت‌های برگرفته از زندگی اسوه‌های مذهبی بازدهی ارزشمندی برای بومی‌سازی گونه‌های تفکر، زمینه‌های مفاهیم و پرسش‌های فلسفی و ذهنی آن دارد؛ بنابراین، روایت‌های دینی و مذهبی به استناد عناصر فانتزی (شگرف و شگفت)، شخصیت‌هایی انتخابی و الگوهای ارزنده می‌تواند معیاری خوب در اجرای برنامه فلسفه برای کودکان باشد. این پژوهش گونه‌های تفکر را در مجموعه حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» از حسین میرزایی بر پایه تفکر چندبعدی لیپمن با رویکردی توصیفی تحلیلی بررسی کرده است. دستاورد این پژوهش حاکی است که این حکایت‌ها محرکی قوی برای کندوکاو فلسفی هستند و ظرفیت لازم را برای تبیین مفاهیم و پرسش‌های فلسفی و ذهنی دارند، چنان‌که تبادل اندیشه و مهارت‌های فکری و استدلالی یا تفکر انتقادی و خلاق از مهم‌ترین و برجسته‌ترین گونه‌های تفکر در مجموعه حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» هستند.
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها	امام رضا (علیه السلام)، ادبیات رضوی، متیو لیپمن، فلسفه برای کودکان، تفکر چندبعدی.

استناد: بیگزاده، خلیل؛ احمدی، پریسا (۱۴۰۳). تحلیل حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» بر پایه انگاره تفکر چندبعدی لیپمن: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۶۱-۸۹).

DOI:10.22034/farzv.2023.403713.1888



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

تعلیم و تربیت همواره در دنیا در حال تغییر است تا به موفقیت بیشتری برسد و آموزش و پرورش تلاش می‌کند گامی به‌سوی آینده بهتر با اثرپذیری از رویکردهای نوین بردارد و از اندیشه‌های تازه حمایت کند؛ «یکی از رویکردهای نوین و مؤثر در تعلیم و تربیت، برنامه فلسفه برای کودکان<sup>۱</sup> است که به اختصار فبک<sup>۲</sup> خوانده می‌شود» (حبیبی و عراقی، ۱۳۹۴: ۱۵). برنامه فبک در ابتدا به همت و اندیشه متیو لیپمن، استاد فلسفه دانشگاه نیوجرسی آمریکا در اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح شد و به تدریج تکامل یافت، چنان‌که نتایج درخشان این برنامه و استقبال کودکان و معلمان به‌عنوان مخاطب آن، سبب گسترش چشم‌گیر آن در جامعه آمریکا و دیگر جوامع کشورهای اروپایی، آفریقایی و آسیایی شده است و هم‌اکنون در نظام تعلیم و تربیت نزدیک به ۱۵۰ کشور دنیا داوطلبانه دنبال می‌شود و صدها گروه و انجمن فعال در این زمینه فعالیت می‌کنند (یاری دهنو، ۱۳۹۴: ۲۰-۱۹)؛ لیپمن بر آن بود تا الگویی تازه و مبتنی بر تفکر در تعلیم و تربیت ارائه دهد که مفاهیم محوری و انسجام‌بخش آن خردمندی (ویژگی‌های فردی) و دموکراسی (ویژگی‌های اجتماعی) باشد. این الگو بر اهمیت گونه‌های تفکر انتقادی، خلاق و مراقبتی تأکید می‌کند؛ یعنی این برنامه برای آفریدن، بیان کردن، عمل و احساس کردن بر مبنای تمییز و داوری پدید آمده است. پرداختن به سیمای معصومین علیهم‌السلام در پژوهش‌های ادبی اولویت مهم دینی و اعتقادی و توجه به آن در تبیین اندیشه‌های دینی و کارکرد عملی آن در حیات بشری مهم است. امروزه که نویسندگان ادبیات کودک، ستایش و توصیف فضایل و کرامات ائمه اطهار به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام را سرلوحه کار و فعالیت خود قرار داده‌اند، استفاده از شاخص‌های برجسته و فضایل شخصیت امام رضا علیه‌السلام در داستان‌های کودک و نوجوان کمک خواهد کرد تا درک مناسبی از سیمای حضرت به مخاطب منتقل شود؛ این درک در پرورش تفکر کودک و رشد آن در بالندگی و سازندگی کودک مهم و برجسته است.

### ۱-۱. مسئله پژوهش

لیپمن الگویی فکری و تازه در تعلیم و تربیت ارائه داده است که مفاهیم محوری و انسجام‌بخش آن خردمندی (ویژگی‌های فردی) و دموکراسی (ویژگی‌های اجتماعی) باشد. این الگو بر اهمیت گونه‌های تفکر انتقادی، خلاق و مراقبتی تأکید می‌کند؛ یعنی برای آفریدن، بیان کردن، عمل و احساس کردن بر مبنای تمییز و داوری پدید آمده است. این انگاره بر آن است تا کودک و نوجوان

1. philosophy for children

2. P4c

را از دوره کودکی و نوجوانی انسانی متفکر، آگاه، هدفمند، پرسشگر، خلاق، منتقد و منطقی تربیت کند. لیپمن ترکیب تفکر خلاق<sup>۱</sup>، انتقادی<sup>۲</sup>، مراقبتی<sup>۳</sup> و مشارکتی<sup>۴</sup> را «تفکر چندبعدی»<sup>۵</sup> نامیده است (Swann, 2013: 45) تا کودک و نوجوان را در حلقه کندوکاو رهنمون کند. نگارش داستان‌هایی با شگردهای برنامه فبک ابزار برنامه لیپمن هستند، چنان که ادبیات کودک و نوجوان نقشی مهم و سازنده در آموزش و تربیت کودک و نوجوان دارد. سیمای امام رضا (علیه السلام) و حضور حضرت در ایران، تأثیری شگرف بر ادبیات این مرز و بوم از جمله گستره ادبیات داستانی کودک و نوجوان دوره معاصر داشته است، چنان که بخشی از ادبیات کودک و نوجوان برخاسته از آموزه‌های پویای رضوی است که وظیفه‌ای آموزشی و پرورشی در دوره معاصر بر عهده دارد.

حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» از حسین میرزایی دربرگیرنده مفاهیم اخلاقی و فلسفی برخاسته از شخصیت برجسته امام رضا (علیه السلام) برای پرورش تعقل و دریافت کودک و نوجوان است. این کتاب دو جلدی، مجموعه حکایت‌هایی تصویری متنی است که بخشی از سیمای امام هشتم (علیه السلام) را از زبان یکی از کبوتران حرم نقل می‌کند. کبوترها، شخصیت‌های اصلی داستان هستند که رویدادهایی را با زبانی کودکانه و قلمی ساده و روان روایت می‌کنند و نکاتی تربیتی برای کودکان ارائه می‌دهند. انتخاب این حکایت‌ها برای این پژوهش به دلیل تأثیر ویژه آن بر گونه‌های تفکر کودک است. سیر خطی این حکایت‌ها، مفاهیمی آموزنده و تربیتی مانند اسراف نکردن، احترام به بزرگ‌تر، مهمان‌نوازی و برخی مسائل اخلاقی دیگر است که درست‌اندیشی و تفکر را به کودک آموزش می‌دهند.

این پژوهش حکایت‌های مدنظر را با هدف شناخت تفکر چندبعدی خلاق، انتقادی، مراقبتی و مشارکتی بررسی کرده است تا توانایی اندیشه فلسفی کودکان را در حلقه کندوکاو با تکیه بر آموزه‌های فکری فرهنگی رضوی بازخوانی کند. دلیل گزینش حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» تکیه بر موضوعات فکری، فلسفی و تعلیمی و نیز برجستگی آن‌ها در جشنواره‌های کودک و نوجوان است. این پژوهش حاضر تلاش کرده است تا پاسخی مناسب برای این پرسش بیابد که حکایت‌های مثل امام رضا (علیه السلام) باش تا چه اندازه بر پایه تفکر چندگانه لیپمن قابل بررسی است و کدام گونه تفکر در حکایت‌های مورد مطالعه برجسته‌تر و آشکارتر است.

1. Creative thinking
2. Critical thinking
3. Caring thinking
4. participatory thinking
5. multi-dimensional thinking

## ۱-۲. هدف، ضرورت و روش پژوهش

توانایی‌هایی که دانش‌آموزان باید در مدارس کسب کنند؛ توانایی ارزشیابی شنیده‌ها، خواننده‌ها، اندیشه‌ها و باورهای گوناگون زندگی و تصمیم‌گیری منطقی درباره آن‌هاست که توانایی تفکر نامیده شده است (سیف، ۱۳۸۷: ۳۹۴). کارکرد و نقش شخصیت‌های مذهبی می‌تواند در رشد تفکر کودک و نوجوان مهم باشد و برنامه فلسفه برای کودکان و نظام آموزشی آن رویکردی مناسب در پرورش مهارت‌های اندیشیدن و استدلال فلسفی برای کودک و نوجوان است. پژوهش حاضر اثرگذاری روایت‌های برخاسته از شخصیت امام رضا (علیه السلام) را در حکایت‌های مثل امام رضا (علیه السلام) باش با استدلال‌های فلسفی بر اساس برنامه فلسفه برای کودکان بررسی کرده است.

## ۱-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در گونه‌های تفکر انجام شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: سلطان‌القرائی و سلیمان‌نژاد (۱۳۸۷) در مقاله «تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس»، تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن را در کلاس درس بررسی کرده و نگرش اسلام را به آن تبیین کرده است. مالک حسینی و سیدحسن حسینی (۱۳۹۰) در مقاله «اخلاق تفکر انتقادی»، گونه‌های تفکر اخلاق و انتقادی را با دیدی انتقادی و نگاهی نوین تجزیه و تحلیل کرده‌اند. ابروانی و مختاری (۱۳۹۰) در مقاله «جایگاه مفاهیم فلسفی در ادبیات داستانی کودک ایران»، داستان‌های برگزیده کودکان را با هدف یافتن مفاهیم فلسفی هستی‌شناختی، معرفت و ارزش‌شناختی بررسی کرده‌اند. اکبری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «مضامین فلسفی در داستان‌های فلسفه برای کودکان (P4C) متون کلاسیک ادب فارسی»، مضامین فلسفی داستان‌های متون کلاسیک ایران را با هدف تمهید محتوای فلسفی متناسب با فرهنگ بومی بررسی کرده‌اند که رویکردی کل‌گرایانه دارد. سهرابی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «مقایسه افسانه‌های ایرانی، کتاب‌های داستانی تصویری ایران و کتاب‌های داستانی تصویری خارجی بر مبنای تفکر فلسفی»، افسانه‌های ایرانی کتاب‌های تصویری ایرانی و خارجی را بر مبنای تفکر فلسفی بررسی تطبیقی کرده‌اند و دستاورد پژوهش برتری افسانه‌های ایرانی را بر گونه خارجی نشان می‌دهد. عظمت‌مدار فرد و نصرآبادی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی ظرفیت سه داستان از رساله دلگشای عبیدزاکانی بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن»، ظرفیت سه داستان از رساله دلگشای عبیدزاکانی را بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن در سه گروه تفکر انتقادی، خلاق و مراقبتی (همدلانه) بررسی کرده‌اند که مؤلفه‌های تفکرات فلسفی در این سه اثر مشترک هستند. علی‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی محتوایی داستان‌های گروه سنی «۵» از جهت تطبیق با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر

فلسفی لیپمن»، داستان‌های گروسنی «د» را با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر در برنامه فیک تطبیق داده است. توکلی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی نقش داستان حضرت موسی و حضرت خضر از منظر قرآن در آموزش تفکر مراقبتی مبتنی بر آموزه‌های فلسفه برای کودکان»، داستان‌های قرآنی حضرت موسی (علیه السلام) را از منظر آموزش تفکر مراقبتی بررسی کرده و نشان داده‌اند که بسامد تفکر انتقادی و مراقبتی در این داستان‌ها بیشتر است. نورین (۲۰۰۸) در مقاله «the Poem as Beginning for a Community of Inquiry. A thesis submitted to the Faculty of Education in conformity with the requirements for the degree of Master of Arts Mount Saint Vincen» نقش ارزش‌ها و احساسات را در متن داستان‌های کودکان بر رشد تفکر انتقادی بررسی کرده است. متیوز (۲۰۰۹) در مقاله «Journal of Aesthetic Education a quantitative content» داستان‌های فانتزی فرانک باوم را بررسی کرده که مهارت‌های تفکر انتقادی کودکان را گسترش می‌دهند. واگنر (۲۰۱۳) در پژوهش «analysis of children's picture books. Department of Psychology, Ohio State University» ساختار داستان را در کتاب‌های تصویری کودکان بهتر تحلیل کرده و رشد شناختی بهتری نسبت به دیگر کتاب‌ها دارند. واکر و گوپنیک (۲۰۱۴) در پژوهش «Learning to Learn from Stories: Children's Developing Sensitivity to the Causal Structure of Fictional Worlds» حساسیت کودکان را به ساختار علی داستان‌های فانتزی بررسی کرده و دریافته‌اند که ساختار علی داستان بسیار مهم‌تر از ساختار محتوایی است؛ اما پژوهشی با عنوان و هدف پژوهش پیش روی دیده نشد.

## ۲. بحث اصلی

گونه‌های تفکر لیپمن مانند تفکر خلاق، انتقادی، مراقبتی و مشارکتی فضای ذهنی کودک را با بایدها و نبایدهای حکایت‌های آموزنده بازسازی می‌کند و سوویه فکری به آن می‌بخشد. حکایت‌های کتاب مثل امام رضا (علیه السلام) باش شامل نگرش‌ها، باورها، مراتب درک و دانش نویسنده از سیمای امام رضا (علیه السلام) با هدف معرفی به کودکان است که بر پایه تفکر چندوجهی لیپمن بررسی شده‌اند؛ بنابراین، هدف پژوهش پیش روی پاسخ به چندی و چونی گونه‌های تفکر و کارکرد آن‌ها در حکایت‌های مورد مطالعه با تکیه بر سیمای فکری امام رضا (علیه السلام) است؛ یعنی گونه‌های تفکر خلاق، انتقادی، مراقبتی و مشارکتی را در حکایت‌های مورد مطالعه از منظر تفکر چندوجهی لیپمن با تکیه بر آموزه‌های رضوی در این حکایت‌ها با هدف تبیین جایگاه آن‌ها برای پرورش فکری کودک و نوجوان بررسی و تبیین کرده است.

## ۲-۱. تفکر خلاق

تفکر خلاق عبارت از تفکر دربارهٔ چگونگی بیان آنچه شایسته بیان، چگونگی ساختن آنچه شایسته ساختن و چگونگی انجام آنچه شایسته انجام است (لیپمن، ۲۰۰۳: ۲۴۸) و گفت‌وگو در حلقهٔ کندوکاو فلسفی محرک مؤثری در پیدایش و تقویت تفکر خلاق است. لیپمن مهارت‌هایی را برای فهم تفکر خلاق بر شمرده است که عبارت از اصالت، تخیل، استقلال، نوآوری، کل‌نگری، شگفتی، خوداستعلایی و ثمربخشی هستند. معمولاً تفکر خلاق را مبنای خلق و تولید می‌دانند (مکتبی‌فرد، ۱۳۸۸: ۳۶۸). این نوع تفکر به معنی خلق ایده‌های تازه یا دیدن مسائل از یک زاویهٔ انتقادی با استفاده از استدلال‌های منطقی است. تفکر خلاق، مسائل سخت را با خلق راه‌حلی تازه و بدیع حل می‌کند. حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» بازتاب کنجکاوای فلسفی و مذهبی کودکانی است که در پی دستیابی به قدرت تخیل، دقت و کنجکاوای دربارهٔ اجتماع اطراف و کشف محیط هستند. چون «دین ماهیتی پویا و سرنوشت‌ساز دارد، محتوای آن وحی و الهام روحی با سرمشق گرفتن از زندگی چهره‌هایی کلیدی همچون پیامبران و امامان است که پس از رویارویی با روح الهی به دگرگونی معنوی رسیده‌اند و از جمع پراکندهٔ ستمدیدگان، اُمّت‌های تازه‌ای پدید آورده‌اند. مذهب با خلاقیت همراه است؛ زیرا موجب دگرگونی و پویایی یک چیز تازه می‌شود» (فیشور و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۴)؛ بنابراین، کودکان در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» با اقدامی متفکرانه تلاش می‌کنند تا هر مهارت و مفهوم را در ساختار شخصیتی کبوتران حرم کشف و خویشتن را به تأمل مجبور کنند.

## ۲-۱-۱. مهارت منطقی

مهارت منطقی آن است که تنها هدف، حل مسئله باشد؛ فقط در محدودهٔ موضوع مسئله یا مشکل می‌اندیشیم و به راه‌حلی برای یافتن پاسخ فکر می‌کنیم؛ نوعی تفکر منطقی بر پایهٔ تخیل در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» وجود دارد که زابیدهٔ عقاید کودک است. عقیده در حکایت گفت‌وگوی دانا با کبوتری که دنبال آشیانه است، فرضیه تلقی شده و دلایلی را که الگوی متعالی (امام رضا (علیه السلام)) تأیید کرده، معرفتی و تأیید شده است: «یکی از فرق‌هایی که ما کبوترها با شما آدم‌ها داریم، مربوط به خانه‌هایمان است؛ خانهٔ ما یک اسم دارد، آن هم لانه است؛ ولی خانه‌های شما چند تا اسم دارد؛ منزل، مسکن، کلبه، کاشانه و...» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۸).

## ۲-۱-۲. اصالت

تفکر در مسائل و موضوع‌های بکر و اصیل از مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر خلاق است. این مهارت در آثار دینی برخلاف اصول اولیه آن که نبود پویایی است، آشکار است؛ استفاده از الگوبرداری و تعیین جهت توسط مربی باعث ایجاد افکار نو و بدیع می‌شود. خلاقیت در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» بر اساس مهارت‌های موضوعی و تکنیکی است که کودک برای حل مسائل خود به آن دست می‌یابد. کودک می‌تواند نظر به اصالت موضوعی که در این حکایت‌ها وجود دارد، به استعداد درونی خویش درباره علم و دانش پی ببرد. استفاده نویسنده از کیوتر در مقام یک کودک باعث شده تا هر مطلبی را با زبانی کودکانه و ساده بیان و آن را به خواننده منتقل کند: «آفرین بغوغو! من هم این سخن (اهمیت علم و دانش) امام را شنیده بودم. راستش را بخواهید خاطرات زیادی هم در این باره دارم. این را هم بگویم که ایشان دیگران را به علم و دانش سفارش می‌کنند» (همان: ۳).

بهترین مهارت نویسنده کاربرد تصویر در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» است تا انگیزش درونی برای خواننده ایجاد کند؛ فضای مفهومی (Conceptual space) بیشتر از هر چیزی در این حکایت‌ها حاکم است؛ فرایند خلاق را در نظریه فضای مفهومی، فرایندی ناشی از کشف‌های فردی و تغییرهایی در فضای مفهومی تعریف می‌کنند (البرزی، ۱۳۸۶: ۵۳). تصویرها فرصت کشف به کودک داده و باعث پرداختن به مسائلی فراتر از متن شده‌اند، چنان‌که ذهن کودک از تصویر یک سیب نیم‌خورده در حکایت اسراف کارگر و گاز زدن سیب، متوجه اسراف می‌شود (ن. ک: میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۱)، یا دو کیوتر گرفتار در قفس در حکایت گوهر سنگین متوجه رفتار صاحب کیوتران با خود می‌شوند: «روزی باخبر شدم که دو کیوتر در قفس را از کشور عراق برای یکی از اهالی مدینه به نام خالد هدیه آورده‌اند» (همان: ۶). کودک با استفاده از تکنیک‌های رفتاری و بازنمایی نمادین هم‌جهت با توانایی هوش داستانی کودکانه، نقش بسزایی در ارائه اطلاعات و پیمودن فرایند حل مسئله در تصویرها دارد؛ کودک با این خلاقیت در آغاز به تصاویر حساس می‌شود و سپس شواهد را از آن استنباط می‌کند.

## ۲-۱-۳. تخیل

تخیل و خلاقیت و نوآوری مستلزم رویکردی به زندگی هستند که با عبارت «شاید اگر» یا «چه می‌شود اگر» آغاز می‌شوند؛ «یعنی عمل کردن از راه پرسش که می‌توان آن را ممکن‌اندیشی نامید؛ می‌توان نقاط مشترک و نقاط افتراق بین تخیل و خلاقیت را در سرتاسر قلمروهای گوناگون تلاش بشری یافت» (کرفت، ۱۳۸۹: ۱۵۳). مکالمات کودکان در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام)

باش» در دنیای تخیلی بیان شده است؛ کودک در دنیای فانتزی دور از حقیقت در پی پاسخی مناسب برای سؤالات خویش است؛ دنیایی که کبوتران از وجود کلید موفقیت در تواضع سخن می‌گویند، چنان‌که دانا از موفقیت و راه‌های رسیدن به آن با کبوترهای دیگر سخن گفته است: «باز هم کاکلی برندهٔ مسابقهٔ نمایش پرواز کبوتران شد، البته حقش هم بود! مخصوصاً که این پیروزی‌ها اصلاً او را مغرور نمی‌کرد» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۸). این حکایت‌های فانتزی، فضایی مناسب برای تخیل است و به پرورش مهارت‌های خلاقانهٔ کودک کمک می‌کند تا بتواند مسائل و دغدغه‌های درونی‌اش را با رویکردی فراتر از واقعیت کاهش و میزان و معیاری مطمئن برای ارزیابی پرسش‌هایش بیابد. حضور یک کبوتر که بال‌هایش زیر باران خیس شده است (ن.ک: همان: ۲۲)، این درک زیبایی‌شناسانه را به کودک می‌بخشد تا از بند واقعیت‌هایی یافته و با تخیل به مسئلهٔ راز و نیاز با خداوند برسد؛ کودک سفری لذت‌بخش را تجربه می‌کند تا به شکلی ماهرانه با مناجات آگاه شود: «برای همهٔ مردم دعا می‌کرد و از هر فرصتی برای مناجات و راز و نیاز با خدا و دعا کردن استفاده می‌نمود» (همان: ۲۳).

مرز خیال و واقعیت در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» در هم می‌آمیزد؛ شخصیت کودک در لباسی مانند کبوتر تبیین شده تا بتواند با روحی آزاد بر همهٔ امور مسلط باشد. نویسنده، کودک را زیرکانه به داستان وارد می‌کند و تصویری دوست‌داشتنی از موجودات حیوانی نشان می‌دهد تا وی را به مسائل ذهنی رهنمون کند. استفاده از کبوتر و بیان مسائل مختلف از زبان او نوعی تصویرنگاری است که توانسته بدعتی در داستان باشد و نیز بیان مسائل دینی از زبان کبوتران و نحوهٔ انتقال آنان امری بدیع است؛ کبوتر از سیر و سیاحتش سخن می‌گوید، چنان‌که ناگاه بر روی سر یک شتر نشسته و مکالمات امام و یارانش را شنیده است: «من (کبوتر) روی سر یک شتر نشسته بودم و با قدم‌های او بالا و پایین می‌رفتم. شنیدم حضرت به یارانش گفت: اگر می‌خواهید اموالتان برکت پیدا کند، به دو چیز خیلی اهمیت بدهید، یکی رفت و آمد با فامیل و یکی خوش‌رفتاری با همسایه‌ها!» (همان: ۱۹).

حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» مجموعه‌ای از تصویرهای کبوتران و رویدادهای گوناگون آنان است که جذابیت زیادی برای کودکان می‌آفریند و حس کنجکاوی آنان را برای مطالعه و فهم مطالب آن افزایش می‌دهد؛ در واقع، این جذابیت مرهون چالش‌های فکری و تلاش برای اندیشیدن در کودکان است. کودک دنیای واقعی را به یاری تخیل و کاربرد تصویرهای حکایت درک می‌کند و می‌تواند بسیاری از پرسش‌های ذهنی را با تخیل و تصویر به واقعیت مبدل کند و پاسخی برای آن بیابد. سادگی این حکایت‌ها به‌ویژه حکایت مهمان‌نوازی امام رضا (علیه السلام) که از دو نفر به حد اعلا پذیرایی کرده بود (ن.ک: همان: ۱۲)، باعث شده تا کودک راه را برای بروز تخیل

و در نتیجه خلاقیت ذهنی خویش باز کند که باعث تقویت مهارت‌های موضوعی و خلاقانه در دنیای کودک خواهد شد.

## ۲-۱-۴. نوآوری

نوآوری از مهارت‌های عمده تفکر خلاق است و متفکر خلاق تدبیری امیدوارانه و نوآورانه در مواجهه با مشکلات دارد، حتی اگر تدبیر وی در عمل ناموفق باشد. متفکر خلاق رویکردهای گوناگون فرضیه را در هر شرایطی در نظر دارد و نتایج احتمالی را ملاحظه و تجربه را برای حل مسئله سازمان‌دهی می‌کند (Lipman, 2003: 247). ارائه اطلاعات از طریق تصویر امری بدیع و بیشترین کاربرد آن در کتاب‌های کودک است. این شیوه ارائه اطلاعات، قدرت تخیل، کشف مسائل و پرسش‌های ذهنی کودک را تقویت می‌کند. نویسنده دخالت کودک را با استفاده از تشخیص در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» بیشتر کرده تا نقش عمده‌ای در مهارت‌های موضوعی و فکری کودک داشته باشد، چنان‌که استفاده از کبوتر و زبان (بغ‌بغوی) وی کودک را ترغیب می‌کند تا داستان را ادامه دهد و آموزه‌هایی مانند راستگویی، امانتداری و مهربانی از آن بیاموزد: «صدای بغ‌بغو در لانه کبوتر پیر پیچید ... و گفتم: عبدالعظیم از شیعیانی است که در مدینه زندگی نمی‌کند. هفته پیش دیدم امام هشتم در نامه‌ای برایش نوشت: ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و ... آن‌ها را به راستگویی و امانتداری سفارش کن! بگو با هم مهربان باشند و به دیدار یکدیگر بروند» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۵).

خلاقیت در شیوه تصویرگری شامل مهارت‌های خلاقانه برای تبیین اطلاعات موضوعی است تا کودک ذهن خود را فعالانه برای درک تصویر به کار اندازد و مناسبات میان متن و تصویر را با تفکری خلاق بیابد. تصویرهای گوناگون انسان‌ها از رنگ‌های مختلف در اطراف امام (علیه السلام) نشانه وحدت و یکدلی آن‌هاست که کودک تلاش می‌کند تا نقش سخنان امام (علیه السلام) را از طریق این تصاویر درک کند و از آن الگو بگیرد: «همه انسان‌ها آفریده‌های خدا هستند: یکی سفید پوست و یکی سیاه پوست، یکی قد کوتاه و یکی قد بلند، یکی چاق و یکی لاغر، یکی ...» (همان: ۲۰). تفکر خلاق در کشمکش دایمی برای عبور از مراحل قبلی است؛ نویسنده باید بتواند کار خویش را نسبت به کارهای قبلی ارتقا دهد، چنان‌که نویسنده در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» تلاش می‌کند تا از آثار دیگری که در این زمینه نگاشته شده، فاصله بگیرد و از دیدگاهی برجسته‌تر استفاده کند که همان استفاده از تصویر است. نویسنده تا حدودی در این رویکرد موفق بوده و از کارهای پیشین فراتر رفته و توانسته است مهارتی زیبا را با تدوین تصاویر بدیع پایریزی کند که تمامی جنبه‌های داستان را در برگیرد.

## ۲-۱-۵. عملکرد زایشی

عملکرد یا مهارت فرد خلاق زایشی است، چنان که یک ماما عامل زایش خردمندی است، چون انسانی را به دنیا می آورد (عظمت مدار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۷)؛ بنابراین، تفکر خلاق، تفکری تولیدی است که خلاقیت را در دیگران بر می انگیزد. نویسنده حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» اثری تعلیمی خلق کرده است که تفکر کودک را تحریک و او را به مسائلی مانند حقوق انسانی و برابری راهنمایی می کند؛ نویسنده تلاش می کند تا مهارت زایشی را در خلاقیت کودک بیدار کند و او را به مفاهیم و مسائل والایی رهنمون کند. کودک متوجه می شود که انسان‌ها در هر مقامی برابر هستند، چنان که در حکایت «امتیاز بیشتر» مردی ثروتمند که از امام (علیه السلام) خواست تا سفره‌شان را از خدمتکاران جدا سازد، می توان تأثیر این نوع از تفکر را به روشنی مشاهده کرد: «مردی ثروتمند که ... آهسته گفت: آقا! کاش دستور می دادید، سفره ما را از خدمتکاران جدا کنند؛ آن‌ها که نباید سر سفره کنار ما بنشینند. بغ‌بغویی کردم و به صورت امام که ناراحت شده بود، نگاه کردم و شنیدم که فرمود: بس کن ای مرد! پدر همه ما حضرت آدم است و مادر همه ما حضرت حوا! همه ما مثل هم هستیم...» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۰).

مهارت زایشی کمک می کند تا کودک خلاقیت درونی خود را پرورش دهد و بداند کدام خصیصه اخلاقی در وی بارز است که آن را پرورش دهد، چنان که موقعیت و موفقیت و جایگاه آن‌ها، باعث زایش تواضع و فروتنی در کودک می گردد: «گفتم: ایشان هم خیلی خاکسار و خودشکن است! چشم‌های کاکلی گرد شد و گفت: بغ‌بغو! ... این کلمه‌هایی که گفتمی، معنایش چیست؟ سرفه‌ای کردم و گفتم: خاکسار که یعنی همان تواضع! یعنی فروتن! یعنی کسی که خودش را از دیگران بالاتر نمی بیند...» (همان: ۸).

## ۲-۲. تفکر انتقادی

لیپمن تفکر انتقادی را که مایه سهولت در قضاوت صحیح و مسئولانه است، مترادف تفکر تأملی به کار می برد (لیپمن، ۲۰۰۳: ۶۷). وی تفکر انتقادی را مسئولانه، ماهرانه و مبنای ارزیابی می داند که به دلیل پایبندی به ملاک و توجه به متن در تجزیه و تحلیل پدیده‌ها، باعث می شود تا افراد بتوانند قضاوتی درست داشته باشند. تفکر انتقادی بر آن است تا نیرومندی یک نتیجه را با آزمودن استدلال و ارتباط منطقی روشن کند، چون «استنتاج شامل انجام استنباط‌هایی از یک یا چند فرضیه مقدماتی است. لیپمن با تمرکز بر تفاوت تفکر معمولی و تفکر انتقادی می کوشد تا نشان دهد که تفکر انتقادی از دقت و ظرافت بیشتری برخوردار است» (همان: ۶۹). تفکر انتقادی

وظیفه خود را داوری دیگری می‌داند و کودک را به جست‌وجوی علت رویدادها ترغیب می‌کند؛ «تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعات موثق که انتظار می‌رود، به قضاوتی صحیح منجر شود و استانداردهایی مناسب برای ارزیابی و تفسیر مسائل پیچیده و بحث‌انگیز به منظور حصول به نتیجه‌گیری یا تصمیم‌گیری در خصوص انجام کار یا باور به عقیده‌ای عرضه کند» (جهانی، ۱۳۸۲: ۹۰، نقل از لیپمن، ۲۰۰۳: ۷۶). اهداف، پرسش‌ها و همراهی ذهنی افراد در تفکر انتقادی بازخوانی می‌شود. در واقع «تفکر انتقادی استدلال‌ورزی و تصمیم‌گیری است و متخصصین و نظریه‌پردازان به‌طور کلی تفکر انتقادی را شامل تجزیه و تحلیل و ارزشیابی و استنباط دانسته‌اند و داوری به باور لیپمن نتیجه و هدف اصلی تفکر انتقادی است. داوران خوب در مواجهه با اندیشه‌ها و روش‌های تازه همواره دارای ذهنی گشوده و انعطاف‌پذیر هستند و مؤلفه‌های محوری تفکر انتقادی را شامل تعبیر و تفسیر، تبیین و خودتنظیمی دانسته‌اند» (همان: ۹۰). داستان در برنامه فبک به دلیل محرک قوی و جذابی که ارائه می‌دهد، نقش کلیدی در بازگشایی مفاهیم فلسفی دارد و حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» با زبانی کودکانه و لحنی شیرین به مخاطب می‌آموزد که سجایای اخلاقی یک شخصیت مذهبی چگونه بیانگر اهمیت دانش است و به مخالفت با نادانی و بداخلاقی می‌پردازد. شخصیت امام رضا (علیه السلام) با ویژگی‌هایی چون، خوش اخلاقی، مهربانی، علم و دانایی چنان تصویری شده و فضاسازی حکایت‌ها چنان رقم خورده که ناشایستگی جهل و بدخلقی را در این حکایت‌ها نشان می‌دهد. مقایسه ویژگی‌ها، درک تفاوت‌ها و شباهت‌های بین خوبی و بدی یا درستی و نادرستی از مؤلفه‌های اصلی این حکایت‌هاست که در گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان در نقش دگراصلاحی آشکار می‌شود، چنان‌که بیان این اصطلاحات در روش‌های فکری کودک برجسته و از زمینه‌های تفکر انتقادی است.

## ۲-۱. خوداصلاحی

استناد به کشف تناقض در مکالمات دیگران و استنتاج‌های نامعتبر آن‌ها باعث اصلاح کودک می‌گردد و به کودک می‌آموزد تا افزون بر موضوعات و مفاهیم فلسفی، اخلاقی و اجتماعی به خودشناسی دست یابد. کیوتر جوانی به نام تیزیبن در حکایت «بهترین‌ها» در آغاز به استناد سخنان دانا تلاش می‌کند تا نقص‌های رفتاری خود را اصلاح کند و به اهمیت علم و دانش پی ببرد: «من بالم را بلند کردم و از دانا برای صحبت کردن اجازه گرفتم، بعد هم بغ‌بغویی کردم و گفتم: من هم با همین گوش‌هایم از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که به یارانشان فرمودند: یکی از نشانه‌های عاقل این است که در تمام مدت عمرش از تلاش برای یافتن علم و دانش خسته نمی‌شود» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۴). کودک درون خویش را با دنیای کودکی به چالش می‌کشد تا به

پرسش‌هایی دربارهٔ دانایی پی‌ببرد و هر اندیشه متناقض را با چالش‌های درونی‌اش اصلاح کند: «راستش را بخواهید، تمام این عزت و احترام‌ها به خاطر علم و دانش اوست، آخر ما می‌دانیم که علم و دانش در اسلام خیلی اهمیت دارد» (همان: ۳).

عواقب رفتار نادرست اسراف‌کننده در حکایت جوان کارگر باعث می‌شود تا کودک در نقش مخاطب متوجه نادرستی این ویژگی شود و هرگز این عمل را تکرار نکند: «امام چند قدم که برداشتند، ایستادند و با آن جوان صحبت کردند، ناراحتی توی صورت امام دیده می‌شد. کارگرها هم مثل من نگران شدند و به طرف امام حرکت کردند... معلوم شد امام (علیه السلام) به خاطر آن که کارگرها نصف سببی را خورده بودند و بقیه‌اش را توی حیاط انداخته و اسراف کرده بودند، ناراحت‌اند» (همان: ۲۲). کبوتران تلاش می‌کنند تا تفکر خود را با رویکرد اجتماعی اصلاح کنند. آنان نقاط ضعف خود را پیدا کرده‌اند و قصد اصلاح آن دارند: «با خودم گفتم من که پول ندارم تا به فقیرها کمک کنم، ولی هر کس آب و دانه خواست، در خدمتم» (همان: ۱۸).

اغلب مفاهیم اخلاقی پنهان در حکایت‌های امامان معصوم (علیهم السلام) به استناد مهارت خوداصلاحی در ضمیر کودکان ثبت و باعث پویایی شخصیت کودک و واکنش وی به خودباوری می‌شود. نمونه‌های دیگری در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» از «مهربانی نسبت به هم‌نوع» (همان: ۱۹ و ۱۸)، «باورهای دینی و ایمان» (همان: ۱۴، ۱۳ و ۱۲)، «اهمیت علم و دانش» (همان: ۴ تا ۹) می‌توان یافت که بیانگر مهارت‌های خوداصلاحی، پویایی ذهنی کودک و تعیین هدف در مخاطب (کودک) است و این پویایی باعث مهارت خوداصلاحی در کودک می‌شود.

## ۲-۲-۲. دگراصلاحی

کودکان در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» تقابل خوبی و بدی را می‌بینند و ترغیب می‌شوند تا نگرش دوستان و اعتقاد اطرافیان را دآوری کنند که شخصیت امام رضا (علیه السلام) معیار سنجش این دآوری است. چنانکه خوبی در مفاهیم ارزشی و اخلاقی مانند علم و دانش، خوش اخلاقی، ایمان، صلۀ ارحام و زکات و نیز بدی در مفاهیمی تقابلی مانند اسراف خودنمایی کرده است. اندیشیدن و گفت‌وگوی کبوتران دربارهٔ بود و نبود سجایای اخلاقی این موضوع را چالش برانگیز می‌سازد و نویسنده، مخاطب را با بینشی درست با این مسئله آشنا می‌کند و تصمیم‌گیری را بر عهدهٔ کودک (مخاطب) می‌گذارد. حکایت‌های مذکور خواننده را با طرح مسائل مختلف به دآوری صحیح دربارهٔ موضوعاتی مانند دانایی و سجایای اخلاقی سوق داده و خوانش آن‌ها را با کندوکاو دربارهٔ طرح و تدوین پرسش‌های مناسب در راستای تفکر انتقادی قرار داده است.

کبوترانی مانند «دانا» شخصیت‌های اصلی حکایت‌های مثل امام رضا (علیه السلام) باش و نماد شخصیت‌های مستقلى هستند که مفاهیم ذهنی و فکری را با ذهنی باز بیان می‌کنند، چنان که ذهنی گشاده و انعطاف‌پذیر در مواجهه با اندیشه‌ها و روش‌های تازه دارند. آنان الگوی متعالی رفتار امام رضا (علیه السلام) را برای حل مسئله ذهنی خویش درباره علم و دانش و اخلاق با عموم مقایسه و نشانه‌های این سجایا را شناسایی می‌کنند؛ یعنی کبوتران روابط معنی‌داری میان رفتار امام رضا (علیه السلام) و دیگر الگوهای راستین پیدا می‌کنند و به قضاوتی درست می‌رسند؛ بنابراین، مهم‌ترین مهارت در برنامه فیک نداشتن پیش‌داوری، شنیدن اندیشه‌ها و نظرات افراد بدون سوگیری با ذهنیتی روشن است، چنان که می‌توان به اندیشه دیگران نسبت به مقام امام (علیه السلام) پی برد: «من هم با همین گوش‌هایم از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که به یارانش فرمودند: یکی از نشانه‌های عاقل این است که در تمام مدت عمرش از تلاش برای یافتن علم و دانش خسته نمی‌شود» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۳). یافتن این مسئله که ذهن کودک چگونه به استناد تشخیص کبوتران به قضاوتی درست می‌رسد، آن مهارتی است که می‌توان برای داوری صحیح تبیین کرد: «راستش را بخواهید، تمام این عزت و احترام‌ها به خاطر علم و دانش اوست» (همان: ۲).

ذهن کودک باید بداند که علم و دانش حقیقی چگونه است و چه کسی وامدار این حقیقت است؟ مجموعه این پرسش‌ها از امور جایگیر در ذهن کودک است که می‌توان با نوعی هم‌نگری در حکایت‌های مورد مطالعه پذیرفت که شخصیت امام رضا (علیه السلام) با بهره‌گیری از روش‌های نوین در سخن و ارائه طرح‌هایی برای مقابله با مسائل پیش‌آمده، هم مسئله خود را حل می‌کند و هم پاسخی مناسب به رفتارهای نامناسب می‌دهد.

مهارت اخلاقی امام رضا (علیه السلام) و برخورد با اندیشه دیگران کودکان را بدون سوگیری متوجه ارزش‌های اخلاقی مانند مهربانی، بخشش و ... می‌کند؛ چنان که رفتار کبوتران را که الگوی کودکان هستند، با گفت‌وگو و پرسش زیر سوال می‌برد. این مهارت دیگر اصلاحی می‌تواند مایه اخلاق و رفتار مطلوب در کودکان باشد؛ چنان که می‌توان از برخورد دانا با دو کبوتر دیگر استنباط کرد که تفکر درست از الگویی ناب سرچشمه می‌گیرد: «دانا سینه‌اش را صاف کرد و جواب داد: ولایت پیامبر و اهل بیت او به این معناست که ما آن‌ها را دوست داشته باشیم و البته به حرف‌هایشان هم گوش کرده و از آن‌ها اطلاعات کسب کنیم. هر کس این طوری زندگی کند، مسلمان واقعی است» (همان: ۵).

شیوه گفت‌وگو در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» باعث شده تا کودک از اصلاح دیگران پند بگیرد و بتواند به نوعی تکامل اخلاقی برسد. دگر اصلاحی با هدف صبوری باعث می‌شود

تا کودک شکیبایی بیاموزد و آن را سرلوحهٔ رفتار خویش قرار دهد: «یک بار هم شخصی از امام رضا (علیه السلام) پرسید: پاداش کسی که در سختی‌ها صبر می‌کند، چیست؟ ایشان پاسخ دادند: هر یک از شیعیان ما به بلایی دچار شود و بر آن صبر کند، خداوند ثواب هزار شهید را به او می‌دهد» (همان: ۱۲).

### ۲-۳. حساسیت به متن / زمینه

آشناسازی مخاطب با مفهوم حساسیت به زمینه از مهارت‌های تفکر انتقادی است که در حکایت‌های نمادین در گفت‌وگوی کبوتران قابل استنتاج است. نویسنده تلاش می‌کند تا کودکان کنجکاو را در سیمای کبوتران به تصویر بکشد و شمایی زیبا به کنجکاوای کودکان ببخشد و نکات اخلاقی مورد قبول را به آنان منتقل کند؛ یعنی کودکان کنجکاو با دیدن تصویر کبوتران به خواندن حکایت علاقه‌مند می‌شوند و نظر به این حکایت‌های تصویری می‌توانند واکنشی مناسب به مسائل داشته باشند و رفتارهای خوب و بد را از هم تمییز دهند و درصدد اصلاح خویش برآیند. آنچه کودک را از دنیای اسراف، نادانی و ناآگاهی دور می‌سازد، طرح پرسش‌های مکرر منطقی دربارهٔ عواقب احتمالی یک عمل شنیع است. حس همانندسازی کودک با شخصیت امام رضا (علیه السلام) باعث شده تا کودک با الگوپذیری بتواند خود را مانند کبوتران رها و آزاد بداند. حس همانندسازی کودک در حکایت تصویری «اسراف نکردن» نقش پویایی می‌گیرد و نابسامانی رفتاری کودک در اسراف کردن نظر به مهارت حساسیت به متن اصلاح می‌گردد: «کارگر لاغر و قدبلندی که آن سیب را انداخته بود، جلورفت و از امام معذرت خواست و سیب را برداشت» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۲).

ارزیابی امور بر پایهٔ زمینه و موقعیت‌های ویژه اشخاص و نه قواعد کلی از شرایط حساسیت به زمینه است؛ آنچه در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» وجود دارد، الگوبرداری از موقعیتی ویژه است. تعیین چهارچوب قواعد در یک متن فلسفی نوعی استراتژی خاص به مطلب می‌بخشد که مجال تفسیر درست به کودک می‌دهد. نوع گفت‌وگوی کبوتران با کبوترهای دیگر بر اساس شرایط در این کتاب متفاوت است؛ کبوتر به استناد شرایط خویش، لحنی ملتسمانه دارد که در ادامه به قاطعیت منتهی می‌شود. وی در آغاز بنا بر موقعیت خاص خود و شرایط نامعمولی که در آن قرار دارد، ناتوانی خود را بیان می‌کند، اما می‌توان در پایان نظر به حساسیت زمینه، تغییر لحن را با قاطعیت در گفتار کبوتر مشاهده کرد، چون با توجه به شرایط و حساسیت مد نظر خود عمل کرده است: «توی باغ، روی شاخه‌ای نشسته بودم که چند تا از جوجه کبوترها را دیدم، می‌خواستند قایم باشک بازی کنند، هر کسی رفت و جایی مخفی شد که بقیه او را نبینند، یکی

از آن‌ها همان وسط ایستاده بود و تکان نمی‌خورد، وقتی از او پرسیدند که چرا نمی‌رود، قایم شود؟ گفت: خوب من جایی را پیدا نکردم که هیچ کس مرا نبیند! جوجه‌ها با تعجب گفتند: منظورت چیست؟! این همه جا: پشت درخت‌ها، لابه‌لای شاخه‌ها، توی چاله‌ها و...! او جواب داد: این‌ها به فکر من هم رسید، ولی قرار بود، جایی مخفی شوم که هیچ کس مرا نبیند، خوب هر کجا خواستم مخفی شوم، خدا مرا می‌بیند» (همان: ۲۱).

شخصیت‌پردازی به دلیل توجه به شرایط استثنایی و پیش‌ارزیابی شخصیت‌ها در حکایت‌های مورد مطالعه مشهود است؛ لحن امام رضا (علیه السلام) در حکایت کارگر اسراف‌کار در آغاز خشمگینانه است، اما در پایان می‌خواهد کارگر را از رفتار نامناسب دور کند که الگویی امیدبخش برای پرورش کودک از منظر تفکر انتقادی است: «ناراحتی توی صورت امام دیده می‌شد... امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر وقت به چیزی نیاز نداری، آن را در اختیار کسانی بگذارید که به آن نیاز دارند. حرف حضرت برایم جالب بود، می‌دانستم که خدا هم اسرافکاران را دوست ندارد» (همان: ۲۲).

#### ۲-۲-۴. داوری مبتنی بر شواهد

شواهد دستورالعملی مستند است که داوری بر پایه آن شکل می‌گیرد؛ این ملاک‌ها باید اثرگذار و نافذ باشند؛ داوری درست شامل یافتن مسئله و گردآوری شواهد و اطلاعات بر پایه شناسایی روابط و مقایسه است. موضوع اصلی حکایت‌های مورد مطالعه، اندیشیدن و گفت‌وگو درباره سنجایی اخلاقی و امور ناپسند است که نویسنده مخاطب را به شایستگی با این مسئله اساسی آشنا می‌کند و نتیجه‌گیری را بر عهده وی می‌گذارد. خواننده در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» به یافتن ملاک‌ها و داوری صحیح درباره مسائلی مانند: علم و دانش، مسئله ولایت، خوش اخلاقی، مهربانی، بخشش و مبارزه با اسراف تشویق می‌شود و بستری مناسب برای ترقی در تفکر انتقادی هموار می‌کند.

نویسنده عقل و درایت را جهش اصلی کودک دانسته و تلاش می‌کند تا کودک (کبوتر) پرسش‌های چالشی را با عنصر عقلانیت در برابر نظر شخصیت‌های حکایت به‌ویژه امام رضا (علیه السلام) طرح کند و برای دریافت پاسخ پرسش‌ها با هم‌سالان خود (دیگر کبوتران) گفت‌وگو و تعامل کند که داوری درست رفتار پسندیده شخصیت مد نظر (امام رضا (علیه السلام)) نتیجه این گفت‌وگو است تا این داوری را در آینده سرلوحه اعمالش قرار دهد؛ مسئله مهم ولایت قوه تفکر کودک را در این حکایت به چالش کشیده، چنان‌که کبوتر در نقش یک کودک توانسته است آن را با پرکشیدن و قرار گرفتن در زمان و مکان مناسب دریابد: «گفت: من هم درباره ولایت، سخن جالبی را از امام شنیده‌ام، بقیه که منتظر شنیدن کلام او بودند، پرسیدند: خب بگو چه شنیده‌ای؟ او گفت از امام

شنیده است: خداوند مهربان فرموده است: ولایت علی بن ابی طالب، پناهگاه مطمئن و محکم من است و هر کس وارد این پناهگاه شود، از عذاب من در امان است» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۵).

نویسنده خوش اخلاقی را به عنوان چالشی دیگر بیان می کند و بر آن است تا ذهن کودک را با این ویژگی آشنا کند که گفت و گوی بغوغو را با خالد (کبوتر عراقی) برای دریافت پاسخ این پرسش در حکایت مثال زده است و نتیجه گفت و گو را دست یابی به داوری درستی نسبت به اخلاق نکو می داند: «قهرمان که یکی از دوستان قدیمی من است، وقتی احساس کرد کبوتر غریبه می خواهد صاحبش را به رخ ما بکشد، دو قدم جلو رفت و گفت: بین داداش، اولاً که ما کبوترهای مدینه آزاد هستیم و صاحبمان فقط خداست! بعدش هم اگر می خواهی آدم مهربان و خوش اخلاقی را ببینی، بگذار روشنت کنم که بهترین شان، رفیق همین بغوغوی خودمان است» (همان: ۶).

## ۲-۳. تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی مفهوم سازی، درک کردن، توجه به عواطف و احساسات و بررسی و شناخت آن است؛ چنان که لیپمن شیوه های تأثیر عواطف را بر این تفکر نشان داده و بر آن است که این تفکر حول محور عواطف رشد می کند. لیپمن احساسات، هیجانات و عواطف را مرکز تمامی نیازها می داند و رابطه عواطف را با شناخت تبیین کرده است؛ «او نحوه تأثیر عواطف بر تفکر را نشان می دهد و معتقد است که تفکر باید به نوعی حول محور عواطف رشد کند. این اندیشه او را به بسط تفکر و قائل شدن به نوع سوم آن؛ یعنی تفکر مراقبتی (مسئولانه) رهنمون می شود» (Tran, 2013: 45) و بر آن است که «در تفکر مراقبتی افراد به سان پدر و مادری دلسوز و توأم با محبت یا هم چون یک مهندس یا طراح محیط زیست متعهد و دلسوزانه درباره نحوه کارشان تفکر می کنند» (همان)؛ لیپمن تفکر مراقبتی را که رویکردی انسانی تر نسبت به دیگر مهارت های تفکر دارد، به گونه های تفکر می افزاید و برای ایجاد خوشبختی و دموکراسی در جامعه تلاش می کند. ن. ک: عظمت مدار فرد و نصرآبادی، ۱۳۹۸: ۳۵). تفکر مراقبتی به گفت و گو، اندیشه و پذیرش پیامدهای آن بها می دهد و مایه همکاری با دیگران است؛ اما تصمیم گیری به جای دیگران نیست. هنگامی که درباره افکار کودکان با آن ها گفت و گو می کنیم، یا وقتی قدرت دادن به آن ها در تصمیم گیری امکان پذیر باشد، تفکر مراقبتی دموکراتیک تر شده است (کندی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۴). آن مارگارت شاپ<sup>۱</sup> از بنیان گذاران فبک، تفکر مراقبتی را دارای چهار مهارت عاطفی، فعال، هنجاری

1. Ann Margaret Sharp

و ارزش‌گذار می‌داند (شارپ، ۲۰۰۷: ۲۴۸-۲۵۷). تفکر مراقبتی، همگرایی و همکاری و دستاورد تفکر مشارکتی است.

تفکر مراقبتی نویسنده در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» نشانه دغدغه‌های وی در برابر آینده کودک است و تلاش می‌کند تا وی را با سجایای الگویی سازنده جلا دهد؛ دغدغه‌هایی که نشان می‌دهد، کودک به مسائل محبت و بخشش آگاهی ندارد و ممکن است، روش دستیابی به این مهارت را به درستی یاد نگیرد؛ بنابراین، نویسنده احساسات درونی اش را با بیانی ساده در قبال کودکان و تفکر درست آنان بیان می‌کند. این رویکرد به ویژگی‌هایی مانند: احسان (ن.ک: میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۲)، غریب‌نوازی (ن.ک: همان: ۱۴)، قناعت (ن.ک: همان: ۸)، محبت کردن به هم‌نوع (ن.ک: همان: ۱۷) و برتری (ن.ک: همان: ۲۱) علم و دانش (ن.ک: همان: ۷)؛ اشاره می‌کند. نویسنده رویکردی انسانی از تفکر مراقبتی و مفهومی متفاوت از دموکراسی برای انتقال مفهوم برابری انسان‌ها به کودک نشان می‌دهد: «وقتی برگشتم دیدم سفره غذا را پهن کرده‌اند؛ سفره‌ای بزرگ که همه اهل کاروان دورش نشسته بودند» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۰).

مهارت‌های تفکر مراقبتی در حکایت‌های مورد مطالعه با تخیلی لطیف به مخاطب می‌آموزد که چگونه اسراف‌کاری نکند و قدردان نعمت‌ها باشد؛ نویسنده فضای حکایت‌های را چنان هدایت کرده تا شایستگی این ویژگی‌ها را به خوبی به تصویر بکشد. درون‌مایه بیشتر این حکایت‌ها در بردارنده مهارت هنجاری و پرورش تفکر مراقبتی است: «امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر وقت به چیزی نیاز ندارید، آن را در اختیار کسانی بگذارید که به آن نیاز دارند؛ حرف حضرت برایم جالب بود، می‌دانستم که خدا هم اسراف‌کاران را دوست ندارد» (همان: ۲۳).

## ۲-۳-۱. مهارت عاطفی

لیپمن هیجان را شکلی از مهارت عاطفی و داوری می‌داند که ممکن است خطاپذیر باشد؛ چنان‌که ابراز خوشحالی کبوتر عراقی هنگام برخورد امام رضا (علیه السلام) با کبوتران دیگر از مصداق‌های مهارت عاطفی است. کبوتر عراقی حس درونی خود را در جمله «به‌به، خوش به حالت! کاش صاحب من هم مثل رفیق تو بود» (همان: ۶) بیان کرده است که این حسرت ناشی از داوری درباره ناتوانی خود از داشتن صاحبی به این مهربانی است؛ بنابراین، این داوری نتیجه احساسات و بازگویی مهارت عاطفی است که کودک را با مفهوم تفکر مراقبتی آشنا می‌سازد. حس مهربانی از مهم‌ترین عواطفی است که در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» منتقل می‌شود؛ کبوتران (کودکان) هیجانات درونی خویش را در برخورد با مصداق‌های خارجی تحلیل می‌کنند و به داوری و در نهایت تفکر می‌رسند؛ چنان‌که کبوتران با جمله «ایشان آن قدر مهربان بودند که خیلی از

آدم‌ها، مثل ما کبوترها دنبال بهانه‌ای می‌گشتند تا حضرت به آن‌ها لطف و محبت کنند» (همان: ۱۸). کبوتران مهربانی خود را نشان می‌دادند که ناشی از داوری آنان در ناتوانی تجربه و انتقال این حس است و این داوری، دربرگیرنده مهارت عاطفی و در نهایت تفکر مراقبتی است.

### ۲-۳-۲. مهارت فعال

مهارت فعال یا عامل از ظرفیت‌های شخصیت‌پردازی در داستان است؛ چنان‌که لیپمن برخی اعمال را که برای نگهداری امور ارزشمند انجام می‌گیرند و مستلزم قضاوت هستند، شناختی و در زمره تفکر مراقبتی می‌داند و به‌عنوان مهارت فعال (عامل) از آن‌ها یاد می‌کند. کاکلی از شخصیت‌های حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» با شناختی که از توانایی خود دارد، هیچ‌گاه مغرور نمی‌شود، بلکه غرور دروغین خود را از بین می‌برد؛ چون شخصیت امام رضا (علیه السلام) مانند یک مربی و الگو، موجب تغییر نگرش در کاکلی شده است و وی این تجربه را در عمل و رفتار خویش بازتاب می‌دهد. حکایت‌های مورد مطالعه از مهارت فعال یا پویا بهره‌مند بوده و کودک را با مفهوم تفکر مراقبتی آشنا می‌سازد و تغییر نگرش وی را در پی دارد که این تغییر نگرش با بهره‌گیری از یک الگو، مهارتی پویا و زنده را به ارمغان آورده است که اسراف نکردن کارگران، نمونه آن است و تغییر نگرش کبوتران (کودکان) را در پی دارد (ن.ک: همان: ۲۳).

### ۲-۳-۳. مهارت هنجاری

اندیشیدن به امور اخلاقی، مهارتی هنجاری در تفکر مراقبتی است؛ یعنی کودک باید بتواند موضوعات اخلاقی را تشخیص دهند و منطقی ببینند. مهارتی مطلوب است که به جای امور سخیف، متوجه امور ارزشمند باشد و تربیت و مهارت باید تفکر را به امور هنجاری یا ارزشی سوق دهد و نامطلوبی ضد ارزش‌ها را آشکار سازد (عظمت‌مدار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۰). حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» با روایتی دلنشین به خواننده می‌آموزاند که سجایای اخلاقی توان واکنش فراوانی در ارزش‌های درونی شخص دارند؛ چنان‌که نویسنده با پرداختن به مسائلی مهم مانند ولایت، خلق خوب و اسراف نکردن تلاش می‌کند تا فرصت یادگیری را به کودک بدهد که نوعی آزمون است؛ چون یادگیری این آزمون، آزمون‌هایی بزرگ‌تر و چالش‌هایی مهم‌تر پیش روی دارد. حکایت‌های مورد مطالعه با فضاسازی کودکانه و تبیین شخصیت کودک در کالبد کبوتران بیانگر مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی؛ یعنی شناخت توانایی‌ها و ضعف‌های درونی خود است که نوعی خودشناسی برای کودک محسوب می‌شود: «ایشان با همه مهربان‌اند، همیشه لب‌خند بر لب دارند، هرگز حرف زشت نمی‌زنند، به نیازمندان کمک می‌کنند» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۱). این خودشناسی کودک را از هر گونه ضلالتی دور می‌کند؛ بنابراین، مهارت هنجاری حکایت‌ها

بستری مناسب برای پرورش تفکر مراقبتی فراهم می‌کند: «امام رضا (علیه السلام) در روز عرفه، تمام اموال خود را بین فقیران و نیازمندان تقسیم کرد» (همان: ۱۲).

#### ۲-۳-۴. مهارت همدلانه

مهارت همدلانه از ظرفیت‌های پرورش تفکر مراقبتی است؛ چنان‌که همدلی و دلسوزی امام رضا (علیه السلام) در بیشتر حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» آشکار است. کبوتران همدلی امام رضا (علیه السلام) را در مهربانی و دلسوزی حضرت درک می‌کنند که تجربه‌ای برای همدلی آن‌هاست. امام رضا (علیه السلام) به ناتوانی شخص متقاضی زیارت در حکایت زیارت پی می‌برد، اما علاقه او را درمی‌یابد و با همدلی و دلسوزی به وی آرامش می‌دهد: «رضا جان! من خیلی دوست دارم، هر سال به زیارت جدتان امام حسین (علیه السلام) بروم یا مرتب به مدینه بیایم و شما را زیارت کنم، ولی توانش را ندارم، چه کار کنم؟ امام با لبخندی دلنشین فرمود: هر کس نمی‌تواند به زیارت برود، پس دوستان صالح ما را زیارت کند تا خداوند ثواب زیارت ما را به او بدهد» (همان، ۱۰).

همدلی کبوتران (کودکان) در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش»؛ یعنی خود را در موقعیت دیگری نهادن، چنان‌که کبوتر غریبه زردرنگ وارد شهر می‌شود و گرسنه است، کبوتران دیگر خود را فراموش می‌کنند، از افق فکری خود خارج می‌شوند، خویش را در جایگاه او می‌گذارند و بهتر می‌توانند موقعیت کبوتر زردرنگ را درک کنند: «او را با خود به خانه امام رضا (علیه السلام) بردم، از گندم‌های توی باغچه خورد و گفت: واقعاً به این غذا نیاز داشتم، ممنون که مرا از گرسنگی نجات دادی!» (همان: ۱۱). این مهارت در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» وجود دارد؛ چنان‌که کبوتران به‌عنوان نمادی از کودکان با الگوپذیری از مقامی شامخ درمی‌یابند که باید از احساسات، چشم‌اندازها و افق‌های فکری خود دوری کنند و در جایگاهی باشند که احساسات دیگران را تجربه کنند.

#### ۲-۴. تفکر مشارکتی

تفکر مشارکتی بارش افکار یا توفان فکرهاست؛ چنان‌که بلوغ تفکر مشارکتی بیشتر از تفکر انفرادی است. راجر ساتکلیف<sup>۱</sup> تفکر مشارکتی را به سه گونه تفکر لیپمن اضافه کرد و بر آن است که کودکان خلاقانه افکار جدید خود را مطرح و نقادانه از اندیشه‌های اطراف خود پرسش می‌کنند؛ چنان‌که از دیگران انتظار دارند به دیگران اهمیت می‌دهند و از آن‌ها مراقبت می‌کنند

1. Roger Sutcliffe

و نیز به یکدیگر کمک می‌کنند تا به درکی مشترک برسند (ناجی، ۱۳۹۹: ۱۲۷). تفکر مشارکتی رویکردی نو بوده که توجه زیادی را در سه دهه اخیر به خود جلب کرده است؛ چنان که کودکان فرصت‌هایی برای ارتباط با یکدیگر دارند تا اهداف مشترک خود را تحقق بخشند؛ یعنی از لحاظ علمی و اجتماعی پیشرفت می‌کنند و بهتر می‌توانند مسائل را توضیح دهند و ایده‌های خود را مطرح کنند. تدریس درس تفکر و پژوهش مشارکتی در قالب فعالیت گروه‌های کوچک زمینه مناسبی برای دستیابی به بسیاری از اهداف ناظر بر تربیت اخلاقی مانند مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزش‌گذاری به کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت است.

#### ۲-۴-۱. مهارت مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های انسانی، پاسخگویی و پذیرش کاری است که درخواست می‌شود و فرد حق دارد آن را بپذیرد یا نپذیرد (ن.ک: کلمز، ۱۳۸۶: ۹۸). کودک نیازهای خود را می‌کند و به فداکاری و مسئولیت‌پذیری؛ یعنی پشتیبانی از افراد وابسته و آسیب‌پذیر می‌پردازد؛ چنان که دیگران را بر خود برتری می‌دهد و احساس مسئولیت نسبت به دیگران دارد. امام رضا (علیه السلام) اسوه مهربانی و مهمان‌نوازی است؛ بنابراین، کودک الگویی متعالی در حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» دارد که درس فداکاری از وی می‌آموزد؛ چنان که کودک مفهوم مسئولیت‌پذیری را درمی‌یابد: «گفتم: قربان شما! نوش جان! کاری نکردم، کمک به نیازمندان کاری است که از صاحب این خانه یاد گرفته‌ام. بعد برایش از رفتار امام با نیازمندان و خاطره‌های زیبایم تعریف کردم، مثل این‌ها که امام رضا (علیه السلام) در روز عرفه، تمام اموال خود را بین فقیران و نیازمندان تقسیم کرد» (میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۲).

کودک احساس مسئولیت را از رفتار اطرافیان می‌آموزد و نیاز خود را برای جمع فدا می‌کند؛ چنان که پیامدهای رفتار خود را می‌پذیرد، قابل اعتماد است و به ساختار اجتماعی بزرگ‌تر تعهد دارد. این رویکرد باعث رشد تفکر مشارکتی در امور اجتماعی و پایبندی به آن خواهد شد؛ چنان که اکرام در حکایت مهمان‌نوازی و احترام به همسایه‌ها چنین تبیین شده است: «همسایه‌ها از کسانی هستند که امام رضا (علیه السلام) خیلی به آن‌ها اهمیت می‌داد، همیشه با مهربانی و احترام با آنان صحبت می‌کرد، در منزلش برای آن‌ها مهمانی می‌گرفت، اگر همسایه‌ای مریض می‌شد، امام به عیادتش می‌رفت، گاهی برایشان هدیه می‌فرستاد و معمولاً در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به یاری آن‌ها می‌شتافت» (همان: ۱۸). کودک مسئولیت‌پذیر می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مناسب در شرایط و موقعیت‌های مختلف پاسخگوی باشد. کودک انتخاب‌هایی در چهارچوب هنجارهای اجتماعی دارد که موفقیتی مهم برای وی است. تأثیر معنوی شخصیت امام رضا (علیه السلام) در

حکایت‌های مثل امام رضا (علیه السلام) باش بر بهبود مهارت کودک مشهود است و میرزایی تلاش کرده است تا جنبه‌های اخلاقی را با نماد و تصویر برای کودک نشان دهد. این پژوهش رویکردهای فکری حکایت‌های مثل امام رضا (علیه السلام) باش را با تکیه بر انگاره تفکر چندبعدی (خلاق، انتقادی، مراقبتی و مشارکتی) لیپمن با هدف افزایش قدرت تفکر کودک تبیین کرده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

آثار روایی برگرفته از سیمای اسوه‌های مذهبی با ساختاری فانتزی و تخیلی، بازدهی مهمی برای بومی‌سازی مفاهیم فلسفی دارند و ابزار برنامه فلسفه برای کودکان از منظر تفکر چندبعدی لیپمن هستند. حکایت‌های «مثل امام رضا (علیه السلام) باش» نگرش‌ها، باورها، مراتب دانش و دریافت نویسنده را پوشش می‌دهند که در بازشناخت سیمای امام رضا (علیه السلام) از منظر گونه‌های تفکر برای کودک و نوجوان اثرگذاری مثبتی دارند.

الف. اصالت و نوآوری در تفکر خلاق با بازسازی تخیلی کودکان در ساختار نمادین کبوتران، دیدگاهی شایسته از نوآوری در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند؛ بازگویی محتواها با خلق تصویرهای تخیلی، دنیای خیال و واقعیت را در ذهن کودک به هم آمیخته و حکایت‌ها را برای وی جذاب کرده است. استفاده نویسنده از تصویر باعث بازسازی ذهن و خلق امور بدیع اخلاقی و تربیتی در این حکایت‌هاست.

ب. حکایت‌های مورد مطالعه از منظر تفکر انتقادی مبتنی بر دگراصلاحی، خوداصلاحی، حساسیت به متن و داوری درست بررسی شدند که موضوع اصلی حکایت‌ها اندیشیدن و گفت‌وگو درباره سجایای اخلاقی امام رضا (علیه السلام) و وابستگی کودک به الگویی متعالی است؛ چنان که داوری درست مبتنی بر ملاکی دینی و مذهبی است. نویسنده عقل و درایت کودک را محرک اصلی پویایی دانسته است و حس همانندسازی با کاربست الگوی اخلاقی، حساسیت به متن را در ذهن کودک پرورش می‌دهد و واکنش درست وی را به مسائل بازگو می‌کند؛ چنان که روایت‌های متفاوت درباره شخصیت امام رضا (علیه السلام) الگویی متعالی و مناسب برای بهبود خوداصلاحی کودک است.

پ. نویسنده نوعی تفکر مراقبتی را در حکایت‌های مورد مطالعه در قبال کودکان مطرح کرده و دغدغه‌های کودک امروزی را مانند عدم شناخت اصول دین اسلام، مهرورزی و مهربانی با دیگران، مسئولیت‌پذیری، مهمان‌نوازی و ... در نظر گرفته است و تلاش می‌کند تا این دغدغه‌ها

را با تکیه بر سجایای اخلاقی الگویی مذهبی و سازنده جلا دهد و کودک را به تعالی و کوشندگی بکشاند. مهارت عاطفی هیجانات کودک به‌ویژه مهربانی را بازگویی و دربارهٔ مسائل به داوری می‌کند و نوعی تفکر مراقبتی را برای کودک در برخورد با مسائل بازشناسی کرده است. مهارت فعال سجایای اخلاقی را ارزش‌گذاری و باعث قضاوت دربارهٔ این ارزش‌گذاری شده است تا حکایت‌ها را با دیدی مراقبتی ببینند و از امام رضا (علیه‌السلام) در مهارت هنجاری و همدلانه الگو گرفته و دریافته‌اند که باید از احساسات، چشم‌اندازها و افق‌های فکری خود دوری و احساسات دیگران را تجربه کنند.

ت. تفکر مشارکتی که فعالیتی در گروه‌های کوچک برای دستیابی به اهدافی ناظر بر تربیت اخلاقی مانند مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزش‌گذاری کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت است؛ چنان‌که احساس مسئولیت کودک در قبال دیگران در حکایت‌های مورد مطالعه وجود دارد و این حکایت‌ها محرکی اثرگذار برای آموزش مهارت‌های فکری و استدلالی یا همان تفکر خلاق و انتقادی به عنوان مهم‌ترین دستاوردهای برنامهٔ فیک هستند.

## منابع و مآخذ

- اکبری، احمد؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ تقوی، محمد. (۱۳۹۱). «فلسفه برای کودکان (P4C): مضامین فلسفی در داستان‌های متون ادب فارسی». *تفکر و کودک*. دوره ۳. شماره ۶. صص: ۱-۲۵.
- البرزی، محبوبه. (۱۳۸۶). «تبیین واسطه‌گری باورهای انگیزشی در مدل خلاقیت کودکان با رویکرد به متغیرهای خانوادگی، مدرسه‌ای و باورهای اسنادی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی». *رساله دکتری*. استاد راهنما محمد خیر و محمد مزیدی. دانشگاه شیراز.
- ایروانی، شهین؛ مختاری، خدیجه. (۱۳۹۰). «جایگاه مفاهیم فلسفی در ادبیات داستانی کودک ایران». *مطالعات ادبیات کودک*. سال دوم. شماره ۱. صص: ۱-۳۱.
- جهانی، جعفر. (۱۳۸۲). *دییاجه‌ای بر شیوه‌های پژوهش در تفکر انتقادی*. شیراز: ملک سلیمان.
- حسینی، مالک؛ حسینی، سیدحسن. (۱۳۹۰). «اخلاق تفکر انتقادی». *پژوهش‌های فلسفی*. سال ۵. شماره ۸. صص: ۱-۱۳.
- سلطان‌القرائی، خلیل؛ سلیمان‌نژاد، اکبر. (۱۳۸۷). «تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس». *تربیت اسلامی*. سال سوم. شماره ۶. صص: ۱۸۱-۱۹۵.
- سهرابی، راضیه؛ البری، محبوبه؛ خوشبخت، فریبا. (۱۳۹۲). «مقایسه افسانه‌های ایرانی، کتاب‌های داستانی تصویری ایرانی و کتاب‌های داستانی تصویری خارجی بر مبنای مؤلفه‌های تفکر فلسفی». *مطالعات ادبیات کودک شیراز*. سال چهارم. شماره ۱(۷). صص: ۹۱-۱۱۲.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۷). *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. ویراست ۶. چاپ ۳ (چاپ مکرر، چهل و دوم). تهران: دوران.
- صفایی مقدم، مسعود. (۱۳۸۸). «بررسی تحلیل نهضت آهستگی و آنچه برای نهضت فلسفه برای کودکان در اختیار دارد». *فرهنگ*. سال هشتم. شماره ۶۹. صص: ۵۹-۸۲.
- عظمت‌مدار فرد، فاطمه؛ بختیار نصرآبادی، حسن علی؛ حیدری، محمد حسین؛ قائدی، یحیی. (۱۳۹۷). «بررسی ظرفیت سه داستان از رساله دلگشای عبید زاکانی بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن». *مطالعات ادبیات کودک شیراز*. سال نهم. شماره ۲ (۱۸). صص: ۹۹-۱۲۲.
- علی‌زاده، پوران. (۱۴۰۰). «بررسی محتوایی داستان‌های گروه سنی «۵» از جهت تطبیق با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن». *مطالعات و تحقیقات ادبی*. سال ۱۲. شماره ۳ (۲۱). صص: ۱۱۹-۱۴۵.
- فیشر، رابرت. (۲۰۱۳). *آموزش و تفکر*. ترجمه فروغ کیان‌زاده. اهواز: رشش.
- فیشر، رابرت و همکاران. (۱۳۸۷). *شکوفاسازی خلاقیت*. ترجمه ناتالی چوبینه. تهران: پیک بهار.
- کرفت، آنا. (۱۳۸۸). *پرویش خلاقیت در کودکی*. ترجمه مهدی نورانی. تهران: رشش.
- کلمز، هریس و رینولد بین. (۱۹۸۶). *آموزش مسئولیت به کودکان*. ترجمه پروین علی‌پور. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کندی، دیوید و همکاران. (۱۳۸۹). *فلسوفان کوچک*. ترجمه یحیی قائدی. تهران: آبیژ.
- حبیبی، مجید؛ عراقی، لیلا. (۱۳۹۴). *داستانی برای کندوکاو*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مکتبی فرد، لیلا. (۱۳۸۸). «سیر تحول و شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های تألیفی

ایران برای کودکان و نوجوانان». *تفکر و کودک*. سال اول. شماره ۱. صص: ۱۰۰-۱۲۴.  
 میرزایی، حسین. (۱۳۹۷). *مثل امام رضا علیه السلام*. دو جلدی. مشهد: آستان قدس رضوی.  
 ناجی، سعید. (۱۳۹۹). *معیار فیک برای داستان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
 یاری دهنو، مراد. (۱۳۹۴). *درآمدی بر برنامه فلسفه برای کودکان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## References

- Akbari, Ahmad and others (2012). «Philosophical topics in the stories of Persian literary texts». *Thought and child magazine*. No 2. 1-17. (in Persian)
- AlBarzi, Mahbobeh (2007), Explaining the mediation of motivational beliefs in children's creativity model with an approach to family, school variables and document beliefs in primary school students, PhD thesis, supervisors Mohammad Khair and Mohammad Muzesi, Shiraz University. (in Persian)
- Alizadeh, Puran (2021). «Content analysis of stories of age group «D» in order to adapt to the skills and components of Lipman's philosophical thinking». *Quarterly Journal of Literary Studies and Research of Kharazmi University*. Year 12. No 3. 119-145. (in Persian)
- Azmatmadar Fard, Fatemeh and others. (2018). «Investigation of the capacity of three stories from Obeid Zakani's heart-warming treatise based on the components of Lippmann's philosophical thinking», *Shiraz Children's Literature Studies*. ninth year No. 2. 102-121. (in Persian)
- Clems, Harris and Reynolds Bean (1986), *Teaching Children Responsibility*, translated by Parvin Alipour, Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Fisher, Robert (2013). *Education and thinking*. Translated by Forough Kianzadeh. Ahvaz: Rasesh. (in Persian)
- Fisher, Robert and colleagues (2008), *Blooming of creativity*, translated by Natalie Chuineh, Tehran: Pik Bahar. (in Persian)
- Hosseini, Malik and Hosseini, Seyed Hassan (2011). «Ethics of Critical Thinking». *Journal of Philosophical Researches of Tabriz University*. No. 8. 1-13. (in Persian)
- Irvani, Shahin and Mokhtari, Khadijah (2011). «The place of philosophical concepts in Iranian children's fiction». *Children's literature studies*, second year. No 3. 1-32. (in Persian)
- Jahani, Jafar (2003). *An introduction to research methods in critical thinking*. Shiraz: Molek Suleiman. (in Persian)
- Kennedy, David et al. (2009). *Little philosophers*. Translated by Yahya Qaidi. First edition. Tehran: Aiezh. (in Persian)
- Kraft, Anna (2009), *Fostering creativity in childhood*, translated by Mehdi Noorani, Tehran: Rasesh. (in Persian)
- Lipman, M. (2003). *Thinking in education*, second edition. Cambridge: Cambridge University press. (in english)
- Majid Habibi Iraqi, Leila (2017). *A story to explore*. First edition, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Maktabifard, Leila (2009). «Course of evolution and formation of critical thinking skills in Iranian

- authored stories for children and teenagers». Thinking and the child. first year No 1. pp. 100-124. (in Persian)
- Mirzaei, Hossein (2018), be like Imam Reza, two volumes, Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Naji, Saeed (2020). Fabek criteria for the story. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- SafaiMoghadam, Massoud (1998). «Reviewing the analysis of the slowness movement and what it has for the movement of philosophy for children». Alzahra University Humanities Quarterly. eighth year No. 69. 59-89. (in Persian)
- Saif, Ali Akbar (2008). Modern educational psychology: psychology of learning and education. 6th edition, 3rd edition (repeated edition, 42nd edition). Tehran: Duran. (in Persian)
- Sharp, A. M) . 2007(, «The Other Side of Reason: the World of the Emotions». in: Sources of Philosophy for Children. Oulu University Press. Studies, 22(1), pp. 137-153. (in english)
- Sohrabi, Razieh et al. (2013). «Comparison of Iranian legends, Iranian visual fiction books and foreign visual fiction books based on the components of philosophical thinking». Shiraz children's literature studies. fourth year No. 1. 91-112. (in Persian)
- SultanalQaracai, Khalil and Suleimanjad, Akbar (2008). «Critical thinking and the necessity of teaching it in the classroom». Islamic Education Quarterly. No. 3. 181-195. (in Persian)
- Swann, Jennie (2013), Dialogic inquiry: From theory to practice, For the award of Doctor of Philosophy, Univrrcity OF Southern Queensland. (in english)
- Tran, N. (2013). Thinking Skills Frameworks to Evaluate Philosophical Modules in Higher Education, Arecls, 2(10), 177-195. (in english)
- Yari Dehno, Murad (2015). An introduction to the philosophy program for children. First edition. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)





## An Analysis of Waqf Developments in the Pahlavi Era (Case Study: Astan Quds Razavi)

Mostafa Farzaneh<sup>1</sup> Vahid Shalchi<sup>2</sup> Majid Fouladiyan<sup>3</sup>

1. Ph.D. Candidate in Political Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran : tahafarzaneh@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author): shalchi@atu.ac.ir
3. Associate Professor of Sociology, Faculty of Letters and Humanities, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: fouladiyan@um.ac.ir

### Article Info

### Abstract

#### Article Type:

Research Article

#### Article History:

#### Received:

September 04, 2023

#### In Revised Form:

October 10, 2023

#### Accepted:

October 15, 2023

#### Published Online:

December 21, 2024

#### Keywords

Based on the data of Waqfs in Astan Quds Razavi and historical evidence, this article tries to present a clear picture of Immovable Waqf changes; Waqfs(Donators), type of Waqfs and their geographical distribution, manner of endowment consumption, as well as the assignment of Custodians or supervisor. In addition, From the perspective of social history and using some theoretical concepts, it seeks to explain these developments. For this purpose, descriptive-analytical historical method and interview were used. The findings show that; The annual average of immovable Waqf in Pahlavi is about one and a half. %85 of the Waqfs belong to the middle-middle and upper-middle social base, and except for a few merchants and tradesmen, %40 have left the responsibility to Astan and %54 have not appointed a supervisor. %68 of the Waqfs had a special aspect and nearly %22 of the expenses were for medical purposes. %13 of cases are farms. The annual average of Waqfs during the times when one person was the Custodians and governor was 2/07, pieces While for the years when he was only a Custodians, it was 1.30. The correlation coefficient shows a direct relationship between the Custodians' actions and the amount of Waqf, as well as a direct and strong relationship between the number of Waqf pieces and the months of trusteeship of Custodians. At the same time, attention should also be paid to factors such as the social image of Custodians, social stability, bureaucratization of the threshold and the effect of government policies. Therefore, the waqfs of this age have made Waqfs based on an understanding of the needs of the society, which was made more prominent by the actions of the Custodians of Astan and social networks affected by the institutional environment. In addition, the concentration in some cities can be explained by the cognitive approach and the continuation of the tradition of Waqf, but the lack of encouragement and support from the clergy and the government, as well as the growth of charitable organizations, were effective in the non-dispersion of Waqfs.

Waqf, Pahlavi, Astan Quds, social history.

Cite this The Author (s): Farzaneh, M; Shalchi, V; Fouladiyan, M. (2024). Analysis of Waqf changes in Pahlavi period Case Study: Astan Quds Razavi : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (91- 131)- [DOI:10.22034/farzv.2023.414855.1909](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.414855.1909)



## Introduction

Basically, Waqf is considered as a religious act. The research findings of Teah et al. (2014) and schlegelmilch et al. (1997) also emphasized that benevolent actions are a religious teaching (Teah et al. 2014: 10). In addition to this, waqifs, waqf institutions and waqf expenses are formed in the institutional network of relationships. Berking (1999) notifies that donations is never free from social and moral obligations (Machin, Williams & Firth, 2020: 3). Therefore, it cannot be investigated only with intra-religious analysis.

Astan Quds Razavi has formed a powerful endowment institution in social, economic, cultural, religious and political dimensions, which has an impact on the configuration of society. This institution “as one of the oldest and most documented collections of endowments(Waqf) in the world, has a long history in endowment”(Hasanabadi,2011:7-8).

Based on the data of Waqfs in Astan Quds Razavi and historical evidence, this article aims to provide a comprehensive overview of changes in immovable Waqf, including details about social statues and gender of Waqifs (donors), types and geographic distribution of Waqfs, usage of endowment funds, and the assignment of custodians or supervisors. The primary question addresses the characteristics of Waqf changes in Astan Quds during the Pahlavi era and the underlying explanations. Additional questions examine the policies and actions of Pahlavi, the social and political role of custodians, the status of the Astan organization, the social statues and gender of Waqifs, and the mechanisms used for endowment (e.g., general/special expenses, delegation of responsibilities to Astan or other parties).

The study approaches these changes from a social history perspective, applying theoretical concepts such as: Perceived needs, Dyadic- ties, Social networks and trust, without attempting to test theories or generalizable patterns. To achieve this, a descriptive-analytical historical method and interviews were employed, following an interpretive strategy as suggested by Skocpol (1984). This strategy emphasizes understanding complexity over providing general explanations, the time and context, and also processual nature of events. This study incorporates inductive comparison to create comparative tables. Data percentages and frequencies were obtained using Excel and S.Q.L. and SPSS was also used. In some cases, that the accuracy of data needed to be revised, it was adopted to the Document Management Indexing database of Astan-Qods-Razavi. Which was approved by the researches of Awqaf monitoring and productivity management, document management researchers and Islamic research institution researchers of A.Q.R. The interview was semi-structured. The selection criteria of interview-

ees were: Relevant field of study, Citable articles or books, organizational position and working experience related to Waqf documents. The criteria of the social statues of the acquaintances were: occupation, social and family status, in the case of women, their family position and status or spouse's employment was considered.

Key findings reveal that the annual average of immovable Waqf during the Pahlavi era was approximately 1.5 per year. The annual distribution of endowments in the mentioned period is shown in a graph. Roughly 85% of Waqifs were from the middle-middle and upper-middle social statues. 40% delegated responsibility to Astan, this matter had an upward trend from 1931 to 1971 and at the end of it, and 18% assigning responsibility to another individual before Astan. Additionally, 54% did not designate a supervisor, 68% of Waqfs were earmarked for special expenses, and about 22% of expenses were for medical purposes. Most Waqifs were male, with female Waqifs typically from middle-class backgrounds, directing their endowments toward hospital expenses, general expenses, and support for religious staff, lighting, tombs, prayer recitals, and Qur'an readings. Geographically, endowments spanned six provinces, with Khorasan accounting for 49%, After Khorasan, Kerman and Tehran have the most endowment cases. 13% were agricultural properties. This era marked the first appearance of endowments for hospitals, as well as for the mothers' support company. Due to government policies, traditional key positions in Astan held by Sadats decreased, resulting in a reduction of Sadat endowments to a single case.

Religious spending shifted as well, with a marked decrease in endowments for religious holidays, especially under Reza Shah. In the second Pahlavi period, land endowments increased while farmland endowments declined, influenced by land reform policies that redistributed large estates to smaller classes. The impact of government policies on Waqfs varied, with support seen in areas like healthcare, but less alignment in education-related endowments. When government policies conflicted with religious or cultural values, endowment frequency declined, or social and religious networks redefined endowment uses.

During periods when a custodian also served as governor, the annual average of Waqfs was 2.07; without this dual role, it was 1.30. Correlation analysis showed a direct relationship between custodians' tenure / their actions and the quantity of Waqfs. also It is highlighted the influence of custodians' social image, social stability, bureaucratic processes. However, these factors alone were not decisive for endowment patterns.

Contrary to some researchers who argue that this era inflicted lasting harm on Waqf (e.g., Jalalian, 2011; Navaeian, 2011; Nikmer, 2013; Akbari, 2020), the

findings suggest that endowment practices were based on societal needs and lived experiences, reinforced by custodian actions and social networks. For example, the growth of endowments in the field of treatment is in line with eight Custodians who have taken constructive measures in the field of health and treatment, which were important in the formation of an institutional legacy. The low ratio of endowments in the fields of Kheyrat, orphans and pilgrims' affairs was also in line with the low Custodians actions in these fields. Waqfs tended to persist due to their durability and relevance to societal needs. Notably, middle-class individuals were more active in making Waqfs than those from higher classes, who seemed less favorable toward Waqfs as charitable organizations gained popularity, enabling clearer expense allocation and capital control.

The concentration of Waqfs in certain cities can be explained by cultural continuity and the tradition of Waqf. For instance, the rise in endowments in Kerman is likely related to both its historical Waqf tradition and the establishment of an endowment office in Yazd and Kerman, which helped to promote and manage Astan's endowments in the region. Also, the historical experience of failing to entrust responsibility to someone else could have led to delegation of responsibility to Astan.

In summary, while government and clergy support for Waqfs diminished, resulting in a lower number of Waqfs and less diversification of Waqfs, but the idea of Waqf persisted in response to community needs and societal values.

### Reference:

- Hasanabadi, Abulfazl (2011). The position of Custodians in the Waqf administration of Astan Quds Razavi. Astan Quds Razavi's special Waqf letter. Mashhad: Secretariat of the Supreme Cultural Council of Astan Quds. (in Persian).
- Machin, Laura.L & Richard A. Williams & Lucy Frith (2020), Proposing a sociology of donation: The donation of body parts and products for art, education, research, or treatment. <http://wileyonlinelibrary.com/journal/soc4.p:1-16>. DOI: 10.1111/soc4.12826
- Skocpol, theda (2009). Vision and method in historical sociology. Translated to Persian by Hashem Aghajari. Tehran: nashr-e-markaz. (in Persian).
- Teah, M. and Lwin, M. and Cheah (2014), Moderating Role of Religious Beliefs on Attitudes towards Charities and Motivation to Donate. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*. 26 (5): pp. 738-760.



## تحلیل تحولات وقف در دوره پهلوی

### (مورد مطالعه؛ آستان قدس رضوی)

مصطفی فرزانه<sup>۱</sup>، وحید شالچی<sup>۲</sup>، مجید فولادیان<sup>۳</sup>

tahafarzaneh@gmail.com

shalchi@atu.ac.ir

fouladiyan@um.ac.ir

۱. دانشجوی دکترای رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

۳. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

این مقاله با تکیه بر داده‌های وقف‌نامه‌ها در آستان قدس رضوی و شواهد تاریخی، می‌کوشد تصویر روشنی از سیر وقف‌های غیرمنقول، واقفان، نوع رقبات و پراکندگی جغرافیایی‌شان، مصرف موقوفات و نیز واگذاری تولیت یا ناظر ارائه کند. برای توضیح این تحولات از تاریخ اجتماعی و پاره‌ای مفاهیم نظری بهره گرفته و از روش تاریخی توصیفی تحلیلی و مصاحبه استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که: میانگین سالانه وقف‌های غیرمنقول در پهلوی حدود یک و نیم است. ۸۵٪ واقفان متعلق به پایگاه اجتماعی متوسط‌متوسط و متوسط بالا بوده و به جز اندکی از تجار و کسبه، ۴۰٪ تولیت موقوفه را به آستان واگذار کرده و ۵٪ ناظر تعیین نکرده‌اند. ۶۸٪ موقوفات جنبه خاص داشته و حدود ۲۲٪ مصارف برای امور درمانی بوده است. همچنین بیشترین فراوانی رقبات با ۱۳٪ زمین است. میانگین سالانه وقف در زمان‌هایی که یک نفر متولی و استاندار بوده ۲/۰۷ در حالی که برای سال‌هایی که فقط متولی بوده ۱/۳۰ بوده است. ضریب همبستگی ارتباط مستقیم بین اقدامات متولیان و میزان وقف و نیز ارتباط مستقیم و شدید بین تعداد رقبات و ماه‌های تولیت را نشان می‌دهد. ضمن آنکه باید به مؤلفه‌های وجهه اجتماعی نایب‌التولیه‌ها، ثبات اجتماعی، بوروکراتیک‌شدن آستان و تأثیر سیاست‌های حکومت نیز توجه داشت؛ بنابراین واقفان این عصر بر مبنای درکی از نیازهای جامعه که به واسطه اقدامات متولیان آستان و شبکه‌های اجتماعی متأثر از محیط نهادی، پررنگ‌تر شده بود، اقدام به وقف کرده‌اند. در ضمن تمرکز در برخی شهرها را می‌توان با رویکرد شناختی و تداوم سنت وقف توضیح داد، ولی عدم تشویق و همراهی روحانیت و حکومت و نیز رشد بنگاه‌های خیریه بر عدم پراکندگی وقف موثر بود.

#### تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۱۳

#### تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۷/۱۸

#### تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۷/۲۳

#### تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۰۱

وقف، پهلوی، آستان قدس، تاریخ اجتماعی.

#### کلیدواژه‌ها

استناد: فرزانه، مصطفی؛ شالچی، وحید؛ فولادیان، مجید: (۱۴۰۳). تحلیل تحولات وقف در دوره پهلوی (مورد مطالعه؛ آستان قدس رضوی): فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۹۱-۱۳۱).

[DOI: 10.22034/farzv.2023.414855.1909](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.414855.1909)



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

«وقف» در لغت به معنای ایستادن و درنگ کردن است و در اصطلاح فقها به معنای «تَحْبِیْسُ الْأَصْلِ و تَسْبِیْلُ الْمَنْفَعَةِ یا اِطْلَاقُ الْمَنْفَعَةِ» یعنی جلوگیری از نقل و انتقال آن (حائری، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۸)، نگهداری مال و رها کردن منفعت آن است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵). وقف، کنشی مذهبی محسوب می‌شود؛ بدین سان انگیزه‌های مذهبی نقش مؤثری بر وقف دارند، همان‌گونه که یافته‌های پژوهش تی و لوین و چیا (۲۰۱۴) تأیید می‌کند یا شلگلمیلچ و همکارانش (۱۹۹۷) تاکید کردند که اساساً اعمال خیرخواهانه یک آموزه دینی است (Teah et al., 2014: 10)؛ اما واقفان، مؤسسات وقفی و مصارف وقف در شبکه‌ای از روابط، ساختارها و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرند. برکین (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که بخشش هرگز فارغ از تعهدات اجتماعی و اخلاقی نیست (Machin et al., 2020: 3)؛ بنابراین نمی‌توان آن را صرفاً با تحلیل‌های درون دینی بررسی کرد. پس باید آن فضای مقدراتی را شناسایی کنیم که ضمن حضور کنشگران در آن، از آن‌ها استعلامی یابد.

با تراکم تاریخی وقف، سازمان‌های موقوفه‌ای ایجاد می‌شود. نهادهای موقوفه عمده با تبدیل سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به یکدیگر از جایگاه والایی در عرصه اجتماعی سیاسی برخوردارند. در این میان آستان قدس با داشتن قدرت اجتماعی برخاسته از ریشه‌های دینی، قدرت اقتصادی برخاسته از موقوفات و تأثیر متقابل بر قدرت سیاسی، نهاد قدرتمندی را شکل داده که در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی بالیده و در پیکربندی جامعه خویش تأثیرگذار است. این سازمان «به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مدون‌ترین مجموعه‌های موقوفاتی در دنیا، از سابقه‌ای طولانی در وقف برخوردار است» (حسن‌آبادی، ۱۳۹۱: ۷-۸).

سیاست‌های مدرنیزاسیون و تحولات اجتماعی عصر پهلوی با جامعه سنتی پیش از آن در تقابل بنیادی قرار داشت. حتی مشروعیت‌یابی حکومت برخلاف قبل زمینه‌های جدیدی غیر از حوزه مذهب و آستان قدس را جست‌وجو می‌کرد. در این میان وقف به‌عنوان کنش مذهبی سنتی متأثر از تحولات جدید است که نمود خود را در ابعاد گسترده‌ای مانند نوع مصارف، پایگاه اجتماعی واقفان و اقدامات متولیان نشان می‌دهد.

### ۱-۱. پیشینه و پرسش پژوهش

پژوهشگران حوزه وقف مدعی بودند که در دوره پهلوی به دلایلی از جمله جهت‌گیری منفی حکومت به وقف و تصویب قوانین محدودکننده، عملکرد ضعیف و عدم کارایی نایب‌التولیه‌ها

در زمینه حفظ و توسعه موقوفات، دستبرد و حیف و میل موقوفات، وقف از بین رفته و ضربات سهمگینی به فرهنگ وقف وارد شده است (جلالیان، ۱۳۹۰؛ نوائیان، ۱۳۹۰؛ نیک‌مهر، ۱۳۹۱؛ اکبری، ۱۳۹۹). نتیجه نهایی آنکه به نظر می‌رسد وقف در دوره پهلوی در یکی از بدترین شرایط خود قرار داشته است (نیک‌مهر و وکیلی، ۱۳۹۲؛ سیدی، ۱۳۸۶). این پژوهش‌ها در زمینه انگیزه‌های واقفان، رقبات وقفی، مصارف، اثرگذاری و دوام موقوفات به این نتیجه رسیده‌اند که واقفان این دوره برای حفظ اموالشان اقدام به وقف کرده و غیر از تعداد محدودی از واقفان، دیگران توجه چندانی در خصوص رفع نیازهای ضروری مشهود نداشتند (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۶۷-۱۷۰). رقبات تجاری نیز به دلیل پیوند مذهب با بازار و روحانیت، درصد زیادی را به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین مصارف موقوفات در این دوران مربوط به مصارف مذهبی بوده است (نیک‌مهر و وکیلی، ۱۳۹۲)، در ضمن به دلیل گسترش موقوفات بین طبقات پایین و مردم عادی، موقوفات خردی رشد کرد که از اثرگذاری و دوام کمتری برخوردار بودند (اکبری، ۱۳۹۹: ۲۰۸). این‌ها مسائلی هستند که همچنان امکان به چالش کشیدن آن طی بررسی تحولات وقف و نایب‌التولیه‌ها وجود دارد.

به منظور تحلیل این مسائل، مسئله نخست، ترسیم فراز و فرود و نیز تحولات در زمینه‌های نوع رقبات وقفی و مصارف آن‌ها، نوع واقفان به لحاظ پایگاه اجتماعی و جنسیتی و اقدامات نایب‌التولیه‌هاست که در نهاد آستان بهتر می‌توان مشاهده و تحلیل کرد. مسئله دوم، توضیح و تفسیر این تحولات است. بدین سان می‌باید با بهره‌گیری نظام‌مند از مفاهیم، از اکتفا به توصیف صرف که وجه غالب تحقیقات این عرصه است، فراتر رویم. این تحلیل بر غنی‌تر شدن درک ما از چگونگی تکوین میراث نهادی، تداوم یا تغییر ساختارهای اجتماعی می‌افزاید. ضمن آنکه «فهم چگونگی شکل بخشیدن رخداد‌های گذشته به مسائل پیچیده زمانه، ما را در گرفتن تصمیم‌های آگاهانه درباره آینده‌مان کمک می‌کند» (رامپولا، ۱۳۹۴: ۱۴).

پرسش اصلی این است که تحولات وقفی آستان قدس در دوره پهلوی، دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟ و چه توضیحی می‌توان برای آن ارائه کرد؟ در همین راستا پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود؛ از جمله این که: سیاست‌های کلان و اقدامات شاه در این باره چه بوده است؟ موقعیت نایب‌التولیه‌ها و اقداماتشان و وضعیت تشکیلات آستان در دوره پهلوی چگونه بوده است؟ واقفان با چه پایگاه اجتماعی و جنسیت، با چه مکانیسم‌هایی (عام/خاص، تفویض تولیت یا ناظر به آستان/دیگری) اقدام به وقف کرده‌اند؟ چه چیزی و برای چه مصرفی وقف شده و پراکندگی جغرافیایی موقوفات چگونه است؟

## ۱-۲. دیدگاه نظری

این مقاله قصد نظریه‌آزمایی، کشف الگوهای قابل تعمیم یا پیکربندی‌های علی ندارد. در ضمن لزومی هم ندارد جامعه‌شناسی اهدا، به طور عام، مبتنی بر یک نظریه واحد و کلی باشد، بلکه بر مبنای ویژگی‌های تجربی مشترک که سبب تمایز این حوزه از دیگر انواع پدیده‌های اجتماعی می‌شود، وحدت را در یک زمینه مطالعاتی پیشنهاد می‌کند (Machin et al., 2020: 6)؛ نظریه‌ها می‌توانند پرسش‌هایی را مشخص کنند که لازم است و حتی زبانی را برای پاسخگویی در اختیار گذارند. همچنان که بخش‌هایی از پاسخ‌ها را نیز فراهم می‌آورند (اسکاچیل، ۱۳۸۸: ۱۲۶)؛ بنابراین، این حوزه از تحقیق سعی می‌کند مفاهیم نظری را از دیدگاه‌های مختلف در پارادایم روایی تفسیری (بلیکی، ۱۳۹۳) به کار برد.

با مروری بر نظریه‌های مختلف، می‌توان آن‌ها را در پیوستاری از سطوح مختلف طبقه‌بندی کرد. با بررسی رویکردهای سطح خرد<sup>۱</sup>، مهم‌ترین مفاهیم آن در دو بعد شناختی و عاطفی (جدول ۱) قابل ذکر است:

جدول ۱: مهم‌ترین مفاهیم رویکردهای سطح خرد

بعد عاطفی - احساسی	بعد شناختی
همدردی و همدلی	اطلاع از مؤسسات خیریه و اهداف آن‌ها
ساختن جهانی بهتر	اطلاع از مشارکت دیگران
حمایت از هدفی شایسته	اطلاع از تأثیرهای اجتماعی اهدا و اصلاح امور
تصور از مؤسسه خیریه	اهداف مادی و منافع مالیاتی، درآمدی و شغلی
مصون ماندن از انتقاد و مثبت ارزیابی شدن	اهداف منزلتی؛ کسب و حفظ تمایز اجتماعی
کسب رضایت اخلاقی	اعمال نفوذ
کسب قدردانی و احترام	کنترل سرمایه
احساس اخلاقی مدیون بودن به جامعه	ارزیابی نیازهای دیگران
پرهیز از احساس پشیمانی	بررسی میزان اثربخشی کمک‌ها توسط اهدا کنندگان

1. Andreoni(1990), Bekkers(2004), Sergeant et al.(2005), Barman (2007), Bekkers& Wiepking (2007), Ferguson(2008), Wiepking (2008), Dickert & Slovic(2011), Spzer & Prakash(2011), Bajde (2012), Adloff (2014)

برای مثال به نظر برمن «کمک‌های خیرخواهانه بنا بر مقاصد و منافع مادی، احساسی و یا منزلتی و نهایتاً محاسبه عقلانی افراد صورت می‌گیرد» (Barman: 2007, 1420-1421) یا سر جنت و همکاران (۲۰۰۵)، اظهار کرده‌اند انگیزه‌های اهدا بر مبنای دریافتی از منافع استوارند. همچنین شپرو و پراکاش (۲۰۱۱) و دارت (۲۰۰۴)، از این بحث می‌کنند که مطالعات نشان می‌دهد موسسات خیریه بیشتر شبیه کسب و کارها عمل می‌کنند (Teah et al., 2014: 8-9). آدلف نیز بر آن است این‌گونه اقدامات «سبب مصون ماندن اهدا کنندگان از انتقاد و مثبت ارزیابی شدنشان می‌شود» (Adloff, 2014: 18).

انتقاداتی به این رویکردها وارد شده است. به نظر مالینوفسکی و موس «منافع محسوس، تنها انگیزه بخشش نیست بلکه هنجارها و تعهدات اجتماعی واسطه انگیزش هستند» (Barman: 2007, 1417-1421). بکرز (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که بخشش خیرخواهانه در درجه اول به وسیله شرایط اجتماعی، معین می‌شود (Wiepking, 2008: 11). پس، تصورات ذهنی افراد درون بافت فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرد (Bajde, 2012: 13).

بر مبنای رویکرد پیوندهای زوجی<sup>۱</sup>، مؤسسات خیریه دارای استراتژی‌های خاصی هستند که معانی و مقولات دیگرخواهی را برای اهدا کنندگان ساختار می‌دهند؛ اما تحلیلی که در سطح سازمانی قرار دارد به ارزیابی این امر می‌پردازد که «مؤسسات و ذی‌نفعان نیز در یک فضای ایزوله‌شده‌ای قرار نگرفته‌اند، بلکه توسط محیط نهادی (سازمانی) ساختار بندی و محاط شده‌اند» (Barman, 2007: 1418). به عبارتی، همان‌گونه که سیدمن بیان می‌کند «فرد تنها نیروی فعال در ساخت زندگی اجتماعی نیست» (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۵۵). این بستر و ساختارهای اجتماعی هم‌الگوهای را برای اهدا ایجاد می‌کنند و هم امکانات و قیودی را برای اهدا یا وقف فراهم می‌آورند. در این مقاله نیز به تاسی از دیدگاه (بوردیو، ۱۳۸۹) سعی شده فضای مقدراتی بررسی شود که عاملان اجتماعی در آن حضور دارند، تحت هدایت آن هستند و گاهی اوقات مرزهای محدودیت‌ها را کنار می‌نهند.

از تئوری سرمایه اجتماعی که مبتنی بر کارهای کلمن (۱۹۸۸) و لین (۲۰۰۱) است، می‌توان برای توضیح بخشش خیرخواهانه نیز بهره برد. دو مفهوم کلیدی آن عبارت است از شبکه و اعتماد. به این معنی که احتمال بیشتری دارد که افراد با شبکه‌های اجتماعی گسترده ۱. راحت‌تر، اطلاعات در مورد سازمان‌های خیریه را به دست آورند، ۲. بیشتر مورد درخواست برای اهدا به سازمان‌های خیریه قرار گیرند و ۳. منابع تاثیرگذارشان را افزایش دهند. از جمله عوامل

تأثیرگذار بر گستره شبکه‌های اجتماعی، سطح آموزش است. سطح آموزش از طریق تأثیر مثبت بر توانایی‌های مالی، شناختی و اعتماد بر شبکه‌های اجتماعی مؤثر است. همچنین افرادی که احساس همدلی بالاتری دارند، شبکه‌های اجتماعی بیشتری را توسعه خواهند داد. از مهم‌ترین این شبکه‌ها، شبکه‌های دینی است. این شبکه‌ها علاوه بر هنجارهای مثبت قوی برای امور خیرخواهانه و بخشش‌ها، شبکه‌های اجتماعی فرد را نیز گسترش می‌دهند (71-61: 2008, Wiepking). قابلیت اعتماد به این سازمان‌ها بستگی به این اطلاعات و شبکه‌ها دارد. به نظر چانگ و چان (۲۰۰۰) افراد برای اعتماد به سازمان‌های خیریه، نیاز دارند که بدانند آیا اموالشان به درستی مصرف می‌شود؟ چرا که در بخشش‌های خیرخواهانه، اطمینان داشتن به توانایی‌های سازمان‌های خیریه برای افرادی که قصد کمک دارند، بسیار مهم است (بکرز، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶؛ باومن، ۲۰۰۴؛ سرجنت و فورد و وست، ۲۰۰۶؛ اسلانر، ۲۰۰۲ به نقل از 12: 2008, Wiepking).

بر مبنای رویکردهای نظری فوق، معانی و تصورات شناختی - احساسی ما که کنش خیرخواهانه یا وقف را رقم می‌زنند، تا حدودی تحت تأثیر استراتژی‌های نهاد متولی موقوفات، شبکه‌های اجتماعی و بستر اجتماعی قرار دارند. بدین معنی که شبکه‌های اجتماعی، به تقویت اهداف مادی و منزلتی، ارزیابی نیازهای دیگران، میزان اثربخشی کمک‌ها، احساس وظیفه، کسب رضایت اخلاقی و قدردانی، یاری می‌رسانند. در سطحی کلان‌تر بستر نهادی و فرهنگی قرار دارد که علاوه بر تأثیر مستقیم بر شبکه‌های اجتماعی و استراتژی‌های نهاد وقف، به واسطه معناسازی، ایجاد اعتماد، امنیت، آموزش و تمکن مالی بر این شبکه‌ها اثرگذار است و متقابلاً از آن تأثیر می‌پذیرد.

### ۱-۳. روش‌شناسی و نحوه گردآوری داده‌ها

این مقاله مبتنی بر روش تاریخی توصیفی تحلیلی و مصاحبه است. نخست، به منظور نشان دادن فرایند و تحولات وقف، اسناد تاریخی بررسی شد. در این بررسی، داده‌های وقف‌های غیرمنقول<sup>۱</sup> از منابع مورد اعتماد<sup>۲</sup> استخراج شد. این داده‌ها عبارت بود از: جنسیت و پایگاه اجتماعی واقفان، نوع رقبات وقفی و توزیع استانی آن‌ها، نحوه واگذاری تولیت و ناظر، نوع وقف به لحاظ عام/ خاص بودن و مصارف آن‌ها، فراوانی موقوفات بر حسب سال. مواردی که صحت داده‌ها نیاز به تجدید نظر داشت، با نمایه‌های وقف‌نامه‌ها و واقفان مدیریت اسناد آستان قدس، انطباق داده شد و در نهایت به تأیید کارشناسان و پژوهشگران مدیریت نظارت و بهره‌وری اوقاف، مدیریت اسناد

۱. وقف‌های منقول شامل اشیایی مانند فرش، کتاب، زیورات و دیگر موارد مشابه است.

۲. عبارتند از: پیش‌نویس موقوفات آستان قدس رضوی تألیف مولوی، لیست موقوفات آستان قدس موجود در سازمان موقوفات و سازمان کتابخانه‌های آستان قدس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نیک‌مهر با عنوان «وقف در مشهد عصر پهلوی» و نیز کتابچه موقوفات ملک.

و مطبوعات و بنیاد پژوهش‌های آستان قدس نیز رسید. درصدها و فراوانی‌های هر یک از این داده‌ها با استفاده از اکسل و آمار توصیفی، مشخص و گزارش آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار S.Q.L به دست آمد. همچنین جدول‌هایی نیز از سال‌های تصدی دو منصب نایب‌التولیه و استاندار (توسط یک شخص یا به تفکیک اشخاص)، اقدامات و ویژگی‌های نایب‌التولیه و نیز سال‌های ثبات/ بی‌ثباتی ارائه شد.

سپس به توضیح چرایی این تحولات پرداخته و با متخصصان وقف در آستان مصاحبه شد. در این راستا به راهبرد سوم اسکاچپل توجه شد. وی در تحقیقات تاریخی اجتماعی سه راهبرد را از هم تفکیک می‌کند: «برخی از جامعه‌شناسان تاریخی یک الگوی نظری واحد را درباره یک یا چند مورد مناسب با آن الگو به کار می‌بندند. برخی دیگر در پی کشف نظم‌های علی‌ای هستند که فرایندها یا پیامدهای تاریخی خاص و معین را توضیح دهد و به مطالعه و بررسی فرضیات بدیلی می‌پردازند تا به آن هدف نائل آیند. با وجود این، سایر جامعه‌شناسان تاریخی‌ای که به ارزش الگوهای عام و کلی یا فرضیات علی شک دارند، از مفاهیم استفاده می‌کنند تا آنچه را در بهترین حالت، تفسیرهای تاریخی معنادار خوانده می‌شود ارائه و بسط دهند» (اسکاچپل، ۱۳۸۸: ۴۹۸-۴۹۹). در پژوهش‌هایی با عطف نظر به راهبرد سوم، در نظر داشتن آنکه موضوع گزینش شده برای مطالعه یا از نظر فرهنگی یا به لحاظ سیاسی در حال حاضر مهم باشد، شناخت پیچیدگی بر تبیین‌های تعمیم‌پذیر رچمان می‌یابد. در این زمینه تحلیل روایی از مهم‌ترین روش‌های تحقیقات تاریخی است که بر ماهیت زمینه‌مندی، زمان‌مندی و فرایندی حوادث تاکید دارد. روایت تاریخی تفسیری تحلیل را با داستان‌سرایی به هم می‌بافد. بر این اساس باید اشکال یا قالب‌های جدیدی را به وجود آورد که حامل بار تبیینی بوده و شامل داستان‌هایی باشد که وقایع واحد و یکسانی را از دیدگاه‌ها و منظرهای بی‌شمار نقل می‌کنند (برک، ۱۳۹۴: ۳۴۴). تلاش شد هم از مفاهیم نظری در زمینه تفسیری و هم از منطق قیاس استقرایی برای ارائه جداول مقایسه‌ای، بهره‌گیری شود تا شناخت پیچیدگی و فهم چیستی - اینکه چه چیزی رخ داده است - میسر شود. در نتیجه همان‌گونه که برک می‌گوید «به گسترش منظری برای تفسیر رخدادی واحد یاری رساند» (همان). در مورد اعتبار و پایایی این روش آنچه بیش از هر چیز حائز اهمیت است، منطق درونی روایت محقق است که می‌بایست معقول و قابل دفاع برای اجماع علمی باشد. به نظر فلیک، اعتبار «ناظر بر این مسئله است که روابط و واقعیات مورد مطالعه چه ارتباطی به روایت محقق از آن‌ها دارند» (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۱۴). به‌زعم وبر «مجموعه درهم‌بافته‌ای از عناصر به هم پیوسته در یک واقعیت تاریخی که ما آن‌ها را از معنای فرهنگی‌شان در یک کل مفهومی متحد می‌نماییم» (وبر، ۱۳۸۵: ۵۱)، و اسکاچپل نیز ملاک قضاوت و داوری این‌گونه کارهای تفسیری را در

یافتن مفاهیم متقاعدکننده‌ای می‌داند که رخدادهای معنی‌دار گذشته را به علایق و دغدغه‌های کنونی مخاطبان ارتباط می‌دهد (اسکاچپل، ۱۳۸۸: ۵۱۱).

#### جدول ۲: اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام فرد	تحصیلات	سمت
۱	ابوالفضل حسن‌آبادی	دکتری تاریخ محلی	مدیر مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی
۲	حمیده شهیدی	دکتری تاریخ	کارشناس پژوهش مخطوطات آستان قدس رضوی
۳	محمود احمدی زرمهری	کارشناس ارشد جغرافیای شهری	رئیس اداره توسعه و ترویج وقف و نذر بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی
۴	اعظم نظرکرده	کارشناس ارشد تاریخ	مسئول امور نمایه‌سازی و مستندسازی اسناد آستان قدس رضوی
۵	غلامرضا آذری خاکستر	کارشناس ارشد تاریخ	کارشناس مطالعات اسناد موقوفات آستان قدس رضوی
۶	سالم حسین‌زاده	کارشناس ارشد تاریخ	کارشناس موقوفات مدیریت نظارت بر موقوفات آستان قدس
۷	رضا نقدی	دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی	مدیر گروه فرهنگ و هنر اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۸	غلامرضا پرنده	کارشناس فقه و مبانی حقوق	مدیر سابق موقوفات آستان قدس رضوی
۹	بهزاد نعمتی	کارشناس ارشد ایران‌شناسی	پژوهشگر گروه معارف و سیره رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

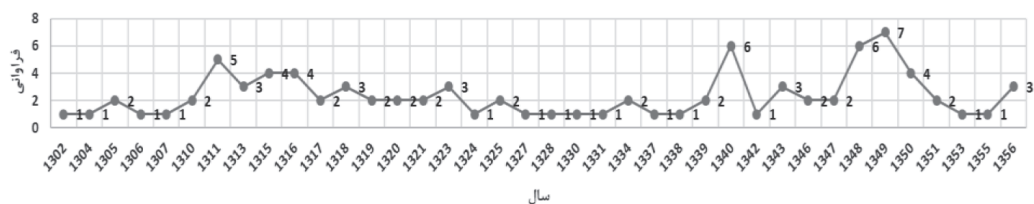
پایگاه اجتماعی واقفان براساس شغل، منزلت اجتماعی و خانوادگی در جدول ۳ دسته‌بندی شده است؛ دربارهٔ زنان، موقعیت و منزلت خانوادگی آنان یا اشتغال همسر در نظر گرفته نشد.

#### جدول ۳: دسته‌بندی پایگاه‌های اجتماعی

طبقات دوره تاریخی	بالای بالا	بالای متوسط	بالای پایین	متوسط بالا	متوسط متوسط	متوسط پایین
پهلوی	شاه	همسرشاه، شاهزاده	وزرا، استناداران، نایب‌التولیه آستان	صاحبان منصب، تاجر، پزشک متخصص، روسای ایل، نظامی صاحب‌منصب	روحانیون، باغداران و کشاورزان زمین‌دار، نظامی‌ها	مغازه‌داران خرده‌پا متصدیان و کارکنان جزء

## ۲. تحلیل مؤلفه‌های کلان؛ سیاست حکومت، اقدامات و موقعیت نایب‌التولیه

سیاست‌های حکومتی، اقدامات نایب‌التولیه و موقعیت سیاسی اجتماعی آنان می‌توانست بر روند وقف مؤثر باشد. بدین منظور نخست نموداری از فراوانی سالانه وقف در عصر پهلوی (نمودار ۱) ارائه شده است. سپس برای فهم بهتر روند آن، از یک سو به سیاست‌های حکومت و رویکرد رضاشاه و محمدرضاشاه اشاره خواهد شد و ضمن آن، برخی نظرات نقد و بررسی می‌شوند. از سوی دیگر به جایگاه سیاسی اجتماعی نایب‌التولیه‌ها، دسته‌بندی اقداماتشان، تفکیک سال‌هایی که متولی و استاندار یکی بوده است یا از هم جدا بودند و نیز به مقبولیت اجتماعی آنان پرداخته خواهد شد.



نمودار ۱: نمودار سالانه سیر فراز و فرود وقف در عصر پهلوی

### ۲-۱. رویکرد شاه و سیاست‌های حکومت

در این عصر نیز طبق روال گذشته، شاه تولیت را بر عهده داشت. رضاشاه موقوفه‌ای برای آستان در نظر نگرفت و مدعی بود: «من همتم را وقف آستان می‌کنم.» وی چند بار به مشهد سفر کرد: سال ۱۳۰۵ برای رسیدگی به اوضاع بی‌ثبات خراسان و فرونشاندن شورش و سال ۱۳۰۹ برای افتتاح آرامگاه فردوسی. در این سفرها به آستان نیز سرکشی داشت.

توجه و رسیدگی به آستان از اواسط دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ماهیت دیگری پیدا کرد. به دلیل آنکه بسیاری از متولیان وقف، علما بودند و این مسئله موجب استقلال مالی آن‌ها از حکومت می‌شد، برای محدود کردن قدرت سیاسی علما و روحانیون (تخشید، ۱۳۷۷: ۱۰۵؛ جعفریان، ۱۳۹۰: ۲۹)، وقف به یکی از حوزه‌های مرکز توجه تبدیل شد. بدین ترتیب رضاشاه سعی کرد تا با تصویب قوانین<sup>۱</sup> و اجرای مقررات جدید<sup>۲</sup>، دخالت و کنترل حکومت در فرایند اداری وقف را بیشتر و درآمدهای موقوفات را از دست روحانیون خارج کند (نوائیان، ۱۳۹۰: ۳۶-۶۴؛ اکبری، ۱۳۹۹: ۱۴۶؛ نیک‌مهر،

۱. مانند: قانون ثبت املاک و مستغلات در سال ۱۳۰۹، قانون اوقاف مصوب ۱۳۱۳/۵/۳۰.

۲. مانند: دستور تصرف املاک و زمین‌های وقفی در سال ۱۳۱۸.

(۱۳۹۱: ۴۲). کلارمونت اسکرین هم بر آن است که رضاشاه با این تدبیر می‌خواسته است دست روحانیون را از مناصب کوتاه کند (فاضلی بیرجندی، ۱۳۹۸: ۴۳۱). در همین راستا در دوره تصدی پاکروان، ضرورت تأسیس اداره کل اوقاف احساس شد. مهم‌ترین قانونی هم که تصویب شد، قانون فروش املاک زراعتی و قنوات موقوفه در ۱۴/۲/۱۳۲۰ بود. بر این مبنا خرید و فروش و تملک اموال موقوفه، به اسم تبدیل به احسن آزاد شد. قانون یاد شده، پس از ورود متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و تبعید رضاشاه، در ۸ آبان ۱۳۲۰ رسماً ملغی شد؛ اما در مدت اعتبار کمتر از شش ماهه‌اش، بسیاری از موقوفات را از بین برد و از حالت وقف خارج کرد (نوائیان، ۱۳۹۰: ۳۶ و ۶۴).

پژوهشی مدعی است که طبق آمار به‌دست‌آمده از اداره اوقاف مشهد، بیشتر موقوفات مشهد در دوره پهلوی اول بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ که سیاست‌های ضد مذهبی شاه در شرف آشکار شدن بود، شکل گرفته‌اند، به‌نحوی که در سال ۱۳۱۰ در مشهد، ۱۷ وقف دیده می‌شود که در تمام دوران پهلوی بی‌نظیر است. با اینکه طی سال‌های ۱۳۱۷، ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ هیچ وقفی در مشهد انجام نشده است، از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰، تنها دو نمونه وقف دیده می‌شود (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۲۳۰).<sup>۱</sup> بررسی دقیق‌تر بیانگر آن است که وقف‌های غیرمنقول آستان در سال ۱۳۱۱، پنج وقف (دو وقف در مشهد و دو وقف در تربت حیدریه) و نخستین نقطه عطف در رشد موقوفات، عصر پهلوی است. سپس در سال ۱۳۱۶ چهار وقف (یک وقف در تربت حیدریه)، ۱۳۱۷ دو وقف و ۱۳۱۸ سه وقف (هر کدام یکی در مشهد) و ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ هر سال نیز دو وقف (یک وقف در تربت حیدریه و یک وقف در قوچان) است. شاید مناسب‌تر باشد بگوییم اعتماد مذهبی مردم به رضاشاه، با سیاست‌های ضد مذهبی او در سال‌های آخر دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ از بین رفت. همچنین به‌رغم ادعای نیک‌مهر که با سقوط رضاشاه در سال ۱۳۲۰ مجدد روند شکل‌گیری موقوفات مشهد افزایش یافت (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۲۳۰ تا ۲۳۱)، این قضاوت را درباره آستان نمی‌توان تعمیم داد. موقوفات آستان از ۱۳۲۰ تا اوایل ۱۳۴۰ کم‌فروغ و اغلب یک وقف بوده است، به‌نحوی که مجموع رقبات وقفی این ۲۰ سال، حدود ۱۴ چهارده وقف است.

برخلاف رضاشاه، محمدرضاشاه در سال ۱۳۲۷ طی وقف‌نامه‌ای حدود ۱۲۵ رقبه اعم از زمین و مزرعه، دکان، باغ، منزل یا قنات را که در خراسان (در شهرهایی مانند مشهد، درگز، سرخس، گناباد، تربت، سبزوار، شیروان، چناران و کاشمر) واقع بود، برای مصارف فرهنگی، توسعه‌ای، عمرانی و درمانی وقف آستان کرد.<sup>۲</sup> وی همچنین پس از قیمت‌گذاری و پرداخت وجه کتیبه‌های

۱. این آمار تنها مربوط به شهر مشهد و اعم از موقوفات آستان است.

۲. این‌ها رقباتی بود که در زمان رضاشاه از آستان گرفته شده یا اموال آستان بود که از عایدات آن خریداری شده بود یا بعضاً طلب آستان از سازمان‌های اداری و اشخاص بوده است.

علیرضا عباسی که پیش‌تر توسط پاکروان برای رضاشاه ارسال و نزد بانک ملی بود، دستور استرداد کتیبه‌ها به آستان قدس را داد (موتمن، ۱۳۴۸: ۹۴). او طی ۳۷ سال پادشاهی به‌جز شش سال<sup>۱</sup>، سفرهای سالانه‌ای به مشهد داشت که طی آن به امور آستان رسیدگی می‌کرد.

در زمان محمدرضاشاه با توسعه تشکیلات اداری، در امر موقوفات نظارت و دخالت بیشتری شد. محمدرضاشاه برای مهار هرچه بیشتر موقوفه‌ها، به تأسیس سازمان اوقاف دست زد، سازمانی که قرار بود متوالی اصلی وقف در ایران باشد و عملاً هدایت جریان مالی آن را بر عهده بگیرد (نوائیان، ۱۳۹۰: ۳۷). بدین ترتیب برخی موقوفات که قبلاً به‌وسیله اشخاص غصب شده بود و درآمد آن حیفا و میل می‌شد، از دست غاصبان آن‌ها خارج شد و تحت نظارت اوقاف قرار گرفت (محمدی، ۱۳۷۸ به نقل از نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۵۵).

با شروع اصلاحات ارضی و انقلاب سفید، رسماً مصادره موقوفات به اسم تقسیم اراضی در دستور کار قرار گرفت. فروش آب و اراضی موقوفه آزاد شد و امکانات وقف در اختیار دربار قرار گرفت (نوائیان، ۱۳۹۰: ۳۷). در سال ۱۳۴۱ و با سفر شاه به مشهد، قرار شد املاک آستان قدس با اجاره‌های مدت‌دار به روستاییان واگذار شود. سرپرست سازمان اصلاحات ارضی کشور، در سمینار رؤسای اصلاحات ارضی کشور اعلام کرد: «ده هزار قریه که به‌صورت وقف است، اجاره داده می‌شود. این قراء بیشتر در استان خراسان می‌باشد» (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۲۱ تا ۱۲۶). بدین ترتیب اجرای مرحله اول اصلاحات در خراسان شتاب زیادی گرفت. این درحالی بود که برابر بند ۹ ماده ۳ قانون اصلاحات ارضی، مقرر بود اراضی آستان قدس و حضرت معصومه (ع) و اراضی دیگر امامزادگان مشمول قانون نشود (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۹۰).

با زیر بار نرفتن سیدجلال تهرانی و روی کار آمدن عزیزی، در این راستا اقداماتی انجام شد. در زمان اجرای کامل اصلاحات ارضی، در دوره عزیزی ۵۰۰ قریه از املاک آستان قدس به اجاره ۹۹ ساله داده شد. این روستاها بیشتر در مشهد و در شهرهای کاشمر، سبزوار، نیشابور، سرخس و درگز بودند. در این زمان با نقض شرط و نیت واقف در اجرای مصرف موقوفه، زمین یا ملک موقوفه را بین افراد مختلف تقسیم و در مواردی هم به مصرف عواید یک موقوفه خلاف نظر واقف پرداخته شد. در ادامه این روند، در ۲۹ فروردین ۱۳۵۰ با توجیه «تبدیل به احسن موقوفات»، ماده واحده‌ای به تصویب مجلس شورای ملی رسید که بر اساس آن، تصرف و فروش موقوفات جنبه قانونی به خود می‌گرفت (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۴۶). از بررسی وقف‌نامه‌های اداره اوقاف برمی‌آید که روند وقف کاهش چشمگیر پیدا می‌کند؛ برای نمونه بین سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ تنها

پنج مورد اقدام به وقف کرده‌اند (همان: ۹۴). دربارهٔ وقفیات آستان نیز تنها یک مورد در سال ۱۳۴۲ مشاهده شد. اجرای اصلاحات ارضی در خراسان با موضع‌گیری علما و مبارزین مواجه شد (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۳۰). مخالفت روحانیان با اصلاحات ارضی زمانی قوت گرفت که دولت در چهارچوب برنامهٔ اصلاحات ارضی درصدد برآمد املاک موقوفه را مشمول این قوانین کند؛ زیرا روحانیان معتقد بودند امکان واگذاری املاک وقفی به لحاظ شرعی وجود ندارد (شاهدی، ۱۳۸۶). حاج حسین آقا قمی طی بازگشت از عراق در سال ۱۳۲۲ که در همهٔ شهرهای واقع در مسیر مشهد با استقبال گستردهٔ علما و مردم مواجه شد، طی مکتوبی مواردی از جمله برگشت موقوفات متصرفی دولت خصوصاً موقوفات مدارس دینی به حالت قبل را از نخست‌وزیر خواستار شد (کفایی، ۱۳۸۶ به نقل از نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۰۳). از نخستین اعتراضات امام خمینی (ره) در برابر رژیم به اعمال غیرشرعی، دربارهٔ موقوفات بود. به‌رغم این‌گونه تنش‌ها در برهه‌ای، میرزا احمد کفایی در دورهٔ پهلوی دوم با جلب اطمینان حکومت، مدارس و موقوفات آن‌ها را از دولت پس گرفت. تمام موقوفات این مدارس را اجازه‌بندی و برای مدارس متصدی تعیین کرد و از طریق اجارهٔ این موقوفات برای مخارج مدارس و طلاب و استادان، عایداتی فراهم ساخت.<sup>۱</sup> برخی بر این نظرند که اصلاحات ارضی لطمات جدی به موقوفات آستان وارد کرد و باعث کم‌شدن میزان وقف شد. نظرات مصاحبه‌شوندگان بدین صورت است: احمدی: «اصلاحات ارضی در پهلوی دوم منجر به کم‌شدن وقف شد.» نقدی: «افت وقف در پهلوی دوم نسبت به اول می‌تواند معلول واقعهٔ گوه‌رشاد و اصلاحات ارضی باشد.» پرنده: «اصلاحات ارضی با وارد کردن صدمات زیادی به موقوفات، مشکلاتی را برای وقف ایجاد کرد.»

عده‌ای نیز مدعی‌اند: «سرمايهٔ ملکی آستان قدس در جریان اصلاحات ارضی، لطمهٔ چندانی نخورده است» (اورکاد، ۱۳۸۲: ۱۰۴). بنابراین نظر به اینکه اصلاحات ارضی دوران محمدرضا شاه، زمین‌های وسیع وقفی را در بر گرفت، «همه تصریح می‌کردند که این اصلاحات تأثیر زیان‌بار و تغییر چندانی در محدودهٔ املاک آستان قدس به وجود نمی‌آورد. اجارهٔ طویل‌مدت اراضی آستان قدس فقط به کشاورزانی اعطا شد که به شیوهٔ سنتی اقدام به کشت و زرع در زمین‌های اطراف روستاها می‌کردند» (همان: ۸۶). یافتهٔ ما بیانگر آن است که در نیمهٔ دههٔ ۴۰ و اوایل دههٔ ۵۰، شاهد افزایشی در روند موقوفات هستیم. به نظر نیک‌مهر این بار «مردم به دلیل ترس از دست دادن زمین‌هایشان مجبور به وقف شدند که موجب شد در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۳ موقوفات مشهد افزایش یابد» (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۲۳۱). نظر دیگری هم مطرح است: «با پرداخت وام به دارندگان زمین‌های وقفی توسط بانک، باعث افزایش تمایل مردم به تصرف و

۱. در ضمن برخی از متولیان نیز مانند بدر، تهرانی، شادمان و پیرنیا مورد حمایت مستقیم روحانیان بودند.

عمران اراضی موقوفه گردید» (رهنما، ۱۳۹۰: ۲۴)، به نحوی که بانک کشاورزی و توسعه روستایی آماده دادن وام و مساعده به کشاورزان این مناطق بود. همچنین سازمان مرکزی تعاون روستایی اقدام به تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی در این مناطق کرد و کمک‌های لازم از طریق این شرکت‌ها در اختیار روستاییان قرار گرفت (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۶۴ تا ۱۶۵).

بخشی از سیاست‌های کلان حکومت همان‌گونه که اشاره شد، بر روند وقف و بخشی دیگر بر نوع مصارف مؤثر بود؛ برای نمونه برنامه پنجم توسعه و عمران (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶) از جمله سیاست‌های اثرگذار دولت است. کلیدواژه اصلی در این سیاست‌گذاری، توسعه اقتصادی مبتنی بر صنعتی‌شدن و تحقق حداکثر رشد کشاورزی با تکیه بر منابع موجود، به منظور ساخت زیربنای اقتصادی از راه‌هایی مانند تقویت واحدهای صنعتی، کشاورزی، شهری و مسکن است.<sup>۱</sup> هم‌سو با این سیاست‌ها، اقدامات آستان پس از گذراندن نوساناتی، از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ در زمینه‌های اشتغال، شهری، کشاورزی و مسکن افزایش می‌یابد. این اقدامات به تبع تحولاتی در مصارف وقف را که متعاقباً بدان پرداخته شده است، می‌توانست پدید آورد.

## ۲-۲. موقعیت و اقدامات نایب‌التولیه‌ها، وضعیت تشکیلات آستان

نایب‌التولیه در این عصر از سوی شاه انتخاب می‌شد. این افراد «عموماً از اقشار تحصیل کرده و بعضاً از خاندان‌های مرفّه و صاحب‌نفوذ بودند و برخلاف دوره‌های قبل، روحانیون و سادات رضوی به سمت نایب‌التولیه منصوب نمی‌شدند» (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۷۰). در ضمن برای نخستین بار افرادی نظامی به‌عنوان نایب‌التولیه انتخاب شدند. اختیارات نایب‌التولیه‌ها بیش از پیش به اجازه شاه محدود بود و از استقلال کامل برخوردار نبودند (جلالیان، ۱۳۹۰: اورکاد، ۱۳۸۲؛ اکبری، ۱۳۹۹). باید افزود نیروهای اجتماعی مذهبی مانند روحانیت نیز بر تعیین محدوده اختیارات مؤثر بودند؛ اما نحوه مصرف و عوایدی حاصل از موقوفات مطلقه این دامنه را گسترش می‌داد و بر قدرت نایب‌التولیه می‌افزود. در این عصر، از میان ۱۷ متولّی ۱۲ نفر استاندار نیز بودند. اسدی هم به میزانی قدرت داشت که استانداران از او تبعیت کنند. با توجه به سال‌های تصدی آنان و مقایسه با استانداران، ثبات در منصب نایب‌التولیه بیشتر بود. ضمن آنکه از استقلال بیشتر و نظارت مستقیم شاه برخوردار بود؛ به‌عنوان مثال شیوه استانداران خراسان آن بود که پس از رسیدن به مشهد ابتدا به زیارت آستانه رضوی می‌رفتند؛ سپس رهسپار استانداری می‌شدند (فاضلی بیرجندی، ۱۳۹۸: ۴۴۶). یا از عمده مشکلات خراسان در سال‌های ۱۳۰۵ و

۱. برنامه پنجم توسعه عمرانی کشور (تجدید نظر شده) ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ قسمت اول؛ کلیات اقتصادی و اجتماعی که پس از تصویب کمیسیون برنامه مجلس، به تصویب کمیسیون برنامه مجلس سنا در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۴ رسید.

۱۳۰۶ خشک‌سالی و کمبود گندم، هجوم ملخ و مشکل تأمین آذوقه بود. حسن خان رئیس طی تلگرافی به دفتر مخصوص شاهنشاهی، خواستار آن است که شاه طی دستوری فوری از متولی استان و اداره مالیه خراسان بخواهد هرکدام هزار خروار گندم برای تأمین آذوقه مشهد در اختیار بگذارد (همان: ۳۷۹). هر چند نیک‌مهر بر آن است: «در بعضی از موارد برای جلوگیری از تعارض بیشتر بین نایب‌التولیه و استاندار، یک نفر برای تصدی هر دو مقام انتخاب گردید» (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۵۱)؛ اما تنها نزاع مشهود و عمیق را بین اسدی و پاکروان می‌توان دید. اگر تعارضاتی نیز وجود داشت، بیشتر ناشی از تداخل وظایف و گستره موقوفات استان بود که غالب اقدامات ازسوی استانداری یا شهرداری را منوط به همکاری با استان می‌کرد. تمرکز این دو منصب را می‌بایست هم‌سو با دولت متمرکز در نظر داشت. جدایی یا تصدی این دو منصب توسط یک شخص می‌توانست بر روند وقف تأثیر گذارد. همان‌گونه که در جدول ۴ آمده:

جدول ۴: نسبت سالانه وقفیات به سال‌های تصدی هم‌زمان نایب‌التولیه و استاندار یا تفکیک آن‌ها

نایب‌التولیه	نایب‌التولیه - استاندار	مؤلفه‌ها / فراوانی
۲۳	۲۸	طول سال
۳۰	۵۸	تعداد وقف
۱.۳۰	۲.۰۷	سرانه سالیانه

اقدامات متولیان، مؤلفه تأثیرگذار مهمی است. نظر غالب در خصوص عملکرد متولیان استان در این عصر آن است که در زمینه حفظ و توسعه موقوفات استان، چندان رضایت‌بخش نبوده و افرادی مانند ولیان به دلیل دستبرد و حیف‌ومیل موقوفات استان قدس و تخریب بناهای اطراف حرم با زور و تهدید، مورد بدبینی مردم قرار گرفتند (همان: ۱۷۰). بر اساس گزارش دفتر مطالعاتی فرانسه ایران نیز تولید استان، زمین‌هایی را به آشنایان در مقابل دریافت مبالغ بسیار ناچیز اجاره داده است (ورکاد، ۸۶). اینان دلایل مختلفی برای عملکرد ضعیف نایب‌التولیه‌های استان قدس ذکر کرده‌اند: محدود بودن دایره اختیارات متولیان به اجازه شاه که امکان هرگونه استقلال رأی را از آن‌ها سلب می‌کرد، غیربومی بودن متولیان، ناآگاهی و شناخت کافی از تشکیلات استان قدس و وظایف و امور اجرایی آن، کوتاه بودن دوران نیابت تولید متولیان، علاقه نداشتن آن‌ها به این سمت و نبود اطمینان از باقی ماندن در این پست، اوضاع آشفته و نابسامان کشور به‌ویژه در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ و سپردن امور استان قدس به نظامیان (نیک‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۶۸ -

۱۶۹؛ جلالیان، ۱۳۹۰: ۱۱).

باید اشاره داشت اسدی آغازگر مدرنیزاسیون تشکیلات آستان است. او و بعدها نیز پیرنیا دستور تهیه فهرستی از موقوفات آستان را صادر کرده‌اند. با تدوین دقیق وظایف و شرح پست‌ها پرونده‌های نوین پرسنلی ایجاد شد. ضمن آنکه تعدادی از شغل‌ها<sup>۱</sup> حذف می‌شوند. در این عصر از تعداد و اهمیت سادات و زیارت‌نامه‌خوانان در تشکیلات آستان به شدت کاسته شده و ملاک انتخاب کارگزاران، شایستگی، احراز شایستگی مبنی بر نظام‌نامه‌ها و آزمون‌های مربوطه و بر اساس ضوابط اداری می‌شود.

همچنین امکانات مالی فراوان و اقدامات مؤثر اسدی در پهلوی اول، هم‌سو با سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی، سبب شد مهم‌ترین اقدام در گسترش مدارس جدید در دوران تولیت محمدولی خان اسدی صورت گیرد (متولّی حقیقی، ۱۳۸۴: ۱۶۳). در راستای توسعه مدارس و آموزش، بسیاری از سیاست‌مداران و شخصیت‌های فرهنگی اواخر قاجار و عصر رضاشاه که در واقع تربیت‌شدگان نسل اول انقلاب مشروطه بودند، نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۱۱۷). با تأسیس شورای عالی آموزش در سال ۱۳۰۰ و قانون اردیبهشت ۱۳۰۶ که به موجب آن مقرر شد صدی نیم از املاک مزروعی اربابی به تأسیس مدارس ابتدایی در همان محل اختصاص یابد، آستان نیز با توجه به امکانات موقوفه‌ای و در نبود امکانات از سوی سایر دستگاه‌ها در این راستا گام برداشت. بدین‌سان کلاس‌های بزرگ‌سالان در کارخانه (مانند نخریسی) برای تدریس در نظر گرفته شد (ساکماق: ۱۳۷۷۹۷/۳۱). برای کارگرانی که در این کلاس‌ها شرکت می‌کردند، مزایای خاصی در نظر گرفته می‌شد. حتی طی بخشنامه استنادار در تاریخ ۱۳۱۷/۳/۵ دستور داده شد کارگرانی که در کلاس‌های اکابر غیبت کرده باشند، روزمزدشان پرداخت نشود (حطیط و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۶). با استقرار وزارت فرهنگ و معارف، این وزارتخانه متولّی ایجاد و نظارت مدارس شد؛ بنابراین بسیاری از مدارس آستان نیز به این وزارتخانه واگذار شد.

در زمینه‌های دیگری نیز اقدامات مؤثری در پهلوی دوم انجام شد. با استفاده از امکانات وقف، کارخانه‌جاتی توسط آستان در دوره پهلوی دوم ایجاد شدند: ۱- کارخانه قند چناران، سال ۱۳۳۴ در زمینی به مساحت ۳۲ هکتار ساخته شد و آستان قدس سال ۱۳۴۲ آن را از دولت خریداری کرد. متوسط تولید این کارخانه قبل از انقلاب حدود پنج تا شش هزار تن بود (عطاردی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۱). ۲- کارخانه نان رضوی، در سال ۱۳۴۶ با سرمایه حدود

۱. مانند «مهر اصطبل یا سمت‌های بدون شرح وظایف مانند خادم خدمات متفرقه» (نظر کرده).

چهار میلیون ریال تأسیس شد. در سال ۱۳۵۳ ظرفیت تولید این کارخانه از چهار تن به ۱۲ تن در روز افزایش یافت (موتمن، ۱۳۴۸: ۲۵۶). ۳- کارخانه کنسروسازی آستان قدس: این کارخانه در سال ۱۳۵۴ در زمینی به مساحت ۲۱ هکتار ایجاد شد (عطاردی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۳).

علاوه بر موارد فوق، مؤسسات درمانی ای هم که در دوره پهلوی دوم ساخته شدند، از این قرارند: ۱- درمانگاه آستان قدس که در سال ۱۳۴۱ به دستور سیدجلال‌الدین تهرانی، نیابت تولیت وقت، با تأمین درآمد از موقوفات آستان قدس برای بیماران فقیر تأسیس شد (موتمن، ۱۳۴۸: ۴۰۵ - ۴۰۶)؛ ۲- پرورشگاه شاه‌رضا: عمارت آن در سال ۱۳۰۷ توسط آستان قدس ساخته شد و بین ۵۰ تا ۶۰ نفر از اطفال بدون والدین در آنجا نگهداری می‌شد (مدرس رضوی، ۱۳۸۶: ۱۶۷)؛ ۳- جذامی‌خانه که در مزرعه موقوفه آستان قدس احتمالاً در سال ۱۳۰۳ تأسیس شد (عطاردی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۹). مبتلایان به جذام از سایر بلاد به قصد ارتزاق و استشفای به مشهد روی می‌آوردند و به گدایی می‌پرداختند. (به دلایل مختلف) آن‌ها را از داخل شهر جمع‌آوری و در جذامی‌خانه جای دادند. جذامی‌خانه در طی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ اوضاع بهتری یافت و بناهای دیگری نیز به آن اضافه شد؛ ۴- بیمارستان منتصریه: بنای اولیه آن توسط بانورابعه خانم احترام‌السلطنه تأسیس شد (موتمن، ۱۳۴۸: ۴۱۱ تا ۴۱۵). به‌طور کلی هشت نفر از متولیان این دوره در خصوص مسائل بهداشتی و درمانی اقداماتی سازنده و ماندگار داشته‌اند که در شکل‌گیری میراثی نهادی حائز اهمیت بود.

با توجه به فعالیت‌های نایب‌التولیه‌ها، اقداماتشان در هشت موضوع<sup>۱</sup> دسته‌بندی شده است. (جدول ۵)

۱. عبارتند از: فعالیت‌های شهری شامل احداث، به‌سازی و تسطیح راه و معابر، نهرسازی؛ فعالیت‌های فرهنگی مانند تأسیس و تعمیر مدرسه، رسیدگی به امور طلاب و اهل علم، رسیدگی به کتابخانه و موزه، چاپ کتاب و نشریات؛ بیوتات شامل ساخت، مرمت و تزیینات مجموعه حرم و امور روشنائی؛ امور اقتصادی مانند ساخت بازار، تشویق صاحبان صنایع، افزودن بر عواید و پرداخت قروض، اصلاحات مالی؛ تشکیلات اداری آستان مانند ثبت و ضبط کارها، امور خدام، تنظیم نظامنامه کشیک‌ها؛ امور بهداشتی و درمانی مانند امور دارالشفای و بیمارستان، جذامی‌خانه؛ رفاهیات زائران شامل مهمان‌خانه، مهمان‌سرا، هزینه‌های اقامت و برگشت؛ موقوفات شامل تنظیم نحوه اداره موقوفات، بازپس‌گیری آن‌ها، نگهداری و تعمیر رقبات، افزایش مداخل آن‌ها، تهیه لیست موقوفات، رسیدگی به امور مستأجران.

جدول ۵: خلاصه اقدامات نایب التولیه‌ها<sup>۱</sup>

ردیف	نام نایب التولیه	سال‌های تولیت	فعالیت شهری	فعالیت فرهنگی	بیوتات	امور اقتصادی	مسئولیت اداری	مسئولیت بهداشتی و امور بهزیستی	رفاهیات زائران	موقوفات	جمع کل
۱	محمودولی خان اسدی	۱۳۰۴/۱۲ - ۱۳۱۴/۱۲/۴	+	+			+	+		+	۵
۲	فتح‌الله پاکروان	۱۳۱۴/۹/۹ - ۱۳۲۰/۱۰/۱۲	+	+		+		+			۴
۳	علی منصور	۱۳۲۰/۱۰/۱۵ - ۱۳۲۴/۶/۳۱		+	+		+	+	+	+	۶
۴	ناصر اعتمادی	۱۳۲۴/۹/۲۲ - ۱۳۲۵/۵/۱			+						۱
۵	غلام حسین اشرفی	۱۳۲۵/۵/۲ - ۱۳۲۶/۱۲/۲۵								+	۱
۶	محمود بدر	۱۳۲۶/۱۲ - ۱۳۳۰/۱	+	+	+	+	+	+	+		۷
۷	مصطفی قلی رام	۱۳۳۰/۱/۲۵ - ۱۳۳۰/۳			+						۱
۸	سید جلال‌الدین تهرانی	۱۳۳۰/۳/۹ - ۱۳۳۱/۱۱/۱۷ - ۱۳۴۰/۱۰/۱۷ - ۱۳۴۲/۱/۲۱	+	+	+	+	+	+			۶
۹	علی معتمدی	۱۳۳۱/۱۱/۲۸ - ۱۳۳۴/۳/۱۹					+				۱
۱۰	سید فخرالدین شادمان	۱۳۳۴/۳ - ۱۳۳۸/۱			+	+	+	+	+	+	۵

۱. اطلاعات این جدول برگرفته از کتاب آستان قدس: متولیان و نایب‌التولیه‌ها، به کوشش حقیقی و نقدی (۱۳۹۷)، کتاب آستان قدس رضوی؛ دیروز و امروز و وبسایت آستان قدس رضوی است.

۲						+	+		- ۱۳۳۸/۲/۱ ۱۳۴۰/۱۰	محمد مهران	۱ ۱
۵	+		+	+	+	+			- ۱۳۴۲/۲/۱۵ ۱۳۴۴/۶/۵ - ۵۷/۸/۲۱ ۵۷/۱۰/۱۴	محمدصادق امیرعزیزی	۱ ۲
۵	+			+		+	+	+	- ۱۳۴۴/۷/۶ ۱۳۴۶/۳/۱	نادر باتمانقلیچ	۱ ۳
۷	+		+	+	+	+	+	+	- ۱۳۴۶/۳/۱ ۱۳۵۰/۶/۲۳	باقر پیرنیا	۱ ۴
۳				+		+		+	- ۱۳۵۰/۶/۲۳ ۱۳۵۳/۲/۱۶	حسن زاهدی	۱ ۵
۷		+	+	+	+	+	+	+	- ۱۳۵۳/۲/۱۶ ۱۳۵۷/۶/۶	عبدالعظیم ولیان	۱ ۶
۰									- ۱۳۵۷/۶/۷ ۱۳۵۷/۸/۲۱	حسن سراج حجازی	۱ ۷
۶۶	۷	۴	۸	۱	۷	۱	۹	۸	-----	جمع عملکردها	

بدین ترتیب بیشترین اقدامات با فراوانی ۱۲ از سوی نایب التولیه‌ها در زمینه بیوتات آستان انجام شده است. تشکیلات اداری آستان با رقم ۱۰، مسائل فرهنگی با رقم ۹، شهری و درمانی با رقم ۸، موقوفات با رقم ۷ و زائران با فراوانی ۳ در مراتب بعد قرار می‌گیرند.

بدین‌سان همان‌گونه که حسن‌آبادی هم در مصاحبه اشاره می‌کند: «با تشکیلات اداری و اقدامات جدید است که ضمن رنگ‌باختن برخی نیازهای قدیمی، نیازهای جدیدی شکل می‌گیرد که به نوع رقبات و مصارف وقف جهت می‌دهد.»

هم‌سو با اقدامات نایب التولیه‌ها در زمینه بیوتات و امور درمانی، موقوفات این زمینه نیز رشد پیدا کرد. نسبت کم این اقدامات در زمینه‌های خیرات، ایتمام و امور زائران نیز بر موقوفات این

زمینه‌ها مؤثر بود، به نحوی که در دو مورد نخست هر کدام ۰.۷ درصد و زائران حدود ۳ درصد موقوفات را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال، موقوفات آموزشی رشد کمی را داشت. حتی از این مقدار نیز بیشتر به مسائل مربوط به آموزش مذهبی اختصاص داشت. شاید بتوان گفت غالب اقدامات آموزشی، در زمینه آموزش به سبک مدرن و هم‌سو با سیاست‌های پهلوی بود. این امر نمی‌توانست از سوی روحانیت و قشر مذهبی که مبلغان و واقفان بودند، پذیرفته باشد. همچنین برخلاف اینکه متولیان این دوره اقدام خاصی در خصوص ترویج شعائر و مناسک مذهبی انجام ندادند، موقوفات مراسم مذهبی نزدیک ۱۰ درصد مصارف را داراست.

مضاف بر آنکه نتیجه آزمون همبستگی بین میزان اقدامات و رقبات وقفی، بیانگر رابطه مثبت و بین مدت زمان تولیت و تعداد رقبات وقف‌شده، رابطه شدید و مثبت است.

از دیگر مؤلفه‌های حائز اهمیت، وجهه اجتماعی نایب التولیه است. حسین‌زاده و نظرکرده برخلاف حسن‌آبادی این مؤلفه را مؤثر می‌دانند، به نحوی که به‌عنوان نمونه می‌توان بر خوردار نبودن اشرفی از وجهه اجتماعی، بدخلقی و بدزبانی باتمانقلیچ و ولیان را ذکر کرد. در حالی که سیدجلال تهرانی با روحیه‌ای آرام، شخصیتی متین و بی‌حاشیه، ضمن برخورداری توأمان از شخصیت علمی و مذهبی، باعث تأثیر مثبت شد. می‌توان بر اساس داده‌ها مقایسه‌ای میان تعداد رقباتی که در زمان هر یک انجام شده است، به همراه نمره اقداماتشان در جدول ۶ انجام داد.

جدول ۶: مقایسه میزان وقف با نمره اقدامات و وجهه اجتماعی متولّی

نام متولّی	تعداد رقبه	نمره اقدامات	مقبولیت اجتماعی
اشرفی	۱	۱	-----
باتمانقلیچ	۰	۵	-----
ولیان	۴	۷	-----
سید جلال‌الدین تهرانی	۱۱	۶	

نتیجه آنکه مقبولیت یا وجهه اجتماعی و نیز نمره اقدامات به‌تنهایی عواملی تعیین‌کننده محسوب نمی‌شوند.

۱. در دور اول تصدی وی، یک مورد وقف مربوط به حسین‌ملک است. البته در سال ۱۳۳۰ یک وقف مشاهده می‌شود که مربوط به ملک و در زمان رام است. تعداد وقف‌هایی که در سال ۱۳۴۰ صورت گرفته، پیش از تصدی تهرانی بوده است.

## ۲-۳. تحول در ارکان وقف، نوع و پراکندگی موقوفات

در این قسمت، ابتدا داده‌های آماری وقف‌نامه‌ها که عبارتند از واقفان (پایگاه اجتماعی، جنسیت)، پراکندگی موقوفات، نوع رقبات، نوع و نحوه مصرف موقوفات، واگذاری تولیت و ناظر در قالب جدول‌ها ارائه شده است. سپس با توجه به شواهد تاریخی و مصاحبه با کارشناسان این عرصه، تلاش شد توضیحی برای هریک از این موارد داده شود.

### ۲-۳-۱. پایگاه اجتماعی واقفان

در این عصر، وقف توسط افراد دارای پایگاه‌های اجتماعی متوسط رواج بیشتری نسبت به پایگاه اجتماعی بالا دارد. به نظر می‌رسد با غلبه رویکرد مدرن، وقف که کنشی سنتی و مذهبی تلقی می‌شد، با اقبال اقبال بالا مواجه نمی‌شود. ضمن آنکه نهادهای جدید مانند بنگاه‌های خیریه بدون این که مشکلات حقوقی و شرعی و قوانین وقف را داشته باشند، راحت‌تر اموال خیریه‌ای را دریافت می‌کردند، به نحوی که با مشخص بودن نوع فعالیت و احتمالاً امکان کنترل بیشتر سرمایه، افراد متعلق به پایگاه‌های بالاتر را بیشتر جذب می‌کرده است. از دیگر دلایل آن می‌توان به توزیع ثروت در سطح جامعه، به عبارتی تمکن مالی طبقات متوسط اشاره داشت. کارشناسان طی مصاحبه اظهار داشتند: آذری: «کمک افراد صاحب‌نام به این‌گونه مؤسسات (خیریه) همگام با رشد رسانه‌ها بازتاب بیشتری در جامعه داشت». حسین‌زاده: «در پهلوی ثروت در جامعه گسترده‌تر می‌شود». شهیدی: «این امر ممکن است به دلیل اعتقادات مذهبی و رویکرد مدرن شدن نیز باشد. شاید برخی مسئولان و افراد خاندان شاه مانند فرح بیشتر ترجیح می‌دادند اقداماتشان از طریق مؤسسات خیریه باشد تا نهادی مذهبی مانند آستان». احمدی: «در پهلوی به دلیل تمکن مالی طبقه متوسط و تبلیغ وقف، واقفان این پایگاه اجتماعی بیشتر هستند». نقدی: «در پهلوی رویکرد مدرن غلبه پیدا می‌کند که خیلی موافق وقف نیست. در پهلوی با اصلاحات ارضی، ملک‌های بزرگ از افراد گرفته می‌شود.»

همچنین از حدود ۶۶ نفر واقف این دوره، ۹ نفر روحانی بودند که از این تعداد، شیخ ابوالقاسم هرندی در سه نوبت و محمدعلی گلپایگانی در دو نوبت، موقوفاتی به آستان داشته‌اند. شهیدی طی مصاحبه اظهار می‌دارد: «روحانیون اگرچه مشوق وقف بودند و رابطه خوبی هم با تجار داشتند، وضع مالی مناسبی که مساعد وقف باشد نداشتند.»

جدول ۷: درصد و فراوانی پایگاه‌های اجتماعی واقفان در عصر پهلوی<sup>۱</sup>

پایگاه اجتماعی	بالای بالا	بالای متوسط	بالای پایین	متوسط بالا	متوسط متوسط	متوسط پایین
فراوانی و درصد	۱ ۱.۴۹	۳ ۴.۴۸	۱ ۱.۴۹	۳۲ ۴۷.۷۶	۲۵ ۳۷.۳۱	۲ ۲.۹۹

## ۲-۳-۲. جنسیت واقفان

در این عصر یک مرد، و یک زن به نام بانو فرنگیس بیگم (از پایگاه اجتماعی بالایی متوسط) وقفی مختص آموزش دینی داشته‌اند. همچنین بانو احترام السلطنه، از پایگاه اجتماعی بالایی متوسط بیش از سایر بانوان موقوفه دارد. در جامعه نیمه‌سنتی ایران غالباً مالکیت اموال غیرمنقول بر عهدهٔ مرد بود؛ بنابراین اکثر واقفان را مردها تشکیل می‌دادند. زنان واقف این عصر متعلق به پایگاه‌های اجتماعی متوسط متوسط، متوسط بالا و بالایی متوسط هستند که رقباتی مانند زمین، مزرعه، قنات و منزل را برای مصارفی با اولویت بیمارستان و بخش‌های آن مانند شیرخوارگاه، بخش زنان، سپس مصارف عام و بعد از آن نیز به ترتیب مصارف خدام و زوار، روشنایی و مقابر، تعزیه‌خوانی و قرائت قرآن اختصاص داده‌اند.

## جدول ۸: درصد و فراوانی توزیع جنسیتی واقفان

جنسیت	مرد	زن	نامعین	جمع موارد
فراوانی و درصد	۵۷ ۸۵.۸۱	۹ ۱۴.۱۷	-	۶۶ ۱۰۰ درصد

## ۲-۴. پراکندگی جغرافیایی موقوفات

با توجه به داده‌های ما به نظر می‌رسد در این عصر، از تنوع جغرافیایی وقف نسبت به گذشته کاسته شده باشد. ضمن اینکه در این دوره با توجه به تحولات سیاسی، شاهد موقوفه‌ای در خارج از کشور نیستیم. می‌توان در نظر داشت در این دوره با توجه به تأکید بر مدرنیزاسیون، وقف نه

۱. برخی افراد در چندین نوبت اقدام به وقف کرده‌اند که تنها یک بار لحاظ شده؛ اما چنانچه رقبات وقفی آنان در تاریخ‌های مختلفی بوده، جداگانه محاسبه شده است.

ازسوی حکومت تبلیغ می‌گردید و نه ازسوی روحانیت به‌دلایلی مانند سیاست‌های نوسازی تشویق می‌شد؛ بنابراین از گسترش آن در سطح کشور کاسته شد.

در این عصر کرمان و تهران پس از خراسان، بیشترین رقبات را در خود جای دادند. به نظر می‌رسد رشد موقوفات کرمان بی‌ارتباط با افتتاح دفتر موقوفات یزد و کرمان نباشد، رخدادی که توانایی معرفی و اداره موقوفات آستان را در آن منطقه داشت. ادعاهای ذیل ازسوی مصاحبه‌شوندگان نیز مطرح است: حسن‌آبادی: «شهرهایی مانند کرمان، هم تعامل فرهنگی بیشتر با خراسان داشته و هم از سابقه بلندمدتی در وقف برخوردارند». نظرکرده: «هم‌جواری و تعامل فرهنگی کرمان با خراسان، تمکن مالی به‌دلیل تجارت و توسعه کشاورزی صنعتی، بر جذب وقف مؤثر بود». آذری: «پایگاه اجتماعی دفاتر و نماینده‌های آستان با توجه به توان اعتمادسازی‌شان در جذب و جهت‌دهی به وقف بسیار مهم بوده است». احمدی: «اعتقادات مذهبی در کرمان و یزد ریشه‌های قوی‌ای داشته است». پرنده: «درآمد بیشتر و تمکن مالی در کرمان و تهران و نیز اعتقادات مذهبی، ممکن است منجر به ازدیاد وقف در این شهرها باشد، درحالی‌که مخالفت و عدم‌همراهی روحانیت با سیاست‌های پهلوی، به‌خصوص در اصلاحات ارضی، با این دلیل که حکومت قصد از بین بردن موقوفات را دارد، از پراکندگی آن می‌کاست». نقدی: «کرمان دارای سابقه تاریخی در وقف است. این سابقه همراه با تصویر مثبت از خوب اداره کردن موقوفه توسط آستان، مشوقی برای افراد بوده و به‌نوعی پایگاه آستان محسوب می‌گردید. همچنین شاید در پهلوی با شکافی که بین روحانیون و حکومت پیش می‌آید، باعث می‌شود روحانیت خیلی وقف به آستان را تشویق نکنند. حتی با توجه به اینکه متولّی از سوی شاه بود با این استدلال که موقوفات را حیف‌ومیل می‌کنند، تبلیغات منفی هم داشته باشند. در نتیجه از پراکندگی آن کاسته شد.»

جدول ۹: درصد و فراوانی توزیع استانی موقوفات

استان	خراسان	کرمان	تهران	سمنان	گیلان	یزد	نامعین	جمع موارد
فراوانی و	۴۲	۱۲	۵	۲	۲	۲	۲۰	۸۵
درصد	۴۹،۴۱	۱۴،۱۲	۵،۸۸	۲،۳۵	۲،۳۵	۲،۳۵	۲۳،۵۳	۱۰۰درصد

## ۲-۵. نوع رقبات

در این عصر برای اولین بار است که وقف‌نامه «بیمارستان»، سهام کارخانه یا ابزارآلات صنعتی

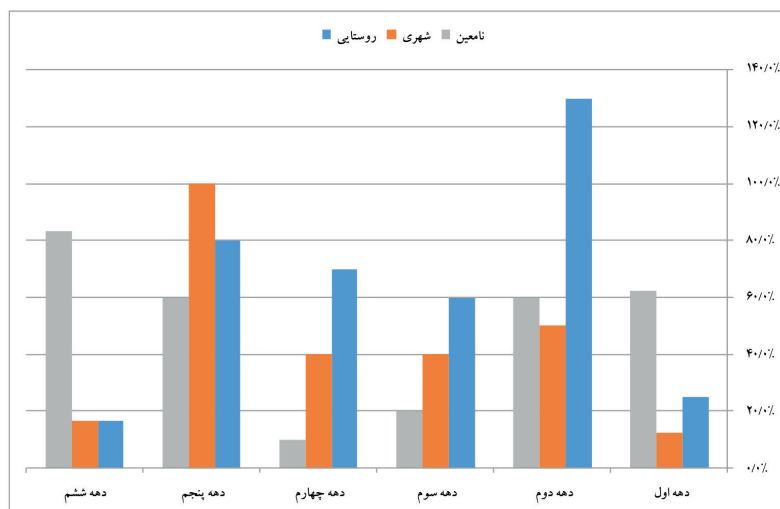
مشاهده می‌شود. همچنین همگام با تحولاتی مانند ساخت مراکز اقامتی و توسعه لوله‌کشی آب به مشهد، از میزان وقف حمام و کاروان‌سرا به شدت کاسته می‌شود. بیشترین رقبه وقفی، زمین یا مزرعه و قنات با سهم حدود ۳۸ درصد است که در پهلوی دوم از میزان مزرعه کاسته و به جای آن، زمین اولویت می‌یابد. این تحول را می‌توان متأثر از سیاست‌های اصلاحات ارضی نیز دانست که زمین‌های بزرگ از مالکان گرفته می‌شود و به قطعات کوچک‌تری در اختیار قشرهای دیگر قرار می‌گیرد. بر این مبنا کارشناسان در مصاحبه اظهار داشتند: احمدی: «در ابتدای پهلوی، ملاکان و اربابان زمین‌دار زیاد بودند؛ اما هر چه به آخر پهلوی نزدیک می‌شویم، تقسیم زمین و کوچک‌شدن آن غالب می‌شود». نظرکرده: «با رشد شهر از وسعت مزارع کاسته شده و تبدیل به قطعات زمین می‌شود». حسین‌زاده: «در پهلوی دوم زمین‌داری از حالت گسترده خارج و با تقسیم اراضی، زمین‌هایی با قطعات کوچک‌تر و ضمناً با ارزش قیمتی بیشتری پدید آمد». نقدی: «پس از اصلاحات ارضی با خریدن املاک، بزرگ‌مالکان نیز از بین رفتند و کسی نبود که مزرعه یا وسعت زیادی از زمین را وقف کند.»

به منظور بررسی دقیق‌تر ادعای متخصصان بر اساس داده‌های وقف‌نامه‌ها، نموداری از میزان وقف رقبات شهری و روستایی طی شش دهه پهلوی ارائه شد.

جدول ۱۰: درصد و فراوانی نوع رقبات وقفی

نوع رقبه	زمین	مزرعه	قنات، سهم آب و آبراه	قلعه	منزل	بنه	مغازه	آسیاب	کاروان‌سرا	حمام	بیمارستان	ابزارآلات صنعتی	سهم کارخانه،	روستا	نامعین
فراوانی و درصد	۱۹	۱۸	۱۷	۱۴	۱۴	۱۲	۹	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۱	۲۵
	۱۳,۲۹	۱۲,۵۹	۱۱,۸۹	۹,۷۹	۹,۷۹	۸,۴۶	۶,۲۹	۲,۱	۲,۱	۲,۱	۱,۴	۱,۴	۰,۷	۰,۷	۱۷,۴۸

۱. علاوه بر مواردی که تحت کلی ملک ذکر شده، رقبات ذیل را نیز شامل می‌شود: گاراژ، محوطه، مال، منزل و مغازه، انبار، طولیه، اسطبل، مسافرخانه، حجره، قلعه.



نمودار ۲: فراوانی وقف رقبات شهری و روستایی

همان گونه که نمودار ۲ نشان می‌دهد، دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ (دهه چهارم) رقبات روستایی نسبت به شهری همچنان بیشترین فراوانی را دارد. در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ نوع وقف‌های شهری پیشی می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان نظر کارشناسان را تأیید کرد.

در زمینه نوع رقبات، نیک‌مهر و وکیلی (۱۳۹۲) ادعایی مطرح کرده‌اند که «رقبات تجاری به دلیل پیوند مذهب و روحانیت با بازار، درصد زیادی را به خود اختصاص داده‌اند.» این گزاره با داده‌های ما حداقل درباره آستان نمی‌تواند منطبق باشد.

## ۲-۶. نوع (عام / خاص بودن)<sup>۱</sup> و نحوه مصارف موقوفات

جدول ۱۱: مقایسه درصد و فراوانی نوع وقف در عصر پهلوی

جمع موارد	نامعین	عام	خاص	نوع وقف
				دوره تاریخی
۸۸	۲	۲۶	۶۰	پهلوی
۱۰۰ درصد	۲,۲۷	۲۹,۵۵	۶۸,۱۸	

۱. چنانچه نوع مصرف مشخص باشد، با عنوان «خاص»، در غیر این صورت چنانچه مصرف بر عهده متولی و آستان باشد تا طبق ضرورت و نیاز حرم و آستان خرج گردد، با عنوان «عام» در نظر گرفته می‌شود.

## جدول ۱۲: درصد و فراوانی نوع مصارف وقف

نوع مصرف	درمانی <sup>۱</sup>	مراسم مذهبی <sup>۲</sup>	کتابخانه	اطعام و مهمان سرا	عمران و تعمیرات	روشنایی	آموزش <sup>۳</sup>	خدام <sup>۴</sup>	زوار <sup>۵</sup>	مقابر	فقرا
فراوانی و درصد	۳۱	۱۴	۱۰	۱۰	۱۰	۶	۶	۶	۵	۵	۴
	۲۱,۸۲	۹,۸۶	۷,۰۴	۷,۰۴	۷,۰۴	۴,۲۳	۴,۲۳	۴,۲۳	۳,۵۲	۳,۵۲	۲,۸۲
نوع مصرف	بیوتات <sup>۶</sup>	قاری	خیرات	اولاد واقف	موزه	سادات <sup>۷</sup>	بنگاه حمایت مادران	ایتام	نامعین	عام و خاص	
فراوانی و درصد	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۲۲	
	۲,۱۱	۰,۷۰	۰,۷۰	۰,۷۰	۰,۷۰	۰,۷۰	۰,۷۰	۰,۷۰	۲,۱۱	۱۵,۴۹	

در این عصر، مصارف درمانی با اختلاف بالایی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در پهلوی اول از ۲۶ موقوفه ثبت شده، ۱۰ مورد در پهلوی دوم از ۴۱ موقوفه ثبت شده، ۱۳ مورد در موضوع پزشکی است (آذری، ۱۳۹۶: ۲۷۱)؛ اما مصارف جذامی خانه به خصوص در پهلوی دوم به کمترین میزان خود می‌رسد. این نکته نشان می‌دهد که در نتیجه پیشرفت تجهیزات درمانی و بهداشتی، از گسترش این گونه بیماری‌ها کاسته شده است. همچنین با شکل‌گیری بنگاه حمایت از مادران برای نخستین بار وقف‌نامه‌ای برای مصارف آن دیده می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر در سیاست‌های این دوره اشاره شد، کارشناسان در مصاحبه بیان داشتند: نظرکرده: «در عصر پهلوی، توجه به موضوع سلامتی و درمان از سوی حکومت پررنگ می‌شود. دکتر اعلم که وضعیت بهداشتی مشهد را نامناسب می‌داند، اقدامات گسترده و مثبتی در دارالشفای انجام می‌دهد». حسین‌زاده: «وقفیات درمانی رابطه مستقیمی با تحصیل کرده‌های پزشکی نوین دارد». احمدی: «احساس نیاز به بیمارستان و جذامی‌خانه، باعث می‌گردد وقف سمت‌وسوی خاصی پیدا کند.»

۱. موارد مربوط به دارالشفای بیمارستان و جذامی‌خانه ذیل این عنوان قرار گرفتند، غیر از زوار بیمار که در قسمت زوار قرار داده شدند.
۲. شامل اعیاد و عزاداری‌های مذهبی است.
۳. اعم از آموزش به‌طور کلی یا هزینه‌های مکتب‌خانه و طلاب است. موقوفات اطفال صغیر سادات هم که در مکتب‌خانه تحصیل می‌کردند، در این قسمت آورده شده است؛ اما ایتام محصل سادات در ستون سادات دسته‌بندی شد.
۴. ذیل این عنوان علاوه بر مصارف عمومی، موارد حقوق، اطعام، انعام، قراء و فقرا، خدام نیز شامل شده‌اند.
۵. زوار اعم از زائران فقیر، پیاده، بیمار و شفایافتگان را در بر دارد.
۶. بیوتات شامل مصارف عمومی از قبیل فرش، سوخت و نظیف می‌شود.
۷. سادات غیر از موارد عمومی، طیفی از ایتام و ایتام محصل سادات، فقرا، خدام و عزب سادات را در بر گرفته است.

همچنین در این عصر با موقوفاتی در زمینه موزه و کتابخانه مواجهیم. شهیدی می‌گوید: «بر مبنای مشاهدات و انتقال تجربیات از کشورهای غربی، رشد علوم موزه‌داری و باستان‌شناسی و تألیف کتاب‌هایی در این زمینه، این موارد جایگاهی در ادبیات عامه پیدا می‌کند.»

در این عصر، وقف سادات که همواره بخشی از مصارف را به خود اختصاص داده بود، بسیار اندک و به یک وقف می‌رسد. در این دوره، بر پایه سیاست‌های حکومتی انتساب به سادات، دیگر ابزار و منبعی برای تصدی مناصب نیست و برخلاف گذشته مناصب کلیدی را در آستان بر عهده ندارند و از این‌رو از اهمیت‌شان کاسته شده است. نظرکرده مدعی است: «در دوره پهلوی با پررنگ‌شدن شایستگی، از اهمیت و تعداد سادات کاسته شده و به تبع آن، کاهش یا حذف موقوفات سادات را داریم.»

در زمینه مصارف مذهبی، دقیق‌تر آن است بگوییم با تفکیک اعیاد از تعزیه‌های مذهبی، موقوفات در زمینه «اعیاد مذهبی» به خصوص در دوره رضاشاه کمترین میزان را داشت. در ضمن در زمان رضاشاه، روضه‌خوانی ممنوع شد و بعضی اوقاف عامه نیز که وقف اموری از قبیل روضه‌خوانی شده بود، «متعذر المصرف» گشت؛ یعنی دیگر عواید آن‌ها را نمی‌توانستند به مصارفی که مراد واقفان اصلی بود، برسانند. از این‌رو اداره امور بعضی اوقاف را وزارت فرهنگ به دست گرفت و بقیه را غصب کردند. پس از استعفای رضاشاه، عواید این قبیل موقوفات دوباره به مصارف اصلی خود اختصاص یافت (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۲۱ تا ۴۲۳)؛ با این حال، باعث نشد وقفیات جدیدی در این زمینه شکل گیرد.

بدین‌سان برخلاف نظر آذری که می‌گوید: «سیاست‌های حکومتی خیلی نمی‌توانست در نوع مصارف وقف تأثیرگذار باشد، بلکه انگیزه‌های شخصی واقف اهمیت دارد»، اقدامات و سیاست‌ها همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، موجب کاسته‌شدن برخی مصارف یا افزایش مواردی دیگر می‌شد. در این راستا موارد قابل ذکر دیگر به نظر متخصصان که در مصاحبه مطرح شده عبارتند از: نظرکرده: «در دوره پهلوی، مواجب نایب‌الخدمه و نایب‌الزیاره قطع می‌شود. همچنین از تعداد قاری‌ها و حفاظ و از زیارت‌نامه‌خوانان کاسته شده و انتخاب آنان منوط به قبولی در آزمون دارد. به تبع آن، کاهش یا حذف موقوفات این زمینه‌ها را داریم». شهیدی: «در پهلوی با تغییر سیاست مذهبی حکومت و منبع مشروعیت‌یابی، سمت‌هایی مانند نایب‌الخدمه و نایب‌الزیاره که در آستان جایگاه داشت، از بین رفت؛ به تبع، موقوفات آن نیز حذف شد.»

بنا بر نظری «غیر از تعداد محدودی از واقفان این دوره، از جمله حاج حسین آقا ملک و عبدالله رضوی، دیگر واقفان در نیات خود توجه چندانی به رفع نیازهای ضروری مشهد نداشتند. آمار

پایین نیات اجتماعی واقفان مشهد در دوره پهلوی، شاهدی بر این مدعاست.» (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۷۰) نظر کرده هم می‌گوید: «با در نظر داشتن متن و صیغه وقفنامه‌ها آنچه برای واقفان مهم بوده، خود عمل وقف است نه مصارف آن و آنان نسبت به مصارف، آگاهی زیادی نداشتند.»

در حالی که یافته ما بیانگر آن است مصارف موقوفات، آگاهانه، اندیشیده و مبتنی بر نیازهایی است که افراد در جامعه احساس می‌کردند و به تجربه در می‌یافتند. هر چند این قضیه بدان معنی نیست که آنان از پیش دارای استراتژی قصدشده‌ای بودند. تفاوتی که حاج حسین آقا ملک با دیگران داشت، در همین بود. هم‌سو با این نظر، کارشناسان در مصاحبه بیان می‌کنند: حسن‌آبادی: «در این عصر، وقف آگاهانه‌تر و بیشتر منطبق با نیازهای جامعه از یک‌سو و نیازهای آستان از دیگر سو بوده است». احمدی: «نیاز احساس شده یا به نوعی نیازسنجی توسط افراد، سبب جهت‌دهی به وقف شده است.» آذری: «نوعی نیازسنجی بر مبنای تجارب و مشاهدات و درک از نیازهای روزمره به خصوص طی سفر، مصارف وقف را جهت داده است. حتی نیازهای محلی در نوع مصارف بسیار مهم بوده است». حسین‌زاده: «نیازهای اجتماعی‌ای که افراد احساس می‌کردند، بر نوع وقف مؤثر بود، به گونه‌ای که رشد جمعیت و زوار نیاز به اقدامات عمرانی و تعمیرات را نمود بیشتری داد و می‌توانست بر وقفیات این زمینه مؤثر باشد». پرنده: «اکثر مصارف بر اساس مشاهده و تجربه و نیازهای احساس شده نسبت به جامعه یا مشکلات حرم طی حضور فیزیکی بوده است. کمتر واقفی مانند ملک با هدف مشخص از پیش تعیین شده وقف کرده است. ملک بر دو موضوع تأکید می‌کند: بهداشت و درمان، فرهنگ. یا وقفنامه محمدرضاشاه که برای توسعه، روشنائی، درمانی و فرهنگی تشکیلات حرم است.» نقدی: «با گسترش حرم و ازدیاد زائر، نیازهایی هم شکل می‌گیرد که به وقف سمت‌وسو می‌دهد.»

## ۲-۷. واگذاری تولیت و ناظر<sup>۱</sup>

واگذاری تولیت به آستان طبق جدول ۱۳ از دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۰ و در پایان آن، سیری صعودی داشته است، به نحوی که دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ و ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ و ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ چهار مورد، دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ پنج مورد و دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ تعداد ۹ مورد را به خود اختصاص می‌دهند. بیشترین میزان تعیین ناظر، مربوط به دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ و ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ و ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ با سه مورد است. بین

۱. بعضی واقفان متولی را به فرزندان یا اشخاص دیگری واگذار کرده‌اند که با عنوان «دیگری» طبقه‌بندی شد. چنانچه واقف به‌صراحت از آستان یا برخی مناصب حقوقی آن به‌عنوان متولی نام برده، متولی، «آستان» در نظر گرفته شد، در غیر این صورت در «تامعین» دسته‌بندی شد.

دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ نیز دو مورد، سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۲۵ نیز یک مورد مشاهده می‌شود.

جدول ۱۳: درصد فراوانی نحوه واگذاری تولیت و ناظر

نوع واگذاری	آستان	دیگری	دیگری و آستان <sup>۱</sup>	نامعین	ندارد
تولیت	۳۴ ۴۰ درصد	۷ ۸.۲۴	۱۶ ۱۸.۸۲	۲۸ ۳۲.۹۴	-
ناظر	۱ ۱.۱۸	۸ ۹.۴۱	۲ ۲.۳۵	۴۶ ۵۴.۱۲	۲۸ ۳۲.۹۴

دلایلی که از سوی کارشناسان در مصاحبه مطرح شده است، عبارتند از: نظرکرده: «شخصیت شاه و متولّی آستان و نیز پیشینه خانوادگی قابل اطمینان و سرشناس بودن وی در واگذاری تولیت بسیار مهم است. همچنین انتشار عکس‌های حرم، موجب اطلاع‌رسانی بیشتر در خصوص عملکرد آستان و کسب اطمینان و اعتماد می‌گردید». آذری: «شاید تجربه ناموفق واگذاری تولیت به غیر از آستان به اضافه نظام اداری منظم‌تر که ریشه در دوره ناصری داشت، منجر به کسب اطمینان بیشتر از مصرف درست موقوفات توسط آستان باشد که واگذاری تولیت به آستان را به دنبال داشته است.» شهیدی: «این امر بی‌ارتباط با ثبات و اعتماد نسبت به برخی رفتارهای شاه که نوعی تظاهر بیرونی اعتقادات مذهبی بود، نیست.» احمدی: «رویکردها و سیاست‌های حکومتی بر واگذاری تولیت به آستان اثرگذار بود. آسیب‌شناسی‌های تجربی، مثلاً ضعف متولّی بعد از چند نفر اولاد، افراد را به این نتیجه رسانده که بهتر است تولیت را به آستان واگذار کنند.» پرنده: «آستان ضمن برخورداری از تشکیلاتی مدون و این تصور که منفعت شخصی بر آن حاکم نیست، با پشتوانه دو قدرت روحانی (قدرت معنوی) و قدرت نظامی و حکومتی می‌توانست از موقوفه حراست کند، در مقایسه با شخصی که خودش متولّی بوده و پشتوانه قدرتمندی نداشته و اعقاب وی نتوانسته‌اند موقوفه را حفظ کنند و از بین رفته است.» نقدی: «ممکن است اختلاف‌های داخلی ورثه واقف، عدم توان کنترل و اداره موقوفه (به دلایلی مانند سفرها و ترک کشور، وقت‌نداشتن رسیدگی به امور موقوفات)، پرهیز از پیچ‌وخم‌های بوروکراسی و درگیری‌های اداری با آستان موجب واگذاری شده باشد.»

در غالب این وقف‌ها، تولیت در ابتدا با خود واقف است و بعد به اولاد ذکور، فرزندان یا یکی از اعضای خانواده می‌رسد. در اغلب موارد در صورت انقراض نسل، واقف، تولیت را به متولّی آستان قدس واگذار کرده است.

به نظر می‌رسد در این نظرات، نوعی تناقض با مطالبی که پیش‌تر در خصوص سیاست‌های مذهبی حکومت و رویکرد مدرن آن که در قضایای پایگاه اجتماعی واقفان، پراکندگی موقوفات و مصارف وقف بدان اشاره شد، یافت شود. با این حال بازتاب اقدامات و عملکرد شاه و متولیان در بین اقشار متوسط جامعه می‌توانست تا حدودی اعتماد را جلب کند. ضمن آنکه پهلوی نیز همچنان به آستان به‌عنوان منبع مشروعیت‌بخشی نیاز داشت. در این راستا نعمتی می‌گوید: «اقدامات و سیاست‌های شاه و برخی متولیان از روی اعتقادات مذهبی نبود، بلکه از این بابت بود که به این تشکیلات با دیده تاریخی و نهایتاً به‌مثابه موزه‌ای فرهنگی می‌نگریست.»

دیدگاهی که تأکید بر واگذاری تولیت به غیر از آستان دارد، بیان می‌کند: «از دلایل مهمی که موجب شد واقفان مشهد تولیت موقوفات را در بین خانواده خود حفظ نمایند، عملکرد حکومت و به‌خصوص نایب‌التولیه‌های آستان قدس از جمله پاکروان و ولیان در چنگ‌اندازی و تعرض به موقوفات بود که باعث بی‌اعتمادی مردم به حکومت و نهادهای وابسته به آن همچون آستان قدس و اداره اوقاف گردید» (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۶۶). به‌نحوی که در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ قسمت عمده زمین‌های وقفی مشهد به قیمت نازلی به اجاره داده شد. این زمین‌ها را بیشتر افراد مهاجر می‌خریدند یا در آن ساکن می‌شدند (رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۶۴). باید یادآور شد این موارد کاملاً مقطعی بوده و به‌عنوان مثال سال ۱۳۴۰ یکی از نقاط اوج وقف است. یافته دیگر ما بیانگر آن است که کسبه و تجار معمولاً تولیت و نظارت را به آستان واگذار نمی‌کردند. نظر کرده می‌گوید: «آن‌ها نیاز به تضمین‌هایی مانند اخروی، اجتماعی و اقتصادی داشتند که از عهده آستان خارج بود.»

#### جدول ۱۴: مقایسه داده‌های موقوفات در عصر پهلوی<sup>۱</sup>

مؤلفه‌ها	رضاشاه	محمدرضاشاه
مرد زن	۲۶	۴۷
	۶	۵
پایگاه اجتماعی	متوسط بالا (۱۷)	متوسط بالا (۲۸)
پراکندگی جغرافیایی	خراسان (۱۸)	خراسان (۲۴)
نوع رقبات	مزرعه (۸)	زمین (۱۴)
نحوه تولیت	آستان (۱۲)	آستان (۲۲)
نحوه ناظر	ندارد (۱۵)	ندارد (۳۱)
نوع وقف عام/خاص	خاص (۲۱)	خاص (۳۹)
نوع مصرف	بیمارستان (۹)	بیمارستان (۱۸)
میانگین سالانه وقف	۲	۱/۵۵
نسبت نایب‌التولیه-استاندار	یک‌دوم	حدود ۷۰ درصد

۱. در این جدول بیشترین موارد با فراوانی‌شان ذکر شده است.

### ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها نمی‌توان نظر محققانی مانند: جلالیان (۱۳۹۰)؛ نوائیان (۱۳۹۰)؛ نیک‌مهر (۱۳۹۱) و اکبری (۱۳۹۹) را که مدعی بودند در این عصر ضربات مهلکی بر وقف وارد شده پذیرفت. همچنین داده‌های وقفی نیک‌مهر (۱۳۹۱) در بازه زمانی پهلوی اول را نمی‌توان درباره آستان قدس درست دانست. در ضمن برخلاف نظر اکبری (۱۳۹۹) و نیک‌مهر و وکیلی (۱۳۹۲)، به نظر می‌رسد مصارف موقوفات مبتنی بر تجربه زیسته افراد و درکی از نیازهای جامعه بود. در این راستا واقفان دارای تصویری مثبت از ساختن جهانی بهتر، احساس وظیفه یا حمایت از هدفی شایسته بودند. بدین ترتیب اقدامات خیرخواهانه‌شان مبتنی بر رویکردی با احساس همدردی، دلوپسی نسبت به وضعیت دیگران و ارزیابی نیازهای آنان است. در همین باره، نوع رقبات وقفی ماندگاری بالایی داشته و مصارف اوقاف هم باتوجه به نیاز جامعه اثرگذار بوده است.

در عصر پهلوی میانگین سالانه وقف، حدود یک‌ونیم است. حدود ۸۵ درصد واقفان متعلق به پایگاه‌های اجتماعی متوسط متوسط و بالا هستند. پراکندگی جغرافیایی موقوفات، در شش استان و بیشترین آن متعلق به خراسان با ۴۹ درصد است. بیشترین فراوانی رقبات وقفی با ۱۳ درصد متعلق به زمین است. تولید ۴۰ درصد موقوفات بر عهده آستان، حدود ۱۸ درصد نیز ابتدا بر عهده دیگری و سپس آستان قرار دارد. همچنین ۵۴ درصد واقفان برای موقوفه خود ناظری تعیین نکرده و یک درصد ناظر را آستان قرار داده‌اند. در این دوره، مصرف ۶۸ درصد موقوفات جنبه خاص دارد و مصارف درمانی با ۲۱ درصد در اولویت است. به عبارت دیگر، موقوفات در مصارف درمانی، فرهنگی (کتابخانه، عزاداری‌های مذهبی) و عمرانی، به نسبت وقفیات میزان بالاتری به خود اختصاص داده است.

همسو با نظر مصاحبه‌شوندگان، ریشه‌داری سنت وقف در کرمان و بر خورداری از موقعیت مناسب اقتصادی، بر پیشرو بودن آن نسبت به دیگر استان‌ها تأثیر داشت اما در تکمیل آن باید گفت رویکرد شناختی برای توضیح اینکه خراسان بیشترین رقبه وقفی را داراست، مناسب باشد.

در سطح کلان همان‌گونه که آزمون همبستگی نشان داد، بین میزان اقدامات و رقبات وقفی؛ رابطه مثبت و بین مدت زمان تولید و تعداد رقبات وقف شده؛ رابطه شدید و مثبت وجود دارد. با این حال می‌بایست ترکیب مولفه‌های موثر دیگری را نیز بر تحولات کنش وقف در نظر داشت. مهم‌ترین آن‌ها بدین قرارند: پیوندهای زوجی، سیاست‌های حکومت، ثبات نسبی اجتماعی، سفرهای متوالی شاه به مشهد و رسیدگی به امور آستان، بوروکراتیک شدن تشکیلات آستان، وجه اجتماعی متولیان، به‌همراه تجربه ناموفق واگذاری تولید به غیر که می‌توانست از رکود

کامل وقف جلوگیری کند، بر نوع مصارف و رقبات مؤثر باشد و موجب واگذاری تولیت به آستان شود. همسو با نظر مصاحبه‌شوندگان و پژوهشگرانی مانند نوائیان (۱۳۹۰)؛ جلالی (۱۳۷۸)؛ نیک‌مهر (۱۳۹۱)؛ اورکاد (۱۳۸۲)؛ رهنما (۱۳۹۰) و بابایی (۱۳۹۰) سیاست‌های حکومتی بر تحولات وقف بی‌تاثیر نبوده است؛ اما نحوه و نوع تاثیرگذاری آن‌ها متفاوت بوده است. برخی سیاست‌ها مانند اصلاحات ارضی بیشتر بر نوع رقبات، برخی سیاست‌های مدرنیزاسیون و بوروکراتیک شدن بیشتر بر نوع مصرف و برخی دیگر مانند سپردن هم‌زمان استناداری و منصب نایب‌التولیه به یک شخص، بیشتر بر روند وقف مؤثر بود، به‌نحوی که با کم‌رنگ‌شدن بزرگ‌مالکی و نیاز به حمام و کاروان‌سرا، زمین‌های کوچک‌تر جایگزین شد؛ یا مصارف نایب‌الخدمه و نایب‌الزیاره و سادات حذف شد و امور درمانی و بیوتات پیشی گرفت. دو نکته حائز اهمیت آن است که اولاً تأثیرپذیری مصارف از اقدامات و سیاست‌ها را در موارد درمانی، خیرات، ایتام، یا حوزه بیوتات، عمران و روشنایی می‌توان مشاهده کرد؛ با این حال این هم‌سویی در همه موارد، مانند موقوفات آموزشی، وجود نداشت. ثانیاً هرچند سیاست‌های گاه ضد‌مذهبی حکومتی می‌توانست مانعی ایجاد کند، به نظر می‌رسد آن‌زمان که واقفان اقدامات یا سیاست‌های موجود را با ارزش‌های دینی و فرهنگی مناسب نمی‌دانستند، یا از میزان وقف کاسته شده است یا شبکه‌های اجتماعی مذهبی با اعتمادسازی سبب می‌شد واقفان کنش خود را از راه‌هایی مانند تعیین نوع مصرف شکل دهند. با استخراج مؤلفه‌های مهم مؤثر بر رشد موقوفات در سال‌های اوج می‌توان جدول ۱۵ را ترسیم کرد.

جدول ۱۵: مؤلفه‌های مؤثر بر رشد موقوفات پهلوی

شاخه استاندارد	شخصیت مؤثر	همکاری مؤثر با والی	تصدی هم‌زمان منصب تولیت و والی	نیات در آستان (اقدامات مثبت و علم سوءاستفاده مؤثر)	امینیت و نیات اجتماعی	تعداد رقبه	نمبره اقدامات	نام مؤثر (سال)	شاه
ضعیف	مقتدر	+	---	+	+	۵	۵	اسدی (۱۳۱۱)	رضاشاه
مقتدر	مقتدر	---	+	+	+	۷	۴	پاکروان (۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶)	
ضعیف	مقتدر	+	-	+	+	۶	۲	مهران (۱۳۴۰)	محمدرضاشاه
مقتدر	مقتدر	---	+	+	+	۱۳	۷	باقر پیرنیا (۱۳۴۸)	

بنابراین می‌توان مدعی بود در عصر پهلوی سال‌هایی که ثبات در اجتماع و آستان برقرار بوده است، نایب‌التولیه‌هایی که شخصیتی مقتدر داشته‌اند، پیش‌تر سوابق اجرایی کشوری داشتند و ضمن برخورداری از استقلال و تصدی منصب استانداری با نیروهای اجتماعی نیز تعامل داشتند، به شرط آنکه مدت‌زمانی بیش از دو یا سه سال عهده‌دار این منصب بودند، از اقدامات موفق‌تر و بادوام‌تری برخوردار بوده‌اند و تعارضات کمتری را در جامعه ایجاد کرده‌اند. این امر بالطبع می‌توانست بر رشد موقوفات تأثیرگذار باشد.

## منابع و مآخذ

- آذری خاکستر، غلامرضا. (۱۳۹۶). «سیر تحول مصرف موقوفه‌های پزشکی نوین در خدمت به زائران حرم رضوی». *مجموعه مقالات نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت*. گردآوری و ویرایش ابوالفضل حسن آبادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. صص ۲۶۸-۲۸۹.
- آقاملائی، ایرج. (۱۳۸۴). *تاریخچه آموزش و پرورش مشهد نوین*. مشهد: انتشارات مرن‌دیز.
- اسکاچپل، تدا. (۱۳۸۸). *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.
- اکبری، ابوالفضل. (۱۳۹۹). «تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی-تاریخی دوره‌های تیموری، صفوی و پهلوی)». *رساله دکتری*. استاد راهنما: دکتر بهروان. گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- اورکاد، برنارد. (۱۳۸۲). «وقف و مدرنیته در ایران: کشت و صنعت آستان قدس رضوی». *گفتگو*. شماره ۳۹. اسفند ۱۳۸۲. صص: ۸۵-۱۱۰.
- بابایی، محمود. (۱۳۹۰). «تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره پهلوی دوم». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد بجنورد.
- برک، پیترو. (۱۳۹۴). *تاریخ و نظریه اجتماعی*. ترجمه حسینعلی نودری، تهران: نشر طرح نقد.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۳). *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*. ترجمه سیدحمیدرضا حسنی؛ محمدتقی ایمان؛ مسعود ماجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بورديو، پیر. (۱۳۸۹). *نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تخشید، محمدرضا. (۱۳۷۷). «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تاثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. دوره ۴۰. شماره پیاپی ۱۰۵۰. تابستان ۱۳۷۷. صص: ۹۳-۱۱۷.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۰). «وقف در ادوار ایران، خدمت و خیانت حاکمان». *ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش فرهنگی هنری خراسان*. انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان با مشارکت اداره کل اوقاف خراسان. شماره ۱۸.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۷۸). *تاریخ مشهد از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جلالیان، سعیده. (۱۳۹۰). «شرح حال و عملکرد نائب‌التولیه‌های آستان قدس رضوی در دوره پهلوی دوم (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰)». *شمسه؛ نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*. دوره ۳ شماره ۱۰ و ۱۱. بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- حائری‌یزدی، محمدحسن. (۱۳۸۰). *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «جایگاه متولیان در اداره موقوفات آستان قدس رضوی». *ویژه‌نامه وقف آستان قدس رضوی*. مشهد: دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی.
- حطیط، شهناز؛ ابطحی، علیرضا؛ نورایی، مرتضی؛ حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). «نقش کارخانه

- نخربسی و نساجی خسروی خراسان بر اوضاع اقتصادی-اجتماعی مشهد (۱۳۱۶-۱۳۰۵ ش)، **پژوهش‌نامه خراسان بزرگ**، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صص: ۳۷-۵۶.
- حقیقی، محمد؛ نقدی، رضا. (۱۳۹۷). **آستان قدس رضوی: متولیان و نایب‌التولیه‌ها**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رامپولا، مری لین. (۱۳۹۴). **راهنمای نگارش تاریخ**. ترجمه لی لاسازگار. تهران: نشر آگاه.
- رضوانی، علیرضا و آیتی، مهدی. (۱۳۸۴). **در جستجوی هویت شهری مشهد**. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- رهنما، محمدرحیم. (۱۳۹۰). **شناسایی و وجه تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد**. مشهد: شهرداری مشهد. اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل. انتشارات سخن گستر.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق). سند شماره: ۱۳۷۷۹۷/۳۱.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). **کشاکش آراد در جامعه‌شناسی**. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- سیدی، مهدی. (۱۳۸۶). **مسجد و موقوفات گوهرشاد**. قم: انتشارات کومه.
- شاهدی، مظفر. (۱۳۸۶). «نگاهی گذرا به مخالفت روحانیون و اسلام‌گرایان با لویح انقلاب سفید در دوره نخست‌وزیری اسدالله علم (تیر ۱۳۴۱-۱۵ خرداد ۱۳۴۲)». **تاریخ معاصر ایران**. شماره ۴۳، صص: ۲۳-۷۴.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۸۱). **فرهنگ خراسان**. ج ۲. تهران: نشر عطارد.
- فاضلی بیرجندی، محمود. (۱۳۹۸). **تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان: از آغاز تا پایان پهلوی**. تهران: نشر پایان.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). **درآمدی بر تحقیق کیفی**. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- لمبتون، آن. ک. (۱۳۶۲). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۸۴). **تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی**. مشهد: نشر مرندید.
- ملک، حسین. (۱۳۳۶). **وقف‌نامه‌های املاک و مستغلات تهران و خراسان** تقدیمی این چاکر خانه‌زاد آستان ملائک پاسبان حسین ملک بعتبه عرش درجه علیه رضویه ارواحنا فداه».
- مومتن، علی. (۱۳۴۸). **راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی**. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مولوی، عبدالحمید. (۱۳۵۳). **پیش‌نویس موقوفات آستان قدس**. به شماره ثبتی ۵۸۵۰۴ کتابخانه آستان قدس رضوی.
- نوائیان رودسری، جواد. (۱۳۹۰). «تاراج موقوفات در عصر پهلوی با نگاهی به تلاش‌های امام (ره) در راه احیاء مسئله وقف در ایران». **ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش فرهنگی هنری خراسان**. شماره ۱۸، بهمن ماه ۱۳۹۰. مشهد: انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان، صص: ۳۶-۳۷.
- نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد؛ جعفرپور، مرتضی. (۱۳۹۴). **جامعه‌شناسی وقف**. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- نیک‌مهر، اسدالله. (۱۳۹۱). «وقف در مشهد: عصر پهلوی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. استاد راهنما: هادی وکیلی. دانشگاه فردوسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- نیک‌مهر، اسدالله؛ وکیلی، هادی. (۱۳۹۲). «نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقف‌نامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی)». **مطالعات اسلامی**

**تاریخ و فرهنگ.** سال چهل و پنجم. شماره پیاپی ۹۱. پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صص: ۱۰۹-۱۳۱. وبر، ماکس. (۱۳۸۵). **اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری.** ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

### منابع اینترنتی

برنامه پنجم توسعه عمرانی کشور (تجدید نظر شده) ۱۳۵۲-۱۳۵۶. قسمت اول؛ کلیات اقتصادی و اجتماعی، مصوب کمیسیون برنامه مجلس و کمیسیون برنامه مجلس سنا مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۴. برگرفته از سایت: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show>. ۹۷۲۶۷. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸. پایگاه نمایه‌سازی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی. نشانی: <https://opac.razavi.ir/faces/search/bibliographic/biblioAdvancedSearch.jspx>

### References

- Adloff, Frank (2014), Foundations and the Charisma of Giving: A Historical Sociology of Philanthropy in Germany and the United States. International Society for Third-Sector Research and The Johns Hopkins University. DOI 10.1007/s11266-014-9508-4.
- Agha mollaei, Iraj (2005). History of education in modern Mashhad. Mashhad: Marandiz publisher. (in Persian).
- Akbari, Abolfazl (2020). Sociological Analysis of the Impact of Waqf on Development in Mashhad (Comparative Historical Study of Timurid, Safavid and Pahlavi Periods). PhD Thesis, Supervisor: Dr. Hossien Behravan, Department of sociology Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. (in Persian).
- Atarodi, Azizollah (2002). Khorasan culture, vol.2. Tehran: Atarod publisher.
- Azari khakestar, Gulam Reza (2017). The evolution of using modern medical endowments to serve the pilgrims of the Razavi Shrine. The role of endowments in the promotion of the culture of pilgrimage. edited by Abulfazl Hasanabadi. Mashhad: Islamic research foundation of Astan Quds Razavi. pp.268-289. (in Persian).
- Babaei, Mahmood (2011). Administrative organization of Astan Quds Razavi in the second Pahlavi period. Master's thesis in the history. Faculty of Literature and Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran. (in Persian).
- Bajde, Domen (2012), Mapping the imaginary of charitable giving. Consumption Markets & Culture 2012, 1-16. DOI:10.1080/10253866.2012.659433
- Barman, Emily (2007), An Institutional Approach to Donor Control: From Dyadic Ties to a Field-Level Analysis. American Journal of Sociology, Volume 112 Number 5 (March 2007): 1416-57. DOI: 10.1086/511802.
- Blaikie, Norman (2012). Social Research: Paradigms in Action. Translated to Persian by Seyed Hamid Reza Hasani and Mohammad Taghi Iman and Masoud Majedi. Qum: Research Institute of Hawzah and University. (in Persian).
- Burke, Peter (2015). History and Social Theory. Translated to Persian by Hossein Ali Nowzari.

Tehran: Tarhenaghd publisher. (in Persian).

Document Management Indexing database of Aṣṭan-Qods-Razavi.

Fazeli Birjandi, Mahmoud (2019). A history of the rulers of Khorasan; From the beginning to the end of Pahlavi. Tehran: Payan publisher.

Haeri Yazdi, Mohammad Hasan (2010). Waqf in Islamic jurisprudence and its role in the prosperity of Islamic economy. Mashhad: Islamic Research Foundation of Aṣṭan Quds Razavi. (in Persian).

Hasanabadi, Abulfazl (2011). The position of Custodians in the Waqf administration of Aṣṭan Quds Razavi. Aṣṭan Quds Razavi's special Waqf letter. Mashhad: Secretariat of the Supreme Cultural Council of Aṣṭan Quds. (in Persian).

Hatit, Shahnaz; Abtahi, Alireza; Nouraei, Morteza; Hasanabadi, Abulfazl (2019). The role of Khosravi Nakhri and textile factory in Khorasan on the social-economic situation of Mashhad(1926-1937). Journal of Great Khorasan. Volume 35, Summer 2019, pp.37-56. (in Persian).

Hourcade, Bernard (2003). Waqf and Modernity in Iran: Agriculture and Industry of Aṣṭan Quds Razavi. Goftogu Magazine. Number 39, March 2003, pp. 85-110. (in Persian).

Jafarian, rasul (2011). Endowment in the eras of Iran, serving and betraying the rulers. Analytical special issue of Khorasan Cultural and Artistic Research office. Khorasan Art Cultural Institute with the participation of Khorasan awqaf and charity affairs Department, number 18. (in Persian).

Jalali, Gholam Reza (1999). The history of Mashhad from the Constitution to the Islamic revolution. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian).

Jalalian, Saeedeh (2011). Biography and performance of the Custodians of Aṣṭan Quds Razavi during the second Pahlavi period(1941-1951). Shamsheh; Electronic publication of the Organization of Libraries, Museums and Documents Center Of Aṣṭane Qudse Razavi. Volume 3, Number 10-11, spring and summer 2011. (in Persian).

Lambton, Ann K.S. (1983). Landlord and Peasant in Persia: a study of Land Tenure and Land Revenue Administration. translated to Persian by Manouchehr Amiri. Tehran: Book Translation and Publishing Company. (in Persian).

List of endowments of Aṣṭan Quds, kept in Aṣṭan Quds Razavi Document Center. (in Persian).

Machin, Laura.L & Richard A. Williams & Lucy Frith (2020), Proposing a sociology of donation: The donation of body parts and products for art, education, research, or treatment. <http://wileyonlinelibrary.com/journal/soc4.p:1-16>. DOI: 10.1111/soc4.12826

Malek, Hossein (1957). deeds of endowed Real estate in Tehran and Khorasan(?). (in Persian).

Molavi, Abdolhamid (1974). Draft endowments(waqfs) of Aṣṭan Quds. Registration number 58504 of Aṣṭan-Qods-Razavi Library. (in Persian).

Motamen, Ali (1969). Guide or History of Aṣṭan Quds Razavi. Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi. (in Persian).

Motavali Haghghi, Yousef. (2005). The history of modern education in Khorasan from the beginning to the Islamic revolution. Mashhad: Marandiz publisher. (in Persian).

Naghdi, Reza; Haghgi, Mohammad (2018). Aṣṭan Quds Razavi: Trustees and Custodians. Mashhad: Islamic research foundation of Aṣṭan Quds Razavi. (in Persian).

Navaeian, Javad (2011). Expropriation of waqf in the Pahlavi era with a look at Imam Khomeini's efforts to revive the waqf issue in Iran. Analytical special issue of Khorasan Cultural and Artistic Research Office. Volume 18, Jaanuary 2011. Mashhad: Khorasan Art Cultural Institute. pp. 36-37.

- Niazi, Mohsen; Nasrabadi, Mohammad; Jafarpour, Morteza (2014). *Sociology of Waqf*. Tehran: Awqaf and Charitable Affairs Organization. (in Persian).
- Nikmehr, Asadollah (2013). *Waqf in Mashhad in period Pahlavi*. Master's thesis. Supervisor: Dr. Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Winter 2013. (in Persian).
- Nikmehr, Asadollah; vakili, Hadi (2013). The Intentions and Disbursement of Endowed Properties of the Endowers of Mashhad in the First and Second Pahlavi Period. *Journal of history and culture*. volume 45, serial number 2, pp. 109-131. doi: 10.22067/history.v45i8.20164. (in Persian).
- Pierre Bourdieu (2010). *Practical Reason: On the Theory of Action*. Translated to Persian by Morteza Mardiha. Teran: naghshonegar publisher. (in Persian).
- Rahnama, Mohammad Rahim (2011). *Identification and designation of passages, neighborhoods and public places of the old context of Mashhad city*. Mashhad: Mashhad Municipality, Department of Public and International Relations, Sokhon Gostar Publisher. (in Persian).
- Rampolla, Mary Lynn (2015). *A Pocket Guide to Writing in History*. Translated to Persian by Layla Sazgar. Tehran: Agah publisher. (in Persian).
- Rizvani, Alireza and Ayati, Mahdi (2005). *In search of the urban identity of Mashhad*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development. (in Persian).
- Seidman, Steven (2007). *Contested Knowledge: Social Theory Today*. Translated to Persian by Hadi Jalili. Tehran: Nashre-Ney. (in Persian).
- Seyedi, Mahdi (2007). *Goharshad mosque and endowments*. Qom: Komeh publisher.
- Shahedi, Mozaffar (2007). A brief look at the opposition of clerics and Islamists to the White Revolution bills during the prime ministership of Asadollah Alam(1962-1963). *Quarterly journal of contemporary Iranian history*. Volume 43, pp 23-74.
- Skocpol, Theda (2009). *Vision and method in historical sociology*. Translated to Persian by Hashem Aghajari. Tehran: nashr-e-markaz. (in Persian).
- Takhshid, Mohammad Reza (1998). Reforms and modernization policies of Reza Shah and its impact on the power and influence of clerics. *Journal of law and political science*, Tehran University. Volume 40, Serial number 1050, Summer 1998, pp.93-117. (in Persian).
- Teah, M. and Lwin, M. and Cheah (2014), Moderating Role of Religious Beliefs on Attitudes towards Charities and Motivation to Donate. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*. 26 (5): pp. 738-760.
- The country's fifth urban development plan (revised) 1973-1977, first part: economic and social generalities, approved by the parliament program committee and the senate program committee dated 1975/3/15. (in Persian). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97267>
- Uwe, Flick (2008). *An introduction to qualitative research*. Translated to Persian by Hadi Jalili. Tehran: Nashre-Ney. (in Persian).
- Weber, max (2006). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. Translated to Persian by Abdul Karim Rashidian and Parisa Manouchehri. Tehran: Scientific and cultural publishing company. (in Persian).
- Wiepking, Pamela (2008), *For the Love of Mankind: A Sociological Study on Charitable Giving*. ISBN: 978-90-77383-07-0.
- Document No. 137797/31(Sākmāq); Organization of Libraries, Museums and document center of Aṣṭān Quds Razavi





Imam Reza (A.S.) International  
Foundation for Culture and Arts



## Examining the Thematic Diversity of Hadiths Transmitted from Imam Reza (A.S.) on Imamate in Relation to the Historical Context of His Era

Zeinab Omidian<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Shiite History, Faculty of Theology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran: [z.omidiyan@hsu.ac.ir](mailto:z.omidiyan@hsu.ac.ir)

### Article Info

### Abstract

#### Article Type:

Research Article

#### Article History:

#### Received:

July 15, 2023

#### In Revised Form:

August 20, 2023

#### Accepted:

September 25, 2023

#### Published Online:

December 21, 2024

#### Keywords

A significant portion of Imam Reza's (a) hadiths is dedicated to the subject of Imamate. Thus, examining these hadiths from various perspectives is of considerable importance. This article aims, using a historical approach, to identify the components of Imamate from the Imam's viewpoint and to understand their connection to the historical context of his time. Accordingly, the research question here is: what meaningful relationship exists between the historical context contemporary with Imam Ali ibn Musa (a) and the thematic diversity of the hadiths on Imamate attributed to him?

Based on the political and cultural atmosphere of the late 2nd and early 3rd centuries AH, it is evident that issues of leadership and Imamate in the Islamic community were still among the most contentious challenges among Islamic sects and denominations. Consequently, the numerous hadiths of Imam Reza (a) on the topic of Imamate are directly related to the crises and challenges of his time, including issues of caliphate and elective leadership, the permissibility of appointing a lesser figure over a more qualified one, the prioritization of caliphs, intra-Shi'a sects, and extremist factions. Among the Imam's most significant actions to address these doubts and challenges was establishing the legitimacy of the Imamate of Ahl al-Bayt (a) by focusing on the components of divine appointment and the elevated status of the Imams, the virtues and superiority of Imam Ali (a), knowledge and infallibility, divine authority, and the obligatory obedience to the Imam. Each of these components clearly reflects Imam Ali ibn Musa's (a) views on the differences, weaknesses, and errors in the perspectives of contemporary sects.

Imam Reza (A.S.), Imamate, Islamic sects and denominations, Caliphate, Hadiths.

Cite this The Author (s): Omidian, Z. (2024). Examining the Thematic Diversity of Hadiths Transmitted from Imam Reza (a) on Imamate in Relation to the Historical Context of His Era : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (133- 164)-

[DOI:10.22034/farzv.2023.407187.1894](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.407187.1894)



Publisher: [University of Tehran Press](http://www.ut.ac.ir)

## Introduction

It appears that the most significant dispute within the Islamic community, emerging after the passing of the Prophet Muhammad (s) and persisting to this day, is the issue of succession. Consequently, Imamate and leadership became a crucial and central topic in Islamic thought, driving political differences among Muslims and distinguishing various Islamic sects and schools. Due to this importance, all religious leaders and scholars in Islamic sciences have expressed views on Imamate, forming a vast oral and written legacy in the Islamic world. Among this wealth, many hadiths on Imamate are attributed to Imam Reza (a). These hadiths have held such significance that prominent Shiite scholars, such as Kulayni, Ibn Babawayh, Fayz Kashani, al-Hurr al-Amili, and al-Khoei, have relied primarily on these narrations to clarify Imamate, outlining the responsibilities and attributes of the Imam. Even contemporary thinkers, like Ali Korani, have referenced Imam Reza's (a) hadiths to elucidate Imamate. These scholars' reliance solely on explaining Imam Reza's (a) narrations to define Imamate, without resorting to other definitions, indicates their view of Imam Reza's (a) explanation as complete; their core description of Imamate aligns with Imam Reza's (a) portrayal of it and its significance. Given the extensive volume and lasting importance of these hadiths, a question arises regarding the meaningful connection between the historical context of Imam Ali ibn Musa's (a) era and the thematic diversity of his narrations on Imamate.

It is evident that each of the Infallible Imams (a) lived under distinct political, economic, and cultural circumstances. Understanding the different aspects of the Imams' lives and their teachings in relation to their contemporary contexts enables a more concrete understanding of their words and actions, and better serves as a model for emulation. Additionally, this knowledge provides insight into some of the fundamental and overarching concepts of Shiite political thought present in their narrations. Although valuable research has been conducted on the context behind the words and actions of Imam Ali (a) and Imams Hasan (a) and Husayn (a), a comprehensive examination of the other Imams from this perspective remains lacking. Regarding Imam Reza (a), although there is some research on the alignment of his actions with the political conditions of his time—particularly concerning issues of the succession and Alids uprisings—these studies often overlook the cultural background of his era. In other words, Imam Reza's (a) era as a whole, including his responses, particularly regarding Imamate, has yet to be fully explored, nor has the relationship between the vast number of his hadiths on Imamate and the culture of his time received adequate scholarly attention. This gap highlights the necessity of further research in this area, marking the innovation of this study.

## Research Methodology

This study adopts a historical research method, as part of the statements of the Infallibles (a) were responses to the events and conditions of their time, which require analysis and understanding. In the historical method—one of the most commonly used in historical research—the objective is to uncover the relationship between spoken word, action, and written texts and the political, social, and cultural conditions of each period. This article, therefore, employs this method to examine the connection between the hadiths of Imam Reza (a) on Imamate and his contemporary historical conditions, with a particular focus on the cultural and religious landscape of the late 2nd and early 3rd centuries AH. The author believes that this historical perspective has inspired methods such as discourse analysis, content analysis, and semantic exploration within other fields of humanities research, where these analytical approaches are applied.

## Findings and Results

The analysis of Imam Reza's (a) narrations on the teachings of Imamate reveals that his primary objective was to assert and defend the legitimacy of the Twelve Imams, aiming to correct the varying beliefs and shifts within his contemporary society. To achieve this goal, Imam Reza (AS) based his arguments on the Qur'an, the Prophet's (s) hadiths, and rational evidence. His discourse was organized around several thematic streams, demonstrating his commitment to resolving doubts and addressing the intellectual challenges of his time.

At the end of the 2nd century and the beginning of the 3rd century AH, leadership and Imamate were still among the most contentious issues for Islamic sects and denominations. During this time, many of Imam Reza's (a) hadiths on Imamate emphasized divine appointment and the superiority of Imam Ali (a), clearly rejecting the notion of the superiority of the first three caliphs. These hadiths of Imam Reza (a) were transmitted in response to the Sunni and Mutazilite view of elective leadership, the Khawarij and some Zaydis' acceptance of a lesser figure's rule despite the presence of a superior one.

At this time, many traditionalists, similar to some Khawarij and Zaydi leaders, did not consider the Imam's duty to include spiritual guidance for the people; thus, they removed attributes such as divine appointment, knowledge, and infallibility from the Imamate, or added the condition of military leadership. Similarly, the followers of the Fathiyya sect disregarded the need for knowledge in the Imam. In response to these views, Imam Ali ibn Musa (a) promoted the belief in guiding the community, knowledge, and infallibility as essential characteristics

of the Imam. While leaders among Sunnis and non-Imami Shiite sects deemed their rightful leaders as the Rashidun caliphs, the Fatimids as military leaders, Abdallah al-Aftah, Ismail and his descendants, or even Musa ibn Ja'far (AS) as the Mahdi, Imam Reza (a) countered these claims by recounting narrations from his forefathers about divine appointment, the number of Imams, their clear lineage, and the attributes of the Qa'im. Addressing certain Shiites who objected to his acceptance of the political position of crown prince or the extremist groups who discredited Shiism with their permissive practices and claimed affiliation with the Imams, Imam Reza (a) emphasized the obligatory obedience to the Imam in adhering to the core principles of Shariah. In this manner, Imam Reza (a) addressed the doubts surrounding Imamate and its attributes during his time and previous eras, and through these intellectual endeavors, he resolved many of the prevailing ideological conflicts of his time.



## بررسی نسبت تنوع موضوعی احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در باب امامت با فضای تاریخی هم‌عصر ایشان

زینب امیدیان<sup>۱</sup>

z.omidiyan@hsu.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت:	تعداد قابل توجهی از احادیث امام رضا (علیه السلام) به مبحث امامت اختصاص دارد. از این رو، مطالعه این احادیث از زاویه‌های مختلف حائز اهمیت فراوان است. این مقاله می‌کوشد با استفاده از روش تاریخی، ضمن شناخت مؤلفه‌های امامت در نگاه امام (علیه السلام)، پیوند آن‌ها را با فضای تاریخی معاصر ایشان دریابد. بر این اساس، پرسش این پژوهش آن است که چه نوع ارتباط معناداری میان فضای تاریخی هم‌عصر امام علی بن موسی (علیه السلام) با تنوع موضوعی احادیث امامت منقول از ایشان وجود دارد؟
تاریخ پذیرش:	بر پایه فضای سیاسی و فرهنگی انتهای سده دوم و ابتدای سده سوم هجری مشخص شد که در این دوره، همچنان مسئله رهبری و امامت جامعه اسلامی چالش برانگیزترین مشکل فرق و مذاهب اسلامی بوده است. از این رو، احادیث فراوان امام رضا (علیه السلام) درباره مسئله امامت در ارتباط مستقیم با بحران‌ها و چالش‌های زمانه ایشان چون خلافت و امامت انتخابی، عقیده جایز بودن خلافت مفضول با وجود افضل، تفضیل خلفا، فرقه‌های درون شیعی و غلات است.
تاریخ انتشار:	از مهم‌ترین اقدامات امام (علیه السلام) برای پاسخ به این شبهات و حمله‌ها، تثبیت حقانیت امامت اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه تمرکز بر مؤلفه‌های نص امامت و جایگاه الهی ائمه (علیهم السلام)، فضایل و افضلیت امام علی (علیه السلام)، علم و عصمت، حجت الهی و مفترض الطاعه بودن امام بوده است. هر کدام از این مؤلفه‌ها به روشنی نظرات حضرت علی بن موسی (علیه السلام) در خصوص تفاوت‌ها، نقاط ضعف و اشتباه دیدگاه‌های فرق معاصر ایشان را بازتاب می‌دهد.
کلیدواژه‌ها	امام رضا (علیه السلام)، امامت، فرق و مذاهب اسلامی، خلافت، روایات.

استناد: امیدیان، زینب (۱۴۰۳). بررسی نسبت تنوع موضوعی احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در باب امامت با فضای تاریخی هم‌عصر ایشان: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۱۳۳-۱۶۴).

DOI:10.22034/farzv.2023.407187.1894



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

به نظر می‌رسد مهم‌ترین اختلافی که پس از رحلت حضرت رسول ﷺ در جامعه اسلامی آغاز شد و تا امروز هم ادامه یافته، مسئله جانشینی پیامبر ﷺ است؛ بنابراین، مسئله امامت و رهبری در بینش اسلامی، مسئله کلیدی و مهمی شد و سبب اختلاف سیاسی میان مسلمانان و عامل وجه تمایز فرق و مذاهب اسلامی شد. به سبب همین اهمیت، تمامی پیشوایان دینی مذاهب و اندیشمندان علوم دینی دیدگاه‌هایی درباره امامت و پیشوایی ذکر کرده‌اند که میراث شفاهی و مکتوب عظیمی را در جهان اسلام پدید آورده است. در این میان، احادیث فراوانی با موضوع امامت منتسب به امام رضا (علیه السلام) است. اهمیت این احادیث تا بدان جاست که در طی قرون متمادی تکیه اصلی عالمان مشهور شیعه همچون کلینی (م ۳۲۹)، ابن بابویه (م ۳۸۱)، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)، حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) و خوئی (م ۱۳۲۴ ق) برای تبیین امامت، بیان وظایف و ویژگی‌های امام، روایات این معصوم (علیه السلام) است. حتی برخی از اندیشمندان معاصر چون علی کورانی نیز برای تبیین امامت به همین احادیث امام رضا (علیه السلام) توسل جسته‌اند (ن.ک: چگینی و چگینی، ۱۳۹۵: ۹۹-۱۰۰). اکتفای این دانشمندان به بیان و شرح بخش‌های مختلف روایات این امام (علیه السلام) در جهت تبیین امامت و استفاده نکردن از تعاریف دیگر، حاکی از کامل دانستن تعریف امام رضا (علیه السلام) نزد آنان دارد؛ به طوری که شاکله اصلی توصیف آنان از امامت همان توضیح امام رضا (علیه السلام) از امامت و جایگاه آن است. با عنایت به حجم وسیع و اهمیت ماندگار این احادیث، مسئله‌ای به ذهن متبادر می‌شود که چه نوع ارتباط معناداری میان فضای تاریخی هم‌عصر امام علی بن موسی (علیه السلام) با تنوع موضوعی احادیث امامت منقول از این معصوم (علیه السلام) وجود دارد؟

### ۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

واضح است که هر یک از معصومین (علیهم السلام) در اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی زیست کرده‌اند. شناخت ابعاد مختلف سیره ائمه (علیهم السلام) و گفتار آنان در ارتباط با زیست جهان معاصر ایشان، سبب الگوبرداری بهتر و درک انضمامی تری از کلام و عمل آن‌ها می‌شود. همچنان که به شناخت بخشی از مفاهیم بنیادین و کلان اندیشه سیاسی شیعه در روایات آن‌ها می‌انجامد. با این مقدمه، توجه به این نکته حائز اهمیت است که با وجود آنکه تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی درباره چرایی رفتاری و کلام امیرالمومنین (علیه السلام) و حسنین (علیهم السلام) در بستر تاریخی معاصر ایشان صورت گرفته؛ هنوز خلأ جدی در تحقیقات همه جانبه از این منظر درباره دیگر ائمه (علیهم السلام) احساس

می‌شود. درباره حضرت رضا (علیه السلام) هم هر چند، تحقیقاتی در زمینه ارتباط نحوه عمل حضرت با شرایط سیاسی زمانه ایشان به‌ویژه درباره مسائل سیاسی ولایت‌عهدی و قیام‌های علویان انتشار یافته؛ اما در این تحقیقات از توجه به بافت فرهنگی زمانه امام رضا (علیه السلام) غفلت شده است. به عبارت دیگر، هنوز زمانه ایشان به‌عنوان یک کل که در مواقع مختلف واکنش‌های تبیینی و روشنگرانه امام به‌ویژه در مبحث امامت را به دنبال داشته، بررسی نشده و مقوله ارتباط حجم وسیع احادیث امامت این پیشوای شیعی با فرهنگی زمانه ایشان مورد توجه محققان واقع نشده است؛ موضوعی که ضرورت پژوهش در این زمینه را دوچندان کرده و نوآوری این پژوهش است.

شایان ذکر است این پژوهش، مبتنی بر روش تاریخی انجام گرفته است؛ چراکه بخشی از کلام معصومان (علیهم السلام) در پاسخ به شرایط و حوادث زمانه ایشان بوده و ضرورت دارد آن شرایط شناسایی و فهم شود. در روش تاریخی که یکی از روش‌های پرکاربرد در پژوهش‌های تاریخی است تلاش می‌شود رابطه و نسبت میان گفتار، عمل و متن تولیدشده با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر دوره کشف شود. مبتنی بر این روش، در مقاله حاضر کوشش شده رابطه احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در باب امامت با شرایط تاریخی معاصر ایشان، به‌ویژه شرایط فرهنگی و مذهبی در پایان سده دوم و اوایل سده سوم هجری شناسایی شود.<sup>۱</sup>

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌های فراوانی که درباره امام رضا (علیه السلام) نوشته شده است، برخی پژوهشگران با توجه به تخصص خود به بررسی احادیث امامت امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند؛ اما هیچ یک از این تحقیقات به ارتباط احادیث امامت امام رضا (علیه السلام) با زمانه ایشان توجه نکرده‌اند. از آن جمله می‌توان به مقاله خانی‌مقدم و زاهدی (۱۳۹۵) اشاره کرد که در این پژوهش به بررسی ارکان آموزه امامت در روایات امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند. همچنین بشیر (۱۳۹۸) در مقاله خود تنها به بررسی خطبه امام رضا (علیه السلام) درباره امامت با روش تحلیل گفتمان پرداخته و با توجه به مسئله و پرسش اصلی خود سایر روایات امام (علیه السلام) را بررسی نکرده است. فتاحی‌زاده و احدیان (۱۳۹۷) نیز در مقاله خود به مقایسه روایات امام رضا (علیه السلام) درباره ویژگی‌های امامت در دو کتاب الحجّه و بصائر الدرجات پرداخته‌اند.

با مقایسه نمونه‌های بیان شده با پرسش طرح شده برای این پژوهش می‌توان دریافت که

۱. نگارنده معتقد است که از درون این نگاه تاریخی و با الهام از آن است که روش‌هایی همانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا و حتی معناکاوی در سایر رشته‌های علوم انسانی شکل گرفته است و در تحلیل‌ها استفاده می‌شود (برای آگاهی بیشتر ن.ک: ساسانی، ۱۳۸۹؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۲؛ سلطانی، ۱۳۸۴).

مسئله، پرسش و رویکرد این پژوهش‌ها با تحقیق نگارنده متفاوت بوده و در نهایت تحقیقاتی جزیره‌ای در بررسی ارتباط متن و زمانه بوده‌اند. در واقع، هیچ یک از این محققان به جریان‌ها و چالش‌هایی که امام با آن روبه‌رو بودند توجه نکرده و تحلیل احادیث امامت را با توجه به ارتباط آن‌ها با زمانه امام رضا (علیه السلام) انجام نداده‌اند. این نکته نیز ضرورت پرداختن به پژوهش حاضر و ابعاد نوآورانه آن را روشن می‌سازد.

بر مبنای روش این تحقیق، ابتدا شرایط سیاسی و فرهنگی معاصر حضرت علی بن موسی (علیه السلام) مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که موضوع این پژوهش به امامت اختصاص دارد، مسائل سیاسی و فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که با موضوع امامت و رهبری در ارتباط باشد. سپس تلاش می‌شود مؤلفه‌های امامت در کلام حضرت رضا (علیه السلام) استخراج شود تا شناخت و درک بهتری از نحوه ارتباط سخنان امام (علیه السلام) با شرایط تاریخی به دست آید.

## ۲. شرایط سیاسی و فرهنگی دوره امامت امام رضا (علیه السلام)

برای فهم معنای مستتر در احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در باب امامت، نخست باید زمانه امام (علیه السلام) را شناخت؛ بنابراین در ادامه، نخست اوضاع سیاسی معاصر امام رضا (علیه السلام) در ارتباط با پیشوایی جامعه توضیح داده می‌شود. سپس، نمایی از دیدگاه‌های نظری درباره امامت که در بستر فرهنگی آن دوره تاریخی وجود داشت، ارائه می‌شود.

### ۲-۱. اوضاع سیاسی

انقلاب عباسی که با استفاده از محبوبیت اهل بیت (علیهم السلام) و علویان، پشتوانه نظری و سیاسی شیعه و حمایت نظامی ایرانیان به ثمر رسید، خیلی زود در پی کسب مشروعیت از طریق مختلف برآمد. سرکوبی قیام‌های زنداقه چون استاذسیس و قتل عام آن‌ها، یکی از عواملی بود که سبب نزدیکی محدثان و فقها به عباسیان و تأیید آن‌ها به عنوان خلیفه در انجام وظیفه، حفظ کیان سنت اسلام و سرکوبی بدعت و بدکیشی در اسلام شد (ن.ک: معارف و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۲-۳۳). از آنجا که خلفای عباسی تخصصی در علم دین نداشته، کوشش وافر کردند که با نزدیک شدن و حمایت از فقها و محدثان مبنای مشروعیت دینی خود را ایجاد و تقویت کنند؛ اما سیاست آن‌ها در نزدیکی به نخبگان فرق و مذاهب، سیاست یکسان و پیوسته‌ای نبود، چنان‌که از ابتدای تأسیس تا دوره متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷ ق.) به مذاهب فقهی و کلامی مالکی، حنفی، شیعه و بعدها معتزله و

حنبل‌ی نزدیک شدند (همان: ۳۳-۳۶). در راستای این هدف، جریان واگذاری ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) توسط مأمون رخ داد که یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ امامت نیز به‌شمار می‌رود.

۱۵ سال از دوره امامت امام رضا (علیه السلام) (امامت: ۱۸۳-۲۰۳ ق.) با حکومت دو خلیفه عباسی هارون (حک: ۱۷۰-۱۹۳ ق) و امین (حک: ۱۹۳-۱۹۸ ق) و پنج سال از آن با خلافت مأمون (حک: ۱۹۸-۲۱۸ ق) هم‌زمان بود. سرگرمی هارون الرشید به جنگ‌های خارجی و داخلی و پنج سال اختلاف جانشینی امین و مأمون فرصت مناسبی برای ترویج و تحکیم عقاید شیعی برای پیشوای هشتم شیعیان فراهم کرد. انتخاب حضرت به‌عنوان نامزد ولایت‌عهدی از میان مدعیان امامت در علویان، جایگاه و موفقیت ایشان را در ۱۷ سال گذشته تأیید می‌کرد. مأمون در سال‌های نخستین خلافت خود با مسائلی همچون نارضایتی عنصر عرب از انتقال پایتخت به مرو و واگذاری امور مهم به ایرانیان (جهشیاری، ۱۴۳۰ ق: ۴۲۸-۴۲۹)، شورش نصرین شیبث (ابن‌اثریر، ۱۳۸۵ ق، ج: ۶: ۳۰۸) و شورش‌های علویان به‌ویژه زیدیه (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۳۱۰-۳۱۱) مواجه شد. با این حال واکنش اولیه او برای سامان دادن به این اوضاع آشفته، طرح مسئله ولایت‌عهدی امام بود.

سرانجام سال ۲۰۱ ق. امام رضا (علیه السلام) به اجبار ولایت‌عهدی را پذیرفتند. این پذیرش در بین طبقات اجتماعی بازتاب‌های مختلفی داشت. گروهی از عباسیان از ترس فروپاشی خلافت عباسی به مخالفت برخاستند. عده‌ای از شیعیان و خوارج و صوفیان ولایت‌عهدی را برنتافته و به‌شبهه افکنی درباره مشروعیت این موضوع در میان مردم پرداختند. امام رضا (علیه السلام) به این شبهات پاسخ دادند که اساس حکومت و خلافت از وظایف امام و خلافت عباسی است که ایشان را از حکومت و خلافت دور کرده‌اند و مأمون جز بازگرداندن حقی که از خاندان پیامبر غصب شده بود، کاری نکرده است (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۸-۶۹؛ ۱۳۸۵، ج: ۱: ۲۳۷-۲۳۸؛ رضوی، ۱۳۸۵: ۳۵-۴۶). نکته مهم درباره طرح ولایت‌عهدی این است که این مسئله علاوه بر اینکه انتقال خلافت به امام معصوم را به دنبال داشت، توجه به مبحث امامت و ویژگی‌های آن را در جامعه آن روز ضروری می‌ساخت.

## ۲-۲. اوضاع فرهنگی و مذهبی

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که در سده دوم و اوایل سده سوم هجری، دیدگاه‌های مهم و چالش‌برانگیزی درباره موضوع امامت و خلافت میان اصحاب فریق و مذاهب اسلامی مطرح بوده است. از این‌رو، موضوع خلافت به مهم‌ترین مشکل فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام تبدیل

شد. هر چند شکل‌گیری گروه‌های شیعی، سنی، معتزله، خوارج و غالیان به سده نخست هجری بازمی‌گشت، در این برهه، علاوه بر انشعاب، جرح و تعدیل‌هایی در برخی باورهای فرق به وقوع پیوست. یک عامل اصلی این انشعاب و اختلاف‌ها در کنار سودجویی، اختلاف بر سر تعریف و تعیین شاخصه‌های امام و جایگاه خلفای نخستین بود. در ادامه، دیدگاه‌های هر یک از این فرق درباره رهبری و امامت در نیمه دوم سده دوم و آغاز قرن سوم هجری توضیح داده می‌شود تا بتوان به‌درک بهتری از مؤلفه‌های امامت در کلام حضرت علی بن موسی (علیه السلام) رسید.

## ۲-۱. اهل سنت و خوارج

در این زمان، گروه‌های مختلفی همچون اصحاب حدیث، عثمانیه، مرجئه وجود داشتند که بیشتر آنان در نیمه قرن ۳ ق. پس از احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) در ذیل اهل سنت و جماعت به صورت یک فرقه مشخص شناخته شدند. اکثریت اهل سنت و نیز خوارج در مقابل باور شیعه مبنی بر انتصابی بودن امامت، اعتقاد داشتند که خلافت امری انتخابی است که از طریق اجماع و شورا محقق می‌شود و نصی از جانب حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بر تعیین امام انجام نگرفته است. این نظریه در سده دوم و سوم هجری در میان محدثان رونق داشت (ن. ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ ق، ج ۳: ۲-۳؛ ابوعونه، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۴۷۵؛ برای توضیحات بیشتر ن. ک: صداقت ثمر حسینی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۹). طرح برخی از پرسش‌ها از امام رضا (علیه السلام) حاکی از این تقابل عقیدتی و سیاسی است.

اعتقادات گروه‌های جماعت و سنت در طول زمان تغییراتی به‌ویژه در زمینه بحث پذیرش خلفای نخستین و افضلیت آنان داشت. عثمانیه در تطور معنایی خود، در پایان قرن یکم، به‌عنوان جزئی از دیدگاه پذیرفته‌شده اصحاب حدیث قرار گرفت. آن‌ها خلفای راشدین را به ابوبکر، عمر و عثمان منحصر کردند و خلافت امام علی (علیه السلام) را به‌عنوان خلیفه راشد و الگورد کردند. همچنین فقط به خلفای گذشته توجه کردند و به خلفای معاصرشان کاری نداشتند. پیام آن‌ها این بود که وظیفه هدایت امت اسلام به‌وسیله پیشوایی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خلفای راشدین با قتل عثمان به پایان رسید. پس از آن، خلفای جامعه اسلامی فقط در رأس حکومت بوده‌اند. از این رو، حفظ وحدت و جماعت امت رسول الله (صلی الله علیه و آله) باید مهم‌تر از تضمین صداقت اخلاقی حاکم اسلام باشد. وظیفه حاکم حفظ وحدت و حمایت از شریعت و معارف دینی بود که در جامعه گسترش یافته بود (کرون، ۱۳۸۴: ۲۲۷-۲۳۰). این دیدگاه در سده دوم و ابتدای سوم در بین محققان زیادی از اهل حدیث و اخباری همچون مالک بن انس (م ۱۷۹ ق)، سفیان ثوری (م ۱۶۹ ق)، سیف بن عمر (م ۱۸۰ ق) پذیرفته شد تا جایی که احتمالاً اسماعیل بن داود جوزی، از شاگردان مالک بن انس این اعتقاد را در بغداد منتشر کرد (کرون، ۱۳۸۴: ۲۲۹). اصحاب حدیث تندرو (حشویه نابتیه) دل‌باخته معاویه و یزید بودند

و خلافت علی (علیه السلام) را به‌عنوان خلیفه برحق نپذیرفتند (کرون، ۱۳۸۴: ۲۳۰). برخی حدیث‌گرایان عثمانی مذهب همچون نوح بن ابی مریم (م ۱۷۳ ق) و ابن مبارک (م ۱۸۱ ق) به تدریج موضع خود را تغییر دادند و نظریه چهار خلیفه (تربیع) را پذیرفتند. این نظریه تا اواسط سده ۳ ق. در عراق فراگیر شد (ن. ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۷۷، ۱۰۵ و ج ۱۳: ۲۷۱ و ج ۱۴: ۳۳۴). احتمال دارد نتایج کوشش مستمر ائمه شیعه به‌ویژه امام رضا (علیه السلام) و شیعیان آن‌ها در زمینه تفصیل ویژگی‌های جانشین نبی (صلی الله علیه و آله) و افضلیت امام علی (علیه السلام) در این تغییر رویه مؤثر بوده است؛ امری که نیازمند تحقیق مستقل دیگری است.

بحث ترتیب افضلیت خلفای راشدین از مباحث چالش‌برانگیز باقی ماند. فرض فرقی چون اهل سنت، خوارج و معتزله این بود که خلیفه باید افضل زمان باشد اما برخی از آن‌ها معتقد بودند خلافت مفضول، بلامانع است (برای اندیشه اباضیه و معتزله نخستین ن. ک: ولوی، ۱۴۰۰: ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۸۸، ۳۹۷؛ کرون، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۲۲ و ۱۲۷-۱۳۲). در نزد اهل حدیث عثمانی مذهب ترتیب برتری خلفا عبارت از ابوبکر، عمر و عثمان بود (کرون، ۱۳۸۴: ۲۳۰). بعضی دیگر از اهل سنت بر این باور بودند که امام علی (علیه السلام) پس از ابوبکر، عمر و عثمان افضل است (ن. ک: اشعری، ۱۴۲۶ ق، ج ۱: ۳۴۱؛ ابن جعد، ۱۴۱۰ ق: ۳۱۱؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق، ج ۶: ۳۵۱). به تدریج، برخی عثمانی‌ها با مرجئه هم‌رأی شدند که افضلیت خلفا با ترتیب جانشینی آنان یکسان است. بعضی نیز در مقابل شیعه، از افضلیت ابوبکر دفاع می‌کردند. در حالی که گروهی از زیدیه و معتزله از افضلیت ابوبکر و عمر بر خلیفه چهارم و سوم دفاع کردند، امامت فرد مفضول را هم پذیرفتند (کرون، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۱).

در بین این بحث‌ها، در میانه قرن ۳ ق. عباسیان به‌شدت به دنبال مشروعیت‌سازی از طرق مختلف بودند. آنان برای ارتقای جایگاه شایسته خاندان عباسی به‌عنوان اهل بیت (علیهم السلام) در کنار دیگر خویشان نبی (صلی الله علیه و آله) به حمایت از سیره‌نویسانی همچون ابن هشام (م ۲۱۳ ق) و عبدالرزاق (م ۲۱۱ ق) پرداختند (معارف و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۵-۳۶)؛ همچنان که به پشتیبانی از اهل سنت و جماعت نیز پرداختند؛ چنان که گفته شد بنا بر عقیده این جماعت، لزوم حفظ وحدت امت، پرهیز از سخن درباره اختلاف صحابه و ممنوعیت کوشش برای حکومت صالح که سبب ترک خوردن وحدت شود، مورد تأکید بود. عباسیان متأثر از این گروه، در اواسط قرن ۲ ق. فقط مشروعیت ابوبکر و عمر را پذیرفتند. از اوایل ۳ ق. به‌ویژه پس از ظهور احمد بن حنبل، به دنبال تحولات فکری جهان اسلام و نیاز خلافت وقت به حکومت یکپارچه و مشروع، عباسیان مشروعیت خلیفه سوم و امامت فرد مفضول را نیز تأیید کردند (کرون، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۱)؛ امری که به تحکیم پایه‌های مشروعیت آنان یاری می‌رساند. در مواجهه با این فضا، امام رضا (علیه السلام) به مسئله امامت

اهمیت دادند و به اصلاح باورها در این زمینه پرداختند.

## ۲-۲-۲. جریان فرقه‌های درون شیعی

از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر امامت امام رضا (علیه السلام)، برخورد و مقابله شدید برخی از فرقه‌ها و جریان‌های درون شیعی با امام (علیه السلام) بود؛ چنان‌که شیخ طوسی از یقینینی نقل کرده است که «وقتی مردم درباره امامت حضرت رضا (علیه السلام) اختلاف کردند، من ۱۵ هزار مسئله از مسائلی را که از آن حضرت سوال شده بود و ایشان پاسخ داده بودند جمع کردم» (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۷۳). مسئله‌ای که اهمیت این ویژگی را دو چندان می‌کرد این بود که رهبران بعضی از این جریان‌ها، مورد اطمینان‌ترین افراد و وکلای امام پیشین یعنی امام موسی کاظم (علیه السلام) بودند. از نظر علمی نیز برخی از آن‌ها جزو عالمان و راویان شاخص و برجسته محسوب می‌شدند؛ البته طبیعی به نظر می‌رسید که امام رضا (علیه السلام) در مواجهه و مقابله با این جریان‌ها و فرقه‌ها که تهدیدی برای هستی و وجود سلسله‌وار امامت به‌شمار می‌رفت، ایستادگی و تلاش خود را صرف هدایت و محکوم کردن باورهای رو به گسترش آنان کند؛ چراکه به دلیل جایگاه رهبران آن‌ها و نیز استفاده از شیوه مناظره و استدلال آوردن ممکن بود اشخاص بسیاری تحت تأثیر قرار گرفته، انسجام شیعیان از بین رفته و ضربات جبران‌ناپذیری متحمل شوند (صفری‌فروشان، ۱۳۸۸ الف: ۵۹-۶۰). در یک گونه‌شناسی، این جریان‌ها درون شیعی را می‌توان در گروه‌هایی با عناوین اسماعیلیه، زیدیه، فطحیه و واقفیه طبقه‌بندی کرد. در این میان فرقه اسماعیلیه با توجه به فعالیت زیرزمینی خود، هیچ ارتباطی با امام رضا (علیه السلام) و شیعیان امامیه نداشتند (ن. ک: همان: ۱۳۸۸ ب: ۴). پس در ادامه سه فرقه دیگر بررسی می‌شود:

### ۲-۲-۲-۱. زیدیه

زیدیه درباره امامت باورهایی داشتند که در تقابل با اعتقادات امامیه بود. از جمله این باورها جایز بودن امامت مفضول با وجود افضل و مشروع دانستن خلافت شیخین است (ن. ک: ولوی، ۱۴۰۰: ۱۴۰-۱۴۳). نظریه امامت زیدیه مبتنی بر امامت انتخابی است. نص را فقط درباره امامت امام علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) باور داشتند. همچنین این فرقه شیعی، شرع، دعوت، قیام به سیف، «اصل شورا» و «اجماع اهل حل و عقد» را راه تعیین و شناخت امامان پس از امام حسین (علیه السلام) می‌دانستند. وظیفه امام را حفظ مصالح مردم، اجرای حدود و جهاد با ظالمین می‌دانستند. در نگاه زیدیان، هدایت مردم به سوی خدا در ذیل وظایف امام نبود؛ بنابراین جایگاه خاص قدسی برای امام قائل نبودند و صفاتی مثل عصمت، علم غیب و علم لدنی را برای امام قبول نداشتند (ن. ک: کرو، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۹۵؛ سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۱۹-۲۴۶).

زیدیه به خاطر وجوب قیام بالسیف در هر شرایطی، به محض فراهم شدن کوچک‌ترین شرایط به قیام نظامی علیه حکومت عباسی اقدام می‌کردند (ن.ک: ولوی، ۱۴۰۰: ۱۴۰-۱۴۳). به همین دلیل فعالیت‌های نظامی این فرقه که در سده دوم انشعابات داشت (ن.ک: همان: ۱۴۴-۱۵۹)، به‌ویژه در دوره خلافت مامون نیز ادامه یافت. قیام محمد بن ابراهیم بن اسماعیل (۱۷۳-۱۹۹) معروف به ابن طباطبا در سال ۱۹۹ ق. و محمد دیباج در سال ۲۰۰ ق. از جمله این قیام‌هاست که همگی آن‌ها به شکست انجامید. شایان ذکر است که امام رضا (علیه السلام) عموی محمد دیباج را با پیش‌بینی ناکامی و شکست، از این اقدام بر حذر داشته بود و روش او را مخالف روش پدرش امام صادق (علیه السلام) و برادرش امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌دانستند. همچنین برادرش زیدالنار را به دلیل افکارش و نحوه عملکردش در ضمن همکاری با قیام ابوالسرایا و پس از آن به شدت مورد سرزنش قرار دادند و حتی سوگند یاد کردند که با او تا زنده است هرگز هم صحبت نشوند. در واقع امام رضا (علیه السلام) همچون پدران‌شان این قیام‌های عجولانه را قبول نداشتند؛ چراکه به دلیل فراهم نبودن شرایط مناسب، سبب شکست و از دست رفتن صحابه و اموال شیعیان می‌شدند؛ اما این عکس‌العمل امام رضا (علیه السلام) با برخوردهای نامناسب قیام‌کنندگان روبه‌رو شد (برای مطالعه بیشتر ن.ک: صفری‌فروشانی، ۱۳۸۸ الف: ۵۷-۷۳؛ صفری‌فروشانی و بختیاری، ۱۳۹۱ ب: ۸۳-۱۱۲). این تقابل باورهای زیدیه و امامیه در بخشی از احادیث امام رضا (علیه السلام) قابل مشاهده است.

## ۲-۲-۲. فطحیه

فرقه فطحیه، گروهی بودند که پس از شهادت امام صادق (علیه السلام) (۱۴۸ ق.)، امامت عبدالله افطح فرزند امام صادق (علیه السلام) را پذیرفتند. دلیل عده‌ای از آنان این بود که امامت به پسر بزرگ‌تر امام قبلی می‌رسد. بنا بر استدلال دیگر آنان، امام را غیر از امام غسل نداده و دفن نمی‌کند، از آنجا که تمام این کارها را عبدالله برای جنازه مطهر امام صادق (علیه السلام) انجام داده، پس او امام است. فطحیه به امکان امامت دو برادر اعتقاد داشتند و می‌گفتند در صورتی که برادر بزرگ‌تر پسر نداشته باشد، امامت برادر کوچک‌تر جایز است. همین گروه پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام) امامت جعفر بن علی معروف به جعفر کذاب را بر پایه همین اعتقاد پذیرفتند. عده‌ای از بزرگان اصحاب امام صادق (علیه السلام) به امامت عبدالله ایمان آوردند (ن.ک: اشعری قمی، ۱۳۶۱: ۸۷، ۱۱۰؛ نوبختی، ۱۳۵۵: ۷۷-۷۸؛ ۸۵-۸۶؛ ۹۸-۹۹).

هرچند بعضی از شیعیان پس از آزمون عبدالله و عدم توانایی وی در پاسخ به سوالات و برخی دیگر هم پس از مرگ زود هنگام وی (هفتاد روز پس از شهادت امام صادق (علیه السلام)) از امامت وی روی گرداندند و امامت امام کاظم (علیه السلام) را پذیرفتند. با این وجود، ظاهراً عده‌ای از فطحیه پس از مرگ

عبدالله افطح مدعی شدند که امامت به فرزند وی به نام محمد منتقل شده و او قائم و مهدی است. این انشعاب جدید که در دوره امام رضا (علیه السلام) نیز فعالیت داشتند تا اواخر سده سوم دوام آوردند و دانشمندان شیعه ممتازی از میان آنها برخاسته اند (ن.ک: روحی، ۱۳۹۵: ۶۹-۸۷). با توجه به اختلافاتی که این گروه در زمینه امامت با امام رضا (علیه السلام) داشتند، می توان برخی از احادیث امام را پاسخی علیه آنان دانست.

### ۲-۲-۳. واقفیه

واقفیه گروهی بود که پس از شهادت امام موسی کاظم (علیه السلام) در سال ۱۸۳ ق. شکل گرفت. آنان بر این باور بودند که امام موسی کاظم (علیه السلام) زنده است و همان قائم است و نیز امامت امام رضا (علیه السلام) و دیگر امامان را انکار کردند (ن.ک: حسین زاده شانه چی، ۱۳۸۴: ۴۹-۷۸؛ صفری فروشانی و بختیاری، ۱۳۹۱ الف: ۷۹-۹۸؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۸ ب: ۳-۲۲)؛ بنابراین امام رضا (علیه السلام) به رد این شبهه پرداختند و تأکید کردند «واقفی کافر است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۶۶۸؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۱۴۵). بیشترین درگیری امام رضا (علیه السلام) با واقفیه بود. همچنین به مناسبت های مختلف بر وفات پدرش تأکید کردند و فرمودند که امام موسی کاظم (علیه السلام) از دنیا رفتند همان طور که حضرت رسول ﷺ از دنیا رفتند و من قرض پدرم را دادم و بردگانش را آزاد و اموالش تقسیم شد و همسرانش نیز ازدواج کردند (ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲: ۲۷۴-۲۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸: ۳۰۳-۳۰۴).

واقفیه از خطرناک ترین جریانات درون شیعی برای از بین بردن انسجام شیعه محسوب می شدند. می توان گفت یکی از مهم ترین مشغله های امام رضا (علیه السلام) مبارزه با عقاید و اندیشه های انحرافی این گروه بود تا کسانی را که فریب خورده و به این جریان پیوسته اند، هدایت کند و از پیوستن دیگر شیعیان به این جریان انحرافی جلوگیری کنند. چنان که بر اثر ارشادها و گفت و گوهای امام (علیه السلام) برخی از این گروه مانند عبدالله بن مغیره و حسن بن علی بن وشاء به امامت امام رضا (علیه السلام) ایمان آوردند (ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۷۲ و برای اطلاعات بیشتر ن.ک: صفری فروشانی، ۱۳۸۸ ب: ۳-۲۲). علاوه بر این مباحثه ها، روایت های فراوان برجای مانده از امام علی بن موسی (علیه السلام)، شاهی بر مقابله حضرت با این جریان درون شیعی است (ن.ک: ادامه مقاله).

### ۲-۲-۳. جریان غلو

بررسی گزارش های تاریخی نشان می دهد که با گذر زمان در میان کسانی که اعتقاد به

امامت اهل بیت علیهم السلام داشتند، انحرافات افراط‌گرایانه به وجود آمد. از جمله این انحرافات جریان غلو درباره ائمه علیهم السلام است. در قرن دوم با دو جریان غلو روبه‌رو می‌شویم؛ یکی الوهیت و دیگری مفوضه. پیروان الوهیت اعتقاد به الوهیت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام داشتند و تصور می‌کردند خداوند در کالبد پیامبر و امامان حلول کرده است. گروه بعدی یعنی مفوضه به تفویض امر آفرینش، تدبیر امور جهان و تفویض رزق و حساب بندگان به پیامبر و امامان باور داشتند. همچنین غالیان به نسخ شرایع و احکام توسط امامان اعتقاد داشتند که این موضوع سبب نشر و گسترش نوعی از اباحه‌گری در جامعه شد. از سوی دیگر، اندیشه غلو باعث شده بود که جنبه سیاسی مفهوم امامت تقلیل یابد و جنبه لاهوتی و ماورائی ائمه علیهم السلام برجسته شود. هر چند رواج این باورهای غلوآمیز در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود، ولی شواهد تاریخی حاکی از تداوم فعالیت این جریان در عصر امام رضا علیه السلام است. چنان‌که در این دوره غالیان یکی از مهم‌ترین مرحله‌های تطور خود را پشت سر گذاشته بودند و ترجیح می‌دادند به ترویج آموزه‌های عقاید رهبران پیشین خود مانند ابوالخطاب بپردازند. از جمله اقدامات امام علیه السلام در مواجهه علیه این گروه منحرف ابراز انزجار از غلات، بیان توطئه‌های غالیان برای مردم، حمایت از ردیه‌نویسی (برای توضیحات بیشتر ن.ک: دلبری، ۱۳۹۴: ۷۵-۹۶؛ جباری، ۱۳۸۴: ۵۹-۸۰؛ صفری‌فروشانی، ۱۳۷۵: ۱۲۵-۱۲۷؛ فخرایی و مردنژاد، ۱۳۹۶: ۷۳-۹۸) و نیز تبیین امامت و ولایت ائمه علیهم السلام بود که در ادامه مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که در دوره امام رضا علیه السلام به دلایل مختلف از جمله ترجمه متون ملل مختلف و ارتباطات مسلمانان با ملل و نحل دیگر، جریان‌ات مختلف عقیدتی و شبهات فراوانی در میان مسلمان پدید آمد. امام رضا علیه السلام نقش چشمگیری در مقابله با این فضای مملو از انواع شبهات دینی و عقیدتی داشت. هر چند ایشان با روشن کردن ماهیت این جریان‌ها برای مردم، مانع از گرفتار شدن آنان در دام این جریان‌ها شدند؛ اما کثرت و تنوع این جریان‌ات انحرافی، به اصلاح و پالایش عمیق و ریشه‌ای نیاز داشت؛ بنابراین امام رضا علیه السلام با دلایل عقلی و نقلی به تبیین امامت پرداختند تا راه درست را به مردم نشان دهند. احادیث و روایت‌های فراوان بر جای مانده از امام رضا علیه السلام درباره امامت نشانه اهتمام امام علیه السلام در مبارزه با این جریان‌ات است.

### ۳. مؤلفه‌های امامت از منظر امام رضا علیه السلام

مؤلفه‌های امامت در کلام پیشوای هشتم شیعه، به نص امامت و بیان تعداد ائمه و ویژگی‌های قائم، فضایل امام علی علیه السلام و افضلیت ایشان، حجت الهی بودن امام، هدایت مردم به سوی

خداوند، علم و عصمت امام و نیز مفترض الطاعه بودن امام قابل تقسیم است (ن.ک: نمودار شماره ۱). هر کدام از این مؤلفه‌ها به روشنی نظرات حضرت علی بن موسی (علیه السلام) در خصوص تفاوت‌ها، نقاط ضعف و اشتباه دیدگاه‌های فریق معاصر ایشان را بازتاب می‌دهد. شرح این مؤلفه‌ها با مصادیق و نمونه‌هایی در ادامه آمده است.

### ۳-۱. مؤلفه نص امامت و جایگاه الهی ائمه

بخشی از احادیث امام رضا (علیه السلام) به نص و وصایت اختصاص دارد. امام (علیه السلام) مردم را ناتوان از انتخاب امام و نص رسیده از سوی خداوند را نخستین راه شناخت امام می‌دانند؛ چراکه تنها اوست که از درون انسان آگاهی دارد و شایسته انتخاب امام است (ن.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۳: ق ۱، ۹۶-۱۰۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۰۰-۲۰۳). می‌توان گفت نقل این احادیث پاسخ هدفمندی از طرف امام رضا (علیه السلام) به اهل حدیث و جماعت و عثمانیه بوده است که به خلافت انتخابی باور داشتند.

همچنین حضرت علی بن موسی (علیه السلام) با یادکرد آیه «لَا يَنْتَظِرُ الْغَدَى الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴) امامت هر ستمکاری را تا روز رستاخیز ابطال می‌کند و نیز خلافت و امامت را بالاتر از آن دانسته‌اند که ستمکاران داعیه‌دار آن باشند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۳: ق ۱، ۹۶-۱۰۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹۸-۱۹۹). در واقع، امام رضا (علیه السلام) با کار بست آیات قرآنی به رد خلافت خلفای راشدین و اموی و عباسی پرداخته و بر حق الهی خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تأکید کرده است.

آن حضرت به بیان نصوص امامت ائمه اثناعشری می‌پردازند و بر این امر تأکید می‌کنند که تعداد ایشان ۱۲ نفر است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۶۰-۲۶۱؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳: ج ۱، ۵۵۳-۵۵۴). در واقع، امام رضا (علیه السلام) با حصر امامت در عدد ۱۲ به اثبات حقانیت تشیع امامیه نسبت به سایر فریق شیعه و رد و طرد غیرهای داخلی همچون زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه و واقفیه می‌پردازد و باورهای اهل سنت که خلفا را امام می‌دانستند نیز رد و طرد می‌کنند.

همچنین امام رضا (علیه السلام) بر نص امامت خود نیز اشاره می‌کند و بر اینکه امام موسی کاظم (علیه السلام)، ایشان را به امامت برگزیده‌اند و در اختیار داشتن وسایل و سلاح پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان نشانه‌ای از امامت خود ذکر کرده‌اند (ن.ک: صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۳۸). امام علی بن موسی (علیه السلام) با این سخن به اثبات امامت خود و رد ادعاهای واقفیه می‌پردازد. تأکید فراوان بر اینکه امام باید از خاندان رسول الله باشد و نیز تأکید بر غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی (علیه السلام) و ویژگی‌های قائم از دیگر مواردی است که امام رضا (علیه السلام) برای اثبات نه تنها نص بر امامت بلکه تداوم آن پس از خود بیان می‌کنند که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱-۳-۱. انحصار امامت در خاندان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)

امام رضا (علیه السلام) بر اختصاص جایگاه امامت به اهل بیت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت و شایستگی رهبری ایشان تأکید دارند. امام (علیه السلام) از دلایل جانش نبودن امامت در غیر خاندان رسول (صلی الله علیه و آله) را اختلاف و دودستگی در جامعه مسلمانان دانسته‌اند. ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۹۹-۱۰۱؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۲۸-۱۳۰). همچنین امام رضا (علیه السلام) با بیان سخنانی همچون «امام از ذریه پاک حضرت زهرا بتول (علیها السلام) می‌باشد... امام از عترت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بوده و با رضایت خداوند متعال برگزیده می‌شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۰۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۳۶)؛ بر این امر تأکید می‌کند که خداوند امامت را در ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داده است. در واقع، امام رضا (علیه السلام) با تصریح بر امامت خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نفی ورد خلافت غیر خاندان رسول الله (صلی الله علیه و آله) و خلافت بنی عباس و طرفداران خلافت انتخابی همچون اصحاب حدیث، خوارج و معتزله می‌پردازد.

### ۱-۳-۲. تأکید بر غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی (عج)

بخشی از احادیث باب امامت امام رضا (علیه السلام) مربوط به نص بر امامت امام زمان (عج)، غیبت و ویژگی‌های ایشان است. چرایی توجه ویژه امام رضا (علیه السلام) به این مسئله با زمانه امام رضا (علیه السلام) در پیوند است. به نظر می‌رسد این روایات مهدویت‌محور در برابر تفکر مهدویت امام موسی کاظم (علیه السلام) و مهدویت محمد فرزند عبدالله افطح است که از سوی فرقه‌های انحرافی واقفیه و فطحیه در بستر فکری جامعه شیعه ترویج و منتشر می‌شد. در واقع آنان با سوءاستفاده از جریان مهدویت، شبهاتی را در این موضوع پدید آوردند که امام رضا (علیه السلام) به این شبهات پاسخ دادند تا از فتنه‌انگیزی این جریان‌های انحرافی جلوگیری کنند. ضمن آنکه تأکید بر امامت و غیبت امامی که هنوز نیامده بود، به طور غیرمستقیم حقانیت امامت آن حضرت به واسطه تداوم امامت در نسل ایشان را نیز در خود مستتر داشت.

امام رضا (علیه السلام) با استدلال به روایات حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و ائمه پیشین (علیهم السلام) درباره امامت ۱۲ امام و تبیین مصداق حضرت مهدی (عج) به دوازدهمین امام، در واقع، شبهات مهدویت واقفیه و فطحیه را برخلاف سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامانی می‌داند که این فرقه‌های انحرافی امامت آنان را قبول داشتند. از جمله این روایات، می‌توان به این مورد اشاره کرد: «... نهمین فرزند تو ای حسین قائم به حق می‌باشد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۰۴). همچنین امام رضا (علیه السلام) بر اینکه امام زمان (عج) فرزند چهارم ایشان است، تأکید کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۶۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۸-۶۹). شایان ذکر است که امام رضا (علیه السلام) برای ابطال عقاید مهدویت واقفیه و فطحیه، به بیان نشانه‌های عصر ظهور حضرت مهدی (عج) و تطبیق آن با امام دوازدهم و نیز به بیان ثواب

و پاداش انتظار فرج و ظهور نیز پرداخته‌اند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۴۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۴۱)

### ۳-۲. مؤلفه تأکید بر فضایل امام علی (علیه السلام) و افضلیت ایشان

امام رضا (علیه السلام) با تفصیل بیشتری در باب حقانیت جانشینی امام علی (علیه السلام) سخن گفته‌اند به طوری که بیش از ۱۰۰ روایت در این زمینه نقل کرده‌اند (ن.ک: عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۱۲-۱۳۸)؛ زیرا با پذیرش حقانیت جانشینی امام علی (علیه السلام)، پذیرش حقانیت جانشینی سایر ائمه (علیهم السلام) در نظر مخاطبان ایشان کار دشواری نبوده است و بدین ترتیب راه برای اثبات تداوم جانشینی در خاندان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و امامت خود ایشان نیز هموار می‌شد. از این رو، امام رضا (علیه السلام) با بیان نصوص امامت امام علی (علیه السلام) استفاده از آیات قرآن و احادیث و نیز بیان کرامات، فضایل و جایگاه برتر امام علی (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اثبات افضلیت امام علی (علیه السلام) می‌پردازند که در ادامه برای درکی انضمامی‌تر به ذکر شواهد و مصادیق این موارد پرداخته می‌شود.

امام رضا (علیه السلام) با بیان واقعه غدیر خم، نص صریح حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و تفویض کردن امامت به امام علی (علیه السلام) بر منصوص بودن امامت ایشان تصریح می‌کنند و نشان می‌دهند که مخالفت با این امر به معنی سرپیچی از دستور خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است (ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۹۶-۹۷). همچنین امام رضا (علیه السلام) با بیان آیات قرآنی به اثبات امامت امام علی (علیه السلام) می‌پردازند؛ چنان که با یادکرد آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» وجود جریان امامت را کامل کننده دین دانسته و افرادی که گمان می‌کنند خداوند برای کامل کردن دین خود، اقدامی نفرموده را کافر دانسته‌اند (ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۴۸۹-۴۹۰؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲۴).

همچنین، حضرت علی بن موسی (علیه السلام)، جایگاه برتر امام علی (علیه السلام) را از طریق بیان احادیثی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره جایگاه امام علی (علیه السلام) نقل کرده‌اند، نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه می‌توان به احادیثی همچون «من خاتم پیغمبران و علی خاتم اوصیا است» و «من و علی از یک نور خلق شده‌ایم» اشاره کرد (ن.ک: ابن عقده، ۱۴۲۴ق: ۱۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۸۹، ۲۳۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۳۲۷). همچنین، امام رضا (علیه السلام) به حدیث لوح و قلم اشاره کرده که در این حدیث از ولایت امام علی (علیه السلام) به‌عنوان قلعه محکم خداوند یاد شده است (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۷۰). از سوی دیگر، امام (علیه السلام) با استناد به سخنان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ایمان به امام علی (علیه السلام) را مرز بین کفر و ایمان معرفی می‌کنند (ن.ک:

ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۸-۱۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲: ۲۹۵؛ طبری املی، ۱۳۸۳ق: ۱۲۵-۱۲۶). به نظر می‌رسد که امام رضا (علیه السلام) با بیان این احادیث، بین نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامت ائمه (علیهم السلام) پیوند برقرار کرده و حقانیت امامت ائمه (علیهم السلام) و تأیید الهی ایشان را نشان می‌دهند.

می‌توان گفت تأکید کلام امام رضا (علیه السلام) در بحث افضلیت امام علی (علیه السلام) در تقابل با نظریه تقدم مفضل بر فاضل و به‌ویژه عقیده عثمانیه بود و پیشتر توضیح داده شد که چگونه امام علی (علیه السلام) را از گروه خلفای نخستین خارج کرده بودند. در نتیجه، این احادیث امام هشتم (علیه السلام) در تقابل صریح با اندیشه طرد امام علی (علیه السلام) توسط اهل حدیث عثمانی مذهب بوده است. احتمالاً تأثیر تلاش امام رضا (علیه السلام) در ۲۰ سال امامت‌شان در پذیرش نظریه تربیع (چهار خلیفه راشدین) در بغداد مؤثر بوده است و همین‌طور پذیرش افضلیت امام علی (علیه السلام) در بین خلفا در میان اصحاب حدیث که مدتی پس از امام رضا (علیه السلام) در بین جامعه عثمانی اصحاب حدیث پذیرفته‌شد(ن.ک: ولوی، ۱۴۰۰: ۲۹، ۳۱).

### ۳-۳. مؤلفه امامان، حجت خدا روی زمین

امام رضا (علیه السلام) در احادیث و روایات متعددی بر ضرورت وجود امام و اینکه امامان حجت خدا بر زمین هستند، تصریح کرده‌اند (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۸۹؛ ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۱۳۹). امام (علیه السلام) درباره کارکرد امام در جامعه فرموده‌اند: «امام امین خدا در میان مخلوقات و حجت پروردگار در میان بندگان و جانشین خداوند در شهرهاست» (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۱۹؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق: ۹۸).

درباره ضرورت وجود امام در زمین پرسش‌های زیادی از سوی شیعیان و دیگر فرق و مذاهب از امام رضا (علیه السلام) مطرح شد که ایشان به همه این سوالات پاسخ دادند، برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «زمین هرگز خالی از امام نخواهد بود و لازم است امامی از ما همواره در روی زمین باشد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۲۲۸-۲۲۹؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۳۷) و «هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد، در نادانی و جهالت مرده است ... واقفی کافر است و ناصبی مشرک» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۶۸؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۷۸). به نظر می‌رسد تأکید امام رضا (علیه السلام) بر این امر و اینکه خداوند رهبری را به پایان نبرده است در تقابل با آرای اهل سنت و جماعت و عثمانیه و نیز واقفیه بوده است که امام زمان خود را نشناخته‌اند.

### ۴-۳. مؤلفه امامان، هدایت‌کنندگان مردم به سوی خدا

امام رضا علیه السلام بر اینکه امامان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند برای هدایت بشر برگزیده شده‌اند، تصریح و با اشاره به آیه «وجعلناهم أئمةً یهتدون بأمرنا» به نقش هدایتگری پیامبران الهی و امامان تأکید می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۸-۱۹۹).

از سوی دیگر، امام هشتم علیه السلام با یادکرد از احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله، علاوه بر معرفی ائمه علیهم السلام به‌عنوان راهنمایان مردم به سوی خدا، نقش محوری امام در شناخت و ارتباط با خداوند را نشان می‌دهند که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «امام مانند آتش در بلندی است که مردم از آن هدایت می‌گردند...» (ن.ک: عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۹۶-۱۰۱)؛ «هر کس می‌خواهد در کشتی نجات بنشیند... باید بعد از من علی را دوست داشته باشد... امامان هدایت‌کننده از فرزندان او را امام اتخاذ کند... آنان بزرگان امت من بوده و راهنمایان پرهیزگاران به طرف بهشت می‌باشند» (ن.ک: ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۱۶-۲۲۴؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۱۶-۲۲۲). می‌توان گفت که این تأکید امام رضا علیه السلام به نقش هدایتگری امام در مقابل جریان‌های اهل حدیث و جماعت و عثمانیه و نیز زبیده بوده است که هدایت معنوی امام را جزو شروط امامت نمی‌دانستند و جایگاه خاص قدسی برای امام قائل نبودند. باید افزود که این همه مجاهدت‌ها و تلاش‌های ائمه علیهم السلام برای هدایت مردم به سوی خداوند شاهدهی بر این نقش هدایتگری ائمه علیهم السلام است.

### ۳-۵. مؤلفه علم و عصمت امام علیه السلام

از دیدگاه امام رضا علیه السلام با توجه به جایگاه الهی امامت و نقش هدایت معنوی امام که پیش از این آمد، علم و عصمت امام از شرط‌های اصلی امامت است. درباره مسئله علم امام، حضرت رضا علیه السلام بر این نکته اذعان دارند که این امر از جانب خداوند به ائمه علیهم السلام اعطا شده و علم آنان از علوم اهل زمانشان بالاتر است (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۲۲؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۶۷۹؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۰۸). همچنین امام علیه السلام فرموده‌اند: «پس از علی علیه السلام مقام امامت در ذریه آن حضرت که از برگزیدگان بودند قرار گرفت؛ برگزیدگانی که علم و ایمان از طرف خداوند به آن‌ها عطا شده است و خداوند در قرآن فرمود: وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۴۹۱؛ ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۱۸؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۱۸). می‌توان گفت که امام علیه السلام طبق آیات قرآنی نشان می‌دهد که علم ائمه علیهم السلام اکتسابی نبوده و از جانب خداوند به امامان اعطا شده است. همچنین، امام هشتم علیه السلام بر آگاهی امامان

به همهٔ امور و نیز به همهٔ آنچه برای هدایت مردم نیاز است، اشاره می‌کنند (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۵۵۵).

از طرف دیگر، دربارهٔ عصمت امام نیز باید گفت که طبق سخنان امام رضا (علیه السلام) امام از عیوب و گناهان منزّه بوده و هیچ لغزش و خطایی ندارد چون خداوند وی را هدایت کرده در نتیجه هیچ انحرافی در امام وجود ندارد. امام رضا (علیه السلام) علت ضرورت عصمت برای امام را خلیفه و حجت خدا بودن امام و نیز دفاع از دین الهی و دعوت به آن توسط امام می‌دانند (ن. ک: ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۰۱). همچنین، امام رضا (علیه السلام) عصمت را یکی از دلایل وجوب اطاعت مردم از ائمه می‌دانند و به نقل از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) دربارهٔ ائمه (علیهم السلام) آورده است که «... آنان برگزیدگان خداوند می‌باشند و از هر لغزش و گناهی معصوم هستند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۵۷). و «امام معدن قداست و پاکی و مرکز عبادت و زهد و علم است» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۰۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۳۶).

می‌توان گفت که تأکید فراوان امام رضا (علیه السلام) بر علم و عصمت امام، پاسخی به جریان‌های هم‌عصر ایشان است. چنان‌که این موضوع از جمله موضوعات بحث‌برانگیز در میان اندیشمندان و جریان‌های فکری مسلمان در قرن‌های دوم و سوم هجری است. چنان‌که غالبان اعتقاد داشتند که ائمه در طبقه پیامبران قرار دارند، وحی که به امامان نازل می‌شد همانند وحی انبیا بوده - است (ن. ک: اشعری، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۵۰-۵۱). اهل سنت، خوارج و فطحیه و برخی از زیدیه، علم را شرط امامت ندانسته و اطلاع و آگاهی از کتاب و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای خلافت و امامت شرط کافی می‌دانستند (ناشی اکبر، ۱۹۷۱م: ۹۳). همچنین علمای این فرق، عصمت را شرط امامت نمی‌دانند به این دلیل که خلفا و امامانی که به آن‌ها باور داشتند، معصوم نبودند. چنان‌که گروهی از آنان شرط امامت را قریشی بودن، گروهی به امامت مفضل با وجود فاضل اعتقاد داشتند تا بتوانند خلافت خلفای سه‌گانه را توجیه کنند. در واقع آرا و عقاید آنان نه بر اساس تبیین قرآن و بیانات حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بلکه بر اساس توجیه اتفاقاتی که افتاده، شکل گرفته بود (ن. ک: کرون، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲). این در حالی است که شیعیان عقیدهٔ خود دربارهٔ امامت را از قرآن و نص پیامبر گرفته‌اند. در واقع، امام رضا (علیه السلام) با تأکید بر علم و عصمت امام، به‌طور ضمنی خلافت خلفای سه‌گانه را رد کرده و بر باورهای امویان، عباسیان و نیز نظریهٔ زیدیه و فطحیه خط بطلان می‌کشند.

### ۳-۶. مؤلفه مفترض الطاعه بودن امام

وقتی ائمه (علیهم السلام) هم حجت خداوند در زمین هستند و هم راهنمایان و هدایت‌کنندگان مردم به

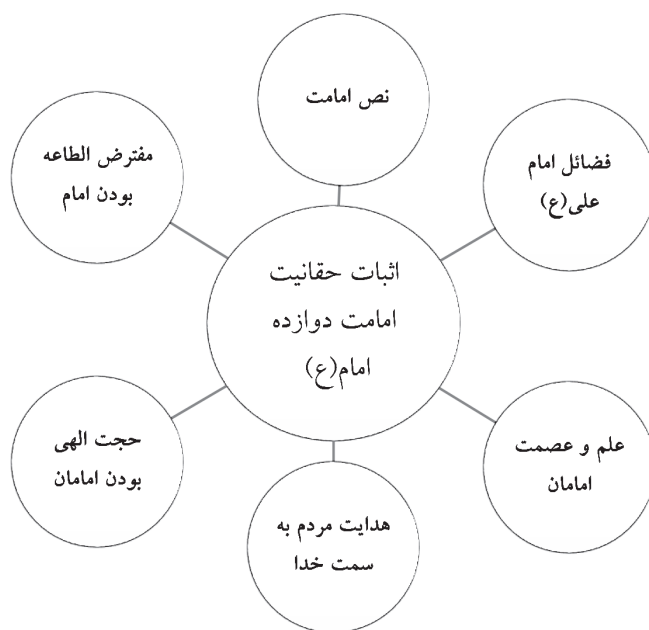
سمت خدا و هم‌داری علم و عصمت، اطاعت از آنان واجب است. امام رضا علیه السلام در احادیثی به این موضوع تصریح و امام را «مفترض الطاعه» معرفی کرده‌اند؛ چنان‌که مردم باید به‌طور کامل از امام اطاعت کنند و کسی که از ایشان نافرمانی کند، کافر و گمراه خواهد بود (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۱۰؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۱۴۲). امام رضا علیه السلام بر این امر تأکید کرده‌اند که اطاعت از ائمه واجب است و برای اثبات واجب بودن اطاعت از ائمه به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا طِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) استناد کرده‌اند و منظور از اولوالامر را امامان از نسل حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام دانسته‌اند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۱۳۱؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۵۹). در واقع، امام رضا علیه السلام با بیان این آیه و تفسیر آن، به رد ادعاهای کسانی می‌پردازند که منظور از «اولوالامر» را خلفای می‌دانستند یا همانند غالبان افرادی غیر از این نسل را امام می‌خواندند.

امام رضا علیه السلام در سخنان خود، در مقابل جریان افراط‌گرایانه غلو و تفویض، اهل بیت و امامان را بندگانی برگزیده و شایسته‌ی خداوند معرفی می‌کنند که اطاعت از دستورها و فرامین ایشان تکلیفی الهی است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۰۰). شایان ذکر است که امام رضا علیه السلام در پاسخ به برخی از شیعیان که به‌پذیرش ولایت عهدی امام علیه السلام اعتراض کرده یا جریان غلو که با عمل نکردن به شریعت و انتصاب خویش به ائمه علیهم السلام، حقانیت شیعه را خدشه‌دار می‌کردند، احادیثی مبتنی بر مفترض الطاعه بودن امام در عمل به اصل شریعت را نیز ترویج کردند؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام از جمله دلایل اطاعت مردم از امامان را جلوگیری از اختلاف و تشتت آرا، از بین رفتن دین و تغییر احکام می‌دانند (ن.ک: حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۲۸-۱۲۹).

مسئله اطاعت و پیروی از ائمه علیهم السلام آن قدر مهم است که امام رضا علیه السلام در موقعیتی حساس به این موضوع اشاره می‌کنند. یعنی هنگام عبور از نیشابور، حدیث معروف سلسله‌الذهب را بیان می‌کنند. در این حدیث، امام رضا علیه السلام پس از توحید، امامت خود را از شرط‌های ورود به دژ و حصن الهی دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۳۵). مطرح کردن این حدیث در این زمان، حاکی از بحران امامت در دوره ایشان است. به‌نظر می‌رسد این حدیث در مقابل جریان‌هایی است که تصور می‌کردند پس از توحید و نبوت، خلافت درست‌ترین راهی است که برگزیده‌اند؛ امام رضا علیه السلام این تصور و گمان نادرست را رد کرده و امامت را شرط توحید و ادامه راه رسالت دانسته‌اند. همچنین امام علیه السلام در این سند با نقل سلسله‌سند خود، به معرفی امامان قبلی می‌پردازند و خط بطلانی می‌کشند بر همه فرق‌ها که تا آن زمان پدید آمده بودند.

تمجید و ستایش شیعیان به دلیل اطاعت از ائمه علیهم السلام بخش دیگری از روایت‌های امام رضا علیه السلام

است. در این روایات که امام رضا به نقل از پیامبر ﷺ بیان کرده‌اند، شیعیان به سبب پیروی از ائمه شایسته کسب فضائلی مانند رستگاری، مورد شفاعت حضرت رسول قرار گرفتن، مورد آموزش و بخشش قرار گرفتن، عبور از صراط، سیراب شدن از حوض کوثر می‌گردند (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۲۶۰-۲۶۱؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۱۲۵-۱۲۶). این در حالی است که دشمنی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) دشمنی با خدا و پیامبر، کفر، آتش، نفاق و لعن و غضب الهی را به دنبال خواهد داشت (ن.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۴۱۸-۴۱۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۶۰، ۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷: ۲۹، ج ۳۹: ۳۲). به نظر می‌رسد این احادیث امام رضا (علیه السلام) در مقابل جریان‌های اهل حدیث و عثمانیه است. نیز می‌تواند ناظر به اختلاف علویان با امام هشتم (علیه السلام) و اطاعت نکردن آنان از امام (علیه السلام) باشد همچون اختلاف مالی یکی از فرزندان امام موسی کاظم (علیه السلام) با امام رضا (علیه السلام) (ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱۶-۳۱۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳۳-۳۷). در ادامه برای درکی انضمامی‌تر از نسبت تنوع موضوعی احادیث امام رضا (علیه السلام) در باب امامت با فضای تاریخی هم‌عصر ایشان، نموداری در خصوص مولفه‌های امامت در کلام ایشان (شکل ۱) و همچنین جدولی راجع به مقایسه میان عقاید فرق و مذاهب (در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم) در باب امامت با احادیث امام (علیه السلام) پیرامون این موضوع (جدول ۱) آمده است.



شکل ۱: مولفه‌های محوری روایات امامت امام رضا (علیه السلام)

جدول ۱: مقایسه عقاید فرق و مذاهب (اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم) درباره امامت با احادیث امام رضا علیه السلام

ردیف	نام فرق و مذاهب	عقیده فرق نسبت به ویژگی های امام و رهبر	کلام امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱	اهل حدیث عثمانی-مذهب خوارج برخی معتزله برخی زیدیه خلفای عباسی	انتخابی بودن خلیفه جواز خلافت مفضول با وجود افضل	انتصابی بودن امام حجت الهی بودن امام
۲	اصحاب حدیث عثمانی مذهب	امام علی <small>علیه السلام</small> جزو خلفای راشدین و الگونیست	فضائل امام علی <small>علیه السلام</small>
۳	برخی اصحاب حدیث برخی خوارج برخی معتزله برخی زیدیه	افضلیت خلفا بر حسب ترتیب آنها	فضائل امام علی <small>علیه السلام</small>
۴	اهل حدیث خوارج زیدیه فطحیه	عدم شرط هدایت معنوی برای امام و خلیفه، پس عدم نیاز به علم و عصمت	نقش هدایتگری امام علم و عصمت امام
۵	اصحاب حدیث به ویژه عثمانی مذهبان؛ اسماعیلیه فطحیه زیدیه	مسئله تعداد پیشوایان جانشینی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> حقانیت جانشینی اسماعیل حقانیت جانشینی عبدالله بن اطفح حقانیت جانشینی فاطمی قیام کننده به شمشیر	تعداد ائمه نسل امامان نسب امامان
۶	واقفیه برخی از فطحیه	قائم بودن موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small> قائم بودن محمد فرزند عبدالله اطفح	بیان ویژگی های قائم تأکید بر اینکه امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small> از دنیا رفته اند
۷	برخی از شیعیان امام رضا <small>علیه السلام</small> غالیان	اعتراض به پذیرش ولایتعهدی عمل نکردن به شریعت	مفترض الطاعه بودن امام

منبع جدول: (نویسنده)

#### ۴. نتیجه‌گیری

نتایج واکاوی روایت‌های امام رضا علیه السلام مرتبط با آموزهٔ امامت نشان داد که هدف اصلی امام علیه السلام اثبات و دفاع از حقانیت امامت دوازده امام در جهت تصحیح تنوع و چرخش‌های باورهای جامعه هم‌عصر ایشان بوده است. برای رسیدن به این هدف، امام رضا علیه السلام استفاده از قرآن، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و براهین عقلی را مبنای کار خود قرار دادند. این سخنان پیرامون چندین جریان سامان یافته که بیانگر اهتمام امام رضا علیه السلام در رفع شبهات و پاسخگویی به چالش‌های فکری معاصرشان بوده است.

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد در انتهای سدهٔ دوم و ابتدای قرن سوم هجری، همچنان، مسئله رهبری و امامت جامعه چالش‌برانگیزترین مسئله فرق و مذاهب اسلامی بود. در این زمان، بسیاری از احادیث امامت پیشوای هشتم شیعه دربارهٔ انتصابی بودن و حجت الهی بودن امامت و تأکید فراوان بر افضلیت امام علی علیه السلام است که به روشنی انگاره برتری سه خلیفه نخست را رد و باطل می‌کرد. این احادیث امام رضا علیه السلام در مقابل عقیده انتخابی بودن خلیفه و جواز خلافت مفضول با وجود افضل در نگاه فرق اهل سنت و جماعت، معتزله، خوارج و حتی بخشی از زیدیه نقل شدند.

در این برهه، بسیاری از اهل حدیث مشابه بعضی از سران خوارج و زیدیه هدایت معنوی مردم را جزو وظیفه امام نمی‌دانستند و از این رو، ویژگی‌های نص، علم و عصمت را از امامت سلب کرده یا شرط قیام به سیف را اضافه کردند. همچنین، پیروان فطحیه نیاز به علم را نادیده گرفتند. در مواجهه با این دیدگاه‌ها، امام علی بن موسی علیه السلام باور به هدایت امت، علم و عصمت را به‌عنوان ویژگی ضروری امام ترویج کردند. در حالی که پیشوایان منتخب اهل سنت و جماعت و فرق شیعی غیر امامیه پیشوایان برحق خویش را خلفای راشدین، فاطمیان قائم به سیف، عبدالله افطح، اسماعیل و فرزندان او یا مهدی بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام مطرح کردند، حضرت رضا علیه السلام با ذکر احادیثی منقول از اجدادشان دربارهٔ نص، تعداد ائمه علیهم السلام، نسل و نسب روشن آن‌ها و ویژگی‌های قائم به رفع این شبهات پرداختند. در مواجهه با برخی شیعیان که به پذیرش منصب سیاسی ولایت‌عهدی اعتراض کرده یا جریان غلو که با اباحه‌گری و انتصاب خویش به ائمه شیعی علیهم السلام، حقانیت شیعه را خدشه‌دار می‌کردند، امام رضا علیه السلام احادیثی مبتنی بر مفروض الطاعه بودن امام در عمل به اصل شریعت را ترویج کردند. بدین ترتیب، امام رضا علیه السلام به شبهاتی که در عصر خود و اعصار قبلی دربارهٔ امامت و ویژگی‌های آن طرح شده بود، پاسخ دادند و به‌واسطهٔ این مجاهدت‌های فکری توانستند به بسیاری از اختلاف‌های فکری آن زمان خاتمه دهند.

## منابع و مأخذ

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). *الغیبه للنعمانی*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹ق). *الکتاب المصنف فی الاحادیث والآثار*. تحقیق کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبه الرشد.
- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا*. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *الأمالی (للسدوق)*. تهران: کتابچی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین وتمام النعمه*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن جعد، علی. (۱۴۱۰ق). *مسند ابن الجعد*. تحقیق عامر احمد حیدر. بیروت: موسسه نادر.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۶ق). *تهذیب التهذیب*. هند: مطبعه دائره المعارف النظامیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)*. قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۳ق). *التحصین لأسرار مازاد من کتاب الیقین*. تحقیق اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی. قم: مؤسسه دارالکتاب.
- ابن عقده کوفی، احمد بن محمد. (۱۴۲۴ق). *فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام)*. تحقیق عبدالرزاق محمد حسین حرز الدین. قم: دلیل ما.
- ابوعونه، یعقوب بن اسحاق. (۱۴۱۹ق). *المستخرج ابی عوانه*. تحقیق ایمن بن عارف الدمشقی. بیروت: دارالمعرفه.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۶ق). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*. تحقیق نعیم زرزور. لبنان: مکتبه العصریه.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۱). *المقالات والفرق*. تصحیح محمد جواد مشکور، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه. قم: مؤسسه بعثه.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۸). «امام و امامت در گفتمان امام رضا»، *فرهنگ رضوی*. سال ۷، شماره ۲۸، صص: ۲۹-۵۷.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۴). «نگاهی به مکاتب حدیث شیعه در سده های اولیه»، *شیعه شناسی*.

- سال ۱. شماره ۳ و ۴. صص: ۵۹-۸۰  
چگینی، ابی عبدالله محمد بن عبدوس. (۱۴۳۰ ق). **الوزرا والکتاب**. تحقیق ابراهیم صالح. ابوظبی: للثقافه و التراث.
- چگینی، رسول. چگینی، محمد مهدی. (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی «تعریف امامت» در دیدگاه اندیشمندان امامیه». **اندیشه نوین دینی**. سال ۱۲. ش ۴۶. صص: ۹۷-۱۱۰.
- حراعلی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ ق). **اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات**. بیروت: اعلمی.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ ق). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**. تحقیق محمد باقر محمودی. تهران: التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی. مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه.
- حسین زاده شانه‌چی، حسین. (۱۳۸۴). «واقفیه». **تاریخ اسلام**. سال ۶. شماره ۳. صص: ۴۹-۷۸  
خانی مقدم، مهیار. زاهدی، عبدالرضا. (۱۳۹۵). «واکاوی ارکان و شاخص‌های آموزه امامت در روایات رضوی». **فرهنگ رضوی**. سال ۴. شماره ۱۶. صص: ۱۷۷-۲۰۹.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ ق). **تاریخ بغداد**. مصحح مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خلیفه بن خیاط، أبو عمرو. (۱۴۱۵ ق). **تاریخ خلیفه بن خیاط**. تحقیق فواز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دلبری، شهربانو. (۱۳۹۴). «جریان‌شناسی غلو و غالیان در عصر رضوی با تأکید بر آموزه‌های امام رضا (علیه السلام)». **فرهنگ رضوی**. سال ۳. شماره ۱۰. صص: ۷۵-۹۶.
- رضوی، سیدعباس. (۱۳۸۵). «امام رضا (علیه السلام) و مسئله ولایت عهدی». **فرهنگ کوثر**. شماره ۶۶. صص: ۳۵-۴۶.
- روحی، علیرضا. (۱۳۹۵). «ریشه‌کاوی فراز و فرود فطحیه در تاریخ تشیع». **سیره پژوهی اهل بیت**. سال ۱. شماره ۲. صص: ۶۹-۸۷.
- حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۲). **روش‌های تحقیق در علوم رفتار**. تهران: ساوالان.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹). **معناکاوی، به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی**. تهران: علم.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). **قدرت، گفتمان و زبان**. تهران: نی.
- صداقت ثمرحسینی، کامیار. (۱۳۹۳). «وصایای پیامبر ص درباره جانشین بلافصل خود و نقد نظریه انکار وصایت». **پژوهشنامه علوی**. سال ۵. شماره ۲. صص: ۷۹-۹۷.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)**. تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ بختیاری، زهرا. (۱۳۹۱ الف). «امام رضا و فرقه واقفیه». **پژوهش‌های تاریخی**. سال ۴. شماره ۲. صص: ۷۹-۹۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ب). «تعامل امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه». **تاریخ اسلام**.
- سال ۱۳. شماره ۲ (۵۰). صص: ۸۳-۱۱۲.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۷۵). **غالیان، کاوشی در جریان‌ها و برآیندها**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ الف). «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا (علیه السلام) و ارتباط آن با ولایت عهدی». **شیعه‌شناسی**. سال ۷. شماره ۲۶. صص: ۵۷-۷۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ ب). «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (علیه السلام) با تکیه بر فطحیه و

- واقفیه»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*. شماره ۲۸. صص: ۳-۲۲.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)*. تحقیق محمد باقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. تحقیق مؤسسه آل البيت. قم: آل البيت.
- طبری آملی، عماد الدین. (۱۳۸۳ ق). *بشاره المصطفی لشيعه المرتضی*. نجف: المكتبة الحیدریه.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ ق). *الغیبه*. قم: دارالمعارف الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ ق). *الأمالی (للطوسی)*. تحقیق مؤسسه البعثه. قم: دارالثقافه.
- عطار دی، عزیز الله. (۱۴۰۶ ق). *مسند الإمام الرضا أبي الحسن علی بن موسی علیهما السلام*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- فتاحی زاده، فتحیه؛ احدیان، مریم. (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای روایت رضوی درباره ویژگی‌ها و شاخصه‌های امامت در کتاب الحجّه کافی». *فرهنگ رضوی*. سال ۶. شماره ۲۴. صص: ۶۱-۸۴.
- فخرایی، سوسن؛ مردنژاد، زهرا. (۱۳۹۶). «بررسی نقش امام رضا در تقابل با بدعت با تأکید بر روایات عیون اخبار الرضا علیه السلام». *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. شماره ۱۱۵. صص: ۷۳-۹۸.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تحقیق غفاری علی اکبر و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۹ ق). *الکافی*. قم: دارالحدیث.
- کرون، پاتریشیا. (۱۳۸۴). «عثمانیه». ترجمه مهدی فرمانیان. *طلوع*. سال ۴. شماره ۱۳ و ۱۴. صص: ۲۲۵-۲۳۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام*. ترجمه مسعود جعفری. تهران: سخن.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. تحقیق جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معارف، مجید؛ قائدان، اصغر؛ خواجه‌جوی، هادی. (۱۴۰۱). «زمینه‌های شکل‌گیری سنن‌نگاری در سده دوم با تأکید بر عوامل اجتماعی و سیاسی». *حدیث پژوهی*. سال ۱۴. شماره ۲۷. صص: ۲۹-۵۲.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). *الأمالی (للمفید)*. تحقیق استاد حسین ولی و علی اکبر غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.
- ناشی اکبر، عبدالله بن محمد. (۱۹۷۱ م). *مسائل الامامه و مقتطفات من الكتاب الاوسط فی - المقالات*. بیروت: دارالنشر فرانتس شتاينر بقیسبادن.
- نویختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۵). *فرق الشيعه*. تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم. نجف: المكتبة المرتضویه.
- ولوی، علی محمد. (۱۴۰۰). *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی*. تهران: بعثت.

## References

- Abū 'Awnah, Ya'qūb ibn Ishāq. (1998). *Al-Muštakhraj Abī 'Awanah*. Edited by Aymanibn 'Ārif al-Dimashqī. Beirut: Dār al-Ma'rifah. [in Arabic]
- Arbalī, 'Alī ibn 'Īsā. (1961). *Kashf al-Ghummah fī Ma'rifah al-A'imma*. Edited by Sayyid Hāshim Rasūlī Maḥallātī. Tabrīz: Banī Hāshimī. [in Arabic]
- Ash'arī Qumī, Sa'd ibn 'Abd Allāh. (1982). *Al-Maqālāt wa al-Firaq*. Edited by Muḥammad Jawād Mashkūr. Tehran: Markaz Intishārāt 'Ilmī wa Farhangī. [in Arabic]
- Ash'arī, 'Alī ibn Ismā'īl. (2005). *Maqālāt al-Islāmiyyīn wa Ikhtilāf al-Muṣallīn*. Edited by Na'im Zarzūr. Lebanon: Maktabah al-'Aṣriyyah. [in Arabic]
- Atarudī, Azizollah. (1985). *Musnad al-Imam al-Reza Abi al-Hasan 'Ali ibn Musa ('alayhima al-salam)*. Mashhad: Aṣṭan-e Qods-e Razavi. [in Arabic]
- Baḥrānī, Sayyid Hāshim ibn Sulaymān. (1995). *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Edited by Dār al-Darāsāt al-Islāmīyah, Mu'assasah al-Ba'thah, Qum: Mu'assasah al-Ba'thah. [in Arabic]
- Bashīr, Ḥasan. (2019). "Imam va Imāmat dar Guftimān-i Imām Riḍā." *Farhang-i Riḍawī*, 7(28), pp. 29–57. [in persian]
- Crone, Patricia. (2005). "Uthmaniyyah," trans. Mahdi Farmanian. *Tolou'*, Vol. 4, No. 13 & 14, pp. 225-234. [in persian]
- Crone, Patricia. (2010). *Tarikh-e Andisheh-ye Siyasi dar Eslām*, trans. Masoud Jafari. Tehran: Sokhan. [in persian]
- Dalbari, Shahrbanu. (2015). "Jaryan-shenasi-ye Ghulow va Ghalian dar Asr-e Razavi ba Ta'kid bar Amoozeh-ha-ye Imam Reza (A)," *Farhang-e Razavi*, Vol. 3, No. 10, pp. 75-96. [in persian]
- Fakhraei, Sosan and Mardnezhad, Zahra. (2017). "Barrasi-ye Naqsh-e Imam Reza dar Taghabol ba Bid'at ba Ta'kid bar Ravaiat-e 'Uyun Akhbar al-Reza ('alayh al-salam)," *Pajouheshha-ye Ejtmaei Eslami*, No. 115, pp. 73-98. [in persian]
- Fattahi-Zadeh, Fathiyeh and Ahadian, Maryam. (2018). "Tahlil-e Mohtava-ye Ravaiat-e Razavi darbareh Vizhigi-ha va Shakhsh-ha-ye Imamat dar Ketab al-Hujjah Kafi," *Farhang-e Razavi*, Vol. 6, No. 24, pp. 61-84. [in persian]
- Faydh Kashani, Mohammad Mohsen ibn Shah Mortaza. (1985). *Al-Wafi*. Isfahan: Ketabkhanah Imam Amir al-Mo'minin 'Ali ('alayh al-salam). [in Arabic]
- Hasan-Zadeh, Ramazan. (2003). *Ravesh-ha-ye Tahqiq dar 'Ulum-e Raftar*. Tehran: Savalan. [in persian]
- Haskani, 'Ubaydullah ibn 'Abdullah. (1990). *Shawahid al-Tanzil li Qawa'id al-Tafzil*, ed. Muhammad Baqir Mahmudi. Tehran: Majma' Ihya' al-Thaqafa al-Islamiyya. [in Arabic]
- hegini, Rasul and Chegini, Mohammad Mahdi. (2016). "Guneh-shenasi-ye 'Tarif-e Imamat' dar Didgah-e Andishmandan-e Imamiyeh," *Andisheh Novin-e Dini*, Vol. 12, No. 46, pp. 97-110. [in persian]
- Hossein-zadeh Shanachi, Hossein. (2005). "Waqifiyyah," *Tarikh-e Eslām*, Vol. 6, No. 3, pp. 49-78. [in persian]
- Hurr al-'Amili, Muhammad ibn al-Hasan. (2004). *Ithbat al-Huda bil-Nusus wa al Mu'jizat*. Beirut: Al-A'lami. [in Arabic]
- Ibn Abī Shaybah, 'Abd Allāh ibn Muḥammad. (1988). *Al-Kitāb al-Muṣannaf fī al-Aḥādīth wa al-*

- Āthār. Edited by Kamāl Yūsuf al-Ḥawt. Riyadh: Maktabat al-Rushd. [in Arabic]
- Ibn Abī Zaynab, Muḥammad ibn Ibrāhīm. (1976). Al-Ghaybah li al-Nu‘mānī. Edited by ‘Alī Akbar Ghafārī. Tehran: Nashr-i Ṣadūq. [in Arabic]
- Ibn Athīr, ‘Izz al-Dīn. (1965). Al-Kāmil fī al-Tārīkh. Beirut: Dār Ṣādir. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. (1956). Al-Amālī (al-Ṣadūq). Tehran: Kitābchī. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. (1958). ‘Uyūn Akhbār al-Riḍā. Edited by Mahdī Lājwardī. Tehran: Nashr-i Jahān. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. (1965). ‘Ilal al-Sharāyī’. Qum: Kitābfurūshī Dāvārī. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. (1975). Kāmil al-Dīn wa Tamām al-Ni‘mah. Edited by ‘Alī Akbar Ghafārī. Tehran: Islāmiyyah. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. (1982). Ma‘ānī al-Akhbār. Edited by ‘Alī Akbar Ghafārī. Qum: Dāftar Intishārāt Islāmī, affiliated with Jāmi‘ah Mudarrisīn Ḥawzah ‘Ilmīyah Qum. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. (1992). Man lā yaḥḍuruḥu al-Faqīh. Edited by ‘Alī Akbar Ghafārī. Qum: Dāftar Intishārāt Islāmī, affiliated with Jāmi‘ah Mudarrisīn Ḥawzah ‘Ilmīyah Qum. [in Arabic]
- Ibn Ḥajar ‘Asqalānī, Aḥmad ibn ‘Alī. (1908). Tahdhīb al-Tahdhīb. India: Maṭba‘at Dā‘irat al-Ma‘ārif al-Nizāmiyyah. [in Arabic]
- Ibn Ja‘d, ‘Alī. (1989). Musnad Ibn al-Ja‘d. Edited by ‘Āmir Aḥmad Ḥaydar. Beirut: Mu‘assasah Nadir. [in Arabic]
- Ibn Shahrāshūb Māzandarānī, Muḥammad ibn ‘Alī. (1959). Manāqib Āl Abī Ṭālib ‘alayhim al-salām (Ibn Shahrāshūb). Qum: ‘Allāmah. [in Arabic]
- Ibn Ṭāwūs, ‘Alī ibn Mūsā. (1992). Al-Taḥṣīn li-Asrār mā Zād min Kitāb al-Yaqīn. Edited by Ismā‘īl Anṣārī Zanjānī Khū‘mī. Qum: Mu‘assasah Dār al-Kitāb. [in Arabic]
- Ibn ‘Uqda Kūfī, Aḥmad ibn Muḥammad. (2003). Faḍā’il Amīr al-Mu‘minīn ‘alayhi al-salām. Edited by ‘Abd al-Razzāq Muḥammad Ḥusayn Ḥarz al-Dīn. Qum: Dalīl Mā. [in Arabic]
- Jabbari, Mohammad-Reza. (2005). “Negahi be Makateb-e Hadith-e Shia dar Sadeh-haye Avvalieh,” Shi‘e-Shenasi, Vol. 1, No. 3 & 4, pp. 59-80. [in persian]
- Jahshiyari, Abu ‘Abdullah Muhammad ibn ‘Abdus. (2009). Al-Wuzara’ wa al-Kuttab, ed. Ibrahim Saleh. Abu Dhabi: Al-Thaqafa wa al-Turath. [in Arabic]
- Khalifa ibn Khayyat, Abu ‘Amr. (1994). Tarikh Khalifa ibn Khayyat, ed. Fawaz. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya. [in Arabic]
- Khani-Moqaddam, Mahyar and Zahedi, Abdolreza. (2016). “Vakaavi-ye Arkan va Shakhes-ha-ye Amoozeh-ye Imamat dar Ravaiat-e Razavi,” Farhang-e Razavi, Vol. 4, No. 16, pp. 177-209. [in persian]
- Khatib Baghdadi, Ahmad ibn ‘Ali. (1996). Tarikh Baghdad, ed. Mustafa ‘Abd al-Qadir‘Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya. [in Arabic]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya‘qub. (1987). Al-Kafi, eds. Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundī. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya‘qub. (2008). Al-Kafi. Qom: Dar al-Hadith. [in Arabic]

- M a'aref, Majid, Qaedan, Hadi, and Khajavi, Asghar. (2022). "Zamineh-ha-ye Sheklgiri-ye Sunnan-negari dar Sadeh-ye Dovvom ba Ta'kid bar 'Awamel-e Ejtemaei va Siyasi," Vol. 14, No. 27, pp. 29-52. [in persian]
- Majlisi, Mohammad Baqir ibn Mohammad Taqi. (1982). Bihar al-Anwar, ed. by a group of scholars. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [in Arabic]
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad. (1992). Al-Amali (Iil-Mufid), eds. Hossein Wali and Ali Akbar Ghaffari. Qom: Kongereh Sheikh Mufid. [in Arabic]
- Nashi Akbar, Abdullah ibn Muhammad. (1971). Masa'il al-Imamah wa Muqattafat min al-Kitab al-Awsat fi al-Maqalat. Beirut: Dar al-Nashr Franz Steiner Wiesbaden. [in Arabic]
- Nawbakhti, Abu Muhammad Hasan ibn Musa. (1976). Firaq al-Shi'ah, ed. Seyed Mohammad Sadegh Bahr al-'Ulum. Najaf: Al-Maktabah al-Murtadhawiyah. [in Arabic]
- Razavi, Seyed Abbas. (2006). "Imam Reza (A) va Mas'aleh Velayat-e Ahdi," Farhang-e Kowsar, No. 66, pp. 35-46. [in persian]
- Rouhi, Alireza. (2016). "Risheh-kavi-ye Faraz va Forood-e Fathiyyah dar Tarikh-e Tashayyo'," Sireh-Pajouhi Ahl al-Bayt, Vol. 1, No. 2, pp. 69-87. [in persian]
- Sadaqat Samareh-Hosseini, Kamyar. (1393/2014). "Wasaya-ye Payambar (S) darbarez Janashin-e Bilafasl-e Khod va Naqd-e Nazariyeh-ye Enkar-e Velayat," Pazhouheshnameh Alavi, Vol. 5, No. 2, pp. 79-97. [in persian]
- Safari Foroushani, Ne'matollah and Bakhtiari, Zahra. (2012a). "Imam Reza (A) va Ferqeh-ye Waqifiyyah," Pajouhesh-ha-ye Tarikhi, Vol. 4, No. 2, pp. 79-98. [in persian]
- Safari Foroushani, Ne'matollah and Bakhtiari, Zahra. (2012b). "Ta'amul Imam Reza (A) ba Ferqeh-ye Zeydiyyah," Hadith Pajouhi, Vol. 13, No. 2, pp. 83-112. [in persian]
- Safari Foroushani, Ne'matollah. (1996). Ghalian: Kavoshi dar Jaryanha va Barayamandha. Mashhad: Bonyad-e Pajouhesh-ha-ye Eslami-ye Astan-e Qods-e Razavi. [in persian]
- Safari Foroushani, Ne'matollah. (2009a). "Tahlili bar Ghiam-ha-ye 'Alawiyan dar Doran-e Imam Reza (a) va Ertebat an ba Velayat-e Ahdi," Shi'e-Shenasi, Vol. 7, No. 26, pp. 57-76. [in persian]
- Safari Foroushani, Ne'matollah. (2009b). "Ferqeh-ha-ye Daron-Shi'i Doran-e Emamat-e Imam Reza (A) (Ba Ta'kid bar Fathiyyah va Waqifiyyah)," Pazhouheshnameh-ye Hekmat va Falsafeh-ye Eslami, No. 28, pp. 3-22. [in persian]
- Saffar, Muhammad ibn al-Hasan. (1983). Basa'ir al-Darajat fi Faza'il Al-e Muhammad (S), ed. Mohsen ibn Abbas 'Ali Kouchebaghi. Qom: Maktab-e Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi. [in persian]
- Sasani, Farhad. (2010). Ma'nakaavi: Be Sou-ye Nashaneh-shenasi Ejtema'i. Tehran: Elmi. [in persian]
- Soltani, Ali-Asghar. (2005). Qodrat, Goftehan va Zaban. Tehran: Ney. [in persian]
- Tabarsi, Ahmad ibn 'Ali. (1982). Al-Ihtijaj 'ala Ahl al-Lajaj, ed. Mohammad Baqir Kharsan. Mashhad: Nashr Murtaza. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. (1996). I'lam al-Wara bi A'lam al-Huda, ed. Mo'asseseh Al al-Bayt. Qom: Al al-Bayt. [in Arabic]
- Tabrisi Amuli, Emad al-Din. (1963). Basharat al-Mustafa li Shi'at al-Murtaza. Najaf: Al-Maktabah al-Haydariyyah. [in Arabic]
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (1990). Al-Ghaybah. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyyah. [in Ar-

abic]

Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (1993). *Al-Amali (Iil-Tusi)*, ed. Mo'asseseh al-Ba'thah. Qom: Dar al-Thaqafah. [in Arabic]

Velavi, Ali Mohammad. (2021). *Tarikh-e 'Ilm-e Kalam va Mazaheb-e Islami*. Tehran: Besat. [in persian]



## Critique and Review of the Process of Lexical Selection and Its Types in the Prayers of Imam Reza (A.S.)

Monireh Ghanizadeh<sup>1</sup> Amir Moqaddam Mottaqi<sup>2</sup> Marzie Abad<sup>3</sup>

1. PhD Student of Arabic language and literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: Ghanizadehm20@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding author): a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: mabad@ferdowsi.um.ac.ir

### Article Info

### Abstract

#### Article Type:

Research Article

#### Article History:

#### Received:

August 26, 2023

#### In Revised Form:

February 14, 2024

#### Accepted:

April 22, 2024

#### Published Online:

December 21, 2024

#### Keywords

The works Deposited for us from the family of the Prophet (PBUH) are among the most prominent and beautiful texts in every period and time. Therefore, this requires every researcher to use his scientific ability to discover the aesthetics of this great Islamic heritage and express it. Since words have a great contribution to understanding the author's style, evaluating the craftsmanship and eloquence of the literary text, and understanding the ideas of the text and its hidden and hidden themes, analyzing them as one of the components of the literary text greatly helps the researcher to explore different aspects of the individual work by examining the category. Among the different types of linguistic elements, knowing the words is a means of accurately identifying the art and eloquence of the writings of the Infallible Imam (A.S.) and distinguishing them from the style of the non-innocent, and since the supplications and prayers of the Infallible Imam (PBUH) are one of the most important literary genres, and are considered one of the religions of high literary importance in terms of language and speech; Given the importance of this topic and the reliance on the descriptive analytical research method, this article has addressed this part of Imam Reza's (PBUH) writings and to investigate the category of choosing words and their different forms in Imam Reza's (PBUH) prayer. Mohammad Abtahi wrote a book entitled (Al-Sahifa Al-Ridhawi Al-Jami'a) with the aim of answering questions such as how words are used, their types and different functions in Imam Reza's (PBUH) prayer and their frequency in the variety. The methods and topics were discussed. He used more abstract, symbolic, explicit and specific words in his prayer and was interested in the compatibility of words with the topic of prayer and the situations and topics used in it.

Sensory and abstract vocabulary, explicit and implicit vocabulary, marked and unmarked vocabulary

Cite this The Author (s): Qani Zadeh, M; Moqaddam Mottaqi, A; Abad,M. (2024). Criticism of the process of selecting words and their types in the prayer of Imam Reza (peace be upon him): Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (165- 185)-

[DOI:10.22034/farzv.2024.413458.1907](https://doi.org/10.22034/farzv.2024.413458.1907)



## Introduction

Human speech, when uttered within the bounds of ordinary terms, possesses varying degrees of eloquence and fluency. At times, such utterances may take on an elegant style, while at others they may be presented in a very weak and indolent form. However, when such utterances emanate from chosen individuals and the Imams, they are free from any weakness and frailty, and in such a state they attain the pinnacle of eloquence and fluency, as if they are sprung from the source of divine terms. These characteristics are always evident in the terms of the infallible imams, for they are connected to the source of knowledge, concepts, and divine terms. Their words bear a divine stamp. Thus, the works that have been bequeathed to us by the family of the Prophet's family are among the most significant and beautiful texts in any era or time. Therefore, it is incumbent upon each researcher, according to their own scientific ability, to discover the beauties and expound upon the various aspects of this great Islamic heritage. Since vocabulary plays a significant role in understanding the author's style, evaluating the artistry and eloquence of a literary text, and discerning the inner and hidden thoughts and themes of a text, an investigation of them as a component of a literary text can greatly assist the researcher in exploring various aspects of a work by examining only one category.

Among the different types of linguistic elements, the study of vocabulary is a way to accurately discern the artistry, eloquence, and fluency of the writings of the infallible imams and to distinguish them from the style of non-infallible ones. Since the prayers and supplications of the infallible imams are considered to be one of the most important types of literary and religious texts, which are of high literary importance in terms of language and speech, this article, considering the importance of this topic and relying on the descriptive-analytical research method, focuses on this part of the works of Imam Reza (A.S.) and examines the category of word choice and its various forms in the prayers of Imam Reza (A.S.) which have been collected in a book entitled "Saheefah-eRazawiyyah Jamie" by Movahed Abtahi, with the aim of answering questions such as how Imam Reza (A.S.) uses vocabulary, its types and different functions in his prayers, and the frequency of their use in the variety of styles and the recurrence of themes.

## Method

The method of this research is to examine the prayers of Imam Reza (A.S.) based on lexical spectrums. One of the classifications is the division of vocabulary into sensory and abstract vocabulary. Words that refer to beliefs, qualities, meanings, and mental concepts are abstract, while words that refer to real and

tangible objects are concrete and sensory. The predominance of concrete words (as opposed to abstract words) makes the style of the text sensory, while the abundance of mental words makes the style abstract.

Another classification of vocabulary is divided into explicit and implicit vocabulary. Explicit vocabulary refers to words that express their meaning in a clear and transparent way. However, implicit vocabulary refers to words that express their meaning in an allusive way. In other words, the explicit meaning, which is the main concept of the word, is its lexical meaning and is usually found in dictionaries. However, the implicit meaning is the emotional or affective part of a linguistic expression, such as style, tone, emotional charge, and conceptual meaning, which is in contrast to the static and fixed main and essential meaning, and its explanation is difficult and context-dependent.

The third type of vocabulary classification is the division into marked and unmarked vocabulary. This is because not all words carry the speaker's mentality and attitude in the same way. Some are neutral. In other words, they are devoid of implicit meanings, concepts, and cultural and social values, while others carry implicit and evaluative meanings. Based on this, linguists have divided words into two categories: unmarked and marked.

Unmarked words are the most natural, simple, and yet fundamental words of a language, which are called the nucleus. Marked words, in addition to referring to a specific concept, also contain implicit meanings and value concepts that reflect the attitude and perspective of the writer and speaker. The last type of this classification is the examination of the generality and specificity of vocabulary. In fact, whether words have a broad semantic range or whether they convey a specific and limited meaning.

## **Discussion and Conclusion**

Imam Reza (A.S.), drawing on Islamic and religious knowledge and with an awareness of the details of the Sharia and his role as the leader of the Shia world, has been more and more overt in his use of marked vocabulary. In fact, the words he chooses have a specific religious, ethical, value-based, and cultural meaning and reflect the speaker's specific perception of the subject and his relationship with his God. The choice of marked vocabulary with a cultural-religious, Islamic, and value-based connotations indicates that the prayers originate from the depths of the speaker's religious awareness and insight. It also demonstrates how these prayers can be applied to the formation and completion of parts of divine knowledge and understanding, and how they are derived from the religious and

cultural world of Islam. For example, words like “تعاليت” and “تقدست” are used to describe God’s position in relation to what is being described. This shows the speaker’s religious perception and high faith in God, and his differentiation between God and what is being described.

Furthermore, words like “رميم”, “منشئ”, “محيي العظام” and “بعد الموت” reflect the specific Islamic belief system of the Quran regarding the resurrection. The word “فرج” which is frequently used in Imam Reza’s prayers, carries meanings related to the worldview and is consistent with faith and belief in the concept of Mahdism.

The results of this study show that the use of sensory and abstract vocabulary is moderate in Imam’s prayers. The frequency of each type of vocabulary varies depending on the topic of the prayer. Overall, abstract vocabularies are more common, given the general format of the prayers and the frequent occurrence of mystical and philosophical topics. Imam Reza (A.S.) used explicit vocabulary more than implicit ones. He also strived to speak to God directly and without barriers by using explicit words. In fact, he tried to use these words to define his relationship with God, which can be extended to the relationship of all servants and believers with God, in a clear and transparent manner. The praying structure and its origin in a specific religion and school of thought have led Imam to use more marked vocabularies and to match the type of them with the religious and ideological aspects. Imam’s prayers are not separate from the religion and school of thought of Islam. He mostly tried to use his vocabulary from the heart of the high religious and Islamic concepts and culture, and to strengthen the reader’s worldview. The use of specific vocabulary has turned Imam’s style into an exemplary and illustrative text. A proper and desirable prayer between a servant and his God lies behind the use of this type of vocabulary, which is consistent with the content. The comprehensiveness of the request and the precise mention of the requesters, the attention to maintaining the phonetic aspect of the speech, and other religious and individual implications were all involved in the use of this vocabulary. This allows the reader to use these prayers in relation to relevant topics in their communication with God without the need for interpretation or addition.



## نقد و بررسی فرایند واژه‌گزینی و انواع آن در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام)

منیره غنی‌زاده<sup>۱</sup> امیر مقدم متقی<sup>۲</sup> مرضیه آباد<sup>۳</sup>

ghanizadehm20@gmail.com

a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

mabad@ferdowsi.um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران:

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول):

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت:	آثاری که از خاندان اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) در میان ما به ودیعه نهاده شده، از برجسته‌ترین و زیباترین متون در هر عصر و زمانی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین می‌تواند هر یک از پژوهشگران به فراخور توان علمی خود به کشف زیبایی‌ها و بیان جنبه‌های متعدد این میراث بزرگ اسلامی بپردازند. از آنجا که واژگان سهم بسیاری در شناخت سبک نویسنده، ارزیابی فصاحت و فصاحت متن ادبی و شناخت اندیشه‌ها و مضامین درونی و پنهانی متن دارند، واکاوی آن‌ها به‌عنوان مؤلفه یک متن ادبی کمک شایانی به پژوهشگر می‌کند تا جهات مختلفی از اثر تنها با بررسی در یک مقوله کاوش شود. در میان انواع مختلف عناصر زبانی، شناخت واژه‌ها راهی برای تشخیص دقیق هنرنمایی‌ها و فصاحت و بلاغت نوشته‌های معصومین (علیهم السلام) و تمایز آن با سبک غیر معصومین است. از آنجا که نیایش‌ها و ادعیه معصومین (علیهم السلام) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انواع ادبی و دینی به‌شمار می‌رود که از جهت زبانی و گفتاری از اهمیت ادبی بالایی برخوردار است؛ این مقاله به روش توصیفی تحلیلی مقوله واژه‌گزینی و اشکال مختلف آن در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) بررسی کرده است. هدف پژوهش پاسخ به پرسش‌هایی همچون چگونگی نحوه کار بست واژگان و انواع و کارکردهای مختلف آن در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) و میزان بسامد آن‌ها در تنوع سبک‌ها و تناوب مضامین است. ایشان در دعاهایشان از واژگان انتزاعی، نشاندار، صریح و خاص بیشتر بهره گرفته و به اصل سازگاری واژگان با موضوع نیایش و موقعیت‌ها و مضامین به کار رفته در آن‌ها توجه کرده است.
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها	واژگان حسّی و انتزاعی، واژگان صریح و ضمنی، واژگان نشان‌دار و بی‌نشان.

استناد: غنی‌زاده، منیره؛ مقدم متقی، امیر؛ آباد، مرضیه (۱۴۰۳). نقد و بررسی فرایند واژه‌گزینی و انواع آن در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۱۶۵-۱۸۵).

DOI: 10.22034/farzv.2024.413458.1907



ناشر: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

سخن بشر زمانی که در محدوده کلام عادی صادر می‌شود، دارای درجاتی از بلاغت و فصاحت است. گاه این سخنان در سبک بسیار عالی و فاخر و گاه در قالب بسیار ضعیف و سست ارائه می‌شود؛ اما زمانی که این سخنان از جانب انسان‌های برگزیده و معصومین (علیهم‌السلام) صادر می‌شود، هیچ ضعف و سستی و نقصی در آن راه نمی‌یابد. در چنین حالتی در اوج فصاحت و بلاغت قرار می‌گیرد و گویی از منبع کلام الهی سرچشمه گرفته است. این ویژگی‌ها همواره در کلام معصومین (علیهم‌السلام) به چشم می‌خورد؛ چراکه ایشان متصل به سرچشمه معارف و مفاهیم و کلام الهی هستند. سخنانشان صبغه الهی دارد (مقدم متقی، ۱۳۹۱: ۲۲۰).

در این باره، در حدیثی متواتر و مشهور آمده است که «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ» (عباشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۱۴، ح ۲۹: دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۱۹۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۷۵). از این حدیث برمی‌آید که سرچشمه زیبایی و جمال، ذات مقدس خداوند است. بدون شک، سخن زیبا از کسی سرچشمه می‌گیرد که به مبدأ زیبایی نزدیک باشد. پس از کلام وحی، واضح است که سخنان معصومین (علیهم‌السلام) به دلیل قرابت بی‌مثال به منبع و مصدر زیبایی و دوری از هر گونه زشتی و بی‌تناسبی، در اوج زیبایی و دلپذیری خاصی قرار دارد. در حدیثی نورانی از امام رضا (علیه‌السلام) روایت شده: اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را می‌شناختند، بی‌شک از آن پیروی می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۹۵). در این سخن نورانی، امام رضا (علیه‌السلام) به زیبایی کلام اشاره کردند و این امر نشان دهنده اهمیت والای کلام از منظر زیبایی و درست منتقل کردن آن است و اینکه کلام اگر در قالبی زیبا ارائه شود علاوه بر اینکه اثرگذاری آن بیشتر است و معنای آن به زیبایی و به بهترین شکل ابلاغ می‌شود، ماندگار و جاودان نیز است. مانند کلام معصومین (علیهم‌السلام) که در طول تاریخ بشر، همواره جاودان است و مردم پیوسته مشتاق شنیدن این گونه سخنان زیبا هستند. این پژوهش با علم به این قضیه و با اذعان به ادبیت بالا و صنعت عظیم سخنان امامان معصومین (علیهم‌السلام) به‌ویژه در نیایش‌ها و دعاها که وسیله‌ای برای ارتباط با خداوند متعال بود، به بررسی واژه‌گزینی در نیایش‌های امام رضا (علیه‌السلام) می‌پردازد.

## ۱-۱. بیان مسئله

به گفته بیشتر سخن‌شناسان و ادیبان عربی، آثاری که از خاندان اهل بیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در میان ما به ودیعه نهاده شده، از برجسته‌ترین و زیباترین متون در هر عصر و زمانی به شمار می‌رفته است؛ بنابراین می‌طلبید که هر یک از پژوهشگران و سخن‌سنان به فراخور توان علمی

خود به کشف و آشکار کردن زیبایی‌ها و بیان جنبه‌های متعدد هنری این میراث بزرگ اسلامی پردازند. بدین‌سان با توجه به امتیاز و صناعت و فصاحت بالای کلام معصومین (علیهم السلام)، بررسی آثار آن‌ها از جهات مختلف به‌ویژه از جهات سبکی، می‌تواند به اثبات همین فصاحت با تحقیق و نقد بینجامد. این تحقیق در صدد بررسی تنها یک مقوله از مقوله‌های متعدد سبک‌شناسی، یعنی واژه‌گزینی در مجموعه نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) است. به عبارتی، این پژوهش برای اینکه بتواند به نتایج ملموس و دقیقی دست یابد، از میان آثار مختلف رضوی تنها به بررسی نیایش‌ها و از میان مقوله‌های مختلف سبک-شناسی و مؤلفه‌های متنوع آن، به بررسی مقوله واژه‌گزینی می‌پردازد تا سرانجام پاسخی برای دو سوال ذیل بیابد:

نحوه کار بست واژگان و انواع و کارکردهای مختلف آن در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) چگونه است؟

کدام نوع از واژگان در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) و با چه منظوری از بسامد بالایی برخوردار است؟

### ۱-۲. پیشینه تحقیق

درباره آثار امام رضا (علیه السلام) چه از جهت سبک‌شناسی و چه از جهات و رویکردهای نقدی دیگر پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رجبی و مطهری (۱۳۹۴) در مقاله سبک‌شناسی مناظرات کلامی امام رضا (علیه السلام) بدون اتکا بر نظریه یا مقوله‌ای خاص به ویژگی‌های سبکی امام (علیه السلام) در مناظرات همچون استفاده از تشبیهات و تمثیلات و توجه به سطح فکری مخاطب و ... پرداخته است.

اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله محسنات لفظی در کلام امام رضا (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) به موازنه محسنات لفظی در کلام ایشان همت گماشته شده است تا هنر کلامی این بزرگواران برای مخاطب آشکار شود. امامان (علیهم السلام) سخنان و نصایح گهربار خویش و مبادی اسلام و ارزش‌های اخلاقی را در قالب سخنانی مملو از تصاویر بدیعی بیان کرده و صنعت‌های لفظی مختلفی چون جناس، سجع و ... را به کار گرفته‌اند تا بر عمق معنی و تأثیرگذاری کلام خویش بیفزایند و تأثیر و زیبایی آن را دوچندان کنند، بی‌آنکه از عمق معانی دینی ذره‌ای بکاهند.

اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله آرایه‌های بدیعی صحیفه الرضا (علیه السلام) در پی آن است که زیبایی فنون بیانی سخنان امام رضا (علیه السلام) را در این کتاب آشکار سازد. این صحیفه در بردارنده بخشی از میراث گران‌بهای است که امام رضا (علیه السلام) به جای گذارده‌اند؛ آن بزرگوار در این اثر، مبادی اسلام و ارزش‌های اخلاقی را به واسطه سخنانی مملو از تصاویر بدیعی بیان می‌کنند. امام

رضا علیه السلام فنون بدیعی مختلف را همچون: جناس، سجع، ازدواج و... در سخن خویش به کار گرفته‌اند تا با کمک این صور بدیعی بر عمق معنی و تأثیرگذاری کلام خویش بر مخاطب بیفزایند. در این راه ظرفیت‌های تعبیری و الهام‌بخشی را که این فنون بر سخن می‌افزاید و زیبایی آن را فزونی می‌بخشد به کار گرفته‌اند بی‌آنکه با سخنان دینی خود از ذخیره معنوی دینی فاصله بگیرند.

وکیلی (۱۳۹۹) در کتاب توجه به زندگی امام علیه السلام می‌تواند راهی روشن را در مقابل دیدگان ما ترسیم نماید به شرط اینکه رفتارهای آن حضرت را نه ظاهر بینانه بلکه با دقت مورد توجه قرار دهیم و منشأ رفتارهای الهی این امام بزرگوار را دریابی. امام رضا علیه السلام مروج قرآن است و قرآن بهترین و اولین مکتب تربیتی است که راه اساسی برای درمان صفات ناپسند و دستیابی به صفات پسندیده را نشان داده است.

جعفرزاده دیزآبادی (۱۳۹۴) در «سبک‌شناسی نامه‌های امام رضا علیه السلام در دو سطح ادبی و زبانی»، به بررسی ۱۰ نامه از نامه‌های حضرت رضا علیه السلام پرداخته و سبک‌های ادبی و زبانی آن‌ها را به روش توصیفی تحلیلی واکاوی کرده است. این پژوهش به بررسی مؤلفه‌های ادبی چون تشبیه، استعاره و کنایه و همچون مؤلفه‌های زبانی چون تکرار و تناسب چندین نامه از امام رضا علیه السلام پرداخته است.

اما این مقاله تنها با تکیه بر چهار مؤلفه از مؤلفه‌های هنر واژه‌گزینی در نیایش‌های امام رضا علیه السلام سعی در بررسی دقیق و علمی اصل واژه‌گزینی در نامه‌های مورد بحث را دارد و از این جهت پژوهشی نو بوده که تاکنون کسی به آن نپرداخته است.

## ۲. بحث و بررسی

در این بخش از مقاله به بررسی اشکال مختلف واژه‌گزینی و کارکردهای مختلف آن با توجه به موقعیت متنی و مضامین و بن‌مایه‌های موجود پرداخته می‌شود:

### ۲-۱. واژگان حسی و انتزاعی

از بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین نوع واژگان می‌توان به تقسیم واژگان به حسی و انتزاعی اشاره کرد. «واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسی‌اند. غلبه واژه‌های عینی (در برابر ذهنی) سبک متن را حسی می‌کند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک

می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۱). هر کدام زمانی به مقادیر قابل توجهی از واژگان حسی و انتزاعی برخوردار است که گویشوران آن زبان برای اهداف خود از آن‌ها بهره می‌برند (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۱۷)؛ اما نحوه و میزان کاربرد آن‌ها با توجه به مضمون و بافت متنی در یک اثر ادبی، در تعیین سبک آن مؤثر است.

در باره کار بست این دسته از واژگان در کتاب «صحیفه رضویه جامعه» می‌توان گفت که اصولاً دعا یا نیایش با خداوند و ذات اقدس الهی سروکار دارد و طبیعی است که درصد واژگان انتزاعی در آن بیشتر باشد. این گونه از واژگان زمانی که در مناجات با خدا و شکرگزاری از الطاف و نعمت‌های او باشد به شکل فراوانی دیده می‌شود. مثلاً در دعای زیر با عنوان «فی المناجاة بالحمد لله وشکره وحال السجد» از امام رضا (علیه السلام)، حضرت می‌فرماید:

«لک الحمد إذن أقطعك، ولا حجة إن عصيتك ولا صنع لی ولا لغيری فی إحسانک ولا عذر لی إن أسأت ما أصابنی من حسنة فممنک، یا کریم، إغفر لمن فی مشارق الأرض ومغاربها، من المؤمنین والمؤمنات» (موحد ابطحی، ۱۳۹۴: ۲۶)، «حمد و سپاس از آن توست اگر اطاعت تو را نمودم و دلیل و برهانی برایم نیست اگر عصیان و سرپیچی تو را کردم، در احسان و بخشش تو من و غیر من اختیار و تصرفی ندارد و اگر گناه کردم عذر و بهانه ای ندارم، ای بزرگوار آنچه از نیکی به من می‌رسد از جانب توست، زنان و مردان مؤمن در شرق و غرب جهان را ببخشای.»

در این دعا که امام (علیه السلام) به حمد خدا می‌پردازد و با او به گونه فردی و برای حاجتی شخصی راز و نیاز می‌کند، واژه «حمد» در نهایت دقت انتخاب شده است؛ زیرا «حمد» عبارت است از ستودن عمل نیکی که از راه اختیار صادر شود، خواه آن عمل نیک موجب نتیجه‌ای پسندیده برای ستایش‌کننده باشد یا خیر؛ اما «مدح» لازم نیست در مقابل عمل اختیاری انجام شود، بلکه می‌توان هر چیز خوبی که از راه اختیار صادر نشده باشد نیز مدح کرد؛ بنابراین دایره «مدح» وسیع‌تر از «حمد» است؛ بنابراین، در صورتی که به جای «حمد» واژه مترادف «مدح» به کار می‌رفت و گفته می‌شد «المدح لک» عبارت دچار نقص و خلل می‌شد؛ زیرا احتمال غیر اختیاری دانستن معنا وجود داشت و این احتمال با عظمت و قدرت کامله ذات احدیت سازگار نیست؛ اما «حمد» ستایش خاص و صریح در برابر احسانی است که از روی کمال اختیار صادر می‌شود. از اینجا این نکته استفاده می‌شود که گوینده «لک الحمد» اعتراف ضمنی دارد که احسان ذات باری تعالی از راه اختیار بدون جبر بوده است. همچنین در صورتی که به جای واژه «حمد» مترادف دیگر آن یعنی واژه «شکر» انتخاب می‌شد، در چنین صورتی نیز جمله خالی از نقص و عیب نبود؛ زیرا «شکر» تشکر کردن در قبال نعمتی است که به خود شخص سپاسگزار

رسیده باشد، در حالی که مراد در اینجا، حمد خداوند در برابر انعام و احسان عمومی است که همه موجودات از جمله خود سپاسگزار را نیز فرا گرفته است؛ بنابراین بدیهی است که چنین اغراضی تنها با واژه «حمد» افاده می‌شود (مقدم متقی، ۱۳۹۱: ۲۰۱-۲۷۷). واژگان انتزاعی درصد قابل ملاحظه‌ای از سخن را به خود اختصاص داده است. حمد، اطاعت، عصیان، حجت، احسان، عذر، اساءة، حسنة و ... که نشانگر نفوذ بیش از حد واژگان انتزاعی در کلام است تا در فضای عارفانه و معنوی که میان بنده و خدایش برقرار است، واژگانی متناسب با موقعیت محتوایی و متنی به کار برد (قیومی، ۱۳۸۳: ۸۸). یا به طور دقیق‌تر زمانی که موصوف خداوند باشد و کلام درصد تجسم ذات اقدس الهی باشد، این واژگان انتزاعی هستند که درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. به‌عنوان مثال در نمونه زیر از دعایی با نام «لقضاء الحوائج متوسطاً بأسماء الله تعالی» امام (علیه السلام) می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَبِالْعِزِّ الَّتِي لَا يُرَامُ وَبِالْمَلِكِ الَّتِي لَا يُضَامُ وَبِالنُّورِ الَّتِي لَا يُطْفَأُ وَبِالْوَجْهِ الَّتِي لَا يُبْلَى، وَبِالْحَيَاةِ الَّتِي لَا تَمُوتُ، وَبِالصَّمَدِيَّةِ الَّتِي لَا تُقْهَرُ، وَبِالِدِيمُومَةِ الَّتِي لَا تَفْنَى، وَبِالْإِسْمِ الَّتِي لَا يُرَدُّ، وَبِالرَّبُوبِيَّةِ الَّتِي لَا تَسْتَذَلُّ...» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۸۶)؛ «خداوند از تو می‌خواهم به دیده‌ای که نمی‌خوابد، به عزتی که مورد سوء قصد قرار نمی‌گیرد و به فرمانروایی که ستم نمی‌کند و به نوری که خاموش نمی‌شود، و به چهره‌ای که پوشیده نمی‌شود و به زنده‌ای که نمی‌میرد و به قدرتی که مغلوب نمی‌گردد و به جاودانگی که فنا ندارد و به نامی که رد نمی‌شود و به ربوبیتی که ذلیل نمی‌گردد...»

هر چند امام (علیه السلام) گاهی برای اینکه صورت نزدیک و قابل ارتباطی از خداوند خویش ارائه دهد، از واژگان حسنی هم بهره می‌برد؛ اما در مجموع واژگان حسنی با توجه به موصوف، مضمون و موقعیت نیایش کار بست متواتری دارند و امام (علیه السلام) به درستی توانسته است، نوعی واژه‌گزینی با بُعدی ذهنی و انتزاعی در دعای خود به کار ببرد تا با واژگانی که شایسته است با خدای خود راز و نیاز کند.

اما زمانی که دعا درباره امور محسوس و دنیوی است درصد واژگان حسنی یا لامی رود تا فضایی محسوس متناسب با طلب و خواسته امام (علیه السلام) خلق شود. اصولاً در سبب همین دعاها و گزینش دقیق واژگان متناسب با مضمون و محتواست که این دعاها تأثیر خود را می‌گذارد و برای مخاطب به عنوان نیایشی مناسب در موقعیت‌های مشابه مورد استفاده قرار گیرد. امام (علیه السلام) در دعایی با عنوان «فی الإستسقاء» می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مَغِيثًا مَجْلَلًا، طَبَقًا مَطْبَقًا، جَلَلًا، مَوْنَقًا، رَاجِيًا، غَدَقًا، مَغْدَقًا، طَيِّبًا مَبَارَكًا،

هاطلاً منهطلاً متهاطلاً، رغداً هنيئاً مريئاً، دائماً رويأً سريعاً، عاماً مسبلاً، نافعاً غير ضار، تحیی به العباد والبلاد، وتنبت به الزرع والنبات» (همان: ۱۶۶)؛ «خداوندا ما را با باران آبیاری فرما، بارانی مدد رسان، فراگیرنده زمین و پوشاننده آن (با ابرهای) متراکم و طبقه طبقه، عظیم و فراوان، زیبا و فریبنده، امیدبخش، لبریز، قطره درشت، پاک، با برکت، فرو ریزنده، پی در پی ریزان، سودمند و بدون زیان که بندگان و سرزمین‌ها را به وسیله آن زنده گردانی و کشت و گیاه را به وسیله آن برویانی...»

همان‌طور که مشاهده می‌شود امام (علیه السلام) در اینجا از واژگان حسی فراوانی بهره گرفته است. توصیفی دقیق از باران آمده و دعا به گونه‌ای کامل و با گزینش واژگان مناسب تدوین یافته است. در واقع، این نیایش از جهت گزینش نوع واژگان به گونه فنی عمل کرده و واژگان حسی را برای موضوع و نعمتی حسی انتخاب کرده است. همچنین امام (علیه السلام) با انتخاب واژگان فراوان سعی کرده درخواست خود را از خداوند باری تعالی شفاف و دقیق بیان کند و ابعاد باران و ویژگی‌های آن را به‌طور دقیق ذکر می‌کند. نه تنها در انتخاب واژگان محسوسی که نوع و شکل باران را نشان می‌دهد (مغداً، منهطلاً و...) در انتخاب نتیجه و حاصل باران (الزرع، النبات، أنعام و...) نیز به‌طور فنی عمل کرده است. به عبارتی، در اینجا واژگان حسی کامل و جامعی از موضوع انتخاب شده و سبک متن را متناسب با خواسته، محسوس و داستانی کرده است. یا زمانی که دعا دو جنبه حسی و معنوی را با هم در نظر دارد، هر دو دسته از واژگان به یک میزان به کار می‌رود و امام در واژه‌گزینی حساب شده عمل می‌کند. مثلاً در دعای زیر با عنوان «فی طلب العافیة» می‌فرماید:

«يا الله، يا ولي العافية، والمئان بالعافية ورازق العافية والمنعم بالعافية، والمتفضل بالعافية علي وعلى جميع خلقه، رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما، صل على محمد وآل محمد، وعجل لنا فرجاً ومخرجاً وارزقنا العافية ودوام العافية في الدنيا والآخرة يا ارحم الراحمين» (همان: ۴۰)؛ «ای خدا، ای سرپرست و صاحب اختیار عافیت و ای کسی که عافیت را به مردم ارزانی می‌داری و ای روزی دهنده عافیت و ای کسی که نعمت عافیت را می‌بخشی و ای کسی که عافیت را بر من و بر تمام آفریدگانش تفصل می‌کند. ای رحمتگر و بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان دو عالم».

در اینجا واژگان حسی و انتزاعی هر دو به یک میزان به کار رفته است. عافیت، رزق، خلق واژگانی بینابین هستند و واژگانی چون رحیم، رحمان، مئان، متفضل و... واژگان انتزاعی هستند. در واقع امام (علیه السلام) آنچه در دنیا انسان با آن درگیر است؛ یعنی سلامت بدن را با آنچه در آسمان‌ها و ذهنی قابل درک است، پیوند داده است و این دو واژگان در سازگاری و ارتباط تنگاتنگ با هم قرار دارند.

## ۲-۲. واژگان صریح و ضمنی

یکی از تقسیم‌بندی واژگان، تقسیم آن‌ها به واژگان صریح و ضمنی است. واژگان صریح به واژگانی گفته می‌شود که معنای خود را به‌طور صریح و شفاف بیان کند (ضیف، ۱۳۷۶: ۱۰)؛ اما واژه ضمنی به واژه‌ای گفته می‌شود که معنای خود را به‌طور تلویحی بیان می‌کند (Perrine, 1988: 585). به عبارتی، معنای صریح که مفهوم اصلی واژه به‌شمار می‌آید معنای لغوی آن است و معمولاً در فرهنگ لغات مشاهده می‌شود؛ اما معنی ضمنی، بخش احساسی، یا تأثیری یک اظهار زبان‌شناختی مثل سبک، لحن، بار احساسی و معنی مفهومی است که در تقابل با معنی اصلی و اساسی ایستا و ثابت قرار می‌گیرد و شرح آن دشوار و بافت محور است (Bussmann, 1996: 235). باید توجه کرد که بستگی به نوع متن و موقعیت متنی و گفتمان حاکم در متن، کاربرد واژگان صریح و ضمنی در نوسان است و افزایش ارزش یک متن بستگی به توجه به اصل سازگاری واژگان با دیگر عناصر متنی دارد.

نیایش‌های فصیح و فنی امام علیه السلام متناسب موقعیت و موضوع ادبی و عقیدتی است. از این رو، امام علیه السلام به گونه فنی و همان‌طور که انتظار می‌رفت، از واژگان صریح برای راز و نیاز و ارائه درخواست‌ها بهره گرفته است؛ زیرا هیچ‌گونه مانعی میان خود و خدای خویش نمی‌شناسد و درصدد بیان گفته‌های خود که می‌توان به‌عنوان گفته‌ها و دعا‌های تمامی انسان‌ها در هر نقطه از زمین که بی‌پرده و صریح با خداوند بیان می‌شود در نظر گرفت. به‌عنوان مثال در نمونه زیر از دعایی با عنوان «الطلب الفرغ متوسلاً بأسماء الله تعالی» موضوع با بسامد بالای واژگان صریح و بی‌پرده میان بنده و خدا عنوان شده است:

«أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، خالق الخلق، وقاسم الرزق، وقالق الإصباح، وجاعل الليل سکناً، والشمس والقمر حساباً ذلك تقدير العزيز العليم، لا إله إلا هو العزيز الحكيم» (موحد ابطحی، ۱۳۹۴: ۵۲)؛ «شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خداوند نیست که یکتاست و هیچ شریکی ندارد، آفریننده خلاق و تقسیم‌کننده روزی و شکافنده صبحگاه و کسی است که شب را مایه آرامش و گردش خورشید و ماه را وسیله محاسبه زمان قرار داده و این پدیده، تقدیر و اندازه‌گیری خداوند قدرتمند داناست، هیچ معبودی جز او نیست و شکست‌ناپذیر و با حکمت است».

همان‌طور که مشاهده می‌شود، حضرت در این بخش از آیه در راز و نیاز با خدا، از واژگان تلویحی و ضمنی بهره نرفته است و به عبارتی نیاز ندیده تا از این واژگان استفاده کند، بلکه از واژگان صریح که برای ارتباط شفاف و مستقیم خود با خداوند کارایی و ضرورت بیشتری دارد، استفاده کرده است. واژگانی که برای خواننده نیز آشناست و هر مخاطبی به‌سادگی می‌تواند با همین

واژگان ارتباط برقرار کند و در نتیجه در راز و نیاز با خداوند آن را به کار ببرد؛ اما گاهی با توجه به تغییر سبک و موقعیت معنا، میزان واژگان ضمنی بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال در نمونه زیر که برای رفع گشایش و زایل شدن اندوه است، امام رضا (علیه السلام) دعا خود را این گونه بیان می‌کند:

«إِنِّي اغْتَمْتُ فِي بَعْضِ الْأُمُورِ فَأَتَانِي أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَقَالَ: يَا بَنِي، ادْعُ اللَّهَ، وَأَكْثِرْ مِنْ «بَارِئُوفٍ يَا رَحِيمٍ» (همان)؛ «در کاری دغدغه و ناراحتی داشتم، پدر بزرگوارم ابوجعفر امام کاظم پیشم آمده و فرمودند: پسر عزیزم خدا را بخوان و ذکر یا رُؤوف یا رحیم (ای خدای با رأفت و ای بسیار مهربان) را زیاد بگو».

این گونه است که امام (علیه السلام) به‌طور غیرمستقیم در ذیل روایتی خواسته خود را مطرح می‌کند. ایشان ضمنی و تلویحاً به خواننده و مخاطب خود می‌گوید که از تعبیر رؤوف یا رحیم استفاده کند تا ناراحتی وی برطرف شود. در واقع، این کلمه به‌طور مستقیم بر درخواست طلب بر خوردار نیست؛ اما تلویحاً به مهربانی و رحمت خداوند اشاره دارد و نشان می‌دهد که با ذکر این مفهوم قصد دارد از خداوند خاضعانه برای طلب خود خواستاری کند. به همین صورت زمانی که در دعایی با عنوان «عند الخروج من المنزل وعند السفر إلى الحج» می‌فرماید:

«اللهم إني أستودعك ديني، ونفسي وأهلي وولدي وعيالي» (همان: ۲۰۲)؛ «بارخدا یا بی‌گمان من دینم و خودم و خانواده و فرزندان و عیال (و نان خورهایم) را به تو می‌سپارم».

به همین صورت در دعایی دیگر با همین مضمون:

«اللهم إني أستودعك اليوم ديني ومالي ونفسي وأهلي وولدي وجميع جيرانی وإخوانی المؤمنین، الشاهد منّا والغائب عنّا» (همان: ۲۰۲)؛ «خداوند من امروز دین و مالم و خودم و خانواده و فرزندانم و تمام همسایگان و دوستان مؤمنم؛ چه آنان که پیشم حاضرند و چه آنان که غایب‌اند را به تو می‌سپارم».

در چنین مواقعی امام (علیه السلام) به تلویح خواسته خود را از خداوند می‌خواهد. در واقع، به اختصار بیان می‌کند که خدایا آن‌ها را نگه دار و محافظت کن و در امنیت قرار بده و...، بلکه به‌طور کلی از واژه «به تو می‌سپارم» استفاده کرده است؛ اما در مجموع واژگان صریح در نیایش‌های امام (علیه السلام) بسیار بیشتر از واژگان ضمنی به کار رفته است و امام (علیه السلام) به کاربردی بودن دعا برای تمامی انسان‌ها توجه کرده و به گونه نمادین، رمزآلود و ضمنی با خدای خود سخن نگفته است. در نیایش‌های خود سعی کرده، با زبانی صریح، بی‌پرده و بدون مانعی با خداوند راز و نیاز کند و حتی اگر در خواست او ضمنی باشد، واژگان به کار رفته صریح است. مانند آنچه در دو نمونه اخیر

دیدیم و اینکه در طی آن امام علیه السلام، درخواست خود را به‌طور ضمنی با استفاده از واژگان صریح بیان کرده است.

### ۲-۳. واژگان نشان‌دار و بی‌نشان

همهٔ واژه‌ها به‌طور یکسان حامل ذهنیت و نگرش‌گوینده نیستند. برخی خنثی هستند (سجودی، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ یعنی خالی از معانی ضمنی و مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هستند و برخی دیگر حامل معانی ضمنی و ارزش‌گذارانه‌اند. بر این اساس زبان‌شناسان واژه‌ها را به دو دسته بی‌نشان و نشان‌دار تقسیم کرده‌اند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۳). واژه‌های بی‌نشان طبیعی‌ترین، ساده‌ترین و در عین حال بنیادی‌ترین واژگان زبان هستند که هسته‌ای نامیده می‌شوند. واژگان نشان‌دار علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، در بردارندهٔ معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند (همان: ۲۶۴). نشان‌داری واژگان در تعیین سبک اثر نقش برجسته‌تری دارد و در کلام‌هایی که از ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌هایی مشخص نشئت می‌گیرد، به‌مراتب بیشتر به کار می‌رود.

امام رضا علیه السلام با بهره‌گیری از معارف اسلامی و دینی و با آگاهی از جزئیات این شریعت و نقش وی به‌عنوان پیشوای جهان تشیع، در کاربرد واژگان نشان‌دار بیشتر و آشکارتر عمل کرده است. در واقع، واژگانی که انتخاب می‌کند، بر مفهوم دینی، اخلاقی، ارزشی و فرهنگی خاصی برخوردار است و تلقی خاص گوینده را از موضوع و رابطهٔ خویش با خدای خویش نشان می‌دهد. در نمونه زیر در بخشی از دعایی با عنوان «فی المناجاة لطلب الفرج» تلقی‌های جهان‌بینی و نشان‌داری واژگان دیده می‌شود:

«... فتعالیت یا الهی، وتقدرستُ عمّا به المشبهون نعتوك، یا سامع کل صوت، و یا سابق کل فوت، یا محیی العظام و هی رمیم و منشئها بعد الموت، صلّ علی محمد و آل محمد و اجعل لی من کل هم فرجاً و مخرجاً و لجمیع المومنین، إنك علی کل شیء قدير» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۸)؛ «اما بارالها تو برتر و والاتر و مقدس‌تر از آنی که تشبیه‌کنندگان تو را به آن توصیف کنند. ای شنوای هر صدایی و ای سبقت‌گیرنده بر هر زوال و از دست رفتنی، از زنده‌کننده استخوان‌ها در حالی که پوسیده‌اند و ایجادکننده آن‌ها پس از مرگ، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و برای من و تمام مؤمنین، از هر گونه هم و غمی که گشایش و راه خروج (و برون‌رفتی) قرار ده (که) بی‌گمان تو بر هر چیز بسیار توانایی».

انتخاب واژگان نشان‌دار با بار فرهنگی دینی یا اسلامی و ارزشی، نشانهٔ منبعث شدن دعا از

اعماق آگاهی و بصیرت دینی است و اینکه این دعاها چگونه در شکل‌گیری و تکمیل بخش‌هایی از بینش و معارف الهی قابل کاربرد. همچنین برگرفته از جهان دینی و فرهنگی اسلام است. در همان آغاز نیایش، واژگان فعلی «تعالیت» و «تقدّست»، برای توصیف جایگاه خداوند نسبت به آنچه توصیف می‌شود، تلقی دینی و ایمان بالایی گوینده به خداوند و تفاوت قائل شدن نسبت به آنچه بدان وصف می‌شود دیده می‌شود. همچنین واژه «محيى العظام»، و «منشىء»، و «رميم»، «بعد الموت»، قاموس باور اسلامی خاص قرآن را درباره رستاخیز نشان می‌دهد. همچنین واژه فرج در اینجا کاملاً نشان‌دار است و امام از واژگانی که نیایش‌گوینده مسلمان و شیعه آن را حامل معانی جهان‌بینی و متناسب با ایمان و اعتقاد خود می‌یابد استفاده کرده است. همچنین در فراز زیر از دعایی با عنوان «الطلب دفع الشدائد» این نوع از واژه‌گزینی دیده می‌شود:

«وَأَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ، وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، عِلْمِ الدِّينِ، وَ مَبِيرَ الْمُشْرِكِينَ، وَ مَمَيِّزَ الْمُتَنَافِقِينَ، وَ مُجَاهِدَ الْمَارِقِينَ، إِمَامِي وَ حُجَّتِي، وَ عُرْوَتِي وَ صِرَاطِي، وَ دَلِيلِي وَ مَحَجَّتِي، وَ مَنْ لَا أَتَقُّ بِأَعْمَالٍ وَ لَوْ رَكَتَ، وَ لَا أَرَاهَا مَنْجِيَةً لِي وَ لَوْ صَلَّحْتُ إِلَّا بَوْلَايَتِهِ وَ الْإِئْتِمَامَ بِهِ وَ الْإِقْرَارَ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولَ مِنْ حَمَلَتِهَا، وَ التَّسْلِيمَ لِرَوَاتِهَا وَ أَقْرَبَ بِأَوْصِيَاءِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ أُمَّةً وَ حُجَجاً وَ أُدْلَةَ وَ سُرْجاً وَ أَعْلَاماً وَ مَنَاراً وَ سَادَةَ وَ أَبْرَاراً، وَ أَمَنَ بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ، وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ، وَ غَائِبِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ، وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، لَاشْكَ فِي ذَلِكَ، وَ لَارْتِيَابَ - عِنْدَ تَحْوُلِكَ - وَ لَانْقِلَابَ» (همان: ۴۷)؛ «وَعَلَى (علیه السلام) امیر مؤمنان، سرور اوصیاء و وارث علم انبیاء، پرچم و نشانه برجسته دین، و نابود کننده مشرکان، و جدا کننده منافقان، و جهاد کننده علیه خوارج و منحرفان، امام و پیشوا و حجت الهی بر من و دستاویز (نجات) و راه (مستقیم) و راهنما و شاهراه روشن من است و کسی که به اعمالم - هر چند پاکیزه باشد - تکیه نمی‌کند (و به آن‌ها مطمئن نیستم) و آن‌ها را هر چند صالح باشند، نجات‌بخش خودم نمی‌بینم جز با ولایت او و اقتدا به وجود مبارکش، و اقرار و اعتراف نسبت به فضایلش و پذیرفتن (این معارف) از حاملان آن‌ها و تسلیم بودن در برابر راویان آن‌ها. و به اوصیاء و جانشینانش که از فرزندان اویند، به عنوان امامان و حجت‌های الهی اقرار می‌کنم که راهبران و چراغ‌های تابان (هدایت) و پرچم‌ها و نشانه‌های برجسته دین و سروران و نیکانند و به پنهان و آشکارشان و ظاهر و باطنشان و غایب و حاضرشان و زنده و مرده‌شان ایمان دارم، (ایمانی که) هیچ شکی در آن نیست و هنگام انتقال دادم توسط تو (به جهان آخرت) هیچ تردید در آن ایمان نیست و هیچ دگرگونی در آن راه ندارد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود امام (علیه السلام) در این فراز از دعا از واژگان نشان‌دار فراوانی بهره گرفته است به نحوی که پیدا کردن واژگان خنثی در آن با وجود طولانی بودن شاهد مثال بسیار سخت است. به عنوان مثال زمانی که از دشمنان یا جبهه مخالف سخن می‌گوید از مشرکین و منافقین

استفاده می‌کند و به عبارتی از واژه خنثی اعداء استفاده نمی‌کند. زمانی که از الگو سخن می‌گوید از واژگانی چون «امام» و «حجة»، و «عروة» و «صراط» بهره می‌گیرد که جملگی واژگان نشان‌دار و برگرفته از فرهنگ و گفتمان اسلامی قرآنی است. واژگان نشان‌دار متعدد دیگری چون «ابرار»، «اوصیا»، «ظاهر»، «باطن» و... که در اسلامی کردن متن بسیار مؤثر افتاده و کاملاً دلالت بر یک دعای قرآنی و اسلامی دارد، در این دعا بسیار به چشم می‌خورد. داعی‌ای که برای مسلمان شیعه پیرو ولایت علی (علیه السلام)، مایه خرسندی دل و آرامش خاطر می‌شود و از واگویی آن در راز و نیاز با خدا لذت می‌برند. «باید توجه کرد که متون ادبی و سخنان اعتقادی اساساً ارزشی و شخصی‌اند و حاوی دیدگاه شخصی گوینده هستند؛ بنابراین طبیعی است که سرشار از واژه‌های نشان‌دار باشند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۳؛ شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۱). این گونه است که هیچ فرازی از دعاها و نیایش‌های امام (علیه السلام) در صحیفه رضوی خالی از واژگان نشان‌دار نیست و سرتاسر با دانش و معارف دینی و اسلامی عجین شده و در صدد تقویت بار جهان‌بینی خواننده و تشدید و افزایش معنویت او هنگام خواندن و استفاده از این نیایش‌هاست. به عبارتی، امام بسیار هدفمند عمل کرده و در دعا‌های خود از روش و سبک اسلامی فاصله نگرفته و جملات وی برگرفته از جهان شریعت اسلامی و راهبردهای جهان‌بینی آن است. با وجود این، استفاده از واژگان خنثی طبیعتاً در هر متنی یک روند طبیعی و ذاتی است و در کلام امام (علیه السلام) نه به صورت راهبری و فراوان، به نحوی که مسیر متن را عوض کند و آن را از هویت اسلامی خارج کند، بلکه به نحوی که برای ارائه تصاویر عادی از امور روزمره و بکنواخت در مواردی به کار رفته است.

## ۲-۴. عموم و خصوص واژگان

یکی دیگر از انواع واژه‌ها بررسی عموم و خصوص واژگان است. در واقع اینکه واژگان از شمولیت معنایی برخوردارند یا اینکه معنای مشخص و محدودی را منتقل می‌کنند (ورنداک، ۱۳۹۳: ۳۲؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۴۷). به نقل از فتوحی «واژه‌های متن بیشتر اسم نوع‌اند یا اسم جنس؟ به تعبیر دیگر عام‌اند یا خاص؟ واژه عام به یک گروه یا جنس اطلاق می‌شود و واژه خاص به یک عضو از گروه. درخت - سرو - سرو سیاه. درخت اسم جنس و سرو اسم نوع و سرو سیاه اسم خاص. البته اسم‌ها از نظر مصداق‌هایشان نسبی هستند، چنان‌که واژه بید، از درخت خاص تر و باز بید مجنون از بید خاص تر. هر چند واژه خاص - تر می‌شود اطلاعات بیشتری درباره شکل، اندازه، مزه و رنگ پدیده‌ها به ما می‌دهد و به ادراک تصویری چنگ می‌اندازد و تصویر زنده‌تری ارائه می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۲). در ادامه به بررسی این موضوع در نیایش‌های امام رضا (علیه السلام) در صحیفه رضویه می‌پردازیم.

امام رضا (علیه السلام) در دعای خود از تجسم و تصویرسازی به نحو شایان ذکری بهره می‌برد. وی در عبارتهایی که در نیایش‌ها به کار می‌برد، در صدد تبسیط و شرح دقیق موضوع است و این نشان می‌دهد که به فضاسازی موضوعاتی که او و خداوند در جریان است، ایمان دارد و خواهان شفافیت و اخلاص در دعا است؛ همان طور که در این ژانر اخلاقی عبادتی انتظار می‌رود؛ بنابراین از جهت تصویرپردازی بسیار قوی و تأثیرگذار است و امام از سازوکارهایی چون تشبیه، توصیفات متعدد و تجسم دقیق اثر بهره می‌برد. به‌عنوان مثال در فراز زیر از راز و نیاز با خداوند بیان می‌کند:

«لک الحمدُ علی إحسانک الكثير، وخیرک العزیز، وتکلیفک الیسیر ودفعلک العسیر، ولک الحمدُ یا ربّ علی تتمریرک قلیل الشکر واعطائک وافر الأجر، وحنک مثقل الوزر، وقبولک ضیق العُذر ووضعتک باهظ الإصر وتسهیلک موضع الوعر، ومنعک مقطع الأمر» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۴)؛ «و سپاس و ستایش فقط برای توست به خاطر احسان زیادت، و خیر فراوانت، و اینکه بندگان را به کار آسان مکلف ساختی و سختی را از آنان دور نمودی. و سپاس و ستایش مخصوص توست، ای پروردگار و صاحب اختیار من به سبب این که شکرگزاری اندک را پر ثمر ساختی و اجر فراوان بخشیدی و بار سنگین را از دوش من برداشتی و سختی و تنگنای عذر و پوزش را پذیرفتی و تعهد سنگین را از من برداشتی و موقعیت دشوار و ناهموار را برایم هموار ساختی و از گسستگی کارها و امور مانع شدی ...»

در این دعا واژگان و تعابیری که امام (علیه السلام) درباره خداوند به کار می‌برند، به ندرت بدون صفت دیده می‌شود. به عبارتی امام (علیه السلام) با شرح بیشتر مفاهیم کلمات را از حالت عام به حالت خاص منتقل کرده است. در واقع به اینکه بگویید «علی إحسانک» یا اضافه کردن واژه یا صفت «الكثیر» بُعد و نوع احسان را بیان کرده است. به همین صورت واژگان «عزیز، یسیر، عسیر و قلیل» که جملگی به صورت هم‌آوا و مسجع در صدد کوچک کردن دایره مفهومی واژگان به کار رفته هستند تا مقصود گوینده بهتر و میزان اخلاص و نزدیکی بنده با خدا بیشتر نشان داده شود. به همین صورت در دعای زیر، واژگان خاص سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است. اما در بخشی از دعا «طلب تفریح العموم والهموم» می‌فرماید:

«اللهم أنت ثقتی فی کل کرب، وأنت رجائی فی کل شدة و أنت لی فی کل أمر نزل بی ثقة و عُدّة، کم من کرب یضعف عنه الفؤاد و تقلّ فیهِ الحلیة، و تعیی فیهِ الأمور، و یخذلّ فیهِ البعید و القریب و الصدیق و یشمّت فیهِ العدو أنزلتُهُ بک و شکوته إلیک راغباً إلیک فیهِ عمّن سواک، ففرجتَهُ وکشفته وکفیتنیهِ، فأنت ولی کل نعمة و صاحب کل حاجة، و مُنتهی کل رغبة». (همان):

(۷۶)؛ «خداوند تو تکیه گاه و مایه اطمینان من در هر گرفتاری هستی و تو مایه امید من در هر سختی می باشی. و تو در هر موضوعی که برایم پیش می آمد، مایه اطمینان و پشتوانه منی، چه بسا گرفتاری که در آن سست و لرزان می شود و راه چاره در آن کم می شود و کارها در آن به درمانگی می رسد و (اشخاص و آن گرفتاری را به درگاه تو آوردم و آن را به توشکایت کردم، در حالی که از دیگران روی گردانده و فقط به سوی تو توجه نمودم و تو آن گرفتاری را گشایش داده و برطرف کرده و مرا در آن کفایت نمودی. چراکه تو صاحب اختیار هر نعمت و همراه خلایق در هر حاجت و سر منزل هر نیایش و گرایشی ...».

در اینجا نیز امام (علیه السلام) با افزودن واژگان و بسط ظریف عبارات مندرج در دعا، از کاربرست واژگان و مفاهیم عام خودداری کرده است. به عبارتی واژه «ثقة» در همنشینی با عبارت «فی کل کرب» محدودۀ واژه را مشخص کرده است همچنان که واژه «رجا» با عبارت «فی کل شده»، این محدود سازی را انجام داده است. همچنین با استفاده از تکنیک عطف مانند «ثقة و عدة»، «البعید» و «القرب»، این جزئی نگری به کار رفته است. در واقع امام (علیه السلام) در عباراتی که به کار می رود نسبت به شفاف سازی و تصریح مفاهیم ارائه شده بسیار با حساسیت و دقت لازم عمل می کند و این شیوه نه تنها به اطناب نمی انجامد، بلکه به توصیف دقیق خواسته و استمرار راز و نیاز با خدا که از ویژگی های مثبت یک نیایش است می انجامد و مؤمن با خواندن این دعا زمان بیشتری را با خدا می گذارد و از واژگان بیشتر و دقیق تری با خدای خود سخن می گوید. یا در دعای باران که میزان دقت و تصویرسازی در موضوع بسیار مورد توجه است.

«وتجعل فيه بلاغاً للحاضر منا والبلاد، اللهم أنزل علينا من بركات سماءك ماءً طهوراً وأنبت لنا من بركات أرضك نباتاً مسقياً، و تسقيه ممّا خلقت أنعاماً و أناسی كثيراً، اللهم أرحمننا بمشايخ رجع، و صببان رضع، و بهائم رضع، و شبان خضع» (همان: ۱۶۶)؛ «... و آن را مایه کفایت برای شهرنشینان و بادیه نشینان ما بگردانی. بار خدایا از بركات آسمان آبی بسیار پاک و پاک کننده بر ما فرود آر، و از بركات زمینت گیاهی سیراب بر ما برویان، و نیز به گونه ای که آب را به چهارپایان و آدمیان زیادی که آفریدی بنوشانی. خداوند ا به پاس حرمت پیران رکوع کننده و کودکان شیرخوار و حیوانات چرا کننده و جوانان خاضع و فروتن بر ما رحم کن».

امام (علیه السلام) مناسبات یک دعای فنی را رعایت کرده است و استفاده از واژگان خاص نشانه توجه او به خداوند باری تعالی و اهمیت خواسته و طلب است. خاص کردن واژگان و تعبیر در اینجا با صفات و اضافات انجام گرفته و اصل تناسب و حفظ صبغه آوایی نیز در این فرایند دخیل است. تصویری که امام (علیه السلام) از خواهدنگی مردم و از وضعیت بی بارانی ارائه می دهد با استفاده از همین

فرایند خاص کردن واژگان به دست می‌آید؛ اینکه چگونه پیران و کودکان و چهارپایان و جوانان با حالت‌های خاص در این خواهندگی مشارکت دارند و اینکه بی‌بارانی چه کسانی را به خود درگیر کرده است و اینکه طلب برای چه هدف و نیازی از خداوند خواسته می‌شود. همه این موارد با کاربرست فراوان واژگان خاص القا می‌شود.

### ۳. نتیجه‌گیری

استفاده از واژگان ذهنی و حسی در نیایش‌های امام (علیه السلام) به کار رفته است و بستگی به موضوع دعا بسامد هر کدام از این نوع واژگان کم و زیاد می‌شود. در مجموع واژگان انتزاعی با توجه به قالب نیایش به‌طور کلی و همچنین موضوعات عرفانی و فلسفی بیشتر به چشم می‌خورد.

امام رضا (علیه السلام) واژگان صریح را بیش از واژگان ضمنی به کار برده و آن گونه که شایسته است سعی کرده با استفاده از واژگان صریح بی‌پرده و بدون مانعی با خداوند خود سخن گوید. در واقع در تلاش بوده تا رابطه خود با خدای خود را که می‌تواند به رابطه تمامی بندگان و مؤمنان با خدای خود باشد با استفاده از این واژگان به‌گونه‌ای شفاف و روشن تعیین کند.

قالب دعا و سرچشمه گرفتن آن از شریعت و مکتبی مشخص، سبب شده تا امام (علیه السلام) از واژگان نشان‌دار بیشتر بهره‌برد و نوع واژگان به کار رفته را با جهات دینی و اعتقادی به کار رفته در آن مطابقت دهد. نیایش‌های امام (علیه السلام) ساخته‌ای جدا از شریعت و مکتب اسلام نیست و غالباً تلاش کرده واژگان خود را از دل فرهنگ و مفاهیم بلند دینی اسلامی به کار برد و از جهت جهان‌بینی خواننده متن را جهت‌دار و خواننده را تقویت کند.

استفاده از واژگان خاص، سبک امام (علیه السلام) را به متنی صدیقی و تصویرگرا تبدیل کرده است و مناسبات یک نیایش مناسب و مطلوب بنده با خدای خویش در پس کاربرد همین نوع واژگان است که در تناسب با محتواس است. شمولیت خواسته و ذکر دقیق خواهندگان، توجه به حفظ جنبه آوایی کلام و دیگر دلالت‌های اعتقادی و فردی در کاربرد این واژگان دخیل بوده است تا خواننده بدون نیاز به تفسیر یا اضافه کردن چیزی این نیایش‌ها را در زمینه موضوعات مرتبط در راز و نیاز با خدا به کار ببرد.

## منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). *معانی الاخبار*. مترجم: عبدالعلی محمدی شاهرودی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۳). *عیون اخبار الرضا*. مترجم: محمد صالح روغنی قزوینی. قم: مسجد مقدس جمکران.
- اسفندیاری، مصطفی و همکاران. (۱۳۹۲). «آرایه‌های بدیعی صحیفه الرضا». *فرهنگ رضوی*. سال اول. شماره ۳. صص: ۱۴۷-۱۸۰.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴). «محسنات لفظی در کلام امام رضا (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام)». *فرهنگ رضوی*. ۳(۹). صص: ۱۲۵-۱۵۲.
- جعفرزاده دیزآبادی، فاطمه. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی نامه‌های امام رضا (علیه السلام) در دو سطح ادبی و زبانی». *پایان نامه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. کاشان: دانشگاه کاشان.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲). *ارشاد القلوب*. (دیلمی). قم: الشریف الرضی.
- رجبی، فاطمه؛ مطهری، اعظم. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مناظرات کلامی امام رضا (علیه السلام)». *پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)*. (۱۹)۵. صص: ۸۱-۹۸.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*. ویراست دوم. تهران: نشر علم.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). *کلیات سبک‌شناسی*. ویراست دوم. چاپ چهارم. تهران: میترا.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۹۱). *رستخیز کلمات: درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌نگرایان روس*. چاپ سوم. تهران: سخن.
- ضیف، شوقی. (۱۳۷۶). *پژوهش ادبی*. ترجمه عبدالله شریفی خجسته. تهران: علمی و فرهنگی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). *الأمالی*. قم: دارالثقافة.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). *تفسیر العیاشی*. مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمية.
- قویمی، مهوش. (۱۳۸۳). *آوا و القا. رهیافتی به شعر اخوان ثالث*. تهران: هرمس.
- قیومی اصفهانی، جواد. (۱۳۸۷). *صحیفه امام رضا (علیه السلام)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). *سبک‌شناسی، رویکردها و نظریات*. تهران: سخن.
- مقدم متقی، امیر. (۱۳۹۱). «بررسی خطبه فاطمیه بر پایه زیبایی‌شناسی». *لسان مبین*. سال (۲)-۲۰۱۳. دوره ۴. شماره ۹. صص: ۲۰۱-۲۲۷.
- موحد ابطحی، محمد باقر. (۱۳۹۴). *صحیفه رضویه جامعه*. مترجم: سید عدنان لاجوردی. مشهد: انتشارات بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام).
- وردانک، پیتر. (۱۳۹۳). *مبانی سبک‌شناسی*. ترجمه محمد غفاری. چاپ دوم. تهران: نی.
- وکیلی، محمد حسن. (۱۳۹۹). *سبک زندگی توحیدی از نگاه امام رضا (علیه السلام)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

## References

- Ibn Babuye (Sheikh Sadoq), Muhammad Ibn Ali. (1998). The Meaning of News. Translator: Abdol Ali Muhammadi Shahroodi. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. [in arabic]
- Ibn Babuye, Muhammad Ibn Ali (2014). Al-Oyoon Akhbar Al-Reza (a.s.). Translator: Muhammad Saleh Roqani Qazvini. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [in arabic]
- Esfandiari, Mostafa et. al (2013). Novel arrays of Sahifa Al-Reza, Razavi Culture Quarterly, 3, p. 147-188 . [in persian]
- Esfandiari, Mostafa et. al (2015). Verbal favors in Imam Reza (a.s.) and Imam Sajad's (a.s.) terms. Razavi Culture, 3(9), 125-152. [in persian]
- Bussmann, Hadumod. (1996). Dictionary of Language and Linguistics. London and Newyork: Routledge.
- Perrine, Laurence (1998), "Literature: Poetry, The Elements of Poetry", Southern Methodist University (Offser in Iran).
- Jafarzadeh Dizabadi, Fatemeh (2014). Stylistics of Imam Reza's (AS) letters in two literary and linguistic levels, Faculty of Literature and Humanities, Kashan University. [in persian]
- Deilami, Hassan Ibn Muhammad (1992). Ershad Al-Qulub (Deilami). Qom: Al-Sharif Al-Razi. [in arabic]
- Rajabi, Fatemeh, and Motahari, Azam (2015). The stylistics of debates of Imam Reza (a.s.). Theological and Speech researches (Islamic Sciences). 5(19), 81-98 . [in persian]
- Sojodi, Farzan (2008). Applied semiotics, Second edition, Tehran: Nashr Elm. [in persian]
- Shamisa, Sirus (2014). Generalities of stylistics, Second edition, fourth edition, Tehran: Mitra. [in persian]
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2012). Resurrection of words: Lectures on the theory of Russian formalists, Third Edition, Tehran: Sokhan. [in persian]
- Zeif, Shofi (1997). Literary research, Translation of Abdollah Sharifi Khojaste, Tehran: Scientific and Cultural. [in arabic]
- Toosi, Muhammad Ibn Hassan (1994), Al-Mali, Qom: Dar Al-Thaqafe. [in arabic]
- Ayyashi, Muhammad Ibn Masood (1961). Tafsir Al-Ayyashi. Corrector: Seyyed Hashem Rasooli Mahllati. Tehran: Al-Matba Al-Elmia. [in arabic]
- Fotoohi, Mahmood (2016). Stylistics, Approaches and Theories, Tehran: Sokhan. [in persian]
- Qavimi, Mahvash (2004). Voice and inspiration, an approach to Akhvan Thaleth poetry, Tehran: Hermes. [in persian]
- Moqadam motaqi, Amir (2012). Analysis of the Fatemi sermon based on aesthetics, Lesan Mobin Queterly (2-2013). 4(9), 201-227, Mash'had. [in persian]
- Movahed Abtahi , Muhammad Baqer (2015). Saheefah-eRazawiyyah Jamie, Translator: Seyed Adnan Lajavardi, Mash'had: Publications of Imam Reza Cultural and Art Foundation. [in persian]
- Werdank, Peter (2014). Basics of stylistics, Translated by Mohammad Qafari, Second Edition, Tehran: Ney. [in persian]
- Vakili, Mohammad Hasan (2020). Monotheistic lifestyle from Imam Reza's point of view; Mash'had, Astan Quds. [in persian]
- Yar Mohammadi, Lotf Allah (2004). Popular and critical discourse, Tehran: Hermes. [in persian]





## Discursive Values in the Debates of Imam Reza (A.S.) (A Case Study: Debates Based on Speech Act Theory)

Abdollah Gholami<sup>1</sup> Masoomeh Shadman<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Theology, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding author) : [gholami@razi.ac.ir](mailto:gholami@razi.ac.ir)

2. PhD student in women and family studies. University of Science and Research, Tehran, Iran: [masoomeshadman12@gmail.com](mailto:masoomeshadman12@gmail.com)

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:**  
June 20, 2023

**In Revised Form:**  
September 27, 2023

**Accepted:**  
November 12, 2023

**Published Online:**  
December 21, 2024

**Keywords**

The debates of Imams Athar (a.s.), especially Imam Reza (a.s.), are of great importance due to the wide range of topics, methods, and scientific atmosphere as part of the effective sources of explaining and promoting Islamic knowledge. In this research, the scientific and moral dimensions of the most important debates of Imam Reza (a.s.) with the followers of different religions and scientists and different people have been analyzed based on Austin's "speech act theory" from the point of view of homology, and the purpose of this was to find out how to use the three-level model. Austin should explain the scientific and moral aspects of Searle's five actions in the debates of Imam Reza (a.s.). Speech act theory is one of the approaches that is proposed in the field of discourse analysis, and Austin has come to the conclusion that all linguistic statements are of the type of action statements and the verb category, and in fact, every statement is a type of speech act. Based on this theory and continuing the efforts of his teacher, John Searle divided speech acts into five declarative, persuasive, obligatory, emotional, and declarative acts. By applying the theories of these two to some of the debates of Imam Reza (a.s.), the conclusion has been reached that he paid attention to what these two linguists said, which can be a suitable model for methodical and academic discussions. It has also been found that Imam Reza (a.s.) used the first two levels of actions, i.e., expressive action and purposeful action, to achieve an impactful action in his debates and conversations, to convey his intention to the audience and influence him. Therefore, it should be said that the three-level model of the sleeve, i.e. expressive action, meaning, and effect, was considered by Imam Reza (a.s.) in addition to Searle's five actions; In such a way that by generalizing to other debates, it can be said that effective action was the result of most of Imam Reza's (a.s.) debates and scientific discussions.

discourse values, speech act theory, Searle's five acts, debates of Imam Reza (A.S.), the scientific and moral dimension of debates.

Cite this The Author (s): Gholami, A; Shadman, M. (2024). Discourse values in the debates of Imam Reza (a.s.) (A case study of debates based on Speech act theory) : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (187- 219)- [DOI:10.22034/farzv.2023.398448.1882](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.398448.1882)



## **1. Introduction**

In Islamic culture, debate on various topics and issues, especially ideological matters, is an inevitable necessity. Imam Reza (AS) has used debate in some of his scientific debates.

Imam Reza (a.s.) as an intellectual and behavioral model of Muslims, had special training methods in debates, which is necessary for the religious community to get familiar with these methods and customs of education and to benefit from them for the growth and development of the members of the society. One way to examine debates is to study them in comparison with linguistic theories, including John Rogers Searle's Speech act theory.

This article answers the question of how to use Searle's Speech Act to examine the debates of Imam Reza (a.s.) from scientific and moral aspects.

Until now, the debates of Imam Reza (a.s.) have not been studied based on the speech act theory and Austin's three-level linguistic models, and Searle's five acts.

## **2. Research Method**

The method adopted in this research is descriptive-analytic. After stating the issue, Imam Reza's (AS) debates are validated.

In the article's theoretical discussions, the theory of behavioral action is explained based on the views of Austin and Searle and their theories. Then, the necessity and reason for debate in the era of Imam Reza (AS) are explained.

In the review and analysis section of the article, Imam Reza's (AS) use of speech act theory is discussed in the scientific and logical dimension of debates, and it is explained that the Imam (AS) used various methods of action and informational statements to persuade the audience or audiences and to inform them.

## **3. Theoretical topics**

### **3-1. Speech act theory**

Speech act theory aims to show many actions that humans can do with words. This theory links abstract theories of linguistics with objective facts and observations based on how language is used.

#### **3-1-1. Austin's theories**

Unlike most classical philosophers, Austin showed that the main role of lan-

guage is not only to tell the truth, but with language, you can perform many diverse actions and actions. Instead of distinguishing between descriptive and value propositions, he divides the statements of each speaker into action (compositional) and news statements, and each statement includes three different levels of actions, i.e. expressive action, intentional action, and impact action. The analysis is that the words that flow on the tongue are an expressive action and when a certain purpose is followed, the action is a purpose and when the words affect the audience, it is an impact action.

### **3-1-2. Searle template**

Like Austin, Searle also rejects the distinction between news/action sentences as the distinction between two different types of action. He accepts that the speech act is the basic unit of meaning. He considers speech acts as five types of expressive, persuasive, commitment, emotional, and declarative actions.

### **3-2. The necessity and reason of debate in the age of Imam Reza (a.s.)**

Imam Reza (a.s.) reached the Imamate in one of the most critical periods of Shia history. The peak of activity of deviant sects in the Shia society is the reason for the importance of this period of history. The deviant opinions were such that they influenced even the members of the community who were members of Bayt al-Hikmah; Therefore, the great work of Imam (a.s.) was to prove the basis and roots of Islam and the Shia school by participating in scientific debates and free them from pollution and deviation, and by rejecting the false ideas of deviant sects and proving the truth of religion, he fulfilled his basic task. Do it in the best way.

## **4. Review and analysis**

### **4-1. Using speech acts from scientific aspects in the debates of Imam Reza (a.s.)**

By analyzing the text of the debates based on the speech act, one can understand the scientific and logical dimension of the debates, which proves the knowledge and wisdom of the Imam (a.s.); Because the Imam (a.s.) used various methods of action and news statements to persuade the audience/audiences and make them aware. Since Imam (a.s.) did not mention these methods specifically and in the form of prescriptive propositions, these actions can be obtained by analyzing the debates. The three actions of expression, purpose and effect of Austin are also adaptable to debates, which are mentioned in the discussions.

The use of speech acts from scientific aspects in the debates of Imam Reza (a.s.) has been done in five ways:

1. Declarative action regarding the wisdom of Imam Reza (a.s.) to various other sources
2. Persuasive action in inviting the other party to ask questions
3. Taking advantage of emotional and persuasive action in matching words with the needs of the audience
4. Emotional and encouraging action of Imam Reza (a.s.) by creating a free space for the opponents
5. Citing authentic sources based on speech acts

This citation in debates has been in the form of five types of declarative actions:

1. Using declarative and persuasive action in rational reasoning for action statements
2. Taking advantage of action statements in reasoning about the common principles of religions
3. Declarative action, using simile, comparison, and allegory for expressive, purposeful, and effective actions.
4. Demonstrating a declarative action using the example and history of the past
5. Declarative action in logical comparison in answering scientific topics

#### **4-2. Ethical strategies of Imam Reza (a.s.) in debates in the form of Speech acts**

Searle's speech acts include five types of declarative, persuasive, obligatory, emotional, and declarative actions.

The moral strategies of Imam Reza (a.s.) are explained in the form of speech acts in six cases.

1. Gentleness and softness in dealing with the other party based on emotional and persuasive actions
2. Paying attention to the debate party's question and answer based on emotional and persuasive action
3. Persuading the other party to accept the right based on expressive and emotional action
4. Imam Reza's (a.s.) declarative and committed action in matching science and practice
5. Expressive and emotional action of Imam Reza (a.s.) in having Sa'ah al-Sadr
6. Acknowledgment by the debater with philosophical and logical arguments

based on declarative, declarative, and persuasive action.

## **5. Conclusion**

Examining the statements of Imam Reza (a.s.) in the discussed debates shows that his statements have led to an effective action; In other words, even the extraction of Searle's five actions from the debates of His Holiness took place at the same time as two expressive and purposeful actions, and it ended in an impact action, and it affected the audience or audiences.

The study and analysis of Imam Reza's debate (a.s.) show that he was aware of the five actions of Searle's model in his scientific debates and discussions and used them in his place.

Finally, it should be said that Imam (a.s.) considered three acts of expression, purpose and effect; In such a way that by generalizing to other debates, it can be said that effective action was the result of most of the debates and discussions of Imam Reza (a.s.).





## ارزش‌های گفتمانی در مناظرات امام رضا (علیه السلام) (مطالعه موردی: مناظرات بر پایه نظریه کنش گفتاری)

عبدالله غلامی<sup>۱</sup> معصومه شادمان<sup>۲</sup>

gholami@razi.ac.ir

masoomeshadman12@gmail.com

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول):

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران:

### چکیده

### اطلاعات مقاله

مناظرات ائمه اطهار (علیهم السلام) به‌ویژه امام رضا (علیه السلام) به دلیل گستردگی دامنه موضوعی، روشی و فضای علمی به‌عنوان بخشی از منابع مؤثر تبیین و ترویج معارف اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این پژوهش به واکاوی ابعاد علمی و اخلاقی مهم‌ترین مناظرات امام رضا (علیه السلام) با پیروان ادیان و دانشمندان فرق و افراد مختلف بر پایه «نظریه کنش گفتاری» آستین از حیث زبان‌شناسی پرداخته شده و هدف این بوده است تا چگونگی استفاده از الگوی سه سطحی آستین در هنگام سخن گفتن و کنش‌های پنج‌گانه سرل در مناظرات امام رضا (علیه السلام) از جنبه‌های علمی و اخلاقی به‌طور کشیده شود. نظریه کنش گفتاری از رویکردهایی است که در حوزه تحلیل گفتمان مطرح بوده و آستین در آن به این نتیجه رسیده که همه اظهارات زبانی از سنخ اظهارات کنشی (انشایی) و از مقوله فعل بوده و در واقع هر اظهاری نوعی کنش گفتاری است. جان سرل نیز بر پایه این نظریه و در ادامه تلاش‌های استادش، کنش‌های گفتاری را به پنج کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی تقسیم کرد. با تطبیق نظریه‌های این دو بر برخی مناظرات امام رضا (علیه السلام) این نتیجه به دست آمده که امام رضا (علیه السلام) به آنچه این دو زبان‌شناس گفته‌اند، توجه داشته است که می‌تواند الگویی مناسب برای مباحث روشمند، علمی و آکادمیک باشد. همچنین مشخص شده که امام رضا (علیه السلام) از دو سطح نخست کنش‌ها یعنی کنش بیانی و کنش منظوری به هدف نیل به کنش تأثیری در مناظرات و گفت‌وگوهای خود بهره برده‌اند تا از این طریق قصد خود را به مخاطب القا کند و بر او تأثیرگذار باشد؛ بنابراین باید گفت الگوی سه سطحی آستین یعنی کنش بیانی، منظوری و تأثیری در کنار کنش‌های پنج‌گانه سرل مد نظر امام رضا (علیه السلام) بوده است؛ به گونه‌ای که با تعمیم به دیگر مناظرات، می‌توان گفت کنش تأثیری نتیجه اغلب مناظرات و مباحثات علمی امام رضا (علیه السلام) بوده است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۸/۲۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۰۱

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های گفتمانی، نظریه کنش گفتاری، کنش‌های پنج‌گانه سرل، مناظرات امام رضا (علیه السلام).

استناد: غلامی، عبدالله؛ شادمان، معصومه (۱۴۰۳). ارزش‌های گفتمانی در مناظرات امام رضا (علیه السلام) (مطالعه موردی: مناظرات بر پایه نظریه کنش گفتاری)؛ فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۱۸۷-۲۱۹).

DOI:10.22034/farzv.2023.398448.1882



ناشر: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

در فرهنگ اسلامی، مناظره در موضوعات و مسائل مختلف به‌ویژه در مباحث عقیدتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مورد توصیه و تأکید ویژه قرار گرفته است که از آن در قرآن کریم به «جدال احسن» تعبیر شده است (النحل، ۱۲۵). نبوی «نحن المجادلون فی دین الله» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۵) ناظر به این نکته است. برخی مفسران این گونه مجادله را به ملزم کردن خصم با حجت و برهان یا چیزی که پیش او مسلم و قطعی است تفسیر کرده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۵۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳: ۲۷۸) و تصریح کرده‌اند که در اخبار نیز مجادله بر همین معنا تفسیر شده است (گنابادی، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۲۱۳). البته آنچه مورد نهی قرار گرفته و مذموم دانسته شده، جدال به غیر علم است (ر.ک: الحج: ۳، ۸-۹ و ۶۸؛ المؤمن، ۴) و چه بسا به مرء نیز منجر شود (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۰۰).

علت اساسی این توصیه و تأکید نقش محوری مناظره‌ها در نمایاندن راه از بیراهه، مرتفع کردن موانع رشد و آماده‌سازی زمینه‌های مساعد برای مراحل و مراتب پیشرفت و توسعه در ابعاد مختلف و جلوه‌های گوناگون و مرتبط با پویایی مادی و معنوی انسان است.

علامه طباطبایی «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (النحل، ۱۲۵) را آن می‌داند که آنچه را خصم قبول دارد، گرفته شود و با همان ادعایش رد شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۳۴). این تعریف چنان که در ادامه می‌آید همان شیوه‌ای است که امام رضا (علیه السلام) در برخی مناظرات خویش در پیش گرفته است.

### ۱-۲. اهداف و ضرورت

در دوران امامت امام رضا (علیه السلام) موقعیت مناسب‌تری برای گفت‌وگو و بحث وجود داشت که این امر نسبت به زمان سایر ائمه (علیهم السلام) وسیع‌تر بود. علاوه بر این با ترتیب جلسه مناظره توسط مأمون فضای این امر مساعدتر شده بود. امام (علیه السلام) نیز به فراخور مناظره‌کنندگان و حاضران در جلسه و افراد پرسشگر شیوه‌ها و روش‌های خاص خویش را در پیش می‌گرفتند؛ لذا بررسی این شیوه‌ها و روش‌های اتخاذ شده، می‌تواند الگویی مناسب فراروی محققان و پژوهندگان عرصه‌های تعلیم و تربیت قرار گیرد. شاید عمده‌ترین مانع در دستیابی به هدف در گفت‌وگوها، رعایت نکردن این اصول یا ناآگاهی از آن‌ها باشد، در حالی با کشف اصول و روش‌های حاکم بر گفت‌وگوی

معصومان به‌ویژه واکاوی متن مناظرات امام رضا (علیه السلام) با مطالعه میان‌رشته‌ای، می‌توان همان اصول و روش‌ها را در عرصه آموزش و گفتمان‌های مختلف به‌خصوص در مسائل دینی اجرا کرد. در این صورت می‌توان از آموزشی بهتر برای دستاوردهای مختلف استفاده کرد.

از طرفی، امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان الگوی فکری و رفتاری مسلمانان، شیوه‌های تربیتی خاصی در مناظرات داشتند که لازم است جامعه دینی برای رشد و بالندگی افراد جامعه با این روش‌ها و آداب تعلیم و تربیت آشنا و از آن‌ها به‌رمنند شود. یکی از راه‌های بررسی مناظرات، مطالعه تطبیقی آن‌ها با نظریه‌های زبان‌شناسی از جمله نظریه کنش گفتار جان راجرز سرل<sup>۱</sup> است؛ بنابراین، نوشتار حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان با استفاده از کنش گفتاری سرل، مناظرات امام رضا (علیه السلام) را از جنبه‌های علمی و اخلاقی بررسی کرد؟

بی‌شک بررسی مباحث ارزشمند دینی با روش‌های نوین، از ضرورت‌های عصر حاضر است و از این طریق می‌توان ابعاد گسترده‌تری از این گنجینه را به جامعه علمی معرفی کرد.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های ارزشمندی درباره مناظرات امام رضا (علیه السلام) در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، تربیتی، علمی، تاریخی و ادبی منتشر شده است. از این میان می‌توان به مقاله «بررسی گفتمان القایی در فرایند مناظره امام رضا (علیه السلام) با علمای ادیان» از نصیحت و باغبانی (۱۴۰۱) اشاره کرد. در این مقاله از حیث نشانه‌معناشناسی به بررسی یک مناظره از امام رضا (علیه السلام) پرداخته شده و رویکرد گفتمانی آن بررسی شده است.

بر اساس نظریه کنش گفتار نیز می‌توان به مقاله «تحلیل متن زیارت‌نامه حضرت امام رضا (علیه السلام) بر پایه نظریه کنش گفتار» از پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) اشاره کرد که در آن به نظام ارتباطی میان متکلم و مخاطب در زیارت‌نامه امام رضا (علیه السلام) در سطح کاربردشناسی پرداخته‌اند.

با تفحصی که انجام شد، تاکنون مناظرات امام رضا (علیه السلام) بر اساس نظریه کنش گفتار و الگوهای زبان‌شناسی سه سطحی آستین و کنش‌های پنج‌گانه سرل مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ لذا در نوشتار حاضر به تحلیل فراهایی از مهم‌ترین مناظرات امام رضا (علیه السلام) با پیروان ادیان و افراد مختلف از این جنبه‌ها پرداخته شده است.

## ۱-۴. اعتبارشناسی مناظرات امام رضا (علیه السلام)

مناظرات امام رضا (علیه السلام) در منابع مختلف روایی گزارش شده است که یکی از آنها کتاب «الاحتجاج علی اهل اللجاج» نوشته احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی بوده که به بیان مناظره‌ها و استدلال‌های معصومان (علیهم السلام) پرداخته است. در این نوشتار، متن مناظرات امام رضا (علیه السلام) در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. طبرسی نیز خود دلیل نوشتن این کتاب را متوجه ساختن شیعیان به بحث جدال پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) می‌داند؛ چراکه بسیاری از شیعیان در آن زمان دست از بحث با مخالفان برداشته و بر آن بودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) هیچ وقت جدال نکرده‌اند» (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳).

البته پیش از الاحتجاج، مناظرات امام رضا (علیه السلام) در «عیون اخبار الرضا» از شیخ صدوق گزارش شده است. این کتاب از آثار روایی معتبر شیعه و همچون دیگر نگاهشسته‌های حدیثی شیخ صدوق، اعتبار و ارزش ویژه‌ای دارد.

## ۲. مباحث نظری

### ۲-۱. نظریه کنش‌گفتار

مجموعه مقالات تدریسی جان لانگشاو آستین<sup>۱</sup> در دانشگاه آکسفورد در کتاب «چگونه کلمات کار انجام می‌دهند»<sup>۲</sup> منتشر شده است. این کتاب معرّف رسمی «نظریه کنش‌گفتار»<sup>۳</sup> (۱۹۷۰) است. نگره آستین با تحلیل انواع مختلف عمل‌هایی آغاز می‌شود که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم؛ به عبارتی، طی فرایند گفتمان، گفتن جمله خود برابر با انجام عمل خاصی است. فلاسفه بر آن اند که زبان برای بازنمایی جهان به کار گرفته می‌شود؛ بدین معنا که جهان چه هست و چه نیست! به همین دلیل، مفهوم و هسته مرکزی زبان را حقیقت تشکیل می‌دهد، در حالی که نظریه کنش‌گفتار در صدد است تا بسیاری از فعل‌هایی را که انسان می‌تواند با کلمات انجام دهد، نشان دهد (سرل، ۱۳۸۵: ۸). این نظریه را می‌توان همچون حلقه‌ای رابطی پنداشت که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیات و مشاهدات عینی که بر چگونگی کاربرد زبان مبتنی است، پیوند می‌دهد (پایا، ۱۳۸۳: ۱۶؛ ر.ک: چاوشیان، ۱۳۸۶: ۸۷-۱۲۵).

1. Austin. J..L

2. How to Do Things with Words

3. Speech act theory

نظریه کنش گفتاری یک نظریه فلسفی است که به کارکرد کنش‌های انسانی در قالب جملات می‌پردازد یا اینکه جملات چگونه می‌توانند کنش‌های درونی و ظاهری رفتار انسانی را در پی داشته باشند. این نظریه به کاربرد زبان برای برقراری ارتباط توجه دارد. در واقع، کارکرد اصلی این نظریه در حیطه زبان است تا نشان دهد که از طریق همین زبان می‌توان اطلاعاتی را در قالب جملات به مخاطبان یا طرف مقابل ارائه داد. در واقع، آنچه در کنش گفتار اهمیت ویژه دارد، منظور و هدفی است که گوینده از بیان پاره‌گفتار خود دارد. با توجه به کنش‌هایی که سرل مطرح کرده، می‌توان از همان کنش‌ها اطلاعاتی از جمله متأثر شدن طرف مقابل را به دست آورد.

## ۱-۱-۲. نظریات آستین

اغلب فیلسوفان کلاسیک بر این نظریه بودند که نقش اصلی زبان (الفاظ و جمله‌ها) صرفاً توصیف واقعیت (یعنی اخبار از صدق و کذب) است. بنا بر تحلیل فیلسوفان اثبات‌گرا، گزاره‌های زبانی دو گونه توصیفی و ارزشی هستند. گزاره‌های ارزشی فقط بیان‌کننده احساسات و عواطف شخصی هستند. طبق معیارهای منطقی، چنین گزاره‌هایی بی‌معنا هستند؛ زیرا تجربه‌پذیری ندارند و از نظر فلسفی نیز فاقد اهمیت‌اند. گزاره‌های توصیفی دو گونه تحلیلی و تألیفی هستند و نقش مهم و اساسی زبان یعنی واقعیت‌نمایی را بر عهده دارند (سرل، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹). منطق‌دانان بر این باورند که این تقسیم‌بندی سرنوشت کل زبان و وظیفه فیلسوف را مشخص می‌سازد. ولی آستین نشان داد که نقش اصلی زبان، تنها حکایتگری واقعیت نیست، بلکه با زبان می‌توان افعال و اعمالی متنوع بسیاری را به انجام رساند؛ بنابراین، تلقی و تقسیم‌یادشده را انکار کرد (استیور، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

تلقی آستین بر این اساس بود که در میان اظهارات زبانی، طبقه مهمی هست که صادق و کاذب نیست، ولی ظاهرش همچون جمله‌های خبری است؛ زیرا در چنین جمله‌هایی قصد گوینده توصیف وضع، حال یا واقعیت نیست، بلکه انجام فعل است؛ به عبارتی، از نظر آستین، کارکرد زبان چیزی فراتر از اطلاع‌رسانی است به گونه‌ای که یک جمله می‌تواند با یک عمل یا کنش همراه باشد؛ مثلاً اگر کسی بگوید: «قول می‌دهم شما را ببینم»، با این جمله به شما وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد و از این جمله خبری، توصیف وعده یا حکایت کردن از وعده را قصد نمی‌کند (سلیمی‌نوه، ۱۳۸۳: ۵۳).

التفات به این نکته آستین را بر آن داشت تا به جای تمایز میان گزاره‌های توصیفی و ارزشی، اظهارات هر گوینده را به اظهارات کنشی (انشایی) و اخباری تقسیم کند.

اظهارات کنشی از سه نظر از اخباری متمایز می‌شود (سرل، ۱۳۸۵: ۳۰). در اظهارات کنشی غالباً از فعل نحوی خاصی استفاده می‌شود که بر کنشی خاص دلالت می‌کند؛ مثلاً برای انجام فعل «وعده» باید گفت: «من وعده می‌دهم...». همچنین در جمله‌های کنشی، می‌توان از قید «بدین وسیله» استفاده کرد و گفت: «بدین وسیله وعده می‌دهم»؛ ولی در اظهارات اخباری به کاربردن فعل نحوی که بر کنش دلالت کند، لازم نیست؛ مثلاً به سادگی می‌توان گفت: «هوا ابری است». همچنین اظهار اخباری، صدق و کذب‌پذیر است، ولی اظهار کنشی این‌گونه نیست، بلکه «متناسب» یا «نامتناسب» است. لذا اگر طبق شرایط و قواعد لازم، اظهار کنشی برای انجام فعل و تحقق کنشی صورت گیرد، متناسب و تام است، در غیر این صورت، نامتناسب و ناقص تلقی می‌شود. تمایز سوم این است که اظهار کنشی از مقوله فعل و به معنای انجام چیزی است، در حالی که اخباری از نوع بیان واقعیت یا توصیف است. در واقع، در اظهار کنشی، گوینده با نفس اظهار، فعل مد نظر خود را به انجام می‌رساند (آستین، ۱۹۷۰م: ۲۶۰). آستین بعدها اعلام کرد که تقسیم دوگانه اظهارات به انشایی (کنشی) و اخباری درست نیست و در واقع، می‌توان همه اظهارات زبانی را از سنخ انشایی و از مقوله فعل دانست و بلکه هر اظهاری، نوعی کنش گفتاری است. از نظر وی انسان هنگام سخن گفتن سه سطح متفاوت از کنش‌ها را به کار می‌گیرد:

۱. کنش بیانی: بیان عبارت‌هایی که مفهوم و مصداق دارند؛

۲. کنش منظوری: متکلم از اظهارات خود هدف خاصی را دنبال کند؛

۳. کنش تأثیری: کلام معناداری که در شنونده تأثیر خاصی را به وجود می‌آورد (پایا، ۱۳۸۳: ۴۴۰)؛ بنابراین، هر اظهاری (چه اخباری باشد و چه کنشی) این سه کنش را دربر دارد. با این تحلیل کلماتی که بر زبان جاری می‌شود، کنش بیانی است و زمانی که منظور خاصی دنبال می‌شود، کنش منظوری است و هنگامی که کلام بر مخاطب تأثیر می‌گذارد، کنش تأثیری است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، آستین ابتدا در واکنش به نظریه فیلسوفان اثبات‌گرای زبان که گزاره‌ها را به دو گونه توصیفی و ارزشی تقسیم می‌کردند، به دو گونه اظهارات کنشی و اخباری قائل شد. سپس متوجه شد که حتی در اظهارات اخباری، کنش‌هایی انجام می‌گیرد که از سنخ انشایی و از مقوله فعل است؛ بنابراین، به الگوی سه‌گانه‌ای رسید که نشان می‌داد در هر اظهار زبانی، سه کنش بیانی (مربوط به خود زبان)، منظوری (مربوط به قصد گوینده)، و تأثیری (مربوط به تأثیر بر مخاطب) وجود دارد. شایان ذکر است که کنش منظوری در نظریه کنش گفتار در تعیین معنا اهمیت دارد و با تحقق آن ارتباط زبانی شکل می‌گیرد.

## ۲-۱-۲. الگوی سرل

سرل نیز مانند آستین تمایز بین جمله‌های خبری / کنشی را همچون تمایز بین دو نوع متفاوت کنش رد می‌کند. او می‌پذیرد که کنش گفتار، واحد پایه معنی است. وی کنش‌های گفتاری را پنج‌گونه کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی می‌داند (Searle, 1969: 33).

یک. کنش اظهاری<sup>۱</sup>: هدف از این کنش، توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده باور خود را نسبت به صحت و کذب مطلبی اظهار می‌دارد. در واقع، این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق مبحث مطرح‌شده آشکار می‌کند. برای نمونه، در جمله «من به این نتیجه رسیده‌ام که فرشته فارغ التحصیل نشده است»، گوینده می‌کوشد بر صحت «به این نتیجه رسیده‌ام که فرشته فارغ التحصیل نشده است»، تأکید کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲). این کنش محتوای گزاره‌ای را با جهان و محیط مطابقت داده، باورهای پیونده را نشان می‌دهد. افعال کنش اظهاری شامل تأیید کردن، دلیل آوردن، اثبات کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن و ... می‌شود.

دو. کنش ترغیبی<sup>۲</sup>: تشویق کردن مخاطب بر انجام گرفتن عملی و به اجبار درآوردن شنونده در حالت تکلیف و اجبار بر صورت گرفتن کاری است. فرد گوینده قصد در عمل قرار دادن شنونده را دارد تا او کاری مطابق جهان با محتوای گزاره‌ای انجام دهد که دربرگیرنده عمل او در آینده است (Yule, 1996: 54). کنش ترغیبی، میل و علاقه فرد گوینده را آشکار می‌سازد. مثال واضح از این کنش در پرسش‌ها و درخواست‌ها نمود می‌یابد. افعال لازم برای کنش ترغیبی شامل پیشنهاد کردن، القا کردن، هشدار دادن، تقاضا کردن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، خواستن، دعوت کردن، دستور دادن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، توضیح خواستن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، بایستن و لازم بودن و ... است.

سه. کنش تعهدی<sup>۳</sup>: گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و افعالی این چنین، متعهد می‌شود در آینده کاری را انجام دهد. هدف این کنش مطابقت جهان با گزاره‌ای است که عمل آتی گوینده می‌شود. افعال کنش تعهدی شامل قول دادن، هدیه کردن، توجیه و ثابت کردن نسبت به خویش، موافقت کردن، تعهد دادن، داوطلب شدن و قسم خوردن است.

1. Representative Act or Assertive Act
2. Directive Act
3. Commissive Act

چهار. کنش عاطفی<sup>۱</sup>: گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز این‌ها بیان می‌کند و به عبارت دیگر بیان حالت روانی است که شخص در آن سهیم شده است. بیان هر گزاره (با فرض حقیقی بودن آن)، در فرد احساسی خاص را به وجود می‌آورد. افعال کنش عاطفی شامل تعجب کردن، بیان آرزو، پیش‌بینی کردن، معذرت خواستن، تشکر کردن، تأمل کردن، خشنود شدن، سلام کردن، فرض داشتن، متضمن چیزی بودن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، احترام گذاشتن و... است.

پنج. کنش اعلامی<sup>۲</sup>: این کنش به معنای اعلام وضعیت‌ی تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خود در جهان تغییراتی جدید و نزدیک به واقع ایجاد می‌کند. کنش اعلامی دو وجه انطباقی بین زبان و جهان دارد. کنش اعلامی زمانی پیش می‌آید که گوینده قدرت و صلاحیت لازم را داشته باشد. افعال کنش اعلامی شامل آغاز کردن کار، پایان دادن کار، انتصاب کردن، به کار گماردن، نام‌گذاری کردن و... است. مهم‌ترین ابزار تسهیل شناخت کنش اعلامی «من اعلام می‌کنم که...» است.

## ۲-۲. ضرورت و چرایی مناظره در عصر امام رضا (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ شیعه به امامت رسید. به اوج رسیدن فعالیت فرقه‌های انحرافی در جامعه تشیع سبب اهمیت این برهه از تاریخ است. عقاید انحرافی به گونه‌ای بود که حتی خواص جامعه را نیز که عضو بیت الحکمه بودند، تحت تأثیر قرار می‌داد (قفطی، ۱۳۷۲: ۶۵). بحث‌های فلسفی و کلامی و همچنین ترجمه و تألیف کتب مربوط به آن در زمان مأمون، سرعت بیشتری به خود گرفت و وجود مسائل مهمی از قبیل: مبدأ و معاد، توحید و نبوت، حدوث و قدم، جبر و اختیار و دیگر مباحث اعتقادی باعث به‌وجود آمدن بحث‌های کلامی شد (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۸۱)؛ از این رو، امام رضا (علیه السلام) وظیفه خود را چنین دیدند که برای حفظ بنیان و نهاد دین حرکتی اساسی داشته باشد. کار بزرگ امام (علیه السلام) این بود که با شرکت در مناظرات علمی، اساس و ریشه اسلام و مکتب تشیع را اثبات کنند و از آلودگی و انحراف مبرا سازند و با رد افکار باطل فرقه‌های منحرف و اثبات حقانیت دین، تکلیف اساسی خود را به بهترین صورت انجام دهند.

1. Expressive Act  
2. Declaration Act

### ۳. بررسی و تحلیل

#### ۳-۱. بهره‌گیری از کنش‌های گفتاری از جنبه‌های علمی در مناظرات امام رضا (علیه السلام)

با واکاوی متن مناظرات بر پایه کنش گفتاری می‌توان به بعد علمی و منطقی مناظرات که مثبت علم و دانایی امام (علیه السلام) است، پی برد؛ چراکه امام (علیه السلام) با شیوه‌های مختلفی از اظهارات کنشی و اخباری برای اقناع مخاطب/ مخاطبان و آگاهی بخشیدن به آن‌ها استفاده می‌کرد. از آنجا که امام (علیه السلام) این شیوه‌ها را مشخصاً و به صورت گزاره‌های تجویزی ذکر نکرده است، با تحلیل مناظرات می‌توان به این کنش‌ها دست یافت. کنش‌های سه‌گانه بیانی، منظوری و تأثیری آستین نیز بر مناظرات تطبیق پذیر است که ضمن مباحث مورد اشاره قرار می‌گیرند.

#### ۳-۱-۱. کنش اعلامی ناظر بر دانایی امام رضا (علیه السلام) به منابع دیگران مختلف

توجه به کلام و استناد به متون و منابع مقبول طرف مناظره مهم است. اگر در مناظره یک طرف چیزی بگوید و طرف دیگر چیز دیگر و هر کدام منبع طرف مقابل را قبول نداشته باشد، گفت‌وگو به سرانجام نمی‌رسد. زمانی که مأمون، امام (علیه السلام) را برای مناظره با ادیان و فرق مختلف فرا می‌خواند، حسن بن محمد نوفلی ظاهراً از این مسئله ترسی داشت. از آنجا که امام (علیه السلام) از جایگاه قدرت معنوی برخوردار بودند، با استفاده از کنش اعلامی در گفتار خویش، قدرت و صلاحیت لازم برای مناظره کردن با ادیان و فرق مختلف را بر مخاطب خویش این چنین روشن ساخت: «هنگامی که استدالات مرا در برابر اهل تورات به تورات‌شان بشنود و در برابر اهل انجیل به انجیل‌شان و در مقابل اهل زبور به زبورشان و در مقابل صابئین به زبان عبری‌شان و در برابر هیربدان به زبان فارسی‌شان و در برابر اهل روم به زبان رومی و در برابر پیروان مکتب‌های مختلف به لغات‌شان. آری، هنگامی که دلیل هر گروهی را جداگانه ابطال کردم، به طوری که مذهب خود را رها کنند و قول مرا بپذیرند، آن‌گاه مأمون خواهد دانست مقامی را که او در صدد آن است، مستحق نیست. آن وقت پشیمان خواهد شد...» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۶).

افزون بر اینکه امام (علیه السلام) پیش از آغاز مناظره این گونه از کنش اعلامی خود سخن می‌گوید، در بطن مناظره نیز به فراخور طرف‌های مناظره با عملکردی که در پیش می‌گیرد، از این کنش بهره می‌گیرد و آن‌ها را به کنش‌های دیگر از جمله اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی وا می‌دارد و آنان را به پذیرش سخنان و دیدگاه‌های علمی و عقیدتی خویش ناگزیر می‌گرداند یا افکار و آرای انحرافی آن‌ها را دگرگون و متزلزل می‌سازد.

برای نمونه، زمانی که رأس الجالوت درباره اثبات نبوت پیامبر ﷺ از امام علیؑ شاهد خواست، امام علیؑ این آیه از تورات را خواندند: «نور از جانب کوه طور سینا آمد و برای مردم از جانب کوه ساعیر درخشید و از کوه فاران برای ما آشکار شد» (کتاب مقدس، ۱۹۹۵، تثنیه ۳۳: ۲) و سپس با بهره‌گیری از کنش ترغیبی، از او تقریر مطلب مد نظر را می‌گیرد و در پی درخواست او مبنی بر تفسیر آن می‌فرماید: نوری که از طرف سینا آمد، همان وحیی است که بر موسی بن عمران در طور سینا نازل شد و روشن شدن کوه ساعیر اشاره به همان کوهی دارد که در آنجا بر عیسی بن مریم وحی شد و منظور از کوه فاران، کوهی است در اطراف مکه که با مکه یک روز فاصله دارد.

در ادامه گفت‌وگو، امام علیؑ با بیان استدلال‌هایی از کتاب اشعیا و حیقوق نبی و تطبیق آیه احیاگر سنت بعد از فترت در زبور داوود بر پیامبر اکرم ﷺ با بهره‌گیری از کنش ترغیبی، رأس الجالوت را به پاسخ و ادامه مناظره وادار می‌سازد و در نهایت با بحثی طولانی در قالب پرسشی درباره معجزات پیامبران از جمله معجزات موسی علیؑ و پرسش‌هایی دیگر، به استناد اخبار متواتر رسیده از اصحاب موسی علیؑ به اثبات نبوت عیسی علیؑ و پیامبر اکرم ﷺ و ویژگی‌های شخصیتی ایشان و قرآن کریم می‌پردازد. در این مناظره امام علیؑ با شیوه‌های مختلف استدلال، از جمله دلیل نقلی از کتب انبیای پیشین و دلیل عقلی در مسئله معجزات، طرف مناظره را به کنش اظهار مبنی بر درماندگی در بحث علمی وادار می‌سازد (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۱۱-۴۱۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۸۰).

در نمونه دیگر، امام رضا علیؑ ویژگی تسلط خویش بر متون دینی ادیان توحیدی را که حاکی از بهره‌گیری از کنش اعلامی است، در مناظره علمی با جاثلیق در پیش گرفته است. در ادامه این مناظره مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### ۳-۱-۲. کنش ترغیبی در دعوت از طرف مقابل به پرسش

امام رضا علیؑ در مناظرات، دعوت از طرف مقابل را برای مباحثه با کنشی ترغیبی همراه می‌کرد. در واقع، دعوت به پرسش با ترغیب طرف مقابل، نقطه آغازین در مناظرات ایشان است. امام علیؑ همواره با کنش ترغیبی، مناظره را چنین آغاز می‌نمود: «اگر در بین شما کسی هست که می‌خواهد سؤال کند، بپرسد» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۴) یا در جای دیگر از مناظره فرمود:

۱. در ترجمه فارسی عصر حاضر از کتاب مقدس، به جای کلمه «نور»، کلمه «بهبوه» به معنای «خدای قوم یهود» آمده است: «بهبوه از سینا آمد...». در ترجمه تفسیری انجمن بین المللی کتاب مقدس (۱۹۹۵م: ۲۰۷)، همین کلمه به «خداوند» تبدیل شده و در تورات سامری عربی کلمه «الله» آمده است (۱۹۷۸م: ۳۴۰). اینکه امام رضا علیؑ در مناظره به کلمه «نور» تصریح کرده و طرف مناظره نسبت بدان موضع مخالف نگرفته، می‌تواند دلیل بر تحریف متن تورات باشد. اعتبارسنجی متن عهدین موجود با تکیه بر مناظرات امام رضا علیؑ به پژوهشی دیگر واگذار می‌شود.

«اگر در بین شما کسی مخالف اسلام هست و می‌خواهد سؤال کند بدون اینکه غضبناک شود، سؤال کند» (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۴۷).

امام (علیه السلام) با کنش ترغیبی در گفتار خویش توانست به انحرافات فکری و عقایدی که صاحبان ادیان و فرق مختلف با آن درگیر بودند، به مناظره بپردازد و زمینه کنش تأثیری را نیز در آن‌ها فراهم آورد و آن‌ها نیز بدون هیچ واژه‌ای سؤال کنند و پذیرای استدلال‌ها و پاسخ‌های امام (علیه السلام) شوند.

### ۳-۱-۳. بهره‌گیری از کنش عاطفی و ترغیبی در تطبیق کلام با مقتضای حال مخاطب

امام رضا (علیه السلام) با بهره‌گیری از کنش عاطفی و ترغیبی در گفتار خویش، در برخورد با دانشمندان و فرق مختلف، نخست حالات و ویژگی‌های گوناگون روانی، عاطفی، عقلی، علمی و... دانشمندان مقابل را در نظر می‌گرفت و سپس آن‌ها را به شاخصه‌های گوناگون زمانی، مکانی، فرهنگی و به‌ویژه عقیدتی پیوند می‌زدند و پیوسته به یاران‌شان نیز این مسئله را متذکر می‌شدند که «با دیگران آن‌گونه سخن بگویید که می‌فهمند و آنچه را نمی‌پذیرند رها کنید» (بروجردی، ۱۳۸۴، ج ۱۸: ۴۳۲).

از بنیادی‌ترین کارهایی که یک گفت‌وگو را رسا و تأثیرگذار می‌کند، «همگام شدن و مطابقت با مقتضای حال مخاطب» است. به همین دلیل، امام (علیه السلام) با همراه کردن کنش عاطفی و ترغیبی با این ویژگی به خوبی با طرف مقابل در حد فهم‌شان ارتباط برقرار می‌کرد.

همگام شدن امام (علیه السلام) با مباحثه‌گر از نوع کنش ترغیبی است. امام (علیه السلام) با بهره‌گیری از این نوع کنش فضا را برای طرح دیدگاه‌ها و پیشنهادها بیشتر باز می‌نمود؛ چراکه عمل ایشان، در واقع به معنای پذیرفتن طرف مناظره بود و همگام شدن امام (علیه السلام) به نوعی، مقاومت مناظره‌گر را کاهش می‌داد. از این طریق، جو مناظره تلطیف می‌شد و امام (علیه السلام) می‌توانست با آگاهی از تجربه مخاطب، وی را به تجربه‌های جدید رهنمون سازد.

جاثلیق در پاسخ مأمون که دعوت به مناظره با امام (علیه السلام) شده بود، گفت: ای امیر مؤمنان! من چگونه بحث و گفت‌وگو کنم. او به پیامبری اعتقاد دارد که من به او ایمان نیاورده‌ام و به کتابی استدلال می‌کند که من آن را نپذیرفتم و امام رضا (علیه السلام) برای همگام شدن با جاثلیق با به‌کارگیری کنش ترغیبی و در عین حال عاطفی فرمود: ای نصرانی! اگر به انجیل خودت برای تو استدلال کنم، اقرار خواهی کرد؟ (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۳۱۸؛ طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۲۵).

### ۳-۱-۴. کنش عاطفی و ترغیبی امام رضا (علیه السلام) با ایجاد فضای آزاد به مخالفان

در مناظره، یک طرف را نباید از مطرح کردن پرسش‌های متعدد یا از انتقال دلیلی به دلیل دیگر باز داشت، بلکه شرایطی باید به وجود آورد که آنچه در ذهن دارد به کار بگیرد و آن را مطرح سازد و در میان سخن و گفته‌های خود آنچه مورد احتجاج او در رسیدن به حقیقت و حق است، استخراج کند؛ چراکه مقصود از مناظره دستیابی به حقیقت است و اگر ضمن مناظره این مقصود حاصل شد، باید آن را پذیرفت (شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۵۰۷-۵۰۸؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۱: ۱۰۱).

حضرت در مناظره با رأس الجالوت، پیشوای بزرگ یهودیان، در ابتدای بحث به او اجازه طرح سؤال هایش را داد و در ادامه از پیشنهاد او نیز استقبال کرد، در حالی که طرف مناظره عرصه را بر حضرت تنگ‌تر گرفت و تأکید داشت که فقط از منابع مورد قبول خودش دلیل می‌پذیرد. امام (علیه السلام) این شرط را پذیرفت و فرمود: «دلایلی را از من بپذیر که در تورات بر زبان موسی بن عمران و در انجیل بر زبان عیسی بن مریم و در زبور بر زبان داوود آمده است» (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۰۰).

این سخن و بررسی اجمالی متن مناظره و پایان آن نشان می‌دهد که حضرت در گفتار خویش از کنش ترغیبی بهره می‌گیرد تا به کنش تأثیری برسد و از این طریق به اثبات حق دست یازد و پیروز میدان شود.

امام (علیه السلام) برای جلب توجه مخاطب و حاضران و تشویق کردن آنان به گوش فرادادن و نیز برای همراه کردن آنان با عقاید خویش، بارها از چنین کنشی در بحث و گفت‌وگوهای علمی استفاده می‌کرده است؛ زیرا بدیهی و مسلم است که گوینده برای جلب توجه مخاطب خود از چنین کنشی استفاده نماید. علاوه بر این، با توجه به عصر امام (علیه السلام) که عقاید انحرافی شیوع یافته بود، ضرورت چنین کاربردی به خوبی درک می‌شود.

### ۳-۱-۵. استناددهی به منابع معتبر بر اساس کنش‌های گفتاری

امام رضا (علیه السلام) در مناظرات‌شان با استفاده از کنش اظهاری، عقیده و باور خویش را درباره درستی یا نادرستی مطلبی بیان و همیشه در مناظرات و برخوردهایشان طرف مقابل را ملاحظه می‌کرد و بر اساس آن عمل می‌نمود؛ مثلاً در برخورد با علمای ادیان دیگر از روش عقلی یا از روش نقلی یعنی ارجاع به کتب مقدس خودشان و اقوال بزرگان آن‌ها استفاده می‌کرد. چنانچه امام (علیه السلام) در مناظره با جاثلیق برای اثبات نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از کتاب انجیل آن‌ها برای استشهاد بهره می‌گیرد.

امام (علیه السلام) با استمداد از کنش اظهاری، باور و عقیده و ایمان خویش را نسبت به عقاید فرق مختلف شرح و بسط می‌داد و از طریق شیوه‌های مختلف، طرف مقابل را نسبت به عقاید اسلامی قانع می‌کرد. آنچه در مناظره با سلیمان مروزی، مأمون و علی بن جهم اتفاق افتاد (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۸۱)، دلیل بر این است که امام (علیه السلام) در مناظره با متکلمان اسلامی علاوه بر بهره‌گیری از استدلال عقلی، از آیات قرآن و اقوال شخصیت‌های تاریخی نیز بهره می‌بردند.

### ۳-۱-۵-۱. بهره‌گیری از کنش‌های اعلامی و ترغیبی در استدلال عقلی به هدف اظهارات کنشی

بهره‌گیری از روش عقلی و استدلال عقلایی کاربست ویژه‌ای در مناظره دارد. امام (علیه السلام) نیز در مواجهه با طرف مناظره، از روش عقلی و استدلال بهره می‌بردند. در مناظره با اهل کتاب از طریق استدلال عقلی و بر اساس مشترکات دینی به رفع اشکالات و به اثبات حقایق اسلام می‌پرداختند؛ اما بیش از همه در مناظره با عمران صابی بود که امام (علیه السلام) با استدلال‌های عقلی، تمام راه‌های گریز را بر او بست و او را در بحث اثبات یگانگی خداوند و قائم بودن به وحدانیت، مجبور به تسلیم کرد. در ادامه بخشی از این مناظره را به اختصار بر اساس کنش‌های گفتاری تحلیل می‌کنیم.

امام (علیه السلام) در ابتدا با توجه به کنش اعلامی با جمله «هر چه می‌خواهی، بپرس»، تسلط تام و کامل خویش را بر مباحث علمی و اعتقادی به حاضران در جلسه اظهار داشتند.

عمران صابی نیز پرسش‌های خویش را از نخستین موجود هستی آغاز کرد و منتظر دریافت پاسخ به دو پرسش مهم در مسئله‌شناسی بود: یکی مربوط به هدف خداوند از آفرینش بود و اینکه چه کمبودی از او با آفرینش برطرف شد؟ پرسش دیگر درباره آفرینش از عدم و چگونگی تصور و تحقق آن بود.

از آنجا که مبحث هستی‌شناسی از مسائل کلی فلسفه و مبتنی بر استدلال‌های عقلی است، امام (علیه السلام) نیز این چنین پاسخ او را دادند: اکنون که سؤال کردی، با دقت گوش کن! ما معتقدیم خداوند همیشه بوده و یگانه و واحد بوده و چیزی با او نبوده است. سپس مخلوقات مختلف را ابداع فرمود. جهان را نه در چیزی برپا داشت و نه در چیزی محدود کرد و نه طرح و نقشه‌ای قبلاً در جهان بود تا مثل آن بیافریند. سپس مخلوقات را به گروه‌های مختلف برگزیده و غیر برگزیده، مؤخر و مقدم، رنگ و طعم (و غیر آن) تقسیم کرد. نه نیازی به آن‌ها داشت و نه به این وسیله ارتقای مقام می‌یافت.

سپس فرمود: بدان ای عمران! اگر خداوند برای نیازی جهان را آفریده بود، باید با قدرتی که

داشت، چندین برابر این‌ها را بیافریند؛ چراکه هر قدر اعوان و یاورانش بیشتر باشد، بهتر است و لذا می‌گوییم آفرینش او برای رفع نیازی نبود.

امام (علیه السلام) در پاسخ پرسش دیگر عمران که درباره علم خداوند به ذات پاکش در ازل و قبل از آفرینش موجودات و چگونگی علم او به آن‌ها بعد از وجودشان بود، با استناد به قاعده امتناع عقلی تسلسل فرمودند: علم او علم حضوری است و موجودات نزد ذات پاکش حاضرند، وگرنه تسلسل لازم می‌آید؛ چراکه باید به آن علم نیز علمی داشته باشد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۴؛ طبرسی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۴۷).

امام (علیه السلام) پس از پاسخ به پرسش دیگر عمران درباره انواع مخلوقات، با این پرسش عقلی «آیا این آفرینش گسترده در ذات او تغییری ایجاد نمی‌کند؟» او را وادار می‌کند تا ضمن بیان منظور خود (کنش منظوری)، این تأثیر را در خود احساس کند که گرفتار مسئله قیاس در فهم صفات خدا شده است (کنش تأثیری). در ادامه امام (علیه السلام) با بیان اینکه یک وجود قدیم و ازلی که عین هستی مطلق است، دگرگونی در او معنا ندارد، او جامع جمیع کمالات است و نقصی در او وجود ندارد که با آفرینش مخلوقات برطرف گردد، پاسخی مستدل و عقلی به او می‌دهد تا او را متوجه اشتباه بودن کنش منظورش نماید. در واقع، این پاسخ، خود می‌تواند کنش اعلامی از سوی امام (علیه السلام) باشد تا از این طریق اشتباه بودن اندیشه و عقیده عمران را بیان نماید.

نمونه دیگر استدلال عقلی امام رضا (علیه السلام)، اثبات وحدانیت خداوند و نفی الوهیت عیسی (علیه السلام) در مناظره با جاثلیق است. ایشان استدلال کردند که اگر مبنای استدلال جاثلیق برای ادعای خداوندی عیسی معجزه است، چرا به خداوندی پیامبران پیشین که آنان نیز مردگان را زنده می‌کردند و بیماران را شفا می‌دادند، اعتقاد پیدا نمی‌کنند؟ (ابن بابویه، ۱۳۹۴: ۷۷۳). در این بخش از مناظره، استدلال عقلی امام (علیه السلام) که بر مبنای کنش بیانی و منظوری بود، کنش تأثیری جاثلیق را در پی داشت که با برگشتن از عقیده خویش، ناچار به پذیرش وحدانیت خداوند و نفی الوهیت عیسی (علیه السلام) شد (همان).

### ۳-۱-۵-۲. بهره‌گیری از اظهارات کنشی در استدلال به اصول مشترک ادیان

توجه به اصول مشترک بین ادیان در مناظره می‌تواند باعث نتیجه بخش شدن آن باشد. امام رضا (علیه السلام) هم در مناظراتشان بر این نکته توجه داشته‌اند؛ همچنان که در جای جای مناظرات، ایشان با اهل کتاب (مسیحی، یهودی، زرتشتی) در بحث توحید، ارسال رسل و نزول کتب

آسمانی با استناد به کتاب‌ها و گفته‌های رسولان مورد تأیید آن‌ها به اثبات حقانیت اسلام می‌پردازند (طاهری آکردی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). به‌طور کلی، چنان‌که گذشت، از نظر آستین، هر استدلالی مبتنی بر کنش بیانی و منظوری گوینده آن است و چه‌بسا به کنش تأثیری مخاطب نیز منجر شود. برای نمونه، هر سه کنش را که زیرمجموعه اظهارات کنشی هستند، در مناظره با عمران صابی چنان‌که در همین نوشتار بدان اشاره می‌شود، می‌توان به‌طور تطبیقی مشخص کرد.

### ۳-۱-۵-۳. کنش اظهاری استفاده از تشبیه، مقایسه و تمثیل برای کنش‌های بیانی، منظوری و تأثیری

استفاده از تشبیه، مقایسه و تمثیل نقش عمده‌ای در اقناع دارد و تفهیم مطلب را تسهیل می‌گرداند. با توجه به نظریه کنش‌های گفتاری، بهره‌گیری از این شیوه که مشتمل بر کنش بیانی و منظوری است، به کنش تأثیری در مخاطب منجر می‌شود. به همین منظور، امام (علیه السلام) در مناظره با جاثلیق و رأس الجالوت از تشبیه و مقایسه بهره گرفتند. در رد ادعای جاثلیق که به دلیل معجزه‌های عیسی (علیه السلام) برای وی الوهیت قائل بود، کار عیسی را به کار یسع، حزقیل و ابراهیم مقایسه و تشبیه نمود و چنان‌که گذشت، استدلال کردند که اگر مبنای استدلال برای ادعای خداوندی عیسی (علیه السلام) معجزه باشد، باید به خداوندی پیامبران پیشین که آنان نیز مردگان را زنده می‌کردند و بیماران را شفا می‌دادند، اعتقاد یابد (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۴: ۷۷۳).

### ۳-۱-۵-۴. نمود کنش اظهاری در بهره‌گیری از مثال و تاریخ گذشتگان

یکی از شیوه‌های جذاب در امر آموزش استشهاد به تاریخ گذشتگان است که فهم مطلب را سریع و آسان می‌سازد. این شیوه در سیره امام (علیه السلام)، به‌خصوص در مناظرات حضرت مشاهده می‌شود که در مواردی به تاریخ گذشتگان نیز اشاره می‌کند. روایت ذیل که به‌منزله مناظره غیابی مردم با امام رضا (علیه السلام) است و ریان بن صلت افکار عمومی عصر ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) را با ایشان در میان می‌گذارد، نمونه‌ای از بهره‌گیری امام (علیه السلام) از این شیوه است. ریان بن صلت روایت می‌کند که بر امام (علیه السلام) وارد شدم و عرض کردم: یا ابن رسول الله، مردم می‌گویند که تئولی‌عهدی مأمون را قبول کردی با اینکه اظهار زهد و بی‌میلی به دنیا می‌کنی. امام (علیه السلام) فرمود: خدا داناست به اینکه من این عمل را ناخوش داشتم، ولی چون مخیر شدم میان قبول این عمل و قتل، قبول این عمل را برگزیدم (ابن بابویه، ج ۲: ۱۳۹).

امام (علیه السلام) در ادامه با استناد به سیره یوسف پیامبر و سخن او در قرآن کریم، اضطرار و اکراره

خویش را نسبت به پذیرش ولایت‌عهدی این‌گونه اظهار داشتند: وای بر مردم آیا نمی‌دانند که یوسف (علیه السلام) رسول و پیغمبر بود. چون ضرورت او را واداشت به متولی شدن خزینه‌های عزیز مصر، به عزیز گفت: «اجعلنی خزائن الأرضِ اِنِّی حَفِیْطٌ عَلِیْمٌ» و مرا ضرورت واداشت به قبول این عمل از روی اکراه و اجبار بعد از آنکه مشرف بر کشته شدن شدم. علاوه بر اینکه من بر این امر داخل نشدم مگر مثل داخل شدن کسی که خارج باشد؛ یعنی آثار ولی‌عهدی مأمون و نائب‌شدن از حاکم جور جاری نمی‌کنم و به سوی خدا شکوه می‌کنم و او یاری‌کننده بندگان است (ابن بابویه، ج ۲: ۱۳۹). این‌گونه سخن گفتن و استدلال کردن، ناظر به کنش اظهاری است که امام (علیه السلام) از این طریق حقیقت ماجرا و عقیده درونی خویش را اظهار داشته‌اند.

### ۳-۱-۵-۵. کنش اظهاری در مقایسه منطقی در پاسخگویی و مباحث علمی

رابطه منطقی در صغری و کبری و قیاس‌ها در تبیین، پاسخگویی و مباحث علمی، تأثیر بسزایی در تفهیم و دلنشین شدن مطالب دارد و مخاطب را به کنش تأثیری وامی‌دارد. امام رضا (علیه السلام) نیز با آگاهی از این نکته، همین شیوه را در مناظرات و تبیین مسائل در نظر داشته‌اند؛ برای نمونه، امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به یکی از خوارج که در کسوت مناظره از پذیرش ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) و ورود ایشان به حکومت طاغوت (مأمون) سؤال کرده بود و مأمون را کافر می‌دانست، کار خود را با ورود یوسف پیامبر به حکومت عزیز مصر و جایگاه نسبی خویش را با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با جایگاه نسبی یوسف پیامبر و پدرش یعقوب مقایسه کرد و پاسخ‌های خود را با این پرسش‌ها آغاز نمود: آیا به نظر تو اینان کافرترند یا عزیز مصر و اهل کشور او؟ مگر نه اینکه اینان، خود را موحد می‌دانند، ولی حکام مصر، نه یکتاپرست بودند و نه خداشناس؟! یوسف، پسر یعقوب (علیه السلام)، پیامبر و پسر پیامبر بود که به عزیز مصر گفت: مرا مسئول خزائن مملکت قرار بده... و با فرعون‌ها نشست و برخاست می‌کرد، در حالی که من یکی از اولاد پیامبر هستم (نه پیامبر) و مأمون هم مرا بر این کار اجبار و اکراه کرده است (عیاشی، ۱۳۶۳: ۷۰۰؛ راوندی، ۱۳۶۸: ۶۳۰). پس از بیان چنین قیاسی از سوی امام رضا (علیه السلام) که ناظر به کنش اظهاری از سوی امام رضا (علیه السلام) برای ابراز حقیقت ماجراست، زمینه کنش تأثیری در مخاطب را فراهم آورد و بر صداقت امام (علیه السلام) و درستی کار ایشان گواهی داد.

## جدول ۱: نوع کنش‌های گفتاری از جنبه‌های علمی

ردیف	روش‌های مورد استفاده در بعد علمی	نوع کنش گفتاری
۱	اظهار تسلط امام (علیه السلام) بر متون دینی و زبان‌های مختلف	کنش اعلامی
۲	دعوت به پرسش و تنبه به رعایت انصاف	کنش ترغیبی
۳	همگام شدن و مطابقت دادن کلام با مقتضای حال مخاطب	کنش عاطفی کنش ترغیبی
۴	میدان دادن به طرف مقابل و اعطای آزادی به مخالفان در سؤال کردن	کنش عاطفی کنش ترغیبی
۵	استناد به منابع معتبر و مستند در احتجاج: ۱. استدلال عقلی به هدف اظهارات کنشی ۲. استدلال به اصول مشترک ادیان ۳. استفاده از تشبیه و مقایسه و تمثیل ۴. تعلیم از طریق ذکر مثال و تاریخ گذشتگان ۵. مقایسه منطقی در پاسخگویی و مباحث علمی	کنش اظهاری

## ۲-۳. راهبردهای اخلاقی امام رضا (علیه السلام) در مناظرات در قالب کنش‌های گفتاری

چنان‌که گفته شد، کنش‌های گفتاری سرل مشتمل بر پنج گونه کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی است (Searle, 1969: 33). در این بخش از نوشتار راهبردهای اخلاقی امام رضا (علیه السلام) در مناظرات در قالب کنش‌های گفتاری تبیین می‌شود.

## ۱-۲-۳. ملایمت و نرمی در برخورد با طرف مقابل براساس کنش عاطفی و ترغیبی

رفتار امام (علیه السلام) در مناظرات در برخورد با طرف مقابل متأثر از قرآن و الگوپذیری از پیامبران الهی بود و همچون موسی و هارون (علیهم السلام) (طه: ۴۳-۴۴) با طرف مقابل نرم و لین سخن می‌گفت؛ زیرا رمز موفقیت و تأثیرگذار بودن به تأسی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (آل عمران، ۱۵۹) پرهیز از خشونت و داشتن ملاطفت است.

امام (علیه السلام) نیز برای بهره‌گیری کنش تأثیری طرف مقابل در مناظره و رسیدن به هدف، از معانی و مفاهیم تند و سخنان ناراحت‌کننده خودداری می‌نمود و با اخلاق نرم و ملایم خود در گفتار که در واقع، بهره‌گیری از کنش عاطفی است، در پی اشتراک‌گذاری عقاید خویش با مخاطب یا مخاطبان است. در مناظره امام (علیه السلام) با سلیمان مروزی شاهد این رویکرد و کنش‌ها هستیم؛ آن‌گاه که امام (علیه السلام) تمام راه‌های جواب را بر وی می‌بندد و سلیمان به تناقض‌گویی می‌پردازد و این امر خنده همه حاضران را نسبت به سلیمان در پی داشت، امام (علیه السلام) رو به مردم کرد و از آن‌ها خواست تا نسبت به سلیمان ملایمت به خرج دهند و سپس گفت‌وگو را ادامه دادند؛ بنابراین، هیچ‌گاه در کلامشان طرف مقابل را تحقیر نمی‌کردند و حتی اگر اطرافیان، چنین کاری انجام می‌دادند، آن‌ها را دعوت به ملایمت می‌نمود (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۶۵-۳۷۳؛ قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۹۵). امام (علیه السلام) دریافته بود که با استفاده از کنش عاطفی می‌تواند تأثیر بیشتری بر مناظره‌کننده بگذارد و گامی به سوی آگاهی‌بخشی مخاطبان و عقاید انحرافی‌شان بردارد.

### ۲-۲-۲. توجه به پرسش و پاسخ طرف مناظره با کنش عاطفی و ترغیبی

از مهم‌ترین اصول در ارتباط و تعامل با دیگران توجه و اهتمام به کلام گوینده است. شنونده خوب کسی است که به جای قضاوت روی چند کلمه آغازین گوینده و پیش از ارائه پاسخ، تمام گفته‌های او را بشنود و روی تمام پیام گوینده متمرکز شود و همچنین به دنبال بازسازی کلمات، محتوا، احساسات و بیانات وی باشد تا مفهوم واقعی کلام را دریابد. درک نکردن محتوای پیام مشکلی است که می‌تواند در فرایند مناظره، خلل ایجاد کند.

امام (علیه السلام) با کنش ترغیبی در مناظره‌های خود، به طرف مناظره لزوم درک و رعایت این اصل را گوشزد می‌کرد تا آنان نیز همین شیوه را در پیش بگیرند و گاهی نیز به صراحت بر رعایت این نوع کنش تأکید می‌نمود. در مناظره با عمران صابی فرمود: «ای عمران، خبر می‌دهم تو را به آنچه پرسش کردی. لکن در آنچه تو را می‌گویم، از روی تعقل بنگر و در آنچه پرسش کردی، فهم و عقل پیش آور...» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۳۴۳).

یکی از اهداف کنش ترغیبی این است که مخاطب را به انجام دادن یا ندادن کاری ترغیب و تشویق نماید تا نتیجه مطلوب از مناظره محقق شود و امام (علیه السلام) از این کنش در پرسش و پاسخ در حین مناظره برای اقناع مخاطب بهره می‌گرفت.

### ۳-۲-۳. اقناع طرف مقابل برای پذیرش حق براساس کنش اظهاری و عاطفی

وظیفه اساسی در مناظره، اقناع کردن طرف مقابل است؛ یعنی مناظره‌کننده باید در موضوعی

که بحث می‌کند، آن قدر قوی و مسلط باشد که بتواند عقل شنوندگان را اقناع نماید و آنان را با خود موافق و هم‌عقیده سازد. انجام این مهم مستلزم آن است که سخنور از قدر و ارزش علمی خویش آگاه باشد و بر منابع طرف مقابل مخصوصاً در گفتمان‌های دینی کاملاً مسلط باشد و فضل علمی خویش را بر دیگران آشکار نماید. بر همین اساس، ملاحظه می‌شود که امام (علیه السلام) از طریق کنش اظهاری برتری علمی خویش را نشان می‌داد و به اقناع طرف مقابل می‌پرداخت. امام (علیه السلام) هیچ‌گاه قصد کوبیدن و محکوم کردن طرف مقابل را نداشت، بلکه هدفش صرفاً تعلیم و هدایتگری بود؛ از این‌رو، در مناظره با عمران که گاهی به او می‌فرمود «آیا مطلب را فهمیدی؟» یا گاهی عمران می‌گفت: «آقای من، توضیح بیشتری بدهید» و امام (علیه السلام) چنین می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج: ۱، ۱۵۴-۱۷۸؛ نیز ر. ک: قرشی، ۱۳۸۲، ج: ۱، ۱۷۱-۱۹۰).

امام (علیه السلام) با کنش عاطفی به تکریم و بزرگداشت طرف مناظره می‌پرداخت. آن‌گاه که عمران از استدلالاتی که امام (علیه السلام) آوردند، قانع شد و اسلام آورد، امام (علیه السلام) او را مورد تکریم قرار داد و به دنبال او فرستادند. هنگامی که عمران وارد شد، امام استقبالی محترمانه و صمیمانه انجام دادند. پس از این برخورد امام (علیه السلام) بود که نزد امام (علیه السلام) می‌آمد و از علم سرشار آن حضرت بهره می‌برد و خود نیز یکی از دعوت‌کنندگان به اسلام شد (ابن بابویه، ج: ۱، ۱۷۸-۱۶۸).

### ۳-۲-۴. کنش اظهاری و تعهدی امام رضا (علیه السلام) در مطابقت داشتن علم و عمل

زیبایی و کاربرد علم در عمل به آن است و اهمیت این نکته تا بدان جا است که برای عالم بی‌عمل تمثیل زنبور بی‌عسل معروف و مشهور است (سعدی، ۱۳۸۸: ۱۳۵) و چه بسا سخنان عالم بی‌عمل تأثیرگذار نباشد. اگر عمل انسان، آئینه فکرش و زبان کلامش باشد، دگرگون‌کننده‌تر، دلنشین‌تر و تأثیرگذارتر است. به سخن دیگر، عمل انسان باید کنش اظهاری او باشد و خبر از کنش تعهدی او دهد تا از این طریق، کنش تأثیری طرف مقابل را برانگیزد. روایت «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالْسَيِّئَاتِكُمْ» (حمیری، ۱۴۱۳: ق: ۷۷) را می‌توان ناظر به کنش اظهاری دانست که کنش تأثیری را در پی دارد.

نمونه چنین کنشی، ادای فریضه نماز از سوی امام رضا (علیه السلام) در نقطه حساس مناظره بود و امام (علیه السلام) در اوج مناظره با کنش اظهاری نشان داد که باید به احکام و دستورهای الهی توجه تام و کنش تعهدی داشته باشد. در جلسه مناظره با عمران صابی با اینکه بحث حساس شده بود، با شنیدن صدای اذان، امام (علیه السلام) برای نماز برخاستند. عمران از امام (علیه السلام) درخواست کرد که بحث را ادامه دهد؛ چون دلش نرم و آماده پذیرش مطلب شده است. اما امام (علیه السلام) با طمأنینه فرمودند: بعد از خواندن نماز برمی‌گردیم. آن‌گاه امام (علیه السلام) پس از ادای نماز دوباره بحث را ادامه

دادند (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۱۹-۴۲۳). شاید بتوان گفت که نماز اول وقت امام (علیه السلام) از باب نشان دادن علم و عمل با توجه ایشان به انجام تکالیف الهی است. در هر صورت، این رفتار امام (علیه السلام) افزون بر کنش تعهدی نسبت به دستوره‌های الهی، حاکی از کنش اظهاری نیز است تا نشان دهد که شخص مؤمن به دین توحیدی (در اینجا عمران صابی و همراهان او و دیگر حاضران در جلسه مناظره) باید نسبت به دستوره‌های دینی خویش، کنش تعهدی و نسبت به ابراز عقیده خویش، کنش اظهاری داشته باشند. در واقع، می‌توان گفت اگر چنین کنش‌هایی از سوی دانشمندان و مقلدان آن‌ها و پیروان ادیان توحیدی که منشأ واحد و الهی دارند، صورت می‌گرفت، بی‌تردید اکنون شاهد تفرقه امت واحد و ادیان مختلف و فرق و مذاهب گوناگون نبودیم.

از طرفی، روشن است که منطق امام (علیه السلام) از بحث‌ها و مناظره‌ها، تبیین و اجرای تعالیم الهی بود؛ بنابراین، امام (علیه السلام) از کنش تعهدی در کلام خویش، وعده ادامه بحث را بعد از نماز به مخاطب می‌دهد و بعد از انجام فریضة الهی به ادامه مناظره برمی‌گردد (عمادزاده، ۱۳۳۵، ج ۱: ۲۷۸-۲۷۶).

### ۳-۲-۵. کنش اظهاری و عاطفی امام رضا (علیه السلام) در داشتن سعه صدر

یکی دیگر از اصولی که می‌توان از ابعاد اخلاقی امام رضا (علیه السلام) در مناظرات نام برد، داشتن سعه صدر و تحمل نظرات دیگران است. پذیرش این مسئله را که دیگران هم حق دارند آزادانه فکر کنند و هر چه خواستند بگویند، گامی مثبت و مقدماتی در ایجاد ارتباط و گفت‌وگو با افراد دیگر است؛ چراکه عدم تحمل آرا و عقاید دیگران نه تنها باعث گفت‌وگو نمی‌شود، بلکه سبب دوری و بدبینی به یکدیگر نیز می‌شود.

در مناظره امام رضا (علیه السلام) با جاثلیق، وقتی این دانشمند مسیحی با استدلال امام (علیه السلام) مواجه می‌شود که «ما به خدا معتقدیم و به عیسایی که معتقد به نبوت محمد ﷺ بود و ما چیزی علیه عیسی نداریم مگر ضعف و کمی روزه و نماز او»، فریاد زد: به خدا علمت را فاسد کردی و امورت ضعیف شد. ما فکر می‌کردیم که تو عالم‌ترین اهل اسلام هستی. این سخن جاثلیق می‌توانست واکنش تند امام رضا (علیه السلام) را در پی داشته باشد؛ اما آن حضرت با تعبیر «مگر چه شده؟» به آرامی با کنش اظهاری و عاطفی مناظره را ادامه داد و در نهایت جاثلیق را به سکوت در برابر استدلال‌های خویش وادار ساخت. تداوم مناظره تا بدانجا می‌رسد که امام (علیه السلام) پس از ذکر نمونه‌های متعدد از کتاب مقدس در رد ادعای جاثلیق مبنی بر الوهیت عسیبی (علیه السلام) می‌گوید: «هیچ یک از مواردی را که برایت ذکر کردم نمی‌توانی رد کنی؛ زیرا همگی، مضمون آیاتی از تورات، انجیل، زبور و قرآن است...» و جاثلیق با سخن پایانی خود «الْقَوْلُ قَوْلُكَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛

حرف، حرف شماسست و معبودی جز خدا نیست» پذیرش عقیده توحیدی ناب را اعلام می‌دارد (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۱۳؛ قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۲۱؛ نجفی، ۱۳۷۹: ۴۹-۴۳؛ السید، ۱۳۷۹: ۱۲۱). ملاحظه می‌شود که این بخش از مناظره با صاحبان ادیان با کنش تأثیری طرف مقابل همراه است و این کنش، نتیجه کنش‌های دیگری از جمله کنش اظهاری و عاطفی است که امام رضا (علیه السلام) با داشتن سعه صدر در پیش گرفته بود.

### ۳-۲-۶. اذعان‌گیری از طرف مناظره با استدلال‌های فلسفی و منطقی براساس کنش اظهاری، اعلامی و ترغیبی

معمولاً مناظره‌کننده در صدد است تا آنچه را حق می‌داند، به مخاطب خویش بقبولاند. این رویه‌ای است که امام رضا (علیه السلام) نیز در مباحثه و مناظره در پیش گرفت و در نهایت بدون اینکه با مغالطه، دیدگاه و عقیده خویش را بر طرف مقابل تحمیل کند، اشتباه طرف مناظره را بر او روشن می‌نمود؛ به گونه‌ای که طرف مقابل به حقیقت مطلب اذعان و اعتراف کند و به اظهار واقع بپردازد.

این شیوه‌ای است که امام رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوی خود با جاثلیق برای کنش اظهاری او در پیش گرفت؛ به گونه‌ای که جاثلیق با این کنش، حضرت عیسی (علیه السلام) را يك شخصیت انسانی معرفی و نفی الوهیتش را با استناد به انجیل سه‌گانه متی، لوقا و مرقس اثبات کرد. فرایند این کنش چنین بوده که آن حضرت ابتدا نظر جاثلیق را درباره نویسندگان انجیل و میزان ارزش و اعتبار سخنان‌شان نزد وی جویا شد. جاثلیق در مقام پاسخ، نویسندگان انجیل را عالم به انجیل می‌خواند و بر درستی سخنان‌شان تأکید می‌ورزد. امام (علیه السلام) پس از آنکه حاضران را نیز با شیوه کنش اظهاری بر گفته‌های او گواه گرفت، با بهره‌گیری از کنش اعلامی به سخنان هر سه نویسنده در انجیل‌هایشان استناد کرد که آنان شخصیتی کاملاً انسانی و نه الوهی از حضرت عیسی (علیه السلام) به تصویر کشیده و بدان تصریح کرده‌اند. آنگاه با بهره‌گیری از کنش ترغیبی، جاثلیق را وادار به پاسخ به پرسش در این باره نمود. جاثلیق نیز در کنشی اظهاری، در مقام دفاع از شخصیت الوهی و خدایی حضرت عیسی (علیه السلام)، متی، مرقس و لوقا را به دروغ‌گویی متهم ساخت. هنگامی که امام (علیه السلام) سخنان پیشین او مبنی بر عالم بودن به انجیل و برحق بودن گفته‌های آنان را به او یادآوری کرد، جاثلیق در اوج درماندگی، از امام (علیه السلام) خواست از گفت‌وگو درباره آن‌ها معافش دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۳۰-۳۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۳). در واقع، سخنان جاثلیق کنش اظهاری و اذعان به عدم وثوق صدوری انجیل و عدم وثاقت نویسندگان آن‌ها در نگارش‌شان از انجیل و اعتراف به عجز خویش در مناظره است.

## جدول ۲: نوع کنش‌های گفتاری در راهبردهای اخلاقی

نوع کنش گفتاری	روش‌های مورد استفاده در بُعد اخلاقی	ردیف
کنش عاطفی کنش ترغیبی	با ملایمت و نرمی برخورد کردن	۱
کنش عاطفی کنش ترغیبی	توجه به سؤال و جواب طرف مناظره	۲
کنش اظهاری کنش عاطفی	افتناع طرف مقابل برای پذیرش حق	۳
کنش اظهاری کنش تعهدی	مطابقت داشتن علم و عمل	۴
کنش اظهاری کنش عاطفی	داشتن سعه صدر	۵
کنش اظهاری کنش اعلامی کنش ترغیبی	اذعان‌گیری از طرف مناظره با استدلال‌های علمی	۶

## ۴. نتیجه‌گیری

طبق آنچه گذشت، الگوی نهایی ارائه شده از سوی آستین برای اظهارات زبانی که انسان هنگام سخن گفتن به کار می‌گیرد، متشکل از سه سطح متفاوت از کنش‌ها یعنی کنش بیانی (مربوط به خود زبان)، منظوری (مربوط به قصد گوینده) و تأثیری (مربوط به تأثیر بر مخاطب) است. الگوی سرل نیز که صورت تکامل یافته نظر آستین است، متشکل از پنج کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، اعلامی و عاطفی است. با تطبیق این دو الگو بر برخی مناظرات امام رضا (علیه السلام)، این نتیجه به دست آمد که آن حضرت در مناظرات خویش از این دو الگو بهره برده است.

علاوه بر این، چنان‌که آستین پیش از ارائه الگوی سه‌گانه خویش، همه اظهارات زبانی را از سنخ کنشی (انشایی) و از مقوله فعل دانسته و هر اظهاری نوعی کنش گفتاری است، بررسی اظهارات امام رضا (علیه السلام) در مناظرات بررسی شده نشان می‌دهد که اظهارات ایشان به کنش تأثیری منجر شده است؛ به عبارتی، حتی استخراج کنش‌های پنج‌گانه سرل از مناظرات آن حضرت در ضمن دو کنش بیانی و منظوری صورت گرفته و به کنش تأثیری پایان یافته است و بر مخاطب یا مخاطبان تأثیر گذاشته است.

به‌طور کلی، امام (علیه السلام) در وهله نخست کنش ترغیبی و عاطفی طرف مناظره را مدنظر داشتند که این مسئله نشانه درک عمیق ایشان از مناظره و مخاطب‌شناسی بوده است؛ به همین دلیل امام (علیه السلام) دریافته بود که با استفاده از این دو کنش می‌تواند تأثیر بیشتری را بر طرف مناظره گذاشته و به عقاید انحرافی او نسبت به اصول دین خط بطلان بکشد؛ بنابراین امام (علیه السلام) بارها از چنین کنشی در ایراد مناظره برای جلب توجه طرف مقابل و همچنین مخاطبان دیگر و تشویق آنان به پرسشگری و گوش دادن به پاسخ پرسش خود و نیز برای همراه کردن آنان با عقاید خود، استفاده کرده است؛ زیرا هر گوینده‌ای برای اینکه مخاطبش را به‌طور مستمر به گوش دادن تشویق کند، از چنین کنشی در کلام خود استفاده می‌کند.

بررسی و تحلیل مناظره امام رضا (علیه السلام) نشان می‌دهد که آن حضرت در بحث‌ها و گفت‌وگوهای علمی خویش از پنج کنش الگوی سرل آگاهی داشته و آن‌ها را در جای خود به کار گرفته است (جدول ۱).

در روش‌های استفاده شده در بعد اخلاقی که شش مورد است، به فراخور حال مخاطب و جلسه مناظره، امام (علیه السلام) از کنش‌های متعدد بهره گرفته است. دو کنش عاطفی و ترغیبی در دو مورد و دو کنش اظهاری و عاطفی نیز در دو مورد به کار رفته است و دو کنش اظهاری و تعهدی در یک مورد و سه کنش اظهاری، اعلامی و ترغیبی در یک مورد به کار گرفته شده‌اند.

در نهایت باید گفت، سه کنش بیانی، منظوری و تأثیری نیز مد نظر امام (علیه السلام) بوده است؛ به‌گونه‌ای که با تعمیم به دیگر مناظرات، می‌توان گفت کنش تأثیری نتیجه اغلب مناظرات و مباحثات امام رضا (علیه السلام) بوده است.

## منابع و مآخذ

## قرآن الکریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). *عیون أخبار الرضا*. ترجمه محمدباقر آقاجفی. تهران: علمیه اسلامیة.

استیور، دان. (۱۳۸۴). *فلسفه زبان دینی*. ترجمه ابوالفضل ساجدی. قم: ادیان. بروجردی، سیدحسین. (۱۳۸۴). *جامع أحادیث الشيعة فی احکام الشریعه*. قم: المهر. پایا، علی. (۱۳۸۳). *فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم اندازها*. چاپ دوم. تهران: طرح نو. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ رجبزاده، مهدی. (۱۳۸۹). «تحلیل متن زیارت نامه حضرت امام رضا علیه السلام بر پایه نظریه کنش گفتار». *فلسفه و کلام*. شماره ۴۲. پاییز و زمستان. صص: ۳۷-۵۴. *التورات السامریة*. (۱۹۷۸). ترجمه ابوالحسن اسحاق الصوری. مصر: دارالانصار. چاووشیان، حسن. (۱۳۸۶-۸۷). «زبان شناسی و تحلیل گفتمان». *ادب پژوهی*. شماره ۴. صص: ۱۱۷-۱۳۹.

حسینی شیرازی، محمد. (۱۴۲۳). *تبیین القرآن*. بیروت: دارالعلوم. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. راوندی، قطب الدین. (۱۳۶۸). *الخرائج والجرائح*. قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام. سرل، جان آر. (۱۳۸۵). *افعال گفتاری*. ترجمه محمدعلی عبداللهی. چاپ دوم. قم: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سلیمی نوه، اصغر. (۱۳۸۳). «گفتمان در اندیشه فوکو». *کیهان فرهنگی*. شماره ۲۱۹. دی ۱۳۸۳. صص: ۵۰-۵۵.

سعدی، مصلح الدین. (۱۳۸۸). *کلیات سعدی*. تهران: طلایه. السید، کمال. (۱۳۷۹). *عشق هشتم: نگاهی نوبه زندگی و زمانه حضرت معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام*. ترجمه حسین سیدی. تهران: مدرسه. شجاعی گلپایگانی، سید زین العابدین. (۱۳۷۳). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام*. قم: دفتر نشر مصطفی.

شهید ثانی. (۱۳۷۴). *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*. ترجمه سید محمد باقر حجتی. چاپ بیستم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. طاهری اکردی، محمدحسین. (۱۳۸۷). *پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۱۶). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. قم: اسوه.

عروسی حویزی. عبدعلی بن جمعة. (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*. تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۶۳). *تفسیر العیاشی*. قم: العلمیه. عمادزاده، حسین. (۱۳۳۵). *زندگی حضرت امام رضا علیه السلام*. تهران: اقبال. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (بی تا). *محجة البیضاء فی تهذیب الأحياء*. قم: مؤسسه

النشر الاسلامی  
 قرشی، محمدباقر شریف. (۱۳۸۲). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)*. ترجمه محمد صالحی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

قفطی، علی بن یوسف. (۱۳۷۱). *تاریخ الحكماء*. ترجمه بهین دارانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کتاب مقدس. (۱۹۹۵). *ترجمه تفسیری*. بی‌جا: انجمن بین المللی کتاب مقدس.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ ق). *تفسیر بیان السعاده*. بیروت: علمی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۶). *بحار الأنوار*. تهران: آخوندی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). *مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نجفی، عبدالحمید. (۱۳۷۹). *کتاب مقدس عهد عتیق و جدید*. ترجمه فاضل خان همدانی. تهران: اساطیر.

نصیحت، ناهید؛ باغبانی، رضوان. (۱۴۰۱). «بررسی گفتمان‌های القایی در فرایند مناظره امام رضا (علیه السلام) با علمای ادیان». *فرهنگ رضوی*. سال دهم. شماره ۳۷. بهار ۱۴۰۱. صص: ۹۳-۱۱۴.

## References

The Holy Quran [in Arabic]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1993). *Ayoun Akhbar al-Riza* (a.s.). Translated by Mohammad Baqir Aqanajafi, Tehran: Elmiyyah Islamiyah. [in Arabic]

Stiver, Dan. (2005). *The Philosophy of Religious Language*. Translated by Abolfazl Sajedi. Qom: Religions. [in Persian]

Borojerdi, Seyyed Hossein. (1995). *Jame'e Ahadith al-Shi'a fi Ahakham al-Shari'a*, Qom: Al-mehr. [in Arabic]

Paya, Ali. (2004). *Analytical Philosophy; Issues and Perspectives*, Tehran: Second Edition, New Design. [in Persian]

Pahlawanejad, Mohammad Reza and Mehdi Rajabzadeh. (2009). «Analysis of the Text of the Pilgrimage of Imam Reza (a.s.) Based on the Theory of Speech Act», *Philosophy and Theology*, Vol. 42, Autumn and Winter, pp. 37-54. [in Persian]

Al-Torat al-Samariyyah. (1978). Translated by Abolhasan Ishaq al-Suri, Egypt: Dar ol-Ansar. [in Arabic]

Chavoshian, Hassan. (2007-8). «Linguistics and Discourse Analysis», *Journal of Literary Studies*, No. 4, pp. 117-139. [in Persian]

Hosayni Shirazi, Mohammad. (2002). *Explanation of the Quran*, Beirut: Dar al-Oloom. [in Arabic]

Hemyari, Abdollah ibn Ja'far. (1992). *Qorb oi Asnad*, Qom: Al-Bayt Foundation (AS). [in Arabic]

Rawandi, Qutb al-Din. (1989). *Al-Kharaj and Al-Jar'eh*, Qom: Imam Mahdi School (AS). [in Arabic]

- Searle, John R. (2006). *Verbs of Speech*, translated by Muhammad Ali Abdullahi. Second edition, Qom: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications. [in Persian]
- Saliminaweh, Asghar. (2004). «Discourse on Foucault's Thought», *Kayhan Farhangi*, No. 219, January, pp. 50-55. [in Persian]
- Saadi, Mosleh al-Din. (2009). *Kollyyat Saadi*, Tehran: Talaiyeh. [in Persian]
- Al-Sayyid, Kamal. (2000). *The Eighth Love: A New Look at the Life and Times of Hazrat Masoumeh (S) and Imam Reza (a.s.)*, translated by Hosayn Sayyidi, Tehran: Madrasah. [in Persian]
- Shoja'i Golpayegani, Sayyed Zain al-Abidin. (2004). *The Life of Hazrat Ali ibn Musa al-Riza (a.s.)*. Qom: Mustafa Publishing House. [in Persian]
- Shahid Thani. (2005). *Monyat al-Mureed in the Manners of the Beneficiary and the Beneficiary*, translated by Sayyed Mohammad Baqer Hojjati, 20th edition, Tehran: Islamic Culture Publishing House. [in Persian]
- Safavi, Korosh. (2008). *An Introduction to Semantics*. Third edition, Tehran: Islamic Culture and Art Research Institute. [in Persian]
- Taheri Akordi, Mohammad Hosayn. (2008). *Historical Background of the Dialogue between Islam and Christianity with Emphasis on the Shiite and Catholic Perspectives*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute (r.h.). [in Persian]
- Tabarsi, Ahmad bin Ali. (1995). *Al-Ihtejaj Ala Ahl Al-Lejaj*, Qom: Osweh. [in Arabic]
- Aroosi Howayzi. Abd Ali bin Jom'eh (1994). *Tafsir Noor Al-Thaqalayn*, corrected by Sayyid Hashim Rasooli Mahallati. Qom: Ismailiyan. [in Arabic]
- Ayashi, Mohammad bin Masood. (1984). *Tafsir Al-Ayashi*, Qom: Al-Ilamiya. [in Arabic]
- Emadzadeh, Hosayn. (1956). *The Life of Imam Reza (a.s.)*. Tehran: Iqbal. [in Persian]
- Fayz Kashani, Mohammad bin Morteza. (Bita). *Mohajat ol-Bayza fi Tahzib el-Ehya* Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Qorashi, Mohammad Baqir Sharif. (2003). *A detailed study of the life of Imam Ali ibn Moosa al-Riza (a.s.)*. Translated by Mohammad Salehi, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [in Persian]
- Qefti, Ali ibn Yosuf. (2013). *Tarikh al-Hokamaa*, translated by Behin Darani, Tehran: Tehran University Press. [in Persian]
- Kitab al-Moqaddas. (1995). *Interpretative translation*, International Bible Society. [in Persian]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaqub. (1983). *Al-Kafi*, Tehran: Fourth edition, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Gonabadi, Soltan Mohammad. (1988). *Tafsir Bayan al-Saadah*, Bayrut: A'alami.
- Majlesi, Mohammad Baqir. (1997). *Bahar al-Anwar*. Tehran: Akhundi.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). *Tafsir Nomooneh*, Tehran: Dar ol-Kotob al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1999). *Historical debates of Imam Reza (a.s.)*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.
- Najafi, Abdol Hamid. (1990). *The Holy Bible of the Old and New Testaments*, translated by Fazel Khan Hamedani, Tehran: Asatir.
- Nasihah, Nahid and Baghbani, Rezvan. (1999). «A Study of Inductive Discourse in the Process of Imam Reza's (AS) Debate with Religious Scholars», *Razavi Culture Magazine*, Year 10, Issue 37,

Spring 2022, pp. 93-114.

Searle, John R., (1969). *Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge University Press. Cambridge.

Yule, George. (1996). *Pragmatics*. Oxford university press. New York.

Austin. J.L..(1970). «How to Do Things With Words», *The William James lectures Delivered at Harvard University in 1955*. Second Edition. Edited by J.O.Urmson and Marina Sdisa. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press. First Published in 1962.





## Analyzing the Components of Intergenerational Justice in International Law and Razavi Culture

Mohammad ghorbanzadeh <sup>1</sup> Somayeh Soleymani <sup>2</sup>

1. Assistant Professor of Law Department, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author): [m.ghorbanzadeh@pnu.ac.ir](mailto:m.ghorbanzadeh@pnu.ac.ir)

2. PhD in criminal law and criminology, Shiraz University, Iran : [s.soleimani23@gmail.com](mailto:s.soleimani23@gmail.com)

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:**  
July 06, 2023

**In Revised Form:**  
August 06, 2023

**Accepted:**  
February 01, 2024

**Published Online:**  
December 21, 2024

### Keywords

The theory of intergenerational justice is a theoretical response to the problem of the environmental crisis and the threat to the rights of future generations, the purpose of which is to achieve a better quality of life for all generations and to achieve the goals of sustainable development; despite the modernity of this theory in international law, attention to life and The health of all generations, including future generations, has a long history in Razavi culture; the sum of the teachings of the Qur'an and the Sunnah and the emphasis of Imam Reza's speech and behavior indicate that the concept of intergenerational justice is a duty to secure the rights of the future generation and protect natural resources and the environment. It is social and moral and consists of three dimensions of duty and environmental responsibility, social solidarity and creation of equal opportunity, economic efficiency and sustainability of consumption, which are the dimensions of sustainable development in international law.

With the difference that in the discourse of the international law system, only the protection of the rights of future generations is taken into consideration, but in the Razavi culture, the centrality of God and the exaltation of the ontological approach of man are emphasized; in addition, justice in international law, The necessary condition is sustainable development, but in the mentioned culture, it is more than the necessary condition and continuity of life, but it is the same as the stability and survival of life; Therefore, each generation receives all public protection from the previous generations and has obligations as a trustee to protect it for future generations as beneficiaries; Also, in the mentioned culture, justice has a wide concept and in addition to the field of creation, it also includes the fields of legislation and punishment.

sustainable development, Razavi culture, environmental responsibility, public interest.

Cite this The Author (s): ghorbanzadeh, M; Soleymani, S. (2024). Analyzing the components of intergenerational justice in international law and Razavi culture : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (221- 256)- [DOI:10.22034/farzv.2024.405492.1892](https://doi.org/10.22034/farzv.2024.405492.1892)



## Introduction

Despite the vital role of the environment on human life and the right of all generations to use environmental resources, global changes and the indiscriminate use of public resources have led to severe and sometimes irreparable damage to the environment, and difficult issues in Equality between different generations and societies has created the principle of intergenerational justice in the use of this universal right; this principle means respecting equality and equal opportunity for all generations in enjoying their rights and generally rejecting any discrimination. In merit rights, every stakeholder has the right regardless of any period and generation; The aforementioned principle is an inseparable part of modern international law and everyone should prevent actions that cause damage to the environment (Koren, 1998, p. 26), therefore the authorities and domestic institutions, International organizations and authorities, especially the United Nations, have started their efforts to find a way to protect the environment, reduce the amount of pollution and reduce the extent of damage caused to it (Kiss and Shelton, 1991, p.37). In the process of development developments, intergenerational justice is considered as a key concept in international law and the protection of the environment and the use of natural resources and the rights of future generations are respected as our rights; In fact, the theory of intergenerational justice is a theoretical response to the problem of the environmental crisis and the threat to the rights of future generations, the purpose of which is to achieve a better quality of life for all generations and to achieve the goals of sustainable development; Despite the modernity of this theory in international law and contrary to the views of some such as “White” and “Twin Bay” who consider the teachings of religion to be specific to worship and a factor for excessive possession of nature and its destruction, and they believe that this issue is only It has been the focus of international documents and the rights of future generations have not been mentioned in religious sources, and therefore the only way to overcome this crisis has been considered to be knowledge and new technologies, but the teachings of religions, especially religion Islam, especially the culture of Razavi, not only reveals their wrong understanding of religious teachings (Nahl/89: Tabarsi, 1/64). Rather, using some verses and narrations, it can be said that the commands of religion do not have a purely religious dimension, especially that in the dominant paradigm, sustainable development is directed towards the right of future generations to exploit natural resources and the environment, and where To be fair, Islam definitely has important things to say.

### **Research Method:**

The present research, which was conducted with an analytical-applied method, investigated the components and the place of “intergenerational justice” in Razavi culture and international law, and aims to answer questions about “the relationship between the dimensions of justice” What is intergenerationalism in Razavi culture and sustainable development in international law? “What is the place of respect for justice and the sense of responsibility from the environmental aspect in Razavi culture?” are they? And... it is.

### **Dimensions and components of intergenerational justice in Razavi culture and international law**

The total teachings of Quran and Sunnah and the emphasis of speech and behavior of Imam Reza (AS) indicate that the concept of intergenerational justice for securing the rights of the future generation and protecting natural resources and the environment is a social and moral duty and consists of three dimensions: 1) duty and Environmental responsibility 2) social solidarity and creation of equal opportunity 3) economic efficiency and sustainability of consumption are the dimensions of sustainable development in international law;

With the difference that in the discourse of the international law system, only the protection of the rights of future generations is considered, but in the Razavi culture, the centrality of God and the elevation of the ontological approach of man are emphasized; justice in international law is a necessary condition for development. It is stable, but in the mentioned culture, it goes beyond the necessary condition and continuity of life, but it is itself the same as the stability and survival of life; Therefore, each generation receives all public prohibitions in trust from previous generations and has obligations as a trustee to protect it for future generations as beneficiaries; Imam Reza (AS) Imam Reza (AS) as a The religious and political leader in preserving the environment and promoting the concept of intergenerational justice is considered a model and a pioneer for all people, and by emphasizing the importance of preserving the environment and sustainable development, they have played an important role in promoting these values; In Razavi’s approach, intergenerational justice has two material and spiritual dimensions; This means that if the goal of protecting the environment for the future generations is only its material aspects, i.e. preventing the destruction or protection of endangered environmental species, this cannot ultimately cause the future generations to be able to take advantage of environmental blessings, rather protecting the environment for future generations is in the framework of a

worldview in which humans, animals and plant species are not at the center, but God is at the center of it.

### **Discussion and conclusion:**

Paying attention to the life and health of all generations, including the future generations, has a long history in Razavi culture; Madaqah in the mentioned culture indicates that justice has a wide concept in the mentioned culture and in addition to the field of development, the fields of legislation and It also includes punishment; what is referred to in the Razavi tradition in connection with the protection of the environment for future generations and considers a kind of intergenerational justice, is the responsibility and divine duty of the present generation and not just the responsibility. and takes into account the task of the topic in order to protect the environment; In the opinion of Imam Reza (a.s.) the earth belongs to all creatures and no group is allowed to occupy it however they want and achieve their goals by corrupting and destroying nature, because the earth is not their property and assuming that it is their property, Islam has limited the possession of property and it can only be possessed within the framework of Sharia rules, therefore, in the Razavi tradition, it is permissible to use blessings in a way that promotes moderation, contentment, the well-being of the general public, and the sustainability of consumption for the entire generation. be provided; Because from the point of view of Imam Reza (a.s.), nothing improves countries and cities like the implementation of justice (Tamimi Amadi, 1366, vol.: 688) and with justice, blessings increase. (Ibid., vol. 2: 397) In his words, establishing justice, not wasting and ruining property, etc., played a significant role in establishing intergenerational justice

And Imam Reza's (AS) emphasis on "Hasan Tadbir" and "Destiny in Livelihood" indicates the necessity of planning in consumption and protecting the rights of all human beings in using natural resources and condemning extravagance and his advice to enjoin the good and forbid the evil with regard to Its wide range somehow expresses his concern for justice even for the future generations.

Undoubtedly, following the life of Imam Reza (a.s.) and his pious fathers, including preserving and respecting nature, can be effective in building a healthy and dynamic society; Therefore, Razavi's culture should spread in our life and be a reformer of the life situation; Because public awareness and education related to environmental protection, especially attention to religious education and related to people's beliefs, can play an effective role in establishing intergenerational justice and controlling the environmental crisis.



## واکاوی مولفه‌های عدالت بین نسلی در حقوق بین الملل و فرهنگ رضوی

محمد قربان زاده<sup>۱</sup> سمیه سلیمانی<sup>۲</sup>

m.ghorbanzadeh@pnu.ac.ir

s.soleimani23@ferdowsi.um.ac.ir

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

۲. دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نظریه عدالت بین نسلی واکنشی نظری به مسئله بحران محیط زیست و تهدید حقوق نسل‌های آینده و مقصد آن دستیابی به کیفیت زندگی بهتر برای همه نسل‌ها و تحقق اهداف توسعه پایدار است؛ به‌رغم مدرن بودن این تئوری در حقوق بین‌الملل، توجه به حیات و سلامت همه نسل‌ها از جمله نسل‌های آینده در فرهنگ رضوی سابقه دیرینه‌ای دارد؛ مجموع آموزه‌های قرآن و سنت و تأکید گفتار و رفتار امام رضا (علیه السلام) بیانگر آن است که مفهوم عدالت بین نسلی برای تأمین حقوق نسل آینده و پاسداشت منابع طبیعی و محیط زیست وظیفه‌ای اجتماعی و اخلاقی و متشکل از سه بعد تکلیف و مسئولیت زیست محیطی، همبستگی اجتماعی و ایجاد فرصت برابر و کارایی اقتصادی و پایداری مصرف و در واقع همان ابعاد توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل است؛ با این تفاوت که در گفتمان نظام حقوق بین‌الملل صرفاً حفاظت از حقوق نسل‌های آینده مدنظر قرار گرفته است؛ اما در فرهنگ رضوی بر محوریت خداوند و اعتلای رویکرد هستی‌شناختی انسان تأکید شده است؛ مضاف بر آنکه عدالت در حقوق بین‌الملل، شرط لازم توسعه پایدار است؛ اما در فرهنگ مذکور فراتر از شرط لازم و تداوم حیات، بلکه خود، عین پایداری و بقای حیات است؛ لذا هر نسلی تمامی منافع عمومی را به امانت از نسل‌های قبلی دریافت می‌کند و تعهداتی به‌عنوان متولی برای محافظت از آن برای نسل‌های آینده در مقام ذینفع دارد؛ همچنین در فرهنگ مذکور عدالت مفهومی گسترده دارد که علاوه بر حوزه تکوین، حوزه‌های تشریح و جزا را نیز در برمی‌گیرد. مواردی چون برقراری عدالت، منع اسراف و تباه‌سازی اموال و ... نقش بسزایی در برقراری عدالت بین نسلی دارد؛ امام رضا (علیه السلام) علاوه بر الگو بودن برای دیگران در استفاده بهینه و عادلانه از این منابع و حفاظت از آن نیز همکاری داشته‌اند؛ بنابراین افزایش آگاهی عمومی و توجه به آموزه‌های رضوی می‌تواند نقش موثری در برقراری عدالت بین نسلی و کنترل بحران زیست محیطی داشته باشد.

### تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۱۵

### تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۵/۱۵

### تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۱/۱۲

### تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۰۱

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، فرهنگ رضوی، مسئولیت زیست‌محیطی، منافع عمومی.

### کلیدواژه‌ها

استناد: قربان زاده، محمد؛ سلیمانی، سمیه (۱۴۰۳). واکاوی مولفه‌های عدالت بین نسلی در حقوق بین‌الملل و فرهنگ رضوی؛ فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۲۲۱-۲۵۶).

DOI: 10.22034/farzv.2024.405492.1892



ناشر: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

به‌رغم آنکه محیط زیست یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر زندگی تمام انسان‌هاست و همه (نسل‌ها) حق استفاده از منابع زیست محیطی را دارند؛ اما در سال‌های اخیر تغییرات جهانی و استفاده بی‌رویه از منابع عمومی منجر به ایجاد خسارات شدید و گاه جبران‌ناپذیری به محیط زیست شده است؛ بنابراین مسائل دشواری را در برابری بین نسل‌ها و جوامع مختلف در استفاده از این حق همگانی ایجاد کرده و موجب نگرانی عدالت‌دوستان شده است.<sup>۱</sup> این نگرانی بدین دلیل است که اولاً رشدی که با چنین سرعتی جهت‌گیری شده است، نه استمرار داشته و نه می‌تواند هدف رفاه و آسایشی را که برای رسیدن به آن طراحی شده بود، فراهم کند. ثانیاً موجب افزایش شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی در سه محور طبقات گوناگون کشور، بین کشورهای گوناگون و در نهایت بین نسل‌های گوناگون پدیده آورده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۱)، لذا به‌واسطه نگرانی‌های زیست محیطی اهمیت عدالت به‌ویژه عدالت بین نسلی و لزوم توجه و تفکر در خصوص علایق نسل‌های آینده نسبت به گذشته افزایش یافت (Doyal & Mc Lean, 2005: 119) و به‌تدریج اصل توسعه پایدار در روند تحولات توسعه مورد توجه قرار گرفت؛ این اصل، بخش جدا نشدنی از حقوق بین‌الملل مدرن بوده و همه می‌بایست مانع از انجام اقداماتی شوند که سبب ورود صدمه و زیان به محیط زیست می‌شود (Koren, 1998: 26). نظر به اهمیت موضوع مسئولان و نهادهای مختلف اقداماتی را برای حمایت از محیط زیست و کاهش میزان آلودگی و کاهش گستره صدمات وارد شده بر آن آغاز و تلاش کردند تا در روند تحولات توسعه، عدالت بین نسلی به مفهوم رعایت حقوق همه افراد و تضمین برابری در برخورد با آن‌ها، به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شود و به حفاظت از محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی و حقوق نسل‌های آینده همانند حقوق ما احترام گذاشته شود؛ این موضوع در حقوق بین‌الملل به‌عنوان موضوعی نسبتاً جدید شناخته شده است و برخی از جمله «وایت» و «توین بی» که دین را مختص عبادات و نسبت به آیندگان بی‌تفاوت و تعلیمات آن را عاملی برای تصرف بیش از حد در طبیعت و تخریب آن می‌دانند، بر این باورند که این موضوع صرفاً مورد توجه اسناد بین‌المللی بوده و در منابع دینی به حقوق نسل‌های آینده اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین تنها راه فائق آمدن بر این بحران را دانش و فناوری‌های نوین دانسته‌اند؛ اما مذاقه در آموزه‌های ادیان به‌ویژه دین اسلام، به‌خصوص

۱. در این راستا می‌توان به گرم شدن زمین، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، سوراخ شدن لایه ازن و تغییرات اقلیمی، جنگل زدایی، دگرگونی و تخریب زیستگاه، از بین رفتن منابع پایان پذیر و در معرض خطر قرار گرفتن منابع تجدیدپذیر و به‌طور کلی بحران و تخریب محیط زیست اشاره کرد.

فرهنگ رضوی نه تنها برداشت نادرست آنان را از تعالیم دینی آشکار می‌نماید،<sup>۱</sup> بلکه مستفاد از برخی آیات و روایات می‌توان گفت: دستورهای دین صرفاً بعد عبادی نداشته و نعمت‌های خداوند در قالب خطابات عام قرآن بدون لحاظ موقعیت‌های جغرافیایی، نژاد و نسل متعلق به همه انسان‌ها و از حقوق آن‌ها دانسته شده است<sup>۲</sup> به خصوص آنکه در پارادایم غالب، توسعه پایدار به حق نسل‌های آتی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست معطوف است و جایی که پای حق به میان باشد، قطعاً اسلام حرف‌های مهمی برای گفتن دارد (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱: ۳۹).

مکتب اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، فرامین و برنامه‌ریزی و مدیریت را برای حفظ محیط زیست و عدالت نسبت به همه انسان‌ها، حتی نسل‌های آینده در استفاده از منابع طبیعی تعلیم و «قوانین دین، وظایف انسان‌ها نسبت به نظم طبیعی و محیط زیست را معین نموده است» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۶۶)، چراکه محیط زیست و پالایندگی آن، یکی از مهم‌ترین ضروریات حفظ و بقای حیات در کره زمین محسوب می‌شود و هدف دین، اصلاح و آبادانی دنیا و آخرت و برنامه‌ریزی برای همه انسان‌هاست. بر این اساس در فرهنگ رضوی نیز که مجموعه آموزه‌های امام رضا (علیه السلام) و پدران پاک و معصومش تا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم، تبیین آیه‌ها و تجسم عینی و عملی آن‌ها در حکمت نظری و عملی است، مفهوم عدالت بین نسلی برای تأمین حقوق نسل آینده و پاسداشت منابع طبیعی و محیط زیست به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی و اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته که بررسی این مسئله موضوع این پژوهش است.

ضرورت پرداختن به این مسئله از آنجا نشئت می‌گیرد که به‌رغم تلاش‌های ملی و فراملی، از جمله اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین داخلی، تشکیل انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های طرفدار محیط زیست و ... محیط زیست آنچنان که باید مورد حمایت و حفاظت قرار نگرفته است و همچنان آلوده کردن و تخریب محیط زیست ادامه دارد. با عنایت به اینکه بشر هموار متاثر از معنویت و فرهنگ دینی بوده و درصدد به دست آوردن رهنمودها و معیارهای خویش از این طریق است، بی‌تردید تقویت مطالعات کاربردی، استخراج و گسترش فرهنگ حفاظت از حقوق همه نسل‌ها از سنت رضوی، اقدامی مهم در این راستاست، چراکه فرهنگ رضوی ظرفیت و قابلیت لازم برای حل این معضل فراگیر را دارد.

۱. از سخن پروردگار به رسولش که «بر تو کتابی نازل کرده‌ایم که توضیح همه چیز، هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است.» (نحل، ۸۹) و از سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) که می‌فرمایند: «هر چه را مردم تا روز قیامت به آن احتیاج دارند بیان کردم و از چیزی فروگذار نکردم» (طبرسی، ۴۰۳ (ق، ج ۱: ۶۴).

۲. خطاب «یا ایها الناس» در آیات مذکور حاکی از اختصاص نداشتن دستورها به مسلمانان است.

## ۱-۱. پیشینه تحقیق

آثار ارزشمند و تکنگاری‌هایی در خصوص محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده نگاشته شده است، از جمله در کتاب «حقوق محیط زیست» اثر آلکساندر چارلز کیس و همکاران (۱۳۹۲)، مضاف بر بیان مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط زیست و جنبه‌های شاخص زیست محیطی، به فرایند مذاکرات و فنون مذاکرات زیست محیطی در سطح بین‌المللی و نقش سازمان بین‌المللی در تحول تدریجی حقوق محیط زیست پرداخته شده است. همچنین در مقاله «عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی» آقای سعید فراهانی فر (۱۳۸۶) به‌طور کلی به جایگاه عدالت بین نسلی، راهکارها و موانع تحقق آن پرداخته‌اند. در حوزه دین نیز کتابی با عنوان «الهیات محیط زیست» توسط محقق داماد (۱۳۹۳) نگارش یافته است، اما ایشان در این اثر نگاهی فلسفی و عرفانی نسبت به موجودات و محیط زیست داشته و با دیدگاه متفکرانی چون ملاصدرا همسو بوده است؛ بنابراین به‌رغم جست‌وجوی نگارندگان، تحقیق مستقلی که به واکاوی مولفه‌های عدالت بین نسلی در حقوق بین‌الملل و فرهنگ رضوی پرداخته باشد، یافته نشد و مقاله حاضر جنبه نوآورانه دارد. بر این اساس پژوهش فعلی به روش تحلیلی کاربردی درصدد پاسخگویی به این سوالات است: «ابطال ابعاد عدالت بین نسلی در فرهنگ رضوی و توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل چیست؟»، «رعایت عدالت و احساس مسئولیت از جنبه زیست محیطی در فرهنگ رضوی چه جایگاهی دارد؟»، «آیا در فرهنگ مذکور، امر به معروف و نهی از منکر نقشی در رفع مشکلات زیست محیطی دارد و عناصر طبیعت نیز شامل مصادیق امر و نهی در آن است؟»

در پاسخگویی به سوالات مذکور نخست به مفهوم شناسی واژگان کلیدی، سپس به بررسی عدالت بین نسلی در حقوق بین‌الملل و در نهایت به بررسی این مفهوم در فرهنگ رضوی در ابعاد سه‌گانه پرداخته می‌شود.

## ۲. مفهوم‌شناسی

پژوهش در خصوص عدالت بین نسلی مضاف بر تعریفی از این واژه، نیازمند شناخت مفاهیمی چون محیط زیست و توسعه پایدار است که کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا از چنین حقی برای بشر سخن به میان آورند؛ بنابراین به اختصار به مفهوم شناسی آن‌ها می‌پردازیم.

## ۲-۱. محیط زیست

«محیط زیست» ترکیبی از دو واژه «محیط» به معنای تحت نفوذ قرار دادن، شرایط، اوضاع و احوال (Winsor Lewis, 1978:292 (A.P.Cowie, J)؛ فراگیرنده و جای زندگی آدمی (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۱۹) و «زیست» به معنای زندگی، حیات، عمر (معین، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۱۳) و چیزی که شخص برای زنده ماندن به آن نیاز دارد (Cambridge, 1997:463) است؛ بر این اساس می‌توان گفت محیط زیست عبارت است از آنچه که فرایند زیستن و قلمرو حیات و زندگی آدمی را احاطه کرده و با آن در کنش متقابل قرار دارد. بر این اساس محیط زیست مرز مشخصی ندارد و صرفاً به معنای «جایگاه و محل زندگی» نیست؛<sup>۱</sup> هدیه‌ای الهی است که از مجموعه منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است (هنری، ۱۳۶۲: ۳)؛ از طبیعت، جوامع انسانی و فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند، تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین (بیوسفر) را فرا می‌گیرد (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۲)؛ محیط زیست در این معنا صرفاً جنگل‌ها و مراتع طبیعی نیست، بلکه در کنار آن، انواع جانداران نیز جزو محیط زیست هستند (خالقی، ۱۳۹۰: ۳۱).

محیط زیست دارای انواع طبیعی، مصنوعی و اجتماعی است؛ در این میان، محیط زیست طبیعی که پهنه اساسی زیست کره را تشکیل می‌دهد، نسبت به دو نوع دیگر به دلیل نقش ویژه‌ای که در سلامت و بهبود شرایط زیستی موجودات زنده دارد، واجد اهمیت بیشتری است؛ بنابراین پژوهش ما دایرمدار این نوع از محیط زیست است.

## ۲-۱-۱. توسعه پایدار

در سال‌های اخیر اکثر مباحث مربوط به برابری بین نسلی با استفاده از واژگانی همچون «توسعه پایدار» مطرح و در این راستا توجه ویژه‌ای به نقش منابع طبیعی و محیط زیست در پایداری شکوفایی اقتصادی شده است (توحیدی، ۱۳۹۱: ۴۱)؛ توسعه در لغت به معنای «رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ شدن است» (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱) پایدار نیز به مفهوم بادوام، ماندگار، همیشگی و متوازن است؛ پایداری در این ترکیب به معنای استفاده متعادل و پایدار از منابع طبیعی است که به نفع همه نسل‌ها باشد؛ به عبارت دیگر، استفاده بهینه از منابع طبیعی برای رفاه جامعه و حفظ آن‌ها برای نسل‌های آینده است؛ بر این اساس طی گزارشی که در کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۳

۱. زیرا اگر محل و جایگاه تعریف شود، آلودگی هوا، راه‌های جلوگیری از تخریب طبیعت و... را شامل خواهد شد.

با عنوان «آینده مشترک ما» ارائه شد، توسعه پایدار به «استفاده معقول و منصفانه و برآورده کردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر افتادن منافع و نیازهای نسل آینده» تعریف شده است؛<sup>۱</sup> هرچند مطابق ماده ۳ قطعنامه استراسبورگ موضوع اصلی توسعه پایدار برقراری تناسب در توسعه و ایجاد روابط احسن با محیط زیست است؛ اما تمرکز توسعه پایدار بسیار گسترده تر از صرفاً محیط زیست است؛ بلکه هدف اصلی آن رعایت عدالت بین نسلی و صیانت از همه منافع نسل‌های آینده توأم با تأمین نیازهای نسل حاضر است؛ این مفهوم با مفهوم عدالت بین نسلی در حقوق بشری ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا از سویی هدف توسعه پایدار این است که قوانین محیط زیست، مفهوم پایداری به‌عنوان یکی از مبانی حفاظت از محیط زیست و حفظ حقوق نسل‌های آینده برجسته شده است. همچنین توسعه پایدار به‌عنوان یک رویکرد جدید در حوزه توسعه، مفهوم عدالت بین نسلی را در حفاظت از حقوق نسل‌های آینده به چالش می‌کشد و تأکید می‌کند که استفاده از منابع طبیعی باید با رعایت حقوق نسل‌های آینده صورت گیرد.

## ۲-۱-۲. عدالت بین نسلی

«عدالت» از جمله مبانی قابل طرح برای حقوق نسل‌های آینده است (فیروزی، ۱۳۹۹: ۶۱). این واژه در لغت به معنای مساوات و برابری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۲۵)، نقیض ظلم و ستم، نهادن هر چیزی به جای خود و حد وسط افراط و تفریط (فیومی، ۱۳۸۳: ۳۹۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۱۵۴) و در عرف عمومی غالباً به معنای عدالت توزیعی و گاهی نیز به معنای برابری فرصت‌ها به کار می‌رود، نسل نیز به معنای انفصال از شیء (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۵۸)، فرزند،<sup>۲</sup> دوره، عصر، تبار و نژاد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۰۲). در جمعیت‌شناسی نیز نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند؛<sup>۳</sup> بنابراین عدالت بین نسلی به معنای رعایت تساوی و فرصت برابر برای همه نسل‌ها در برخورداری از حقوق خود و به‌نحو کلی نفی هر گونه تبعیض در حقوق استحقاقی هر ذی‌حقی صرف نظر از هر دوره و نسلی است؛ این اصطلاح در حقوق بین‌الملل محیط زیست به

۱. گزارش مذکور مبدأ اصلی برای شناسایی حقوق آیندگان تلقی شده و به مرور زمان، ترقی بسیاری در این زمینه حاصل شد که آثار آن در نشست زمین (ریو ۱۹۹۱) و اسناد فراوان دیگری که در این خصوص نگاشته شده‌اند قابل مشاهده است.

۲. فرزند را از آن جهت نسل گویند که از انسان منفصل می‌شود.

3. Our Common Future, World Commission on Environment and Development, 1987, part 1.

صورت مستقل تعریف نشده است، اما با عنایت به اینکه در بسیاری از قوانین و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، مفهوم عدالت بین نسلی به صورت ضمنی وجود دارد<sup>۱</sup> مستفاد از آن می‌توان گفت: این اصطلاح در حقوق بین‌الملل محیط زیست به مفهوم احترام به حقوق و نیازهای نسل‌های آینده در استفاده از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست اشاره دارد.

## ۲-۲. واکاوی عدالت بین نسلی در حوزه حقوق

در پی افزایش فعالیت‌های اقتصادی بشر و نگرانی دانشمندان محیط زیست و بوم‌شناسان به دلیل در معرض خطر جدی قرار گرفتن پایداری و انعطاف‌پذیری اکوسیستم‌ها و نابودی منابع طبیعی، بحث محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی و تعادل آن با ظرفیت‌های محیط زیست طبیعی توسط متفکرانی چون مالتوس و ریکاردو مطرح شد. به تبع آن نظریه «عدالت بین نسلی» به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در حفاظت از حقوق نسل‌های آینده و استفاده متعادل از منابع طبیعی و تلاش برای تضمین برابری و عدالت در جامعه ارائه شد؛ بر اساس نظریه مذکور، نسل حاضر می‌بایست در استفاده از این منابع کمیاب که نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید، رشد، توسعه و رفاه اقتصادی دارند، حق آیندگان را نیز لحاظ کند. در واقع، حفاظت از محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی برای رفاه جامعه، باید با حفظ حقوق نسل‌های آینده همراه باشد و عدالت بین نسلی به معنای تضمین این است که نسل‌های آینده همان حقوق و فرصت‌هایی را داشته باشند که ما داریم؛<sup>۲</sup> این مفهوم در دو حوزه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی قابل بررسی است.

## ۲-۲-۱. عدالت بین نسلی در عرصه حقوق بین الملل

عدالت و حقوق بشر دو حوزه مهم در حوزه حقوق بین‌الملل هستند. در واقع، عدالت گوه‌ری گرانبها و آرمانی در راه تحقق و انتفاع حقوق بشر است؛ بهره‌مندی از حقوق بشری در رویکرد بین‌المللی، در طول زمان تکامل یافته و تاکنون چهار نسل اصلی از آن تشخیص داده شده است؛<sup>۳</sup> این حقوق که به چندین دسته تقسیم و در هر دسته حقوق مختلفی برای افراد تضمین شده است، به نحو مختصر عبارت است از:

۱. از جمله در کنوانسیون تغییرات آب و هوا، بر این اصل تاکید شده است که نباید باعث تضرر طبیعت به‌گونه‌ای شویم که حقوق نسل‌های آینده را نقض کند و ...  
 ۲. چنان‌که پروفیسور لویی هنکین موضوع محیط زیست مشترک را مطرح کرد در پاره‌ای از مقررات بین‌المللی از آن به نام میراث مشترک بشریت یاد شده است.  
 ۳. نسل‌های حقوق بشر به مجموعه حقوق و آزادی‌های اساسی افراد در جامعه گفته می‌شود که در طول زمان تکامل یافته است.

- نسل اول؛ شامل حقوق سیاسی و مدنی، حقوقی چون حق زندگی، آزادی، عدالت، برابری قبل از قانون، حق دفاع در دادگاه، حق به حریم خصوصی، حق به آزادی اظهار نظر و ... می‌شود.<sup>۱</sup>

- نسل دوم؛ مربوط به برابری و شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و در آن حقوقی مانند حق دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و فرهنگی، حق دسترسی به سطح استاندارد بالایی سلامت، تغذیه، آب، بهداشت و مسکن و ... تضمین می‌شود.<sup>۲</sup>

- نسل سوم؛ فراتر از حقوق مدنی و اجتماعی بوده و طیف وسیعی از حقوق شامل حق توسعه اقتصادی و اجتماعی، حق دسترسی به منابع طبیعی، حقوقی شامل حق داشتن محیط رضایت‌بخش و زندگی سالم، حق دسترسی به آب و هوای پاکیزه، حق عدالت و پایداری بین نسلی و ... می‌شود.<sup>۳</sup>

- نسل چهارم؛ شامل حقوق مدنی و سیاسی جدید است که در عصر دیجیتال و اینترنت به وجود آمده است. این حقوق شامل حق به دسترسی به اینترنت، حفظ حریم خصوصی در فضای دیجیتال، حق به اطلاعات و ... می‌شود.

بحث در خصوص عدالت بین نسلی در ارتباط با نسل سوم از حقوق بشر است و اقتضای بهره‌مندی از حقوق مذکور و ایجاد برابری بین نسلی، دست یافتن به توسعه پایدار است؛ در واقع، «توسعه پایدار» یک مفهوم نسل سوم حقوق بشری و بدان معناست که کلیه حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشری با یکدیگر مد نظر قرار بگیرند. به عبارت دیگر، در نگاه توسعه پایدار، توجه به حقوق مدنی و سیاسی نباید موجب اختلال در حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشری و برعکس شود؛ بنابراین رویکرد توسعه پایدار نسبت به محیط زیست که در مفهوم عدالت بین نسلی در نظام حقوق بین الملل متجلی شده است، به این معنا دلالت دارد که در حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آینده نیز باید تمامی حقوق مذکور با یکدیگر

۱. در قرن نوزدهم و نیمه قرن بیستم شکل گرفت.

۲. در دهه ۱۹۶۰ پی‌ریزی شد.

۳. شکل‌گیری این نسل از حقوق بشر در در قرن بیست و یکم بوده و در راستای تضمین حقوق بشر و محیط زیست، بسیاری از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی تدوین شده است. برخی از این اسناد عبارت است از:  
- کنوانسیون تنوع زیستی: این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و به حفاظت از تنوع زیستی در سراسر جهان می‌پردازد. این کنوانسیون شامل مواردی مانند حفاظت از گونه‌های در حال انقراض، حفاظت از منابع آب و ... می‌شود.  
- کنوانسیون تغییرات آب و هوا: این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و به حفاظت از محیط زیست در برابر تغییرات آب و هوا می‌پردازد. این کنوانسیون شامل مواردی مانند کاهش گازهای گلخانه‌ای، افزایش استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و ... می‌شود.

پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (شامل حق به زندگی، حق به آزادی اظهار نظر، حق به دادگاه منصفانه و ...) در همین راستاست. این پیمان در سال ۱۹۶۶ تصویب شد و حقوق سیاسی و مدنی افراد را تضمین می‌کند.

و به صورت توأمان در نظر گرفته شود؛ این موضوع در عرصه بین الملل در معاهدات دو یا چند جانبه و جهانی زیادی مورد تدوین و تصویب قرار گرفته که در این میان نقش و تلاش‌های سازمان ملل متحد در برگزاری کنفرانس‌های مهم جهانی از جمله کنفرانس ۱۹۷۲ محیط زیست و انسان در استکهلم و کنفرانس ۱۹۹۲ محیط زیست<sup>۱</sup> و توسعه در ریو و تدوین معاهدات مهم در زمینه‌های مختلف زیست محیطی مانند معاهده تنوع بیولوژیکی انجام اقداماتی مانند برنامه محیط زیست ملل متحد، برنامه تسهیلات جهانی محیط زیست و دستور کار ۲۱ از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؛ این قوانین که به حقوق نرم یا حقوق انسجام بشری خوانده می‌شوند، حقوقی هستند که فراتر از چارچوب حقوق فردی رفته و روی مفاهیم جمعی مانند اجتماع یا مردم، تمرکز دارند.<sup>۲</sup> همچنین در همین راستا و به منظور تضمین عدالت و برابری و گوشزد کردن حق مذکور در جامعه، کنوانسیون‌های بین المللی حقوق بشر، از جمله پیمان‌های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق زنان و کودکان، حقوق مهاجران و...، تدوین شده‌اند.<sup>۳</sup> این اسناد و معاهدات به‌عنوان راهکارهایی برای تضمین حقوق بشر در جامعه به کشورهای توصیه می‌کنند که قوانین و مقررات لازم را تدوین و آن‌ها را اجرا کنند. چنان‌که در پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۲ تأکید می‌کند که «هر فرد حق دارد به حداقل استانداردهای زندگی مناسب دست یابد؛ از جمله غذا، پوشاک و مسکن و همچنین به خدمات بهداشتی، آموزشی و فرهنگی دسترسی داشته باشد.» به علاوه، در پیمان بین المللی حقوق کودکان، ماده ۳۰ تأکید می‌کند که «هر کودک حق دارد به یک سطح استاندارد بالا از سلامت، تغذیه، آب، بهداشت و مسکن دسترسی داشته باشد.» همچنین منشور آفریقای درباره حقوق بشر حق توسعه، حق دسترسی به منابع طبیعی و حق دسترسی به محیط زیست رضایت‌بخش را تضمین نموده<sup>۴</sup> و برخی کشورها نیز برای حفاظت از نسل سوم حقوق، مکانیسم‌های قانونی در نظر گرفته‌اند که «کمیسیون پارلمانی مجارستان برای نسل‌های آینده»<sup>۵</sup>، «کمیته آینده مجلس فنلاند» از آن جمله‌اند. همچنین بعضی از مؤسسات بین المللی برای حفاظت از این حقوق

۱. مطابق اصل بیست و چهارم کنوانسیون محیط زیست و انسان: «تمام کشورها کوچک و بزرگ باید به موضوعات بین المللی حفاظت و بهبود محیط زیست با روح همکاری و برپایی مساوات رسیدگی کنند.»

2. Cornescu, Adrian (2009). «The generations of human's rights». Retrieved May 12, 2020 - Jensen, Steven. «Putting to rest the Three Generations Theory of human rights». Open Global Rights. Retrieved May 12, 2020

Three Generations of Human Rights». Globalization 101. Levin Institute - State University of New York. Archived from the original on 2 November 2021. Retrieved May 2020, 12.

۳. هر چند در برخی کشورها از جمله ایتالیا، یونان و فرانسه قدمت انجام بعضی پاسخ‌های حمایتی به قرن‌ها قبل باز می‌گردد، اما در پهنه بین الملل مهم‌ترین اقدامات انجام شده، مربوط به قرن بیستم است. چنان‌که دادگاه نورنبرگ را می‌توان یک پاسخ تلویحی بین المللی به جرایم زیست محیطی دانست.

4. African Charter on Human and Peoples' Rights, Article 22, 21, 20 and 24.

5. Notes: Hungarian Parliamentary Commissioner for Future Generations.

اداراتی را تخصیص داده‌اند که می‌توان به «کمیسیون عالی در مورد اقلیت‌های ملی» سازمان امنیت و همکاری اروپا اشاره کرد که مأموریت «حفاظت، تحفظ و انکشاف محیط زیست برای نسل‌های حال و آینده و ترویج انکشاف پایدار» را در وظایف خود دارد. بر اساس مطالب مطرح شده، نظام حقوق بین‌الملل با اقدامات مذکور درصدد حفاظت از انسان و نسل‌های آینده آن است. همچنین نظر به اهمیت این حقوق برای همه انسان‌ها، این موضوع در حقوق داخلی کشورها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲-۲-۲. عدالت بین نسلی در عرصه حقوق داخلی

بروز بحران زیست محیطی پیام‌آور این است که علاوه بر صیانت از محیط زیست در برابر فعالیت‌های آلاینده و مخرب، تا جای ممکن می‌بایست از وقوع عوامل تهدید کننده و آلودگی گوناگون ممانعت کرد؛ پس نه تنها در حقوق بین‌الملل، بلکه در حقوق داخلی کشور، از جمله ایران در خصوص حمایت از نسل سوم حقوق بشر (حق دسترسی به آب و هوای تمیز، حق دسترسی به منابع طبیعی و...) نیز قوانین و مقررات متعددی در حفاظت از محیط زیست و مسئولیت انسان در راستای حفظ منابع طبیعی در مقابل آیندگان (عدالت بین نسلی) وضع شده است.

در ایران نیز در راستای صیانت از منافع همگانی و برقراری عدالت با تصویب قانون شکار سال ۱۳۳۵ و قوانین و مقررات پس از آن، از جمله قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان مصوب ۱۳۵۲، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱، قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹ و... پاره‌ای از رفتارها و اقداماتی که سبب وارد شدن خسارت به محیط زیست می‌شوند، جرم زیست محیطی تلقی و برای آن‌ها بر حسب مورد یک یا چند پاسخ کیفری شامل حبس، جریمه نقدی، بستن و تعطیل کردن واحد آلاینده محیط زیست و... پیش‌بینی شده است. همچنین نظر به اهمیت موضوع عدم تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی در برخی از اصول قانون اساسی از جمله اصل چهل و هشتم قابل رویت است. همچنین بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌هایی بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود؛ از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و... که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است»؛ اما به‌رغم تلاش‌های ملی

و فراملی، امروزه آلوده کردن و تخریب محیط زیست همچنان ادامه داشته و رو به افزایش است و هنوز نمی‌توان چنین عدالتی را جزو قواعد لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل موجود (معاهداتی یا عرفی) قلمداد کرد؛ بنابراین در حال حاضر عدالت بین‌نسلی در بهترین حالت، آموزه‌ای است برای سوق دادن «حقوق موجود» به سمت «حقوق مطلوب» و تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل به روش‌های منصفانه و مبتنی بر «نیازهای جامعه بین‌المللی در کل» که باید در راستای حفظ «میراث مشترک بشریت» حرکت کند (محبی و فیض‌الهی، ۱۴۰۰: ۷)؛ پس می‌بایست در صد احیای این نظریه با رویکرد دیگر بود.

علاوه بر فقدان حمایت کیفری از محیط زیست در عرصه بین‌المللی و نیز نقض میزان و چگونگی این حمایت در حقوق داخلی کشورها و اشکالاتی که در زمینه‌های مختلف جرم‌انگاری، تعیین پاسخ‌های کیفری مناسب و متناسب با جرم وجود دارد (و محل بحث این پژوهش نیست)، یکی از مهم‌ترین دلایل چرخش زندگی انسان‌ها بر مدار توسعه بی‌رویه و ترجیح منافع کوتاه‌مدت فردی بر منافع مستمر اجتماعی، فاصله گرفتن از تعالیم دینی و نبود آموزش‌های مفید و گسترده از پیشگیری تا کنترل و جلوگیری از روند آلوده کردن محیط زیست است. توضیح آنکه به‌رغم اینکه به‌طور کلی در ادیان آسمانی چون زرتشتی، یهودیت و مسیحیت، طبیعت و محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. به‌خصوص در کشور ایران به‌عنوان خاستگاه یکی از کهن‌ترین تمدن‌ها که همواره به حمایت از محیط زیست و مختص نشدن آن به یک دوره یا گروه، مورد توجه بوده و سابقه دیرینه دارد و با ظهور مکتب اسلام بر میزان و چگونگی آن افزوده شده است، تمسک به دین می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد.

## ۲-۳-۲. واکاوی عدالت بین نسلی در فرهنگ رضوی

مفهوم عدالت بین نسلی در دستورهای اسلامی و حوزه حقوق بین‌الملل اسلام و به‌نحو خاص در فرهنگ رضوی به‌تناوب و با اسباب متنوعی گوشزد شده است؛ بر اساس آموزه‌های فرهنگ رضوی داشتن محیط زیست پاک و طیب، نیاز هر انسان برای یک زندگی سالم است و زندگی بدون محیط زیست پاک (هوای پاکیزه و تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین بارور و حاصل‌خیز) گوارا و شیرین نیست (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۹۲)؛ بر این اساس، خداوند، زمین و هر آنچه را در زمین است برای همه انسان‌ها (از خلقت آدم تا روز قیامت) آفرید (بقره، ۲۹) و شالوده آن را عدالت قرار داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۸۳) و عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه خود (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ۱۷۱) و پرداخت حق هر ذی‌حقی است و این مفهوم صرفاً محدود به گروه یا نسل خاصی نبوده و دامنه رعایت عدالت، علاوه بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی را نیز

در بر می‌گیرد. چنان‌که برخی آیات از تعلق طبیعت به همهٔ نسل‌ها سخن می‌گویند (لقمان، ۲۰؛ الرحمن، ۱۰)؛<sup>۱</sup> و انسان را از فساد در زمین نهی کرده است؛ ائمه (علیهم‌السلام) به عناصر طبیعت علاقه داشتند؛ چنان‌که امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «رسول خدا تماشای گیاهان سبز و خرم را بسیار دوست می‌داشت و از نگاه به سیب سرخ و ترنج سرسبز و خرم (به دلیل زیبایی آن‌ها) شگفت زده می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۱۸۹) و با آگاهی دادن به مردم در خصوص عناصر طبیعت و سودمندی‌های آن به کاشت درختان و حفاظت بیشتر از آن‌ها و به کشاورزی و دامداری تشویق کرده‌اند، مستفاد از برخی روایات (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۷۹۹) می‌توان دریافت که گسترهٔ اخلاق در چنین فرهنگی آنچنان زیاد است که محیط زیست را نیز در بر می‌گیرد.

در رویکرد رضوی، حفاظت از محیط زیست، ارتباط زیادی با حفاظت از حقوق نسل‌های آینده دارد و عدالت بین نسلی مفهوم ذاتی و طبیعی انگاشته می‌شود؛ بدین معنا که انسان‌ها به دلیل داشتن برابری در منابع بین نسلی و نیازهای متقابل همگانی برای زیست سالم نیازمند روابط عادلانه‌اند و از آنجا که هر برهه‌ای نسبت به کل تاریخ، همچون نقطه‌ای کوچکی در امتداد یک خط طولانی است، نعمت‌های الهی ملک طلق تلقی نشده و متعلق به همهٔ انسان‌ها در همه نسل‌هاست؛ توضیح آنکه دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ مالکیت انسان بر منابع محیط زیست وجود دارد؛ یک دیدگاه، بر اصل خصوصی بودن منابع محیط زیست تأکید داشته و مالکیت کامل انسان بر منابع محیط زیست را تأیید می‌کند و بر این باور است که انسان‌ها حق دارند از منابع طبیعی بهره‌برداری و آن‌ها را به دلخواه خود استفاده کنند (مالکیت مطلق)؛ اما دیدگاه دیگر، نقش بالقوهٔ انسان‌ها در حفاظت و حفظ منابع محیط زیست را برجسته کرده و معتقد است که انسان‌ها صرفاً حق انتفاع و بهره‌برداری، بدون حق تخریب و آسیب رسانی داشته و علاوه بر بهره‌وری، وظیفه حفاظت و حفظ آن‌ها را نیز بر عهده دارند؛ این دیدگاه بر اصل توسعه پایدار و حفظ تعادل زیستی تأکید دارد؛ در سنت رضوی استفاده از ذخایر طبیعی و محیط زیست از نوع اخیر بوده و هیچ فردی حق ندارد که با اسراف و استفاده ناصحیح از منابع طبیعی و عمومی، از جمله محیط زیست سبب آسیب به حقوق انسان‌های دیگر از جمله نسل‌های آینده شود؛ چراکه محیط زیست و پالایندگی آن، یکی از مهم‌ترین ضروریات حفظ و بقای حیات در زیست کره تلقی می‌شود؛ البته در فرهنگ رضوی، استفاده نسل‌های مختلف انسانی از مواهب محیط زیستی تا حدود زیادی تابع اراده الهی است، هرچند ارادهٔ انسانی نیز در این زمینه تشدیدکننده یا تخفیف‌کننده است؛ اینچنین برداشتی به تاسی از قرآن کریم حاصل شده است (حجر، ۲۱)

۱. زیرا با توجه به آیه «والارض وضعها للانام» طبیعت و منابع آن به همهٔ نسل‌ها تعلق دارند، چراکه کلمه «الانام» به معنای مردمان، جمع محلی به «ال» بوده و افادهٔ عمومی می‌کند.

امام رضا علیه السلام به‌عنوان یک رهبر دینی و سیاسی در حفظ محیط زیست و ترویج مفهوم عدالت بین نسلی الگو و پیشگام برای همه افراد محسوب می‌شده و با تأکید بر اهمیت حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، نقش مهمی در ترویج این ارزش‌ها داشته‌اند؛ در رویکرد رضوی عدالت بین نسلی از دو بعد مادی و معنوی برخوردار است؛ بدین معنا در صورتی که هدف از حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آینده صرفاً ابعاد مادی آن یعنی جلوگیری از تخریب یا حفاظت از گونه‌های زیست‌محیطی در معرض خطر باشد، این امر نمی‌تواند در نهایت موجب شود که نسل‌های آینده نیز بتوانند از مواهب زیست‌محیطی بهره ببرند، بلکه حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آینده در چهارچوب جهان‌بینی‌ای است که انسان، حیوانات و گونه‌های گیاهی در محور آن قرار ندارند، بلکه خداوند در محوریت آن استقرار دارد؛ این چنین برداشتی، تفاوت اساسی میان مفهوم عدالت بین نسلی در نگاه حقوق بین الملل و نگاه رضوی ایجاد می‌کند؛ به عبارت دیگر، عدالت بین نسلی در نظام حقوق بین الملل به دنبال حفاظت انحصاری از نسل‌های انسانی است بدون اینکه جهان‌بینی را در نظام هستی مدنظر قرار دهد؛ از این رو، گفتمان عدالت بین نسلی در نظام حقوق بین الملل صرفاً به دنبال حفاظت از انسان و نسل‌های آینده آن است بدون اینکه محوریت خداوند را مدنظر قرار بدهد؛ در حالی که در فرهنگ رضوی بر محوریت خداوند در این جهت تأکید می‌شود. بر این اساس در سنت رضوی استفاده نابودگرایانه ممنوع، ظلم و در تضاد با عدالت است.

با بررسی روایات امام رضا علیه السلام در ارتباط با محیط زیست، مشخص می‌شود که ایشان به حفاظت از محیط زیست توجه فراوانی داشته و در زمینه حفظ محیط زیست به دو شیوه عمل کرده‌اند؛ اولاً: ایشان به‌عنوان الگویی برای دیگران در حفظ محیط زیست بوده و به‌صورت مداوم به ترویج اخلاق محیط زیست و توجه به حقوق حیات و جانداران تأکید و از هرگونه ضایعات و آسیب به محیط زیست نهی کرده‌اند. ثانیاً: آن حضرت در حفظ محیط زیست، با مردم ارتباط و همکاری داشته و برقراری عدالت بین همه نسل‌ها و حمایت از این حقوق همگانی در رویکرد رضوی در ابعاد سه‌گانه مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲-۳. ابعاد عدالت بین نسلی در فرهنگ رضوی

در مکتب رضوی عدالت بین نسلی از سه بعد: ۱. تکلیف و مسئولیت زیست‌محیطی (مسئولیت الهی)، ۲. همبستگی اجتماعی و ایجاد فرصت برابر (مسئولیت اجتماعی)، ۳. کارایی اقتصادی و پایداری مصرف که مفهوم نزدیکی به ابعاد توسعه پایدار در حقوق بین الملل دارد، تشکیل شده است که به اختصار به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۲-۳-۱. تکلیف و مسئولیت زیست محیطی (مسئولیت الهی)

یکی از تفاوت‌های اساسی و بنیادین میان رویکرد فرهنگ رضوی و رویکرد نظام حقوقی بین المللی و داخلی موجود ناظر بر عدالت بین نسلی آن است که آنچه صحبت از مسئولیت و تکلیف نسل موجود می‌شود، تکلیف و مسئولیت الهی است، از این رو، انسان در فرهنگ رضوی در حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آینده، خود را در برابر خداوند مسئول می‌داند؛ بنابراین تکلیفی که در این چهارچوب بر انسان بار می‌گردد، بسیار والاتر و سخت‌گیرانه‌تر از تکلیفی است که در رویکرد حقوق بین الملل موجود نسبت به حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آینده وجود دارد؛ بنابراین در فرهنگ رضوی بین حق و تکلیف تلازم وجود دارد و هر جا حقی هست در مقابل آن تکلیفی نیز وجود دارد و اگر نسل فعلی حق استفاده از منابع طبیعی را دارد در مقابل، مسئول روابط و تعاملی است که با محیط زیست پیرامون خود و تکلیف به رعایت حقوق نسل‌های آینده نیز دارد؛ زیرا هر شخص نسبت به محیطی زیستی سالم ذی‌حق، اما مکلف به حفظ محیط زیست سالم برای نسل‌های آینده است. انسان‌ها باید روابط خود را با محیط زیست به گونه‌ای سامان دهند که با دوام باشد و به نابودی محیط زیست منجر نشود؛ زیرا دوام یکی از مشخصه‌های توسعه پایدار است که در فرهنگ رضوی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بر همین اساس توصیه شده است «مانند آن کس عمل کن که گمان می‌برد که هرگز نمی‌میرد و مانند آن کس بترس که می‌ترسد فردا بمیرد» (کوفی: ۱۶۳) و نیز فرموده‌اند: «اگر قیامت بر پا شود و در دست یکی از شما نهالی باشد، اگر بتواند چنان کند که کمی پیش از قیامت آن را بکارد، باید بکارد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۴۶۰).

در سنت رضوی در راستای تکلیف انسان و مسئولیت او نسبت به منابع و محیط زیست، برخی اقدامات برای صیانت و دوام منابع طبیعی و محیط زیست و در راستای توسعه پایدار، توصیه شده است که با توجه به مجال مقاله به مهم‌ترین آن‌ها به اختصار پرداخته می‌شود.

### ۲-۳-۱-۱. توصیه به درختکاری و کشاورزی

عناصر طبیعت به همه انسان‌ها تعلق دارند و سعادت و سلامت انسان در گرو سلامت آن‌هاست. نقش درخت‌ها به عنوان ریه‌های تنفسی شهرها در ایجاد طراوت و لطافت هوا و افزایش عمر انسان انکارناپذیر است؛ از همین رو در فرهنگ رضوی از کاشت درخت و خوردن انسان یا حیوان از میوه آن به صدقه جاریه تعبیر کرده (همان: ۲۶) و درخت را برای خانواده درختکار و برای بازماندگان پس از آنان اگر شکرگزار خداوند باشند، موجب برکت دانسته‌اند (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۳۳۹)؛ در لسان روایات از صدمه زدن به درختان که حق همگانی محسوب می‌شود نهی موکد

شده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۹) و از این عمل در کنار گناهان کبیره‌ای چون قتل زنان، پیران و کودکان یاد شده و از آتش زدن درخت و قطع آن (مگر هنگام ضرورت) و سوزاندن مزرعه‌ها حتی در زمان جنگ نکوهش شده است (همان: ۲۸)؛ روایت مزبور با قیاس اولویت می‌رساند که باید در زمان صلح به گونه‌ای مؤکدتر درختان و مزرعه‌ها حفاظت و از نابودی آن‌ها پرهیز شود؛ زیرا نابودی آن‌ها موجب ظلم به انسان‌ها، حتی نسل‌های آینده است؛ در برخی روایات آمده که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام جهان سرسبز و خرم و کشاورزی و درختکاری پررونق می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۱۰۴)؛ موارد یاد شده نشان می‌دهد که کاشت درخت و حفظ محیط زیست در راستای منافع همه انسان‌ها، حتی نسل‌های آینده است؛ زیرا طبیعت تنها به نسل حاضر اختصاص ندارد.

امام رضا علیه السلام به پیروی از پیامبران به‌ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام کشاورزی می‌کردند؛ چراکه در اندیشه ایشان، انسان‌ها محور اصلی توسعه و شکوفایی جامعه اسلامی و سرسبزی و رونق کشاورزی هستند (عطاردی، ۱۴۱۳، ق: ۶۷).

بهترین، کوتاه‌ترین و هموارترین راه برای شکوفایی کشاورزی و دامداری و سرسبزی جامعه اسلامی آن است که مردم از روی اعتقاد در این مسیر گام نهند. در پرتو تغییرات گسترده در اندیشه و باورهای مردم است که می‌توان به این هدف دست یافت. سخنان امام رضا علیه السلام درباره اهمیت کشاورزی و درختکاری سبب شد که مردم به بسیاری از فواید و آثار مادی و معنوی آن‌ها به‌طور عمیق پی ببرند. ایشان خطاب به مأمون در مقام تشبیه بدن به زمین کشاورزی نکاتی را در خصوص فواید کشاورزی و آبیاری صحیح گوشزد کرده و فرمودند: «... آبیاری نباید به گونه‌ای باشد که گیاهان در آب غرق شوند و نه به گونه‌ای که سیراب نشوند و تشنه بمانند. اگر مردم بر آبادی زمین‌های کشاورزی همت گمارند و آن‌ها را درست آبیاری کنند، سود آن‌ها فراوان و محصولاتشان عالی خواهد شد؛ ولی اگر از آبادانی آن غفلت بخشند یا آبیاری را به درستی انجام ندهند، کشاورزی تباه خواهد شد و علف‌های هرز زمین را فرا خواهد گرفت» (عطاردی، ۱۴۱۳، ق: ۳۱۲)؛ در این روایت نه تنها کشاورزی مورد تشویق بوده، بلکه رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط در مصرف آب مورد تأکید قرار گرفته است. بی تردید تشویق به کشاورزی به دلیل آن است که کشاورزی در آبادانی، پیشرفت و استقلال هر جامعه‌ای و رسیدن آن به توسعه پایدار نقش بسزایی دارد؛ اما به‌رغم مطلوب بودن کشاورزی، تخریب محیط زیست و استفاده غیرعادلانه و غیرمنطقی و غیرکارشناسی از طبیعت، به بهانه کشاورزی، همچون حفر چاه‌های زیاد و استفاده بی‌رویه از منابع آبی، نادرست بوده و ظلم به همه انسان‌ها، اعم از نسل کنونی و نسل‌های آینده را موجب می‌شود.

## ۲-۳-۱-۲. توصیه به رعایت حقوق حیوانات

محیط زیست را در این معنا نباید صرفاً جنگل‌ها و مراتع طبیعی دانست، بلکه در کنار آن، انواع جانداران نیز جزو محیط زیست هستند؛ در سنت رضوی، تمام جهان هستی واجد درک و شعور و در ارتباط با خداوند هستند (حج، ۱۸). بر این اساس، واجد احترام بوده و بشر در برابر بهره برداری از آن‌ها، مکلف به رعایت احترام ذاتی و حق حیات آن‌هاست و کلام خداوند تأییدی بر این سخن است که می‌فرماید: انسان در قیامت دربارهٔ حیوانات بازخواست می‌شود (تکواثر، ۸). در این فرهنگ دادن آب و غذا به حیوانات مستحب بوده و تهیه دارویی که سلامت حیوان به آن بستگی دارد، از مصادیق وجوب نفقه است (شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۸۲۳) و می‌توان مالی را برای غذای حیوانات وقف کرد (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق: ۴۳۰) شکار تفریحی حیوانات حرام بوده و موجب تمام بودن نماز شکارچی می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۵۱۱). از این رو گوستاولوبون نوشته است: «در بلاد اسلامی جمعیت حمایت از حیوانات لازم نیست، این قطعه از دنیا را می‌توان بهشت حیوانات دانست؛ مسلمانان حقوق سگ، گربه و طیور را رعایت می‌کنند، مخصوصاً در مساجد و معابر، طیور با کمال آزادی پرواز می‌کنند و در مناره‌ها لانه دارند، مسلمانان در این باره به‌گونه‌ای هستند که باید ما اروپاییان خیلی چیزها را از آنان بیاموزیم» (لوبون، ۱۳۸۷: ۴۴۶).

آنچه در سیرهٔ ائمه اطهار علیهم‌السلام از جمله امام رضا علیه‌السلام مشهود بوده، عنایت و توجه آن بزرگواران به حقوق حیوانات است. در این فرهنگ حقوق حیوانات از جمله حق حیات و اذیت و آزار رساندن به حیوانات خانگی، نگهداری و مراقبت از آن‌ها مورد تأکید بوده و آزار رساندن و ظلم به حیوانات نکوهش شده است؛ چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از زدن شلاق به صورت چهارپایان و کشتن زنبور عسل، کشتن و پی کردن بدون دلیل حیوانات (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۵۹) و نیز از هجوم به لانهٔ جوجه‌های پرندۀها، نهی کرده (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳: ۳۸۱)؛ اهمیت حیوانات تا جایی است که سیراب کردن جگر تشنهٔ حیوان موجب پناه انسان در قیامت زیر سایهٔ ظل معنوی خداوند می‌شود (همان، ج ۹۳: ۱۷۰)؛ زیرا هر آنچه بیشتر در جهت رعایت حقوق حیوانات تلاش شود به همان میزان، نسل بشری نیز استمرار بیشتری می‌یابد، ایشان به زندگی گونه‌های حیوانات اهمیت داده و در روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند که آن حضرت از پنج چیز که عبارتند از مرغی که از سر بزرگ و منقار بزرگ برخوردار است، شانه به سر، زنبور عسل، مورچه و وزغ نهی کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷۷). این روایت نشانگر توجه امام رضا علیه‌السلام به گونه‌هایی خاص از حیوانات است که با بررسی عملکرد آن‌ها در طبیعت، این برداشت حاصل می‌شود که در صورت نبود آن‌ها به‌ویژه زنبور عسل و مورچه، استمرار محیط زیست با چالش‌های اساسی مواجه می‌شود. همچنین در روایات دیگر، امام رضا علیه‌السلام بر ضرورت حفاظت از خاک و حرام بودن

خوردن آن به جز در ارتباط با خاک قبر امام حسین (علیه السلام) صحبت کرده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۷۸).

در فرهنگ رضوی حیوانات دنیای ویژه‌ای دارند. آنان خدا را تسبیح می‌کنند و آدمیان نباید به آن‌ها آزار برسانند. از این رو امام رضا (علیه السلام) به رفتار خوب و محبت به حیوانات توصیه کرده و فرموده‌اند: «با چهارپایان به خوبی رفتار کنید؛ زیرا آن‌ها وحشی هستند و اگر به خاطر عدم محبت از گروهی دور شدند دیگر بر نمی‌گردند (عطاردی، ۱۴۱۳ق: ۴۶۸)» و نیز می‌فرمودند «آن کس که در خانه اش غذایی بخورد و چیزی از آن بریزد (در صورت آلوده نبودن) آن را نیز مصرف کند و آن کس که در بیابان و یا بیرون از منزل غذا بخورد، ریختنی‌های غذا را برای پرندگان و حیوانات رها کند» (همان). ایشان با حیوانات گفت‌وگو و برخی حیوانات از آن حضرت، طلب کمک می‌کردند<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۶: ۴۲). ضامن آهو یکی از القاب امام رضا (علیه السلام) است (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۳۸) و آن حضرت در ایران و شبه قاره هند، به «امام ضامن» و «ضامن آهو» مشهورند؛ ایشان به برخی حیوانات به دلیل ویژگی‌های خاص، نگاه ویژه‌ای داشتند. از جمله می‌فرمودند: «چکاوک را نکشید و گوشتش را نخورید که آن بسیار تسبیح می‌گوید و در پایان تسبیحش می‌گوید خداوند دشمنان آل محمد (علیهم السلام) را لعنت کند» (بروجردی، ۱۳۹۱، ج ۲۸: ۱۴۳). همچنین می‌فرمودند: خروس سفید، مانند پیامبران پنج خصلت دارد؛ شناختن وقت نماز، غیرت، سخاوت، شجاعت و مجامعت زیاد (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱۰: ۴۳۳). برخی حیوانات را برای نگهداری در منزل انتخاب کرده و می‌فرمودند: منازل خود را از سه حیوان خالی نگذارید: گربه، کبوتر و خروس؛ اگر خواستید یک همدمی برای خروس بیاورید مانعی ندارد (همان: ۷۴۲).

وجود گونه‌های گوناگون حیات وحش، از مظاهر خلقت و آفرینش خداوند لحاظ می‌شود؛ در طی میلیون‌ها سال به دلیل ایجاد ارتباط میان تمامی عناصر زنده و غیرزنده در طبیعت، نظامی متوازن شکل گرفته است که در پناه آن، حیات بشری نیز امکان‌پذیر شده است، شبکه حیات به‌نحوی سازمان‌دهی شده است که زندگی هر حیوان و موجودی در آن به زندگی حیوان و موجودی دیگر گره خورده است. از این رو، هر گونه دخالت نابخردانه در این شبکه، موجب از دست رفتن موازنه زیست محیطی و به مخاطره افتادن زندگی تمامی موجودات به ویژه انسان می‌شود (خالقی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

۱. چنان‌که سلیمان جعفری نقل می‌کند: در خدمت حضرت رضا (علیه السلام) بودم در بستانی از آن حضرت، ناگاه گنجشکی آمد مقابل آن حضرت بر زمین و شروع کرد به صیحه زدن و اضطراب کردن، حضرت فرمود ای فلاخی می‌دانی که این عصفور چه می‌گوید: گفتم نه. فرمود: می‌گوید که ماری می‌خواهد جوجه‌های مرا بخورد. این عصارا بردار و داخل بیت شو و بکش مار را. سلیمان گفت عصارا بر دست گرفتم و داخل بیت شدم دیدم ماری بر جولان است. پس کشتم مار را.

اقدامات مختلفی موجب می‌شوند که حقوق نسل‌های آینده در ارتباط با محیط زیست تحت الشعاع قرار بگیرد. از جمله به‌رغم مباح بودن استفاده از حیوانات حلال گوشت برای خوردن و منافی، چون باربری و ... استفاده بی‌رویه از آن‌ها، به‌ویژه گونه‌های نادر، موجب محدودیت نسل آینده و در نهایت نابرابری نسل‌ها و ستم به آن‌هاست. همچنین صید بی‌رویه و غیرمسئولانه ذخایر دریایی، ضمن اینکه نسل بسیاری از گونه‌های آبی و جانوری را از بین می‌برد، دسترسی نسل‌های آینده به آن‌ها را محدود می‌سازد (خالقی، ۱۳۹۰: ۳۱)؛ از این رو در سنت رضوی، خوردن پیوسته گوشت موجب سنگدلی دانسته شده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳، ج ۶۲: ۲۹۴) و امام علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «شکم‌هایتان را گورستان جانوران نکنید» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱، ج ۲۶).

### ۲-۳-۱-۳. نهی از آلودگی آب و هوا

بر اساس آموزه‌های رضوی، آب مادر نعمت‌هاست و پیدایش و رشد گیاهان و درختان و حیات بشر در پرتو آن است (انبیاء، ۳۰؛ بقره، ۱۶۴). همه مردم در آب شریکند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۷: ۱۱۴)؛ پیامبر ﷺ آن را مایه حیات دانسته و از آلوده کردن آب دشمنان نیز نهی فرموده (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۵) و ادرار کردن به آب را کدر را جفا می‌دانستند، زیرا به تصریح علی (علیه السلام) در آب هم زیست‌کنندگانی وجود دارند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳، ج ۸۰: ۱۸۸)

آلوده کردن آب، سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان را به خطر می‌اندازد، لذا «انسان به موجب احکام شرعی موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید.» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۶۹).

در سیره امام رضا (علیه السلام) اهتمام ایشان به تکریم و نکوداشت منابع آبی<sup>۱</sup> و آگاهی بخشی نسبت به منابع آبی مفید و خواص آب سالم مورد تاکید بوده است. ایشان آب زلال را موجب اصلاح شکم دانسته (سیوطی، ج ۱: ۳۴۴) و در توصیف سالم‌ترین و بهترین آب می‌فرماید: «آبی است که از محل خود بجوشد و مجرای آن شکاف تپه‌ها و کوه‌های خاکی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۶: ۳۲۴)، همچنین سخن پیامبر ﷺ که «سه چیز چشم را قوت می‌دهد: دیدن سبزه، آب جاری و روی خوب.» (ابن شعبه، ۱۳۸۴: ۴۰۹) به نوعی به نقش طبیعت، از جمله آب در آرامش انسان

۱. شیخ صدوق می‌نویسد: هنگامی که حضرت رضا (علیه السلام) وارد نیشابور شد در محله‌ای فرود آمد که آن را «فرد» می‌گفتند و در آنجا حمامی بنا شد و در آنجا چشمه‌ای بود که آب آن چشمه کم شده بود. کسی بر روی آن چشمه بایستاد و آب آن چشمه را بیرون کرد تا آب وفور یافت و بسیار شد و در خارج آن چشمه حوضی بود که آب، از آن چشمه فرود می‌آمد و در آن حوض می‌ریخت. حضرت رضا (علیه السلام) در میان حوض رفت و غسل کرد و سپس بر کنار حوض نماز گزارد و مردم علی‌الاصح در آن حوض می‌آمدند و غسل می‌کردند و آن آب به جهت تیمن و تبرک می‌خوردند و بر کنار آن حوض نماز می‌گزاردند و حاجت‌های خود را از خدا می‌خواستند و برآورده می‌شد و آن چشمه به چشمه کهلان معروف است و از آن زمان تا به حال مردم روی به آن چشمه می‌آوردند و به آب آن چشمه استشفاء می‌کنند (قمی، ۱۳۷۷: ۳۲۴).

اشاره دارد. بدیهی است که آب آلوده موجب ناراحتی انسان و از بین رفتن آرامش وی می‌شود. از سویی همه انسان‌ها، اعم از نسل حاضر و نسل‌های آینده به موارد یاد شده برای زندگی، بقا و آرامش نیاز دارند و صدمه زدن به آن‌ها ظلم در حق همه مردم بوده و مصداق فساد در روی زمین است، چراکه «... آب ملک شخص خاصی نیست و از آن همه مردم می‌باشد، از این رو آلوده کردن آن در واقع تجاوز به اموال عمومی و زیان‌رسانی به دیگران و مصداق ظلم می‌باشد... بی‌شک، آلوده کردن آب‌ها و در نتیجه کشتن انواع موجودات زنده و نیز نابود کردن بستر زیست‌بسیاری از آبیان و محروم کردن آدمیان از این نعمت‌ها، از مصادیق روشن پدید آوردن فساد در خشکی و دریا است» (حیدری نراقی، ۱۳۸۸: ۸۹). همچنین آلودگی هوا نیز موجب به هم خوردن آرامش روحی، روانی، جسمی و در نتیجه گوارا نبودن زندگی برای مردم می‌شود؛ زیرا هوای پاک شرط گوارایی زندگی است (ابن شعبه، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

در سنت رضوی، زندگی در دود یکی از مشخصات جهنم است. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «و اصحاب شقاوت در عذاب باد سموم و آب گرم باشند و در سایه‌ای از دود زندگی می‌کنند» (واقعه، ۴۱-۴۳).

آلودگی هوا محصول بهره‌وری نادرست و بیش از حد، از نعمت خداست و می‌تواند آثار زیان‌بار درازمدت و کوتاه مدتی بر سلامت انسان‌ها بگذارد. شاید بیماری‌های حاصل از این دود و آلودگی (ناراحتی‌های شدید چشمی، آسم و...) را بتوان عذابی دنیوی برای زیاده‌روی در بهره‌وری از نعمت دانست؛ قطعاً عاملان آن، به دلیل حق الناس ضامن هستند؛ زیرا متأسفانه زبان آن متوجه عموم مردم می‌شود؛ از سویی، آلوده کردن هوا، از جمله مصادیق هلاکت خود است که خداوند درباره آن فرموده: «با داستان خود خویشتن را به هلاکت نیفکنید» (بقره، ۱۹۵)؛ با توجه به آنکه یکی از معانی «لا تقتلوا أنفسکم» کشتن دیگران است (ابن عربی، ج ۶: ۹۷)، بدیهی است که آلودگی هوا بر اثر آلاینده‌ها و استفاده بی‌رویه از طبیعت، حیات نسل‌های آینده را نیز به خطر می‌اندازد که به موجب آیه یاد شده، نادرست و غیر مجاز است.

در اندیشه امام رضا (علیه السلام) طبیعت پاک و مواهب طبیعی زمین از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی تلقی شده که انسان‌ها می‌بایست همواره شکر این نعمت بزرگ الهی را به جای آورده و در حفاظت آن کوشا باشند. طبیعت جسم بر چهار گونه است که یکی از آن‌ها هواست که جان با آن و با نسیمش زنده می‌شود (ربانی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

از آنچه گذشت برمی‌آید که هدف اسلام از تمامی این توصیه‌ها رسیدن به سلامت عمومی بشر اعم از نسل کنونی و نسل‌های آینده به وسیله توسعه پایدار است.

## ۲-۳-۲. همبستگی اجتماعی و ایجاد فرصت برابر (مسئولیت اجتماعی)

بی‌تردید رشد و تعالی هر نظامی در پرتو همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی مردم جامعه میسر می‌شود؛ بر همین اساس، همبستگی اجتماعی از مهم‌ترین ابعاد عدالت بین نسلی در فرهنگ رضوی است، با عنایت به آنکه در رویکرد جامعه‌شناسان هماهنگی میان اعتقادات و باورها مهم‌ترین عامل ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است؛ ناسی از این فرهنگ می‌تواند نقش موثری داشته باشد.

در سنت رضوی همبستگی اجتماعی در راستای برابری فرصت‌ها برای افراد جامعه است. این فرصت‌ها شامل کیفیت زندگی، رفاه عمومی و توسعه پایدار آن برای همه انسان‌هاست؛ توسعه‌ای که نیازهای همه افراد را در همه دوره‌ها برآورده سازد، فقر را ریشه‌کن کند و کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشد و یک زندگی امن با حقوق و آزادی‌های کامل را ارائه دهد؛ چنین توسعه‌ای که دارای انسجام طولانی‌مدت و اجتماعی است، در پرتو مسئولیت‌پذیری افراد در مقابل نعمت‌های پروردگار و عدم ویژه‌سازی آن امکان‌پذیر است.

بر این اساس در لسان روایات مردم از ویژه‌سازی در چیزهایی که همه مردم در آن‌ها برابرند نهی شده‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ۳۱)؛ زیرا توسعه نیافتگی و استفاده نکردن یا استفاده بهینه نکردن از امکانات بالقوه معلول فقر است (همان: ۳۳۴) و از منظر امام رضا (علیه‌السلام) بی‌نواهی و فقر، کلید بدبختی و بیچارگی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۲۶۰)، چنان‌که امروزه فقر و بحران زیست‌محیطی ارتباط نزدیکی داشته و بهره‌برداری‌های ناپایدار روستاییان فقیر از منابع محیطی به شکل‌های مختلف، مانند: تغییر کاربری اراضی، چرای دام، استفاده از چوب و هیزم، آلودگی منابع آب و ... مثبت رابطه معنی‌دار و تعاملی بین فقر روستایی و بحران‌های زیست‌محیطی است (توسلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۸).

از دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام)، تصرفات شخص در اموال خویش نیز می‌بایست به حد «قوام» باشد (قمی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۶۲۲) و مقصود از قوام، استواری و اقتصادی که موجب سامان یافتن زندگی همه افراد می‌شود که در آن نه کسی محروم ماند و نه کسی بی‌حساب برخوردار شود. روشن است که هر چیز آن‌گاه می‌تواند عامل «قوام» باشد و زمینه استواری چیز دیگری را فراهم آورد که در موضع مناسب خود قرار گیرد و موضع مناسب، همان حد میانه و دور بودن از اسراف و خست است (حکیمی، ۱۳۹۲: ۸۳، ۸۸ و ۹۱).

### ۲-۳-۱. نعمت و مسئولیت اجتماعی

طبیعت، نعمت و ودیعه الهی بوده که در اختیار انسان‌ها قرار دارد، شکر این نعمت با رعایت حقوق همه موجودات تحقق می‌یابد؛ همه افراد می‌بایست در حفاظت از این ودیعه الهی مشارکت داشته باشند و احساس مسئولیت کنند؛ حقوق مردم آن قدر گسترده است که گاهی انسان با بی‌توجهی و انجام بعضی کارها، حقوق عدۀ زیادی از مردم را از بین می‌برد و در قیامت ناگهان با جمعیت زیادی از طلبکاران روبه‌رو می‌شود. کسانی که به محیط زیست آسیب می‌زنند یا آن را آلوده می‌کنند از این دسته‌اند؛ به موجب آیه «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ...» (الرحمن، ۱۰) زمین، نعمت بزرگ الهی برای مردمان است و اگر گروهی خاص از این نعمت بی‌همتای الهی بهره‌مند شوند و دیگران از آن محروم باشند، عدالت که از اهداف مهم بعثت انبیاست (نحل، ۹۰)، به‌درستی اجرا نشده است؛ زیرا همه موجودات از رحمت الهی بهره‌مندند (اعراف، ۱۵۶).

طبیعت نمود جلوه‌های رحمت الهی است؛ از همین رو در فرهنگ رضوی که برگرفته از قرآن و سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) است، همواره به حفظ طبیعت و تکلیف انسان درباره حق طبیعت تأکید کرده است؛ زیرا «... حق و تکلیف دوروی سکه‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق تکلیفی را نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان وظیفه دارد در استفاده از حقوق خود رعایت حقوق دیگران را نیز بنماید. بر همین اساس، استفاده از اکوسیستم‌های طبیعی باید به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود» (فیروزی، ۱۳۸۴: ۴۸).

### ۲-۳-۲. برقراری عدالت اجتماعی

«عدالت در نظام هستی به معنای رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌هایی است که افراد از آن برخوردار بوده و نفی هرگونه تبعیض است... از منظر علی (علیه‌السلام) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ نماید و همه را راضی نگه دارد، به پیکره اجتماع، سلامت و به روح آن آرامش بدهد، عدالت اجتماعی است...» (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۱۳)؛ چراکه مطابق سخن خداوند که می‌فرماید: «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده، ۸)؛ مؤمنان باید بین دوستان و دشمنان خود به عدالت عمل کنند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۶۲). بدیهی است که عدالت مزبور به نسل کنونی محدود نشده و نسل‌های آینده را نیز در بر می‌گیرد، از این رو در استفاده از منابع طبیعی نباید به نسل‌های آینده ظلم شود.

برقراری عدالت اجتماعی شرط لازم برای توسعه پایدار است که منظور از آن تخصیص

«منصفانه» منابع در یک جامعه است (858 Encyclopedia of International Political Economy: Entries GO)؛ مطابق فرهنگ رضوی تصرف انسان در اموال شخصی باید در حد میانه و متعادل و به دور از اسراف باشد؛ بنابراین به طریق اولی بهره‌مندی از منابع عمومی و امکانات خدادادی نیز می‌بایست در حد تعادل و بدون انحصار گرایشی باشد؛ زیرا کسانی که منابع را به خود اختصاص دهند، انحصار گریند و «هر کس انحصار طلبی کند، هلاک خواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۳: ۱۷۲).

در بینش رضوی، توزیع ثروت و استفاده از منابع طبیعی بر اساس عدالت است. از منظر امام رضا (علیه السلام) هیچ چیز مانند اجرای عدالت، کشورها و شهرها را آباد نمی‌سازد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۶۸۸) و با عدالت برکت‌ها فزونی می‌یابد (همان، ج ۲: ۳۹۷)

### ۲-۳-۳. توصیه به امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت و همبستگی مردم در فرهنگ رضوی امر به معروف و نهی از منکر است؛ از منظر اسلام سرنوشت بشر به یکدیگر پیوند خورده و زندگی اجتماعی گرچه ثمرات فراوانی دارد، می‌تواند با آسیب نیز همراه باشد؛ در متون اسلامی نه تنها انسان به نیکی دعوت شده، بلکه بی‌اعتنایی به کارهای بد دیگران نکوهش شده است؛ از همین رو امر به معروف و نهی از منکر از واجبات الهی، فروع دین و از آموزه‌های فقه اجتماعی اسلام، بلکه مهم‌ترین مشخصه آن است. انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۴۸) ترک آن نیز از بدترین اعمال محسوب شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۴)؛ زیرا جامعه همانند مسافران یک کشتی هستند که سلامت آن‌ها در گرو سلامت کشتی است و هیچ کس نمی‌تواند درباره سلامت و ایمنی آن بی‌تفاوت باشد. در سنت رضوی «امر به معروف» موجب آبادانی زمین می‌شود (همان: ۱۱۹) که مفهوم مخالف آن این است که بی‌تفاوتی نسبت به «منکر» موجب ویرانی زمین خواهد شد. در واقع، معروف و منکر دایره وسیعی دارند، «معروف چیزی است که عقل و حسن و نیکی آن از نظر شرع و عقل شناخته و معلوم است و منکر چیزی است که عقل و شرع آن را بد شمارد» (همان: ۸۰۷)؛ بنابراین عقل که به تعبیر امام رضا (علیه السلام) بهترین دوست هر انسانی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۳۳۵)، یکی از ابزارهای رسیدن به مصادیق معروف و منکر است و قطعاً عقل، حفاظت و صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست را «معروف» دانسته و به آن امر کرده و تخریب و آسیب زدن به این حق همگانی را «منکر» می‌داند و از آن نهی می‌کند. از این رو باید رعایت مسائل زیست محیطی از اهم واجبات و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر به‌شمار آید و دیگران به حفاظت از محیط

زیست (امر به معروف) و جلوگیری از هرگونه آسیب به محیط زیست (نهی از منکر) تشویق شوند. در صورت ترک امر به حفاظت از محیط زیست و نهی از تخریب محیط زیست، این مشکل جهانی گسترش یافته و حتی دامن نسل‌های آینده را نیز خواهد گرفت. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «اگر کسی از شما منکری دید، باید آن را با دست خویش دگرگون سازد. اگر نتوانست، پس به زبان خویش، پس اگر باز هم نتوانست با دل خویش و آن کمترین درجه ایمان است (همان، ج ۹۷: ۸۵)؛ چنان‌که وقتی یکی از خدمتکاران امام رضا (علیه السلام) میوه‌ای را نیم‌خورده دور افکند، آن حضرت متوجه شد و او را از چنین کاری نهی کردند و باناراحتی فرمودند: «سبحان الله! اگر شما بدان نیاز ندارید، مردمی هستند که به خوردن آن نیازمندند» (همان، ج ۴۹: ۱۰۲).

### ۲-۳-۳. کارایی اقتصادی و پایداری مصرف

فعالیت‌های اقتصادی و افزایش آن می‌تواند در مراحل مختلف ۱ به محیط زیست آسیب برساند؛ چراکه از سویی رشد و توسعه اقتصادی بیشتر، نیازمند استفاده بیشتر از انرژی و مواد اولیه است که خود موجب سطح بالاتری از تخریب محیطی و افت کیفیت محیط زیست می‌شود و از سوی دیگر، بدون حمایت سیستم‌های اکولوژیک، بشر قادر به فعالیت نیست (پرمن و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳). بر این اساس، اقتصاد و محیط زیست، از طریق جریانات مذکور با یکدیگر مرتبط هستند. همچنین محیط زیست سالم علاوه بر تاثیر بر سلامت جسم و جان انسان، به لحاظ اقتصادی نیز موثر است؛ چراکه بیماری و آلودگی همراه با هزینه‌های درمان است و این خود یک اثر اقتصادی است؛ چنان‌که امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «عَسَلُ الْإِنِّاءِ وَ كَسْحُ الْفِنَاءِ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ» (قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۲: ۴۱۸).

هر نظام موفق و رو به توسعه‌ای در راستای بهینه‌سازی منابع برای خدمت بهتر به افراد جامعه برای رسیدن به توسعه نیاز به کارایی اقتصادی مناسب دارد. کارایی اقتصادی بیانگر توانایی یک نظام برای تولید و توزیع محصول با کمترین هزینه ممکن به افراد است؛ استفاده از این توانایی می‌بایست با برنامه‌ریزی صورت گیرد تا در عین استفاده بهینه هر نسل و عدم تباه‌سازی اموال و تخریب محیط زیست این کارایی و فرصت برای نسل آتی نیز باقی بماند. در واقع، پایداری مصرف رعایت شود و مصرف نسل‌های آینده فدای نسل فعلی نشود؛ لذا یکی از برنامه‌های اساسی فرهنگ رضوی در عدالت بین نسلی، بحث اقتصادی و محدودیت در مصرف «تقدیر در معیشت» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۶۵) یا «حسن تدبیر» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۵۳) به معنای برنامه‌ریزی صحیح در امر معیشت، اندازه داشتن در هزینه و حساب کردن امور زندگی و برقراری هماهنگی میان نیازها و چگونگی برآورد آن‌هاست.

### ۲-۳-۳-۱. تقدیر در معیشت

در جامعه اسلامی افراد باید تربیت اقتصادی داشته و با اندیشه و تدبیر برنامه‌ریزی مناسبی را در چهار چوب محاسبه و مدیریت در زندگی فردی و اجتماعی خود اجرا کنند. از این اصل در فرهنگ رضوی با عنوان «تقدیر در معیشت» یا «حسن برنامه‌ریزی در زندگی» یاد شده است؛ به تعبیر امام رضا (علیه السلام) «هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را کامل نمی‌کند مگر اینکه در او سه خصلت باشد: دین‌شناسی، تدبیر نیکو در زندگی و شکیبایی در مصیبت‌ها و بلاها» (ابن شعبه، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

بدون برنامه‌ریزی و مدیریت آگاه و ماهر، تمام امکانات در امور غیر لازم و بی‌جا مصرف شده و توسعه پایدار و فراگیر که تضمین کننده عدالت بین نسلی است، تحقق نخواهد یافت؛ بنابراین استفاده از منابع طبیعی و نعمت‌های خدادادی نیز می‌بایست با برنامه‌ریزی درست و حساب شده انجام گیرد تا موجب اسراف و تضييع آن‌ها نشود.

### ۲-۳-۳-۲. نهی از اسراف و تبذیر

«حسن تدبیر» همان «قناعت» است که به رعایت حدود لازم و پیروی از حد میانه و دوری از اسراف می‌انجامد. این اصل در سنت رضوی به معنای داشتن زندگی فقیرانه نیست، بلکه به معنای رضایت بر داشته‌ها و دوری از اسراف و بخل است و همه مراحل تکلیفی را در همه ابعاد زندگی، از جمله دوری از اسراف و تبذیر در استفاده از منابع طبیعی را دربر می‌گیرد؛ چراکه برای دستیابی به تعادل اقتصادی و پایداری مصرف ضروری است تا عدالت در مصرف رعایت شود و همه مردم از آن بهره‌مند شوند.

بدیهی است که اسراف کاری و مصرف بیش از اندازه نکوهیده است و خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد (اعراف، ۳۱). از این رو در روایتی که فضل بن شاذان از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند، حضرت ضمن نامه‌ای به مأمون ضمن بیان مسائل مهمی از شریعت، به شمارش گناهان بزرگ می‌پردازند و از آن‌ها اسراف و تبذیر را نام می‌برند و هنگامی که یکی از خدمتکاران ایشان میوه‌ای را نیم‌خورده را دور افکند، ناراحت شدند و به وی تذکر دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۹۳).

### ۲-۳-۳-۳. منع تباه‌سازی اموال

بی‌اطلاعی و نبود تخصص و مهارت در مدیریت‌های مالی، کوتاهی و سهل‌انگاری در به‌کارگیری اموال و مانند آن‌ها موجب بروز پدیده مذموم تباه‌سازی اموال و فقر در جامعه می‌شود؛ زیرا فقر زائیده مدیریت ناکارآمد و متعادل نبودن درآمد و مصرف است؛ بی‌برنامگی و سهل‌انگاری حتی

سیر و حرکت معنوی انسان را نیز دستخوش تزلزل می‌کند؛ از این رو، امام رضا (علیه السلام) هدر دادن و تباه ساختن اموال را مصداقی از فساد می‌دانند و می‌فرمایند: «تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پولی دیگر) و دور افکندن هسته خرما که ممکن است بذر نخلی در آینده شود، از جمله کارهای فاسد و نادرست است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۶۷). آن حضرت در کلامی ارزشمند دوستان و پیروان خویش را از تباه‌سازی اموال باز می‌دارند و می‌فرمایند: خداوند، تباه‌سازی اموال را دشمن می‌دارد (ابن شعبه، ۱۳۸۴: ۸۰۴).

بی‌تدبیری در استفاده از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست نیز جز هدر دادن امکانات و سرمایه‌های بشر و تباهی بهره‌ای نخواهد داشت؛ چنان‌که در آموزه‌های رضوی برنامه‌ریزی و تدبیر درست را موجب افزایش دارایی و در مقابل بی‌برنامگی و بی‌تدبیری را سبب نابودی هر جامعه و سازمانی دانسته‌اند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۷۸).

### ۳. نتیجه‌گیری

مالکیت انسان بر منابع محیط زیست مسئله پیچیده‌ای است و نیاز به توازن بین حقوق انسان‌ها و حفظ محیط زیست دارد. برای رسیدن به این توازن، لازم است که سیاست‌ها و قوانین مناسبی در جهت حفاظت از منابع محیط زیست و توسعه پایدار اتخاذ شود؛ آگاهی عمومی و آموزش‌های مرتبط با حفاظت از محیط زیست، به خصوص توجه به آموزش‌های دینی و در ارتباط با باور مردم می‌تواند نقش موثری در برقراری عدالت بین نسلی و کنترل بحران زیست محیطی داشته باشد.

مداقه در فرهنگ رضوی، بیانگر آن است که در فرهنگ مذکور عدالت مفهومی گسترده دارد و علاوه بر حوزه تکوین، حوزه‌های تشریح و جزا را نیز دربر می‌گیرد؛ آنچه در سنت رضوی در ارتباط با حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آینده اطلاق می‌شود و نوعی عدالت بین نسلی را مد نظر قرار دارد، مسئولیت و تکلیف الهی نسل حاضر است و نه صرفاً مسئولیت و تکلیف موضوعه که در جهت حفاظت از محیط زیست باشد؛ در اندیشه امام رضا (علیه السلام) زمین متعلق به همه موجودات است و گروهی مجاز نیستند هر طور که بخواهند در آن تصرف کنند و با فساد و تخریب طبیعت به اهداف خود برسند؛ چراکه زمین ملک آنان نیست و به فرض که ملک آنان باشد، اسلام تصرف در اموال را محدود ساخته است و تنها در چهارچوب احکام شرعی می‌توان در آن تصرف کرد. بر این اساس در سنت رضوی استفاده از نعمت، به‌نحوی مجاز است که در آن اعتدال، قناعت، رفاه عموم مردم و پایداری مصرف برای عموم نسل‌ها فراهم شود.

در فرهنگ رضوی برقراری عدالت، منع اسراف و تباه‌سازی اموال و ... نقش بسزایی در برقراری عدالت بین نسلی داشته و تأکید امام رضا (علیه السلام) بر «حسن تدبیر» و «تقدیر در معیشت» نشانگر لزوم برنامه‌ریزی در مصرف و حفظ حقوق همه انسان‌ها در استفاده از منابع طبیعی و نکوهش اسراف و توصیه ایشان به امر به معروف و نهی از منکر با توجه به دامنه گسترده آن، به نوعی بیانگر اهتمام آن حضرت به عدالت حتی در مورد نسل‌های آینده است؛ بی‌تردید تاسی از سیره امام رضا (علیه السلام) و پدران پاکشان، از جمله پاسداشت و احترام به طبیعت در جهت ساختن جامعه‌ای سالم و پویا می‌تواند موثر باشد؛ پس می‌بایست فرهنگ رضوی در عرصه زندگی ما امتداد یابد و اصلاح‌کننده وضعیت زندگی باشد.

## منابع و مآخذ

## قرآن کریم.

- نهج البلاغه**. (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.  
 ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ ق). **عوالی اللئالی العزیز**. قم: دار سید الشهداء.  
 ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (۱۴۰۴ ق). **شرح نهج البلاغه**. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.  
 ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۲). **الخصال**. ترجمه یعقوب جعفری. قم: نسیم کوثر.  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). **عیون اخبار الرضا**. ترجمه آقا نجفی اصفهانی. قم: موسسه انتشاراتی پیام علمدار.  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). **من لایحضره الفقیه**. تهران: دارالکتب.  
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۴). **تحف العقول**. تهران: مکتبه الاسلامیه.  
 ابن عربی، محمد بن عبد الله. (بی تا). **احکام القرآن**. بیروت: دارالجیل.  
 بروجرودی، سید حسین. (۱۳۹۱). **منابع فقه شیعه** (ترجمه جامع احادیث الشیعه). ترجمه: احمد اسماعیل تبار، احمد رضا حسینی، محمد حسین مهوری. تهران: فرهنگ سبز.  
 بهرام سلطانی، کامبیز. (۱۳۷۱). **مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی- محیط زیست**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.  
 پرمن، راجر، یوما و جیمز مک گیل ری. (۱۳۸۷). **اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی**. ترجمه حمیدرضا ارباب. چاپ دوم. تهران: انتشارات نشر نی.  
 تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.  
 توحیدی نیا، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «ارزیابی توسعه پایدار از منظر اسلام». **راهبرد توسعه**. شماره ۳۱. صص: ۳۹-۶۳.  
 حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعه**. بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).  
 حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۸۵). **معارف و معاریف**. تهران: موسسه فرهنگی آرایه.  
 حکیمی، محمد. (۱۳۹۲). **معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی**. چاپ پنجم. قم: موسسه نشر بوستان.  
 حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۸). **اسراف از دیدگاه دین و دانش**. چاپ دوم. قم: انتشارات مهدی نراقی.  
 خالقی، ابوالفتح. (۱۳۹۰). «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال صید غیرمسئولانه آبزیان با مطالعه تدابیر فراملی». **پژوهش حقوق عمومی**. سال سیزدهم. شماره ۲۲. صص: ۳۳-۴۸.  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). «تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تأملی بر اسناد فراملی». **حقوق دانشگاه تهران**. دوره ۴۰. شماره ۴. صص: ۱۵۵-۱۷۲.  
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت: بی نا.  
 ربانی، هادی؛ موسوی، سید محسن. (۱۳۸۶). **آینه پادها**. چاپ ششم. قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.  
 سروری مجد، علی. (۱۳۹۳). «عنصر محبت در فرهنگ رضوی». **فرهنگ رضوی**. شماره ۵. صص: ۶۶-۸۶.

- سیوطی، جلال‌الدین. (بی‌تا). **الجامع الصغیر**. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۷ ق). **الدروس الشرعية**، چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طب الرضا**. (۱۳۸۱). منسوب به امام رضا علیه السلام. ترجمه نصرالدین امیر صادقی. چاپ ششم. تهران: نشر معراجی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). **الاحتجاج**. مشهد: نشر مرتضوی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). **مجمع البحرين**. چاپ سوم. تهران: نشر مرتضوی.
- عطاردی، عزیز الله. (۱۴۱۳ ق). **مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی علیه السلام**. چاپ دوم. بیروت: دارالصفوه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ ق). **تذکرة الفقهاء**. قم: مکتبه الرضویه.
- فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۴). «درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور». **اقتصاد**. شماره ۲۰. صص: ۱۱۱-۱۳۶.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱۴۱۰ ق). **کتاب العین**. تحقیق و تصحیح دکتر مهدی مخزومی. قم: نشر هجرت.
- فیروزی، مهدی. (۱۳۸۴). **حق بر محیط زیست**. تهران: سازمان انتشارات دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). «بررسی فقهی عدالت به‌عنوان مبنای حقوق نسل‌های آینده». **فقه**. سال بیست و هفتم. شماره ۴. صص: ۶۱-۸۸.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی. (۱۳۸۳). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**. چاپ سوم. تهران: هجرت.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۷). **منتهی الامال**. چاپ نهم. تهران: مطبوعات حسینی، چاپخانه احمدی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار**. چاپ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- قمی مشهدی، محمدرضا. (۱۴۲۳ ق). **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**. قم: دارالغدیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). **اصول کافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمد بن محمد. (بی‌تا). **الجعفریات - الأشعثیات**. تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- کیس، آکساندر چارلز، لانگ، وینفريد؛ سند، پیتر. (۱۳۹۲). **حقوق محیط زیست**. ترجمه محمد حسن حبیبی. چاپ چهارم. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- لوبون، گوستاو. (۱۳۸۷). **تمدن اسلام و عرب**. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
- متقی هندی، علاء‌الدین. (۱۴۰۹ ق). **کنز العمال**. قم: انتشارات رسالت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. بیروت: مؤسسه الوفا.
- محبی، محسن؛ فیض الهی، فرانک. (۱۴۰۰). «واکاوی مفهوم عدالت بین نسلی در حقوق بین الملل محیط زیست». **مجله حقوقی بین المللی**. شماره ۶۵. صص: ۷-۳۰.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۹۳). **الهیات محیط زیست**. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). **سیری در نهج البلاغه**. قم: دارالتبلیغ الاسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). **فرهنگ فارسی**. چاپ چهارم. تهران: انتشار امیرکبیر.

- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۹۴). *امالی*. مترجم طه طرزی. چاپ دوم. تهران: نشر آدینه سبز.
- مقیم‌حاجی، ابو القاسم. (۱۳۸۵). «حقوق حیوانات در فقه اسلامی». *فقه اهل بیت*. شماره ۴۸. صص: ۱۳۸-۱۹۵.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۶۵). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصور، جهانگیر. (۱۳۹۲). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر دوران.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷). *جواهر الکلام*. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- هنری، مرتضی. (۱۳۶۲). «محیط زیست و توسعه». *محیط زیست*. شماره ۳. تابستان. صص: ۴۸-۶۲.

## References

- The Holy Quran. (In Arabic)
- Nahj ol-Balagha. (2004). Translated by Mohammad Dashti , Qom: Amirul Mominin Research Institute. (In Persian)
- Tebol Reza, (2002). Translated by Amir Sadeghi - Tehran: 6th edition. . (In Arabic)
- Alexander,K. & Shelton,d,(1991), International Enviromental Iaw, transnational publiishers IN-C,USA.
- Attarodi, Azizullah, (1992). Musnad Imam al-Reza Abi al-Hasan Ali bin Musa (a.s.), Beirut: Dar al-Safwa, second edition. (In Arabic)
- Bahram Soltani, Cambyz. (1992). Collection of topics and methods of urban planning - environment, Tehran: Iranian Urban Planning and Architecture Studies and Research Center, first edition. (In Persian)
- Boroujerdi, Hossein. (2013). Sources of Shia jurisprudence, translated by Ahmad Ismail Tabar and others, Tehran: Farhang Sabz. (In Persian)
- Cise, Alexander Charles, Long, Winfried; Sand, Peter. (2012). Environmental Law, translated by Mohammad Hassan Habibi, Tehran: University Printing and Publishing Institute, 4th edition.
- Doyal, L., & Mc Lean, S. (2005). " Choosing children": intergenerational justice, Reproductive Biomedicine onlion(10), 119-124
- Ebn Abel-Hadid, Abdul Hamid. (1983). Commentary on Nahj al-Balagha, Qom, School of Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Ebn Abi Jumhur, Muhammad Ebn Zain al-Din. (1984). Awali Al-Leali, Qom: Dar Seyed Al-Shohada. (In Arabic)
- Ebn Arabi, Muhammad Ebn Abdullah. (2012).Ahkam Al-Qur'an, Beirut: Darol-Jeel. (In Arabic)
- Ebn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad EBn Ali. (2003). Al-Khasal, translated by: Jafari, Yaqub, Qom: Nasim Kousar. (In Arabic)
- Ebn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad EBn Ali. (2008). Oyun Al Akhbar Al-Reza, translated by Agha Najafi Esfahani, first edition, Qom: Payam Alamdar Publishing. (In Arabic)
- Ebn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad EBn Ali.(2006). Man Layahzarol-Faqih, Tehran: Darul-Kotb. (In Arabic)

- Ebn Shuba Harrani, Hasan Ebn Ali. (2005). Tohf ol-oghool, Tehran: Maktabeh Islami.
- Farahani Fard, Saeed. (2004). "Income on sustainable development in the era of emergence", Economic Journal No. 20, pp. 111-136. (In Persian)
- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, (1989). Al-Ein book, researched and corrected by Dr. Mehdi Makhzoumi. Qom: Emigration Publishing. (In Arabic)
- Feyoumi, Ahmad Ebn Muhammad Ebn Ali. (2004). Al-Mesbah ol-Munir: Fi Gharib al-Sharh al-Kabeer, Tehran: Hijrat. Third edition. (In Arabic)
- (In Arabic)
- Firoozi, Mehdi. (2004). The right to the environment, Tehran: Academic Publishing Organization, first edition. (In Persian)
- Firouzi, Mehdi. (2019). "Jurisprudential examination of justice as the basis of the rights of future generations", Jurisprudence Magazine, 27th year, number 4, pp. 61-88(In Persian)
- Hakimi, Mohammad. (2012). Economic criteria in the teachings of Razavi (as), fifth edition, Qom: Boštan Publishing Institute. (In Persian)
- Helli Allameh, Hassan Ebn Yusuf. (1993). Tazkaratol Foghaha, Qom: Maktaba Razaviyyeh. (In Arabic)
- Heydari Naraghi, Ali Mohammad. (2009). Extravagance from the perspective of religion and knowledge, Qom: Mehdi Naraghi Publications, second edition. (In Persian)
- Herman Koren,(1998), "Environmental Health and safety principles and practces" Volume 1, second Edition, lewise pubilshers, INC.
- Honary, Morteza, (1983). "Environment and Development", Environment Magazine, No. 3, Summer. pp. 48-62. (In Persian)
- Horeh Amoli, Muhammad EB Hasan. (1988). Al-Wasael al-Shia, Beirut: Al-Al-Bayt Institute (A.S.). (In Arabic)
- Hosseini Dashti, Mostafi. (2006) Maaref Va Maarif, Tehran: Arayeh Cultural Institute. First Edition. (In Arabic)
- Khaleghi, Abolfath. (2018). "Iran's legislative criminal policy regarding irresponsible fishing of fish by studying transnational measures", Public Law Research Quarterly, 13th year, number 22. pp. 33-48(In Persian)
- Khaleghi, Abolfath. (2009). "Analysis of national penal measures in the protection of animal species by reflecting on transnational documents", Tehran University Law Quarterly, Volume 40, Number 4. pp. 155-172.(In Persian)
- Kofi, Muhammad Ebn Muhammad. (Bita). Al-Jafareiat-Al-Ashaseyat, Tehran, Nineveh Al-Hadith School. . (In Arabic)
- Koleini, Mohammad Ebn Yaqub. (2009). Osul Kafi, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiya. (In Persian)
- Lubon, Gustav. (2008). Islamic and Arab Civilization, translated by Mohammad Taghi Fakhrdaei Gilani, Tehran: World of Books.
- Majlesi, Mohammad Baqir. (1982). Behar ol-Anwar, Beirut: Al-Ofa Institute. (In Arabic)
- Makarem Shirazi, Nasser (1986). Tafsir Nemoneh, Tehran: Dar ol-Ketab Islamiya. (In Persian)

- Mansour, Jahangir, (2013). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Doran Publishing. (In Persian)
- Mofid, Mohammad Ebn Mohammad. (2014). *Ammali*, translated by Taha Tarzi, Tehran: Adina Sabz publishing house, second edition. (In Arabic)
- Moghimi Haji, Abu I-Qasem. (2006). "Animal rights in Islamic jurisprudence", *Ahl al-Bayt jurisprudence magazine*, number 48. pp. 138-195.(In Persian)
- Mohagheq Damad, Muštafa. (2014). *Theology of Environment*, Tehran: Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran. (In Persian)
- Mohebi, Mohsen, Faiz Elahi, Frank. (2021). "Analysis of the concept of intergenerational justice in international environmental law", *International Law Journal*, No. 65, pp. 7-30(In Persian)
- Moin, Mohammad. (1985). *Farhang Farsi*, Tehran: Amir Kabir Publishing House, 4th edition. (In Persian)
- Motaghi Handi, Alaeddin. (1988). *Kanz ol-Ommal*, Qom: Resalat Publications. (In Arabic)
- Motahari, Morteza. (2005). *Seyri Dar Nahj ol-Balagheh*, Qom: Dar ol-Tabligh Islami. (In Persian)
- Najafi, Mohammad Hassan. (1987). *Javaher al-Kalam*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya, third edition. (In Arabic)
- Nouri, Mirza Hossein. (1987). *Moštadrak ol-Wasael*, Beirut: Al-Al-Bait Institute (AS), first edition. . (In Arabic)
- Perman, Roger, Yuma and James McGill Ray. (2008). *Environmental economics and natural resources*, translated by Hamid Rezaarbab. Tehran: Nei Publications. second edition.
- Quraishi, Seyyed Ali Akbar. (1992). *Dictionary of the Qur'an*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya, 6th edition. (In Persian)
- Qomi, Sheikh Abbas. (1998). *Muntahol-Amal*, Tehran: Hosseini Press, Ahmadi Printing House, 9th edition. c
- Qomi, Sheikh Abbas. (2016). *Safinatol-Bahar Va Madinatol Hakam Val asar*, Aštan Quds Razavi Research Foundation, 4th edition.
- Qomi Mashhadhi, Mohammad Reza. (2002). *Tafsir Kanzold Daqaeq VA Bahr ol-Gharaeb*, Qom: Dar al-Ghadir. (In Persian)
- Ragheb Esfahani, Hossein Ebn Muhammad. (1991). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, Beirut: Bina, first edition. (In Arabic)
- Rabbani, Hadi, Mousavi, Seyyed Mohsen. (2006). *Aineh Yadaha*, Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute, 6th edition. (In Arabic)
- Sarvari Majid, Ali. (2013). "Element of love in Razavi Culture", *Razavi Culture Quarterly*, No. 5, pp. 66-86).(In Persian)
- Shahid Aval Amili, Muhammad Ebn Makki. (1996). *Al-Dros al-Sharia*, Qom: Islamic
- Tamimi Amadi, Abd al-Wahed Ebn Muhammad. (1987). *Anthology of Ghararol-Hakam and Darr al-Kalam*, Qom, Islamic PropagaInda Office. (In Persian)
- Siyuti, Jalaluddin, (Bitā). *Al-Jam eol Saghir*, Beirut: Dar al-Fikr Lal-Tabaeh Al-Nashar and Al-Tawzi'ah. (In Arabic)
- Tabarsi, Ahmed Ebn Ali. (1982). *Al-Ihtjaj*, Mashhad: Mortazavi Publishing House, first edition.

(In Arabic)

Tohidinia, Abolghasem,(2011)."Sustainable development evaluation from the perspective of Islam", Development Strategy Magazine, No. 31, pp. 39-63. (In Persian)

Toreihi, Fakhruddin, (1996). Majmaol-Bahrein, Tehran: Mortazavi Publishing House, third edition. (In Arabic)



## Examining the Effects of the Interaction Between Pilgrims and Residents in the Religious Ceremony of Walking to the Holy City of Mashhad During the Last Ten Days of Safar

Alireza Bidkhori<sup>1</sup> Fatemeh Ostad<sup>2</sup> Ali Heidari Mandi<sup>3</sup>

1. Assistant professor, Kheradgarayan Motahar Institute of higher education, Mashhad, iran  
(Corresponding author): [alirezabidkhori@yahoo.com](mailto:alirezabidkhori@yahoo.com)

2. Lecturer, Kheradgarayan Motahar Institute of higher education, Mashhad,iran:  
[fatemeostad98@yahoo.com](mailto:fatemeostad98@yahoo.com)

3. Master of Religious tourism, Kheradgarayan Motahar Institute of higher education, Mashhad, iran:  
[ali.heydary6147@gmail.com](mailto:ali.heydary6147@gmail.com)

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:**  
June 13, 2023

**In Revised Form:**  
September 13, 2023

**Accepted:**  
September 25, 2023

**Published Online:**  
December 21, 2024

This research, with a descriptive-analytical approach, investigates the effects of the communication between pilgrims and neighbors in the religious ritual of walking to Mashhad in the last decade of the month of Safar in 1401 solar year, on two indicators of the quality of life and the social capital of the residents. The statistical population of this research is all experts in urban and regional planning and tourism and pilgrimage services in Mashhad. By examining the individual and demographics of the members and using a sample t-test in SPSS software, the two main research questions are answered, and then the importance coefficient of each criterion is addressed through AHP (hierarchical) analysis. According to the examination of the average indicators and criteria and the significance level of the quality of life index test and the significance level of the social capital index test, it can be concluded that this social connection increases the quality of life and social capital of the residents. In the category of quality of life, respectively (quality of environment and housing), (health and social-individual well-being) and (solidarity and participation) are recognized as having high priority, and (employment and income), (education and culture), (quality of infrastructure) ) and (entertainment and free time), are in the next priorities. Also, in the prioritization and importance coefficient of the social capital category, (trust in pilgrims), (security for traveling at night) and (awareness of religious tourism) have the highest importance coefficient.

**Keywords**

Mashhad, religious tourism, quality of life, social capital.

Cite this The Author (s): Bidkhori, A; Ostad, F; Heidari Mandi, A. (2024). Investigating the effects of relation between pilgrims and neighbors in the religious ritual of walking in the last decade of the month of safar to holy city of Mashhad : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 4, Winter 2024, Serial Number 48 – (257- 284)- [DOI:10.22034/farzv.2024.401255.1880](https://doi.org/10.22034/farzv.2024.401255.1880)



## Introduction

One of the most common forms of tourism around the world is religious tourism. Considering that every year millions of pilgrims visit Mashhad on various occasions to visit Imam Reza holy Shrine, serving them should also be considered throughout the year, because the evaluation of various elements of religious tourism leads to the proper allocation of necessary resources.

Due to the religious situation in some cities of Iran, such as Khorasan, Qom, Shiraz, etc., these types of trips have been able to establish a kind of sustainable cultural development for the country of Iran. In recent years, millions of pilgrims travel to holy Mashhad in the last decade of the month of Safar through public transport fleets and personal cars or on foot, it seems necessary to investigate the effects of communication between pilgrims and neighbors.

In the review of previous studies in this field, Momeni and Sarafi (2007) in an article entitled "Structure and function of religious-cultural tourism and the necessity of integrated management in Mashhad metropolis" concluded that the arrival of religious tourists causes voluntary and benevolent public participation. Creating employment and increasing income in Mashhad.

Azimi and Hashemi et al. (2013) in an article entitled "Social, Cultural, and Pilgrimage Components of Mashhad City" reached the conclusion that the social and cultural indicators of Mashhad Pilgrimage City include security, safety, education, host culture, religious identity, religious spaces, cultural and recreational spaces and cultural capitals are in Mashhad.

In recent years, experimental studies have been conducted in the field of pilgrimage and pilgrims' walks, especially the Arbaeen walk to Karbala. In addition to the Arbaeen walk, which is originally an Iraqi tradition with the participation of other Muslims, especially Iranian pilgrims, walks There is another authentic pilgrimage among the Shiites, and that ritual is the walking pilgrimage to the holy city of Mashhad.

In 2015, in a research conducted by Bad, the spiritual motivations of tourists during the Arbaeen pilgrimage were explained. Among the qualitative studies conducted in this field, Razavizadeh (2016) analyzes the pilgrims' perception and interpretation of their lived experience during the Arbaeen pilgrimage, and after analyzing the qualitative data, he identified three categories of themes and the practical implications related to each Which one does it introduce.

These themes include the experience of material suspension and sacred suffering and the emotional stimulation of collective pilgrimage rituals. The present study examines the effects of the relationship between pilgrims and neighbors in

the ritual of the pilgrimage of the last decade of Safar to holy Mashhad, which is considered to be a type of this research.

Also, Shafahi and Zulfizarzadeh Kermani in another study (2017) analyzed pilgrims' perception of Iraqi hosts during the Arbaeen pilgrimage. In their findings, they mention the three central categories of tradition, blessing, and kindness as the perception that pilgrims have of the hosts' behavior. Also, in foreign studies related to pilgrimage, specifically from the 1970s, Cohen (1992), McConnell (1973), Turner (1978), begins.

In the 1980s, most of the pilgrimage research included the social and logical characteristics of the society under the process of its environments (location, characteristics and meaning). Also, in 2018, another study was conducted by Hossein Mojtaba Umm al-Salam, entitled "A Phenomenological Study of Arbaeen Pedestrian Pilgrimage in Iraq".

Although these studies are similar to the present study in areas such as the field or study method, or in some of these studies there are brief references to the effects of religious tourism or pilgrimage, but in none of these studies, the effects between pilgrims and Neighbors have not been investigated specifically. The analysis of the current research is done in a qualitative way.

The Kendall coefficient of agreement of the indicators of this research is equal to 0.864. The current research, with a descriptive-analytical approach, examines the quality of life index of residents with 7 criteria and the social capital index of residents with 3 criteria. The statistical population of this research is all experts in urban and regional planning and tourism and pilgrimage services in Mashhad.

Therefore, to calculate the number of samples using the theoretical saturation method, sampling continues until a stage where the answers of 25 experts are close to each other. Therefore, in each stage, 10 questionnaires are made, distributed and selected by the researcher based on the available sample in a targeted manner.

By examining the individual and demographics of the members and using a sample t-test in SPSS software, the two main research questions are answered, and then the importance coefficient of each criterion is addressed through AHP (hierarchical) analysis.

According to the examination of the average indicators and criteria and the significance level of the quality of life index test and the significance level of the social capital index test, it can be concluded that this social connection increases the quality of life and social capital of the residents.

In the category of quality of life, respectively (quality of environment and hous-

ing), (health and social-individual well-being) and (solidarity and participation) are recognized as having high priority, and (employment and income), (education and culture), (quality of infrastructure) ) and (entertainment and free time), are in the next priorities. Also, in the prioritization and importance coefficient of the social capital category, (trust in pilgrims), (security for traveling at night) and (awareness of religious tourism) have the highest importance coefficient.

According to the results of spss and t-tech exam, the first hypothesis shows the fact that walking in the last decade of zero has affected the quality of life of the citizens and residents of Mashhad city.

As some of these achievements show, the presence of pilgrims can affect the quality of life services of the citizens of Mashhad, and with the budgets and programs allocated by the central government and local governments, the city will enjoy good amenities. and on the other hand, the connection between the presence of pilgrims and the expenses they make in the form of these services leads to the economic and social revival of the city of Mashhad.

Studies show that walking with this volume of pilgrims has many economic capacities. Also, the results of the second hypothesis show that walking in the last decade of zero has led to the achievements of social capital in Mashhad. In the explanation and analysis of this hypothesis, it can be said that the role of the phenomenon of walking in the last days of the month of Safar to holy Mashhad plays an important role in improving the social capital of the society, strengthening public trust and improving the cultural and moral capital of the society.

The institution of pilgrimage and walking during Arbaeen and the last decade of Safar promotes the capital of society in an international interactive atmosphere. In the continuation of the analysis carried out in the field of AHP, the results of the research showed that in the category of quality of life, three important and high-priority indicators (0.28, 0.21 and 0.14) are known, respectively, the index of the quality of the environment and housing, health and individual-social well-being, and cooperation and participation And indicators such as employment and income, education and culture, quality of infrastructure and recreation and leisure with coefficients (0.15, 0.10, 0.8 and 0.04) are in the next priorities and in the category of social capital, three major indicators of social trust, social awareness and social security (0.43, 0.31 and 0.26) have the highest coefficient of importance.

And indicators such as employment and income, education and culture, quality of infrastructure and recreation and leisure with coefficients (0.15, 0.10, 0.8 and 0.04) are in the next priorities and in the category of social capital, three major indicators of social trust, social awareness and social security (0.43, 0.31 and

0.26) have the highest coefficient of importance.

In general, the results of this research show that the institution of pilgrimage and walking to the holy Mashhad in the last decade of zero is an opportunity to reform the economic culture and take advantage of the cultural and spiritual capital to speed up the pace of personal and social growth and development of the residents and neighbors of the holy city Mashhad.





## بررسی آثار ارتباط زائران و مجاوران در آیین مذهبی پیاده‌روی دهه آخر صفر به مشهد مقدس

علیرضا بیدخوری<sup>۱</sup> فاطمه استاد<sup>۲</sup> علی حیدری مندی<sup>۳</sup>

alirezabidkhorii@yahoo.com  
fatemeostad98@yahoo.com  
ali.heydary6147@gmail.com

۱. استادیار موسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر، مشهد، ایران (نویسنده مسئول):

۲. مدرس موسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر، مشهد، ایران:

۳. کارشناس ارشد گردشگری مذهبی، موسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر، مشهد، ایران:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت:	یکی از رایج‌ترین شکل‌های گردشگری در سراسر جهان، گردشگری مذهبی است. این تحقیق با رویکردی توصیفی تحلیلی به بررسی آثار ارتباط زائران و مجاوران در آیین مذهبی پیاده‌روی به مشهد در بازه زمانی دهه آخر ماه صفر در سال ۱۴۰۱ شمسی، بر دو شاخص کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی ساکنان می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش کلیه خبرگان در امور برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و حوزه گردشگری و خدمات زیارت در شهر مشهد است. با توجه به اینکه تجزیه و تحلیل این تحقیق به روش کیفی است، برای تعداد نمونه با روش اشباع نظری، نمونه‌گیری تا مرحله‌ای ادامه پیدا می‌کند که پاسخ ۲۵ نفر از کارشناسان و خبرگان به هم نزدیک می‌شود. میزان ضریب توافق کندال شاخص‌های این تحقیق برابر با ۰/۸۶۴ است؛ بنابراین در هر مرحله ۱۰ پرسش‌نامه محقق ساخت، توزیع و انتخاب افراد پرسش شونده بر اساس نمونه در دسترس به صورت هدفمند صورت می‌گیرد. با بررسی فردی و دموگرافی اعضا و با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS به دو سوال عمده تحقیق، پاسخ و سپس از طریق تحلیل (سلسله مراتبی) AHP به ضریب اهمیت هر معیار پرداخته می‌شود. با توجه به بررسی حاصل از میانگین شاخص‌ها و معیارها و سطح معناداری آزمون شاخص کیفیت زندگی و سطح معناداری آزمون شاخص سرمایه اجتماعی، می‌توان نتیجه گرفت که این ارتباط اجتماعی، باعث افزایش کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی ساکنان می‌شود. در مقوله کیفیت زندگی به ترتیب کیفیت محیط و مسکن، سلامت و بهزیستی فردی اجتماعی و همبستگی و مشارکت، دارای اولویت بالا شناخته شده‌اند و اشتغال و درآمد، آموزش و فرهنگ، کیفیت زیرساخت‌ها و تفریح و اوقات فراغت، در اولویت‌های بعدی است. همچنین در اولویت‌بندی و ضریب اهمیت مقوله سرمایه اجتماعی، اعتماد به زائران، امنیت برای تردد در شب و آگاهی از گردشگری مذهبی دارای بالاترین ضریب اهمیت بوده‌اند.
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها	مشهد، گردشگری مذهبی، کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی.

استناد: بیدخوری، علیرضا؛ استاد، فاطمه؛ حیدری مندی، علی (۱۴۰۳). بررسی آثار ارتباط زائران و مجاوران در آیین مذهبی پیاده‌روی دهه آخر صفر به مشهد مقدس: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، شماره پیاپی ۴۸ - (۲۸۴-۲۵۷).

DOI:10.22034/farzv.2024.401255.1880



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. مسئله پژوهش

یکی از رایج‌ترین شکل‌های گردشگری در سراسر جهان گردشگری مذهبی است. بحث گردشگری مذهبی به یکی از شاخه‌های مهم بخش گردشگری در حوزه‌های گردشگری فرهنگی مبدل شده است. قرآن برای هدایت بشر نازل شده است و آیه‌های بسیاری بر سیر و سفر تاکید داشته و در خطاب‌های مختلف از انسان دعوت می‌کند به مسافرت و زمین‌گردی بپردازند (رحیم‌پور و سیدحسینی، ۱۳۷۹). در دنیای امروز سفر از ضروریات زندگی اجتماعی و مهم‌ترین عامل برقراری ارتباط در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. در تقسیمات گردشگری، گردشگری مذهبی یکی از پنج شاخه اصلی گردشگری یعنی گردشگری فرهنگی، گردشگری طبیعی، گردشگری تجاری، گردشگری ورزشی و گردشگری مذهبی است (شارپلی و شارپلی، ۱۳۸۰).

### ۱-۲. اهداف تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی آثار ارتباط زائران و مجاوران در آیین مذهبی پیاده‌روی دهه آخر ماه صفر به مشهد مقدس در سال ۱۴۰۱ و رسیدن به پاسخ دو سوال مهم تحقیق است که آیا این ارتباط باعث افزایش کیفیت زندگی و افزایش سرمایه زندگی ساکنان شهر می‌شود یا خیر؟

### ۱-۳. ضرورت تحقیق

گردشگری زیارتی مزایای اقتصادی و اجتماعی گوناگونی با خود به همراه دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری در منطقه، افزایش سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها از جمله شبکه‌های حمل و نقل، توسعه در اقتصاد بازاری استان‌های مرزی، افزایش درآمدهای مالیاتی، ایجاد تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد فرصت فروش برای افراد کم درآمد با سرمایه پایین، ایجاد فعالیت‌های جنبی درآمدزا مانند تأسیسات اقامتی، رستوران‌ها، عرضه و فروش مناسب صنایع دستی و پیشرفت شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل استان‌های مرزی. با توجه به اینکه هر سال میلیون‌ها زائر به مناسبت‌های مختلف برای زیارت بارگاه منور رضوی به مشهد مشرف می‌شوند، خدمت‌رسانی به آن‌ها نیز باید در طول سال مد نظر باشد؛ زیرا ارزیابی عناصر مختلف گردشگری مذهبی، تخصیص مناسب منابع لازم را در پی خواهد داشت.

این گونه سفرها به موجب موقعیت مذهبی در برخی از شهرهای ایران مانند استان‌های خراسان، قم، شیراز و... توانسته است نوعی توسعه فرهنگی پایدار را برای کشور ایران رقم بزند. با توجه به این که در سال‌های اخیر میلیون‌ها زائر در دهه پایانی ماه صفر از طریق ناوگان حمل‌ونقل عمومی و خودرویی شخصی یا پیاده به مشهد مقدس سفر می‌کنند، بررسی آثار ارتباط میان زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه السلام) ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۱-۴. روش تحقیق

در این تحقیق از روش AHP یا همان تحلیل سلسله مراتبی استفاده می‌شود. روش AHP یکی از روش‌های پرکاربرد برای رتبه‌بندی و تعیین عوامل اهمیت عوامل است که با استفاده از مقایسات زوجی گزینه‌ها به اولویت‌بندی هر یک از معیارها پرداخته می‌شود. چنانچه گزینه‌ها یا معیارها زیاد باشد، تشکیل ماتریس مقایسات زوجی کار دشواری است. هدف تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی انتخاب بهترین گزینه بر اساس معیارهای مختلف از طریق مقایسه زوجی است. این تکنیک برای وزن‌دهی به معیارها نیز استفاده می‌شود. چون افزایش تعداد عناصر هر خوشه مقایسه زوجی را دشوار می‌کند؛ بنابراین معیارهای تصمیم‌گیری را به زیر معیارهایی تقسیم می‌کنند. در این تحقیق، مقوله کیفیت زندگی دارای ۷ معیار شامل: کیفیت محیط و مسکن، سلامت و بهزیستی محیطی، همبستگی و مشارکت اجتماعی، اشتغال و درآمد، فرهنگ و آموزش، کیفیت زیرساخت‌ها و تفریح و اوقات فراغت) است و مقوله سرمایه اجتماعی دارای ۳ معیار (اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی و امنیت اجتماعی) در نظر گرفته شده است. با توجه به بررسی‌های مولفان از مجموع سازمان‌های درگیر موضوع، تعداد ۱۵۰ نفر از خبرگان و کارشناسان، به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند که بعد از تدوین پرسش‌نامه محقق ساخت و بررسی روایی و پایایی، پرسش‌نامه در اختیار ایشان قرار گرفت تا از این طریق نظرات ایشان جمع‌آوری شود.

#### ۱-۵. روایی و پایایی تحقیق

هیچ قانون دقیقی برای تفسیر مقادیر  $w$  وجود ندارد، ولی به‌طور کلی این ضریب بین ۰ (عدم اتفاق نظر کامل) تا ۱ (وحدت نظر کامل) هست. هیوئل (۲۰۱۲) بر اساس قواعد سرانگشتی معتقد است اگر میزان  $w$  از ۰.۵ کمتر باشد توافق وجود ندارد. اگر بین ۰.۵ تا ۰.۷ باشد متوسط است و اگر بین ۰.۷ تا ۰.۹ باشد مطلوب است. میزان  $w$  چنانچه بالای ۰.۹ باشد غیرطبیعی به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه تجزیه و تحلیل تحقیق حاضر به روش کیفی انجام می‌گیرد، برای مشخص شدن تعداد نمونه به روش اشباع نظری، نمونه‌گیری تا مرحله‌ای ادامه پیدا

می‌کند که نظرات کارشناسان به هم نزدیک و در نهایت پاسخ ۲۵ نفر از کارشناسان تایید شود. برای اطمینان خاطر، نمونه‌گیری تا ۵۰ نفر ادامه یافت که مشخص شد پاسخ‌ها یکسان است. میزان ضریب توافق کندال در شاخص‌های این تحقیق، معنادار و برابر با  $0/864$  است و بیانگر پایایی و روایی پاسخ‌های داده شده است؛ بنابراین در هر مرحله ۱۰ پرسش‌نامه محقق ساخت با طیف ۹ گزینه‌ای، توزیع و انتخاب افراد پرسش شونده بر اساس نمونه در دسترس به صورت هدفمند صورت می‌گیرد. با بررسی فردی و دموگرافی اعضا و با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS به دو سوال عمده که آیا ارتباط زائران و مجاوران در پیاده‌روی دهه آخر صفر، موجب افزایش کیفیت زندگی ساکنان شهر می‌شود؟ و آیا ارتباط زائران و مجاوران در پیاده‌روی دهه آخر صفر، موجب افزایش سرمایه اجتماعی ساکنین شهر مشهد می‌شود؟ پاسخ داده و سپس از طریق تحلیل (سلسله مراتبی) AHP، به ضریب اهمیت هر معیار پرداخته می‌شود.

جدول ۱: آزمون توافق کندال

N	۲۵
Kendal l's W <sup>a</sup>	.۸۶۴
Chi- Square	۱۵٫۸ ۳۸
df	۱
Asymp . Sig.	.۰۰۰
a. Kendall's Coefficient of Concordance	

منبع: (نویسندگان-۱۴۰۲)

## ۱-۶. پیشینه تحقیق

### ۱-۶-۱. پیشینه داخلی

مومنی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی-فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ورود گردشگر

مذهبی باعث مشارکت داوطلبانه و خیرخواهانه مردمی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد در مشهد شده است. نهب‌وندی و نعمتی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «تهدیدها و فرصت‌های گردشگری زیارت در ایران» انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که گسترش تعاملات فرهنگی، امکان جذب مسیحیان و یهودیان در کنار مسلمانان و ادغام گردشگری تفریحی و مذهبی از جمله فرصت‌ها و وجود کشورهای رقیب همسایه، مخالفت مردم محلی برای ترس از نابودی فرهنگی محلی و عدم تبلیغات رسانه‌ای در سطح جهانی از جمله تهدیدات گردشگری زیارت در ایران است. ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه گردشگری، با تأکید بر گردشگری مذهبی» (مطالعه موردی: شهر قم) به این نتیجه دست یافتند که تقویت فضاهای سرگرمی و تفریحی (پارک و شهر بازی) و فضاهای سبز و همچنین تقویت جاذبه‌های طبیعی به‌عنوان عنصر مکمل گردشگری مذهبی، در تمام طول سال، برای جلوگیری از فصلی شدن گردشگری شهر و افزایش مدت اقامت گردشگران در شهر عملی و باعث ایجاد اشتغال و درآمد پایدار می‌شود. همچنین ضرغام بروجنی و توحیدلو (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مدیریت اثربخش گردشگری مورد مطالعه: مقصد مذهبی مشهد» به این نتیجه دست یافتند که وضعیت مطلوب و موجود گردشگری مشهد در شاخص‌هایی مثل اقتصاد، فناوری، محیط اکولوژیکی، محیط سیاسی و قانونی، محیط اجتماعی فرهنگی، کیفیت خدمت، تجربه، بازاریابی متفاوت است. پژوهشی با عنوان «دوگانه زائر سیاح در تجربه زبسته سه نسل مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه شهید بهشتی) اجتهادنژاد کاشانی و قوامی (۱۳۹۱)، انجام شد و نتایج تحقیق این گونه به دست آمد که کاهشی محسوس در گرایش نسل سوم پاسخگویان به مقوله زیارت در مقایسه با نسل‌های اول و دوم حاصل شده است. همچنین در ذهنیت‌های پاسخگویان تمایزی مفهومی میان سیاحت و زیارت اماکن مذهبی خارج از کشور وجود دارد. عظیمی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی، زیارتی شهر مشهد» به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی شهر زیارتی مشهد شامل امنیت، ایمنی، آموزش، فرهنگ میزبانی، هویت دینی، فضاهای مذهبی، فضاهای فرهنگی و تفریحی و سرمایه‌های فرهنگی در مشهد است. استعلاجی و خوش‌نیت بیانی (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان «شناخت توانمندی‌های گردشگری و ارائه الگوهای بهینه توسعه گردشگری از دیدگاه جغرافیای کاربردی» (مطالعه موردی شهرری) انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که توسعه کالبدی-اجتماعی و اقتصادی شهر، ایجاد هویت و همبستگی ملی، انسجام پیوندهای اجتماعی جوامع، ارتقای زیرساخت‌های کیفیت زندگی و برقراری صلح جهانی از جمله توانمندی‌های گردشگری مذهبی است. همچنین رحمانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری مذهبی در مناطق روستایی» انجام دادند که به این نتیجه دست یافتند که بروز تغییرات اقتصادی و اجتماعی

و کالبدی و تشدید ارتباطات اجتماعی و اقتصادی و افزایش احساس امنیت اجتماعی و کاهش تنش اجتماعی در کنار آلودگی‌های زیست محیطی از جمله آثار گردشگری مذهبی در منطقه مورد مطالعه شان بوده است. در سال‌های اخیر نیز مطالعات تجربی در حوزه زیارت و پیاده‌روی زائران خصوصاً پیاده‌روی اربعین به مقصد کربلا انجام شده است. در کنار آیین پیاده‌روی اربعین که در اصل، سنتی عراقی با مشارکت سایر مسلمانان به ویژه زائران ایرانی است، پیاده‌روی‌های زیارتی اصیل دیگری نیز در میان شیعیان وجود دارد و آن آیین پیاده‌روی زیارتی به شهر مشهد مقدس است. از جمله مطالعات کیفی صورت گرفته در این زمینه رضوی‌زاده (۱۳۹۶) به واکاوی ادراک و تفسیر زائران از تجربه زیسته خود در سفر اربعین می‌پردازد و پس از تحلیل داده‌های کیفی خود سه دسته از مضامین را شناسایی و دلالت‌های عملی مرتبط با هر کدام را معرفی می‌کند. این مضامین شامل تجربه تعلیق امر مادی و رنج مقدس و برانگیزگی عاطفی مناسب جمعی زیارت می‌شود. پژوهش حاضر به بررسی آثار ارتباط زائران و مجاوران در آیین پیاده‌روی زیارت دهه آخر صفر به مشهد مقدس می‌پردازد که نوآوری این تحقیق محسوب می‌شود. تاج بخش، حسینی و موسوی (۱۳۹۸) به مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت زائران ایرانی و عراقی در آیین پیاده‌روی اربعین پرداخته‌اند. همچنین شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی (۱۳۹۸) در مطالعه دیگری به واکاوی ادراک زائران از میزبانان عراقی در پیاده‌روی اربعین پرداخته‌اند. آن‌ها در یافته‌های خود به ذکر سه مقوله مرکزی سنت، برکت و محبت به‌عنوان برداشتی که زائران از رفتار میزبانان دارند، می‌پردازند.

#### ۱-۶-۲. پیشینه خارجی

مطالعات مربوط به زیارت به‌طور مشخص از دهه ۱۹۷۰ کوهن (۱۹۹۲)، مک کنل (۱۹۸۴)، ترنر (۱۹۷۸) آغاز می‌شود. در دهه ۸۰ بیشتر تحقیقات زیارت شامل ویژگی‌های اجتماعی و منطقی جامعه تحت فرایند محیط‌های خود (مکان، ویژگی‌ها و معنی) می‌شد. ویکتور ترنر یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان حوزه مناسب است که نگاهی فرایندی به زیارت دارد. از نگاه ترنر زیارت، میدانی از روابط اجتماعی و مفاهیم فرهنگی است که دارای بیشترین تنوع، رسمی و غیررسمی، درست یا نادرست، جزئی و اسطوره، اغلب تلفیقی، آمیخته به هم وابسته و نظام‌مند است. حسین و ام السلمه (۲۰۱۸) در پژوهش خود به مطالعه انگیزه‌ها و تجربه زیارت در بین زائران پیاده‌روی اربعین پرداخته‌اند. همچنین نویسندگان فوق در پژوهش خود با عنوان «مطالعه پدیدارشناسانه زیارت پیاده‌روی اربعین در عراق» انجام شده است. این مطالعات اگرچه در بخش‌هایی مانند میدان یا روش مطالعه با مطالعه حاضر همسانی دارد یا در برخی از این مطالعات اشاره‌هایی مختصر به آثار گردشگری مذهبی یا زیارت شده است، اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها، آثار بین زائران و مجاوران اختصاصاً بررسی نشده است.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. گردشگری مذهبی

یکی از رایج‌ترین شکل‌های گردشگری در سراسر جهان، گردشگری مذهبی است. بحث گردشگری مذهبی به یکی از شاخه‌های مهم بخش گردشگری در حوزه‌های گردشگری فرهنگی تبدیل شده است. قرآن برای هدایت بشر نازل شده است و آیه‌های بسیاری بر سیر و سفر تأکید داشته و در خطاب‌های مختلف از انسان دعوت می‌کنند به مسافرت و زمین‌گردی بپردازند (رحیم‌پور و سیدحسینی، ۱۳۷۹). در تقسیمات گردشگری، گردشگری مذهبی یکی از پنج شاخه اصلی گردشگری یعنی گردشگری فرهنگی، گردشگری طبیعی، گردشگری تجاری، گردشگری ورزشی و گردشگری مذهبی است (شارپلی و شارپلی، ۱۳۸۰). کشور ما با داشتن قدمت تاریخی چندین هزار ساله، به عنوان یکی از ۱۰ کشور جذاب از لحاظ گردشگری در جهان قرار می‌گیرد (انجمن جهانی اقتصاد، ۲۰۰۹). عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، تنوع آب و هوایی، فرهنگ و تاریخ غنی و دیگر عوامل تأثیرگذار، فضای مناسبی را برای ظهور اشکال مختلف گردشگری در ایران فراهم نمودند (اسدی و دریایی، ۲۰۱۱) به طوری که امروزه یکی از جذاب‌ترین نواحی گردشگری جهان محسوب می‌شود. گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال حاضر در سراسر جهان است (Ajit: 2004) که قدمت آن به فرهنگ دینی می‌رسد. اگر نگاهی به تاریخ گذشته در زمینه سفرها و گردش‌های مذهبی داشته باشیم، به گردش‌های مذهبی چون مراسم مقدس یونانیان باستان در معابد آپلون و ... سفرهای مصریان برای دیدار از فرعون و ... (دورانت، ۱۳۷۰)، ایرانیان باستان به معبد آناهیتا در کنگاور و ... (خالقی مطلق، ۱۳۶۹) و نظایر آن بر می‌خوریم که هر یک به گونه‌ای قدمت و رواج این شکل از گردشگری را در میان ملل مختلف نشان می‌دهند. گردشگری و گذران اوقات فراغت به شیوه‌ای جدید، پدیده‌ای پیامدی و همزمان جزء جدایی‌ناپذیر جامعه صنعتی و حلقه‌ای مهم در بازتولید آن است (مومنی، ۱۳۸۶). در میان گردشگران مذهبی با دو گروه مواجه هستیم؛ زائرانی که انگیزه آن‌ها از مسافرت فقط انجام امور مذهبی است و زمان و مدت اقامت آن‌ها تابع اوقات فراغت نیست و دیگری، گردشگران مذهبی که ضمن انجام زیارت و شرکت در مراسم مذهبی از مکان‌های دیگر گردشگری اعم از مذهبی و غیرمذهبی نیز دیدن می‌کنند. به عبارتی، اهداف مسافرت آن‌ها چند منظوره با اولویت زیارت است. با وجود این، امروزه گردشگری مذهبی با همه اجزا و گونه‌های مختلف آن به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاص توانسته خود را در متن گردشگری جهانی جای دهد به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فرا گرفته است (Nolan and Nolan: 1998). بر اساس برآوردها ۲۶ درصد از کل

جریان‌های گردشگری جهان را به خود اختصاص داده است. از میان همه اشکال گردشگری در جهان، گردشگری مذهبی در برخی از کشورها دارای اهمیت بیشتری است. به‌عنوان مثال، کشورهای همانند عربستان بخش مهمی از درآمد ملی خود را از طریق این نوع گردشگری کسب می‌کنند. این نوع از گردشگری یکی از رایج‌ترین اشکال گردشگری در سراسر جهان است که سابقه آن به قرون و اعصار گذشته مرتبط می‌شود. به‌طور کلی شامل سفرها و بازدیدهایی می‌شود که اصلی‌ترین هدف از آن‌ها تجربه‌ای مذهبی است. گردشگری مذهبی با همه اجزا و گونه‌های مختلف آن، به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاص، توانسته است خود را در متن گردشگری جهانی جای دهد؛ به‌طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فرا گرفته است (ibid). توسعه گردشگری مذهبی، حفظ میراث فرهنگی جامعه میزبان را در پی دارد (زین العابدین عموقین و همکاران، ۱۳۹۰). در تعریف کلی، می‌توان گردشگری مذهبی را گونه‌ای از گردشگری دانست که شرکت‌کنندگان در آن دارای انگیزه‌های مذهبی (منحصراً یا به صورت ترکیب با سایر انگیزه‌ها) هستند که از مکان‌های مقدس مانند کلیساها، مساجد، مقبره‌ها، امامزاده‌ها و مانند آن بازدید می‌کنند (Meyer, 2004). در سراسر جهان سفرهای مذهبی و معنوی ملی و بین‌المللی در شکل زیارت و گردشگری دینی یکی از سریع‌ترین گونه‌های در حال رشد گردشگری است (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۱۱). مطابق برآورد سازمان جهانی گردشگری در هر سال ۳۰۰ تا ۳۳۰ میلیون گردشگر از مکان‌های مذهبی اصلی در جهان بازدید می‌کنند که تقریباً ۶۰۰ میلیون سفر مذهبی ملی و بین‌المللی نیز به آن اضافه می‌شود. در دهه‌های اخیر سفر با انگیزه‌های دینی و معنوی افزایش یافته است (اولسن و تیموتی، ۱۳۹۲).

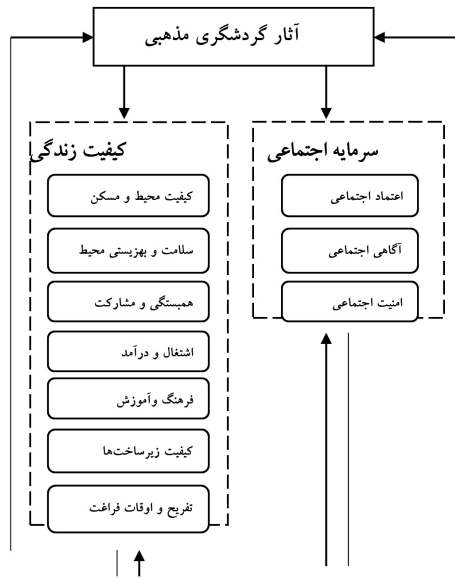
## ۱-۱-۲. کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است که وضعیت زندگی بشر را تعریف می‌کند. کیفیت زندگی، ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی محیط در یک ناحیه را نشان می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود. همچنین مفهومی متحرک و سیال است؛ زیرا نتایج توسعه، تعریف‌کننده ادراکاتی هستند که اهداف دست‌یافتنی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند (بلوم و همکاران، ۲۰۰۲). بسیاری از صاحب‌نظران بیان می‌کنند که غالباً محققان بین دو واژه کیفیت زندگی و رفاه تفاوتی قائل نیستند؛ چراکه ارزیابی‌های عینی و ذهنی از کیفیت زندگی در بین محققان متفاوت است. معمولاً مطالعات رفاه و کیفیت زندگی در حوزه گردشگری را می‌توان در حیطه‌های گوناگون تعریف کرد.

## ۲-۲. سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور برجسته در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان شکل جدیدی از سرمایه‌های جامعه مطرح شده است. سرمایه اجتماعی در برگیرنده برخی از جنبه‌های ساختار اجتماعی است که اقدامات خاص افراد درون ساختار جامعه را تسهیل و عملکردهای آن را تعیین می‌کند (خان، ۲۰۱۱). امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی یا بُعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فایده‌آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را امکان‌پذیر سازد. در واقع، سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند؛ اما هیچ مجموعه انسانی بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد.

شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق



منبع: (نویسندگان-۱۴۰۲)

### ۳-۲. بررسی یافته‌های استنباطی تحقیق

در این بخش سعی شده است تا با استفاده از آزمون SPSS و همچنین محاسبه ضریب AHP معیارها به هر یک از سؤالات پاسخ داده شود. در مرحله اول با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS به سنجش این مقوله پرداخته شده است که آیا دهه آخر صفر منجر به افزایش کیفیت زندگی شده است یا خیر؟ و پس از پاسخ به این سؤال از طریق تحلیل AHP به ضریب اهمیت هر معیار و شاخص پرداخته شده است.

۳-۲-۱. سنجش تأثیر ارتباط زائران و مجاوران پیاده‌روی زیارت دهه آخر صفر بر افزایش کیفیت زندگی ساکنان شهر مشهد

برای سنجش میزان تأثیر پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و نظرات ۲۵ کارشناس در نهایت از آزمون تی تک نمونه‌ای برای پاسخ این پرسش استفاده شده است. طیف به کار رفته ۹ گزینه‌ای و نمره معیار در آزمون تی تک نمونه‌ای عدد ۳ بوده است. از این رو فرضیه آماری به شکل زیر ترسیم شده است:

$$\begin{cases} H_0 : \mu = 4.5 \\ H_1 : \mu \neq 4.5 \end{cases}$$

در این پژوهش فرضیه  $H_0$  بیانگر این واقعیت است که پیاده‌روی زیارت دهه آخر صفر و ارتباط زائران و مجاوران در این رویداد باعث افزایش کیفیت زندگی ساکنان شهر مشهد شده و فرضیه  $H_1$  بیانگر این واقعیت است که این ارتباط هیچ‌گونه تأثیری بر کیفیت زندگی ساکنان شهر مشهد نداشته است:

جدول ۲: آزمون تی تک نمونه‌ای (مقوله کیفیت زندگی)

	میانگین آزمون	Test Value = ۴,۵					
		t	df	Sig. (۲- tailed)	Mean Difference	۹۵% Confidence Interval of the Difference	
						Lower	Upper
وضعیت کلی	۳,۴۵۲۹	-۲,۹۹۹۷	۲۴,۰۰۰۰	۰,۱۸۰	-۱,۰۴۶۷	-۱,۸۵۱۳	-۰,۲۴۲۱

منبع: (نویسندگان/۱۴۰۲)

با توجه به جدول ۲، سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۱۸۰ است و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه صفر را در سطح ۵ درصد نمی‌توان رد کرد (باید پذیرفت) و می‌توان نتیجه گرفت که پیاده‌روی و ارتباط زائران بر کیفیت زندگی شهروندان و ساکنان شهر مشهد تأثیرگذار بوده است. در جهت اولویت این مقوله‌ها از کارشناسان خبره خواسته شده بود تا بر اساس منطق نمره‌دهی AHP به هر یک از مقوله‌ها به صورت زوجی نمره دهند و در نهایت بر اساس تحلیل سلسله مراتبی به اولویت‌بندی مقوله‌های کیفیت زندگی پرداخته شود. بر اساس منطق ال ساعتی به هر یک از معیارها نمره داده شده است. نمره ۱ بیانگر وزن یکسان معیارها، عدد ۳ بیانگر اهمیت خیلی ضعیف، عدد ۵ بیانگر اهمیت ضعیف معیار، عدد ۷ بیانگر اهمیت قوی و عدد ۹ بیانگر اهمیت خیلی قوی است. در نهایت، تمامی امتیازهای داده شده توسط ۲۵ متخصص در هم ضرب شده است و وزن نهایی هر معیار به دست آمده است.

### ۲-۳-۲. بررسی اولویت‌بندی مقوله کیفیت زندگی

در جدول ۳ امتیاز هر یک از معیارها پس از مقایسه زوجی و میانگین هندسی آنان ارائه شده است. به عنوان نمونه نحوه محاسبه مقوله کیفیت محیط به سلامت و بهزیستی فردی-اجتماعی محاسبه شده که در ادامه قابل بررسی است:

#### جدول ۳: ماتریس مقایسه زوجی مقوله کیفیت زندگی

ردیف	معیار	کیفیت محیط و اقامت	سلامت و بهزیستی فردی-اجتماعی	همبستگی و مشارکت اجتماعی	اشتغال و درآمد	فرهنگ و آموزش	کیفیت زیرساخت‌ها	تفریح و اوقات فراغت
۱	کیفیت محیط و مسکن	۱	۲,۱۷	۳,۵۰	۲,۱۹	۲,۱۸	۳,۰۳	۳,۹۱
۲	سلامت و بهزیستی محیطی	۰,۴۶	۱	۳,۴۴	۱,۷۳	۲,۵۳	۱,۶۹	۳,۸۲
۳	همبستگی و مشارکت اجتماعی	۰,۲۸	۰,۲۹	۱	۲,۰۳	۲,۱۲	۱,۹۲	۲,۴۸
۴	اشتغال و درآمد	۰,۴۶	۰,۵۸	۰,۴۹	۱	۳,۴	۲,۰۳	۳,۰۳
۵	فرهنگ و آموزش	۰,۴۶	۰,۳۹	۰,۴۷	۰,۲۹	۱	۱,۷	۳,۵۸
۶	کیفیت زیرساخت‌ها	۰,۳۳	۰,۵۹	۰,۵۲	۰,۴۹	۰,۵۹	۱	۱,۹۹
۷	تفریح و اوقات فراغت	۰,۲۵	۰,۲۶	۰,۴۰	۰,۲۸	۰,۲۸	۰,۵۰۲	۱
	مجموع میانگین وزنی	۳,۲۴	۵,۲۸	۹,۸۲۷	۸,۰۱۱	۱۲,۰۶۴	۱۱,۸۶۴	۱۹,۸۰۷

منبع: (نویسندگان/۱۴۰۲)

$$(۳*۱*۳*۳*۱*۵*۳*۱*۵*۳*۱*۱*۱*۳*۷*۵*۱*۳*۳*۳*۵*۳*۱*۱*۳*۱)$$

$$\sqrt[25]{258339375} = ۲.۱۷$$

پس از تشکیل ماتریس زوجی و محاسبه تک تک امتیازها و محاسبه میانگین هندسی لازم است تا ماتریس زوجی معیارها نرمال شود.

$$\text{کیفیت محیط} = \frac{۲.۱۷}{۲.۱۷ \pm ۱ \pm ۰.۲۹ \pm ۰.۵۸ \pm ۰.۳۹ \pm ۰.۵۹ \pm ۰.۲۶} = ۰.۴۱$$

جدول ۴: ماتریس نرمال شده مقایسات زوجی (مقوله کیفیت زندگی)

مجموع وزن معیار	تفریح و اوقات فراغت	کیفیت زیرساخت‌ها	آموزش و فرهنگ	اشتغال و درآمد	همبستگی و مشارکت	سلامت و بهزیستی فردی	کیفیت محیط و مسکن	معیار	ردیف
۱/۹۹	۰/۲۰	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۴۱	۰/۳۱	کیفیت محیط و مسکن	۱
۱/۴۴	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۳۵	۰/۱۹	۰/۱۴	سلامت و بهزیستی فردی	۲
۰/۹۵	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۰۹	همبستگی و مشارکت	۳
۱/۰۲	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۲۸	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۱۴	اشتغال و درآمد	۴
۰/۷	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۱۴	آموزش و فرهنگ	۵
۰/۵۵	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۱۰	کیفیت زیرساخت‌ها	۶
۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۸	تفریح و اوقات فراغت	۷

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۲)

برای به دست آوردن اهمیت نسبی مقوله‌ها از میانگین حسابی استفاده شده است. یعنی مجموع وزن هر یک از معیارها بر تعداد کل مقوله‌ها به دست آمده است که:

$$\text{کیفیت محیط} = \frac{۱.۹۹}{۷} = ۰.۲۸$$

جدول ۵: وزن نسبی مقوله کیفیت زندگی

ردیف	معیار	وزن نسبی	اولویت	ضریب ناسازگاری
۱	کیفیت محیط و مسکن	۰/۲۸	۱	۰,۰۱
۲	سلامت و بهزیستی فردی	۰/۲۱	۲	
۳	همبستگی و مشارکت	۰/۱۴	۴	
۴	اشتغال و درآمد	۰/۱۵	۳	
۵	آموزش و فرهنگ	۰/۱۰	۵	
۶	کیفیت زیرساخت‌ها	۰/۰۸	۶	
۷	تفریح و اوقات فراغت	۰/۰۴	۷	

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۲)

در نهایت، میزان ضریب ناسازگاری محاسبه شده که ضریب ناسازگاری کمتر از ۱، دهم و بیانگر سازگاری معیارها و امتیازهاست. با توجه به رتبه‌بندی مقوله‌ها می‌توان گفت که عوامل کیفیت محیطی و مسکن، سلامت و بهزیستی فردی-اجتماعی و همبستگی در مشارکت بیشترین اهمیت را داشته‌اند و به‌عنوان مهم‌ترین اولویت‌های تأثیرگذار بر وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر مشهد شناخته می‌شوند. از این رو، از دیدگاه متخصصان و خبرگان معتقدند که در پیاده‌روی دهه آخر صفر ارتقای وضعیت کیفیت محیطی، سلامت و بهزیستی فردی و اجتماعی و همبستگی مشارکتی اهمیت بیشتری برخوردار است. برای سنجش میزان تأثیر پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و نظرات ۲۵ کارشناس خبره در نهایت از آزمون تی تک نمونه‌ای برای پاسخ این پرسش استفاده شده است. طیف به‌کاررفته ۹ گزینه‌ای و نمره معیار در آزمون تی تک نمونه‌ای عدد ۴/۵ بوده از این‌رو فرضیه آماری به شکل زیر ترسیم شده است:

$$\begin{cases} H_0 : \mu = 4.5 \\ H_1 : \mu \neq 4.5 \end{cases}$$

در این پژوهش فرضیه  $H_0$  بیانگر این واقعیت است که پیاده‌روی زیارت دهه آخر صفر و ارتباط زائران و مجاوران در این رویداد باعث افزایش سرمایه اجتماعی ساکنان شهر مشهد شده و فرضیه  $H_1$  بیانگر این واقعیت است که این ارتباط هیچ‌گونه تأثیری بر سرمایه اجتماعی ساکنان شهر مشهد نداشته است.

جدول ۶: ماتریس مقایسه زوجی مقوله سرمایه اجتماعی

		Test Value = ۴,۵					
		t	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	۹۵% Confidence Interval of the Difference	
						Lower	Upper
سرمایه اجتماعی	۱,۸۰	-۱۶,۵۳۴	۲۴	.۲۵۸	-۲,۷۰۰۰۰	-۳,۰۳۷۰	-۲,۳۶۳۰

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۲)

با توجه به جدول ۶ سطح معناداری آزمون برابر با  $۰/۲۵۸$  است که بیشتر از سطح خطای  $۰/۰۵$  است که نشان می‌دهد فرضیه صفر را در سطح ۵ درصد نمی‌توان رد کرد (باید پذیرفت) و می‌توان نتیجه گرفت که پیاده‌روی و ارتباط زائران بر سرمایه اجتماعی شهروندان و ساکنان شهر مشهد تأثیرگذار بوده است. در جهت اولویت این مقوله‌ها از کارشناسان خبره خواسته شده بود تا بر اساس منطق نمره‌دهی AHP به هر یک از مقوله‌ها به صورت زوجی نمره دهند و در نهایت بر اساس تحلیل سلسله مراتبی به اولویت‌بندی مقوله‌های سرمایه اجتماعی پرداخته شده که در ادامه قابل بررسی است.

### ۳-۳-۲. بررسی اولویت‌بندی مقوله سرمایه اجتماعی

در جهت اولویت‌بندی مقوله‌های سرمایه اجتماعی ماتریس زوجی  $۳*۳$  تشکیل شده است. تمامی فرمول‌ها و محاسبه‌ها بر اساس فرمول‌های شاخص کیفیت زندگی محاسبه شده‌اند. در ابتدا ماتریس زوجی که بر اساس فرمول میانگین هندسی محاسبه و تشکیل شده است:

جدول ۷: ماتریس مقایسه زوجی مقوله سرمایه اجتماعی

ردیف	معیار	اعتماد اجتماعی	آگاهی اجتماعی	امنیت اجتماعی
۱	اعتماد اجتماعی	۱	۱,۵۳	۱,۴۶
۲	آگاهی اجتماعی	۰,۶۵	۱	۱,۳۳
۳	امنیت اجتماعی	۰,۶۸	۰,۷۵	۱
	مجموع میانگین وزنی	۲,۳۳	۳,۲۸	۳,۷۹

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۲)

ماتریس مقیاس زوجی نشان می‌دهد که مجموع میانگین وزنی در شاخص امنیت اجتماعی برابر با ۳/۷۹ و بیشترین میزان را در برداشته است و کمترین میزان نیز مربوط به شاخص اعتماد اجتماعی بوده، اما برای بررسی ادامه وضعیت لازم است تا ماتریس نرمال شود.

جدول ۸: ماتریس نرمال شده مقایسات زوجی (سرمایه اجتماعی)

ردیف	معیار	اعتماد اجتماعی	آگاهی اجتماعی	امنیت اجتماعی	مجموع وزن معیار
۱	اعتماد اجتماعی	۰,۴۳	۰,۴۷	۰,۳۹	۱,۲۸
۲	آگاهی اجتماعی	۰,۲۸	۰,۳۰	۰,۳۵	۰,۹۳
۳	امنیت اجتماعی	۰,۲۹	۰,۲۳	۰,۲۶	۰,۷۸

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۲)

پس از محاسبه ماتریس ۳\*۳ نرمال شده لازم است تا اهمیت وزن نسبی معیارها محاسبه شود.

## جدول ۹: وزن نسبی مقوله (سرمایه اجتماعی)

ردیف	شاخص سرمایه اجتماعی	ضریب اهمیت نسبی	اولویت بندی	ضریب ناسازگاری
۱	اعتماد اجتماعی	۰,۴۳	۱	
۲	آگاهی اجتماعی	۰,۳۱	۲	
۳	امنیت اجتماعی	۰,۲۶	۳	۰,۰۱

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۲)

بررسی وزن اهمیت نسبی معیارها نشان می‌دهد که معیار اعتماد اجتماعی بالاترین ضریب اهمیت در مقوله سرمایه اجتماعی را در برداشته است. میزان ضریب ناسازگاری برابر با ۰/۰۱ و چون عدد محاسبه شده کمتر از ۰/۱ بوده است؛ بنابراین شرط سازگاری پذیرفته شده است. در واقع می‌توان گفت که در پیاده روی دهه آخر صفر این شاخص‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

## ۳. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی حاصل از میانگین شاخص‌ها و معیارها، سطح معناداری آزمون شاخص کیفیت زندگی برابر با ۰/۱۸۰ و سطح معناداری آزمون شاخص سرمایه اجتماعی ۰/۲۵۸ است که هر دو بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و می‌توان نتیجه گرفت که پیاده روی و ارتباط زائران با ساکنان باعث افزایش کیفیت زندگی و افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان می‌شود. در مقوله کیفیت زندگی به ترتیب کیفیت محیط و مسکن، سلامت و بهزیستی فردی - اجتماعی و همبستگی و مشارکت سه شاخص مهم و دارای اولویت بالا (۰/۲۸ و ۰/۲۱ و ۰/۱۴) شناخته شده‌اند و شاخص‌هایی همچون اشتغال و درآمد، آموزش و فرهنگ، کیفیت زیرساخت‌ها و تفریح و اوقات فراغت با ضریب (۰/۱۵ و ۰/۱۰ و ۰/۸ و ۰/۰۴) در اولویت‌های بعدی هستند. همچنین در

اولویت‌بندی و ضریب اهمیت، مقوله سرمایه اجتماعی نشان داد که شاخص اعتماد به زائران، امنیت برای تردد در شب و آگاهی از گردشگری مذهبی با ضریب (۰/۴۳ و ۰/۳۱ و ۰/۲۶) دارای بالاترین ضریب اهمیت بوده‌اند.

همان‌طور که بخشی از این دستاوردها نشان می‌دهد حضور زائران می‌تواند کیفیت خدمات زندگی شهروندان مشهدی را تحت تاثیر قرار دهد و با بودجه‌ها و برنامه‌هایی که از سوی دولت مرکزی و دولت‌های محلی اختصاص می‌یابد، شهر از امکانات رفاهی خوبی برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر، هم‌پیوندی حضور زائران و هزینه‌هایی که آنان در قالب این خدمات انجام می‌دهند، منجر به احیای اقتصادی و اجتماعی شهر مشهد می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که پیاده‌روی با این حجم از زائر، از ظرفیت‌های اقتصادی فراوانی برخوردار است. همچنین نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که پیاده‌روی دهه آخر صفر منجر به دستاوردهای سرمایه اجتماعی در شهر مشهد شده است. در تبیین و تحلیل این فرضیه می‌توان گفت که نقش پدیده پیاده‌روی ایام پایانی ماه صفر به مشهد مقدس در ارتقای سرمایه اجتماعی جامعه، تقویت اعتماد عمومی و ارتقای سرمایه فرهنگی و اخلاقی جامعه نقش مهمی دارد. نهاد زیارت و پیاده‌روی اربعین و ایام دهه آخر صفر، سرمایه جامعه را در فضای تعاملی بین‌المللی ارتقا می‌دهد. در کارگاه اجتماعی، مشارکت‌کنندگان کار گروهی و تعامل دسته‌جمعی را یاد می‌گیرند و تمرین می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه با هم کار کنند. نتیجه این تعامل گروهی تقویت سرمایه اجتماعی «اعتماد» است. به‌طور کلی از نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نهاد زیارت و پیاده‌روی دهه آخر صفر به مشهد مقدس، فرصتی است برای اصلاح فرهنگ اقتصادی و بهره‌گیری از سرمایه فرهنگی و معنوی برای سرعت بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه فردی و اجتماعی ساکنان و مجاوران شهر مقدس مشهد.

### ۳-۱. پیشنهادهای کاربردی

با توجه به اینکه پیاده‌روی پایانی دهه آخر صفر موجب افزایش کیفیت زندگی در شهر مشهد شده است، پیشنهاد می‌شود:

۱. طراحی زنجیره تولید و توزیع محصولات مورد نیاز پیاده‌روی دهه آخر صفر، بر اساس مشاغل کوچک مقیاس با ضریب اشتغال بالا و تشکیل زنجیره ای از تولیدات کوچک مقیاس از مواد اولیه تا کالای نهایی و در نهایت، توزیع صورت گیرد. این طرح چند هدف را از جمله توسعه اشتغال پایدار برای اقشار کم‌برخوردار و نیازمند حمایت، ریسک پایین نزدیک به صفر تولید به جهت نیاز

و خرید تضمینی موکب‌ها، توزیع متوازن و حداکثری مواهب اقتصادی این آیین، بین عموم مردم به‌ویژه اقشار نیازمند، به جای نفع حداقلی، کارخانجات بزرگ را به عنوان یک مدل برگرفته از مردم، با مردم و برای مردم را دنبال می‌کند. فرضیه طرح ایجاد اشتغال فراگیر چند میلیون نفری و مردم‌بنیان و در قالب کسب‌وکارهای کوچک مقیاس، در چهارچوب این الگو و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های مردمی به‌ویژه گروه‌های مذهبی به‌عنوان بستر قابل اجراست. با توجه به اینکه در شاخص کیفیت محیطی و مسکن، جمع‌آوری و دفن مواد زائد، بالاترین ضریب اهمیت و بهبود اسکان زائران، کمترین امتیاز و اولویت را به دست آورده است، بنابراین توصیه می‌شود:

۲. در جهت تقویت کیفیت زندگی نظارت‌های بیشتری بر اسکان و بازار آن صورت گیرد.

۳. همچنین پیشنهاد می‌شود مکان‌های دایمی برای این زمینه با امکانات مناسبی صورت گیرد. به‌عنوان مثال می‌توان تفاهم‌نامه‌ای بین ستادهای مذهبی با شهرداری مشهد منعقد شود و بخشی از پارک‌های مهم شهری به‌عنوان کمپ زائر با امکانات مناسب سامان‌دهی شود.

با توجه به اینکه در شاخص سلامت و بهزیستی فردی-اجتماعی کمترین ضریب اهمیت مربوط به امکانات رفاهی است، پیشنهاد می‌شود:

۴. طرح زنجیره سلامت و امکانات رفاهی از مبدا شروع شود و در مقصد ادامه پیدا کند. این طرح می‌تواند دستاوردهای زیادی از جمله توزیع برابر ثروت، توزیع عادلانه خدمات و ... داشته باشد.

با توجه به اینکه در شاخص اشتغال و درآمد کمترین ضریب اهمیت مربوط به توزیع درآمد است، توصیه می‌شود:

۵. تمهیدات در نظر گرفته شود تا تمامی نقاط شهر بتوانند از این مزیت استفاده کنند. دستاوردهای اقتصادی ناشی از دهه پایانی صفر فقط شامل مناطق اطراف حرم مطهر هستند در حالی که بسیاری از مناطق دورتر از این مزیت استفاده نمی‌کنند یا بسیاری از زائران با آن آشنایی ندارند؛ از این رو، می‌توان در دهه پایانی صفر مسیرهای ویژه‌ای برای پیاده‌روی در نظر گرفت تا بتوان توزیع برابر درآمد بر پایه تمامی مناطق شهری صورت گیرد.

با توجه به اینکه در شاخص‌های کیفیت، زیرساخت کمترین ضریب اهمیت مربوط به دسترسی به خدمات خرید است، توصیه می‌شود:

۶. فهرستی از مواد غذایی مورد نیاز تهیه شود و بر اساس توان اقتصادی بازار عرضه شود. این

- بازارها می‌تواند به صورت سیار در اطراف محل اقامت و اسکان زائران در نظر گرفته شود.
- با توجه به اینکه در شاخص‌های اوقات فراغت کمترین ضریب اهمیت مربوط به جاذبه‌های گردشگری شهر مشهد است، توصیه می‌شود:
۷. صرفاً به گردشگری مذهبی پرداخته نشود و دیگر مقوله‌های گردشگری بتوانند از این ظرفیت در شهر مشهد بهره‌مند شوند. از این رو، توصیه می‌شود گردشگری سلامت در کنار گردشگری مذهبی به نوعی هم‌پیوندی ختم شود.
- با توجه به اینکه در شاخص‌های آگاهی کمترین ضریب اهمیت مربوط به پوشش رسانه‌ای در شهر مشهد است، توصیه می‌شود:
۸. دهه پایانی صفر تحت پوشش رسانه ملی و بین‌المللی قرار گیرد. در این زمینه می‌توان با شبکه‌های بین‌المللی تفاهم‌نامه و قراردادهایی بسته شود و اخبار آن در صدر بین‌المللی باشد.
- با توجه به اینکه در شاخص‌های اعتماد اجتماعی کمترین ضریب اهمیت مربوط به اعتماد نهادهای اجتماعی در شهر مشهد است، توصیه می‌شود:
۹. نقش نهادهای اجتماعی در رسانه‌ها پررنگ‌تر شود و این بینش به زائران نیز انتقال یابد.
- با توجه به اینکه در شاخص‌های امنیت اجتماعی کمترین ضریب اهمیت مربوط به امنیت فضاهای شهری در شهر مشهد است، توصیه می‌شود:
۱۰. امنیت فضاهای شهری در این دهه با استفاده از ظرفیت مردمی تدوین شود.

## منابع و مآخذ

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ کاظمی‌راد، شمس‌الله؛ اسکندری‌ثانی، محمد. (۱۳۹۰). «برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه گردشگری با تأکید بر گردشگری مذهبی (مطالعه موردی شهر قم)». *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*. شماره ۷۶. صص: ۱۴۱-۱۱۵.
- استعلاجی، علیرضا؛ خوش‌نیت‌بیانی، محمد. (۱۳۹۱). «شناخت توانمندی‌های گردشگری و ارائه الگوهای بهینه توسعه گردشگری از دیدگاه کاربرد (مطالعه موردی: شهرری)». *جغرافیا*. سال ۱۰. شماره ۳۴. صص: ۲۵۱-۲۷۵.
- اجتهادنژاد کاشانی، سیدسالار؛ قوامی، نسرین‌السادات. (۱۳۹۱). «دوگانه زائر سیاح در تجربه زیسته سه نسل، مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه شهید بهشتی». *مطالعات جغرافیایی اجتماعی ایران*. دوره ۶. شماره ۳ و ۴. صص: ۵-۲۶.
- تاج‌بخش، غلامرضا؛ حسینی، محمدرضا؛ موسوی، انتصار. (۱۳۹۸). «مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت ایرانیان و عراقی‌ها در آئین پیاده روی اربعین». *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۸. صص: ۹-۳۶.
- تیموتی، دالن جی والسن، دانیل اچ. (۱۳۹۲). «گردشگری، دین و سفرهای مذهبی». ترجمه محمد قلی‌پور، احسان مجیدی‌فر. تهران: جامعه‌شناسان.
- حسین مجتبی، ام سلمه (۱۳۹۷). «مطالعه پدیدارشناسانه پیاده روی اربعین در عراق»، پدیدارشناسی تجربه پیاده روی اربعین: (مورد مطالعه کاروان ایرانی زیارتی کربلاء- عراق ۱۳۹۶). تهران: کنفرانس ملی توسعه اجتماعی.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۶۹). «نقد کتاب: تاریخ افسانه ای ایران». نوشته کریستین سن، آرتور. کلک . شماره ۱۱ و ۱۲. دی و بهمن ۱۳۶۹.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۰). *تاریخ فلسفه*. ترجمه عباس زریاب خویی. تهران: علمی و فرهنگی.
- رحمانی، خلیل؛ پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۲). «برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری مذهبی اورامان در مناطق روستاهای دارای مکان‌های مذهبی». *برنامه‌ریزی و آزمایش فضا*. شماره ۷۹. صص: ۴۳-۶۶.
- رحیم‌پور، علی، سیدحسینی، سید داوود. (۱۳۷۹). «*سیمای جهانگردی اسلامی*». تهران: محیا.
- رضوی‌زاده، ندا. (۱۳۹۳). «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳-عراق)». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. دوره ۶. شماره ۴. صص: ۵۹۵-۶۳۱.
- زین‌العابدین عموقین، یوسف؛ احمدی ارکمی ابوطالب؛ نظری، ولی‌الله. (۱۳۹۰). «اهمیت گردشگری مذهبی در اسلام». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گردشگری در مرودشت*.
- شراهی، اسماعیل؛ ذوالفقارزاده کرمانی، محمدمهدی. (۱۳۹۸). «واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم‌شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین». *دین و ارتباطات*. سال ۲۶. شماره اول (پیاپی ۵۵). صص: ۱۱۵-۱۴۸.
- ضرغام بروجنی، حمید؛ توحدیلو، معصومه. (۱۳۹۰). «الگوی مدیریت اثربخش گردشگری مورد مطالعه: مقصد مذهبی مشهد». *مطالعات جهانگردی*. سال هفتم. شماره ۱۶. صص: ۲۵-۵۲.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان؛ شریعتی‌مزینانی، سعید و اعظم‌کاری، فائزه. (۱۳۹۱). «مولفه‌های اجتماعی-

- فرهنگی شهر زیارتی پایدار مورد مطالعه شهر مشهد». *مطالعات اجتماعی ایران*. دوره ۶. شماره ۳ و ۴. صص: ۱۳۱-۱۵۶.
- شارپلی، ریچارد، شارپلی، جولیا. (۱۳۸۰). *گردشگری روستایی*. ترجمه رحمت‌الله نصیری و فاطمه نصیری. تهران: منشی.
- مؤمنی، مصطفی. (۱۳۸۶). *بجشی در شهرنشینی و جغرافیای اوقات فراغت و گردشگری*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مومنی، مصطفی؛ صرافعی، مظفر؛ قاسمی خوزانی، محمد. (۱۳۸۷). «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی-فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد». *جغرافیا و توسعه*. سال ششم. شماره پیاپی ۱۱. صص: ۱-۲۵.
- نهایندی، مریم؛ نعمتی، سیده فاطمه. (۱۳۸۹). «تهدیدها و فرصت‌های گردشگری زیارت در ایران». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. سال ششم. شماره ۲۰. صص: ۱۴۵-۱۷۲.

## References

- Ajit, kiran, shinde(2004), Quest for good governance, contribution and potential of religious institutions as stakeholders.
- Asadi,R, and Daryaei, M.(2011). Prioritization of Forms of Tourism in Iran, Formulate National Strategies, *European Journal of Scientific Research*, 65(1).
- Azimi and Hashemi, Mozgan, Shariati Mezinani, Saeed and Azmkari, Faezeh (2013). Socio-cultural components of a sustainable pilgrimage city studied in Mashhad, *Iranian Journal of Social Studies*, Volume 6, Number 3 and 4, 156-131[in Persian].
- Boroojeni, Hamid, Tohidlo, Masoumeh (2013). «Effective Tourism Management Model (Case Study: Religious Destination of Mashhad)». *Tourism Management Studies (Tourism Studies)*, autumn and winter, 2019, No. 16. [in Persian].
- Christian Sen, Arthur. (1369). «Legendary History of Iran». Jalal Khaleghi, Kalk No. 11 and 12, Tehran[in Persian].
- Cohen, J. (1992) *Quantitative Methods in Psychology: A Power Primer*. *Psychological Bulletin*, 112, 155-159.
- Durant, Will. (1370). «History of philosophy». Translated by Abbas Zaryab, Tehran: Scientific and Cultural[in Persian].
- Ibrahimzadeh, Eisa and Kazemi Rad, Shamsullah and Eskandari Thani, Mohammad (2018): Strategic planning of tourism development, with an emphasis on religious tourism (case study of Qom city): *Human Geographical Research*, No. 76, 115-141[in Persian].
- Estelaji, Alireza and Khoshnit Bayani, Mohammad (2013). Recognizing tourism capabilities and providing optimal models of tourism development from a practical point of view (Case study of Shahr Ray, *Scientific Research Quarterly of the Geographical Society of Iran*, Year 10, No. 251-275-34[in Persian].
- Hossein Mojtabi, Umm Salma (2017). «A phenomenological study of Arbaeen walking in Iraq», phenomenological experience of Arbaeen walking: (case study of the Iranian pilgrimage caravan of Karbala-Iraq 2016), Tehran: National Conference of Social Development[in Persian].
- Ijtihad Nejad Kashani, Syed Salar and Qavami, Nasreen Al-Sadat (2013). The duality of pil-

grim-tourist in the lived experience of three generations, case study: employees of Shahid Beheshti University, Journal of Social Geographical Studies of Iran, Volume 6, Number 3 and 4, 5-26 [in Persian].

Khan, R.A.G., Khan, F.A. and Khan, M.A. (2011) Impact of Training and Development on Organizational Performance. Global Journal of Management and Business Research, 11, 62-68.

McConnell, Dean.(1984), Reconstructed ethnicity tourism and cultural identity in third world communities, Annals Volume, Pages 375–39.

Meyer,G.(2004).Network for Islamic Tourism Issue,11:42.

Momeni, Mostafa (2006), a discussion on urbanization and geography of leisure and tourism in the book, Development of urbanization and tourism industry in Iran from concept to solution, Geographical Organization of Armed Forces, first edition, Tehran[in Persian].

Momeni, Mostafa and Sarafi, Mozafar (2007) «The structure and function of religious-cultural tourism and the necessity of integrated management in Mashhad metropolis», Geography and Development Magazine, 6th year, serial number 11, Zahedan, pp. 1-25[in Persian].

Nahavandi, Maryam and Nemati, Seideh Fatemeh (2009): Threats and opportunities of pilgrimage tourism in Iran, Quarterly Journal of the Iranian Society of Cultural Skills and Communication, 6th year, No. 20: 145-172[in Persian].

Nolan,M,and Nolan,S(1998),Christian pilgrimage in Modern western Europe chapel Hill, the university of North Carolina press.

Rahmani, Khalil, Portahari, Mehdi Varkanuddin Iftikhari, Abdul Reza (2013). Strategic planning of Oraman religious tourism in the areas of villages with Takht Najjar and Hajj religious places, space planning and testing, number 1, (series, 79) 66 -43[in Persian].

Rahimpour, Ali, Seyed Hosseini, Seyed Dawood. (1379). «Image of Islamic Tourism». First edition, Tehran: Mahya[in Persian].

Razavizadeh, Neda. (2016). «Perception and lived experience of Iranian pedestrian pilgrims in Iraq (case study: Arbaeen walk, Azar 1393-Iraq)». Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran, Volume 6, Number 4[in Persian].

Sharahi, Ismail, Zulfaqarzadeh Kermani, Mohammad Mahdi. (2018). «Analysis of the pilgrims» perception of the servants» behavior in Arbaeen: an anthropological narrative». Religion and Communication: Number 55, Spring and Summer[in Persian].

Sharpley, Richard, Sharpley, Julia. (1380). «Rural tourism». Translated by Rahmatullah Nasiri and Fatemeh Nasiri, Tehran: Monshi.

Taj Bakhsh, Gholamreza, Hosseini, Mohammadreza, Mousavi, Intisar. (2018). «Qualitative study of the identity expression pattern of Iranians and Iraqis in Arbaeen walking ritual». Scientific Quarterly of Social Theories of Muslim Thinkers: Volume 9, Number 2, Serial Number 17[in Persian].

Timothy, Dalen J. Valsen, Daniel H. (2012). Tourism, Religion and Religious Travels, (Translated by Qolipour, Mohammad, Majidifar, Ahsan), Tehran: Sociologists[in Persian].

UNWTO(2007),Tourism Highlights Edition, Available in “www.unwto.com”.

World Economic Forum(2009).The global competitiveness report”, Klaus schwab, WEF.

-WTO (2011)Religious Tourism in Asia and Pacific, Spain, world tourism Organization.

Zain al-Abidin, Amuqin, Youssef Ahmadi; Arkami, Abu Talib and Waliullah Nazari (2010). Importance of religious tourism in Islam, Proceedings of International Tourism Conference in Mardasht[in Persian].

## Table of Contents

<b>Analyzing the Strategies of Symbolizing Capitals in the Field of Urban Identity by Relying on the Traditions Surrounding Imam Reza (A.S.) and Based on Pierre Bourdieu’s Point of View</b>	<b>7</b>
Fahimeh Taheri Moghaddam, Zahra Jamshidi, Ali Sadeghi Manesh	
<b>The Richness of Introducing the Life and Character of Imam Reza (A.S.) in Children’s and Adolescents’ Literature from the Perspective of Literature and Child Specialists in Qom, Using a Grounded Theory Method</b>	<b>33</b>
Ahmad Abbasi DarehBidi, Tayyebeh Zarei	
<b>An Analysis of the Stories ‘Be Like Imam Reza (A.S.)’ “<i>Mesl-e- Imam Reza Bash</i>” Based on Lipman’s Multi-Dimensional Thinking Theory</b>	<b>61</b>
Khalil Baygzade, Parisa Ahmadi	
<b>An Analysis of Waqf Developments in the Pahlavi Era (Case Study: Astan Quds Razavi)</b>	<b>91</b>
Mostafa Farzaneh, Vahid Shalchi, Majid Fouladiyan	
<b>Examining the Thematic Diversity of Hadiths Transmitted from Imam Reza (A.S.) on Imamate in Relation to the Historical Context of His Era</b>	<b>133</b>
Zeinab Omidian	
<b>Critique and Review of the Process of Lexical Selection and Its Types in the Prayers of Imam Reza (A.S.)</b>	<b>165</b>
Monireh Ghanizadeh, Amir Moqaddam Mottaqi, Marzie Abad	
<b>Discursive Values in the Debates of Imam Reza (A.S.) (A Case Study: Debates Based on Speech Act Theory)</b>	<b>187</b>
Abdollah Gholami, Masoomeh Shadman	
<b>Analyzing the Components of Intergenerational Justice in International Law and Razavi Culture</b>	<b>221</b>
Mohammad ghorbanzadeh, Somayeh Soleymani	
<b>Examining the Effects of the Interaction Between Pilgrims and Residents in the Religious Ceremony of Walking to the Holy City of Mashhad During the Last Ten Days of Safar</b>	<b>257</b>
Alireza Bidkhor, Fatemeh Ostad, Ali Heidari Mandi	



## Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi Year 12, Issue 4, Winter 2025, Serial Number 48

ISSN: 2345-2560

**License Holder (Publisher):** Imam Reza (A.S) International Foundation for Culture and Arts

**Managing Director:** Morteza Saeedizadeh

**Editor-in-chief:** Jalal Dorakhshah

### Editorial Board

**Jalal Derakhsha**

Professor of Imam Sadegh University (AS)

**Yahya Bouzerinejad**

Professor of Tehran University

**Abdul Reza Saif**

Professor of Tehran University

**Seyed Alireza Vasei**

Associate Professor of Institute of Islamic Sciences and Culture

**Seyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai**

Associate Professor of Imam Sadegh University (AS)

**Hasan Bashir**

Professor of Imam Sadegh University (AS)

**Mohammad Hadi Homayun**

Professor of Imam Sadegh University (AS)

**Farshad Shariat**

Professor of Imam Sadegh University (AS)

**Persian Language Editor:** Dr. Nematullah Panahi.

**English Text Editor:** Dr. Mohammad Reza Aram

**Scientific & Executive Manager:** Mohammad Ali Nadai

**Cover Design & Layout:** Fahime Naji

**Address:** Khorasan Razavi – Mashhad, Shahid Kamyab Boulevard, Corner of Shahid Kamyab 34, International Cultural and Artistic Foundation of Imam Reza (as), Journal Office.

**E-mail:** farhangerazavi8@gmail.com

**Web Site:** <https://www.farhangerazavi.ir/>

**journal Phone:** +9849-32283044-051

**Fax:** +9849-32284452-051

**Price:** 600000 RIs

Based on the letter number 202066/18/3 dated 11/1/2013 of the Office of Policymaking and Planning of Research Affairs of the Ministry of Science, Research and Technology, Farhang Razavi Quarterly has scientific-research validity from the first issue.

Indexed at: [www.sid.ir](http://www.sid.ir)

Indexed at: [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)

Indexed at: [www.Ulrich's International periodicals directory](http://www.Ulrich's International periodicals directory). (Journal, magazine)

The rights of all articles are reserved for Imam Reza (AS) International Cultural Foundation.

